

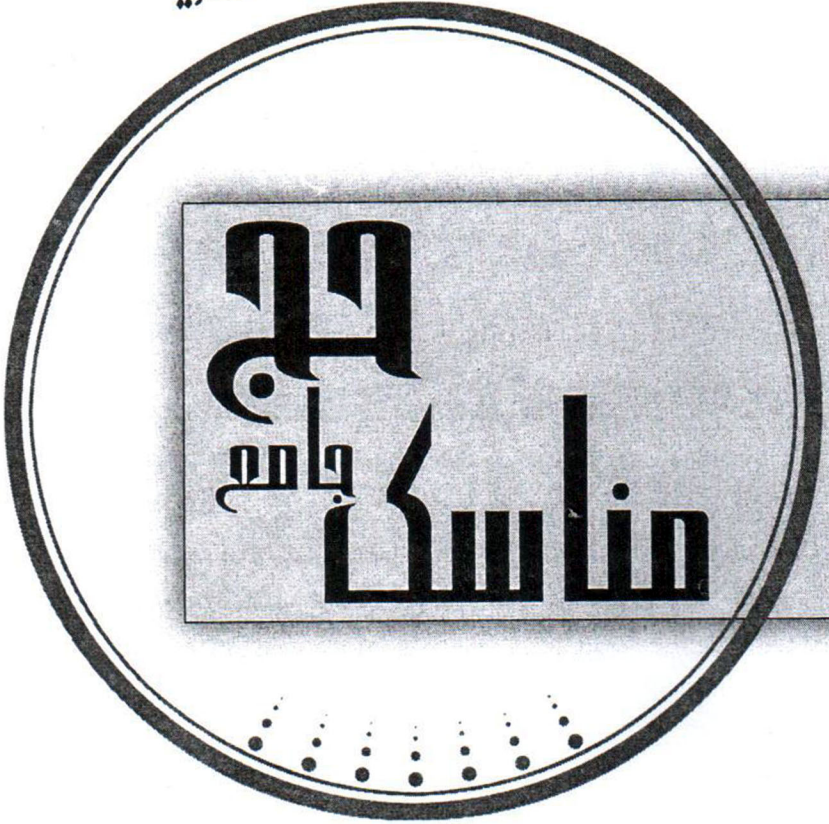
مطابق با فتاویٰ حضرت امیر المومنین حضرت امام علیؑ



مناسک جامع حج

کھلاوی: ابو القاسم علیان نکلہ دامغان

مطابق با فتاویٰ
حضرت آیت‌الله العظمیٰ مکارم
شیرازی داماد مبارک



فهرست نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

مناسک جامع حج / مکارم شیرازی؛ گردآوری: ابوالقاسم علیان نژادی. - قم:
مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۴.

ISBN: 978-964-8139-33-4

۴۶۴ ص.

۱. حج. ۲. فقه جعفری -- رساله عملیه. الف. علیان نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳ - ،
گردآورنده. ب. عنوان

۲۹۷/۳۵۷

۸ م ۷ / ۸ / ۱۸۸ BP

ناشر برتر

نوزدهمین نمایشگاه بین المللی تهران

مناسک جامع حج

مطابق با فتاوی حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)

گردآوری: حجة الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: پنجم (با ویرایش جدید)

صفحه و قطع: ۵۲۸ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۴-۳۳-۸۱۳۹-۹۶۴-۹۷۸



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفن: ۳۷۷۳۲۴۷۸ - دورنگار: ۳۷۸۴۰۰۹۹

www.imamalipub.ir

قیمت: ۹۰۰۰ تومان



مناسک جامع حج

حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

گردآوری: ابوالقاسم علیان نژادی

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۷
سیر تاریخی «مناسک جامع»	۱۷
مزایای این کتاب	۱۸
مقدمه	۲۱
اهمیت حج در اسلام	۲۱
اسرار حج	۲۳

فصل اول: حَجَّةُ الاسلام / ۲۷

شرایط وجوب حج	۲۹
۱. بلوغ	۲۹
۲. عقل	۳۰
۳. عدم مزاحمت با انجام واجب، یا ترک حرام مهمتر	۳۰
۴. استطاعت	۳۱
شرط اول: استطاعت مالی	۳۲
شرط دوم: استطاعت طریقی	۳۸
شرط سوم: استطاعت جسمانی	۳۸
شرط چهارم: داشتن وقت کافی	۳۹

شرط پنجم: گذران زندگی واجب النفقهاش در مدّت سفر او.....	۳۹
شرط ششم: رجوع به کفایت.....	۳۹
استفتائات شرایط و جوب حج.....	۴۰
۱. بلوغ.....	۴۰
۲. عقل.....	۴۱
۳. عدم مزاحمت با انجام واجب، یا ترک حرام مهمتر.....	۴۱
۴. استطاعت.....	۴۲

فصل دوم: حجّ نیابتی / ۵۸

شرایط نایب.....	۵۹
حجّ بلدی و حجّ میقاتی.....	۶۱
احکام نیابت.....	۶۱
استفتائات حجّ نیابتی.....	۶۴
موارد جواز و عدم جواز نیابت.....	۶۴
شرایط نایب.....	۶۶
این امور در نایب شرط نیست.....	۷۳
۱. عمل بر طبق فتوای منوب عنه.....	۷۳
۲. همجنس بودن نایب و منوب عنه.....	۷۴
۳. سابقه تشرّف.....	۷۴
سؤالات دیگر نیابت.....	۷۵
نیابت در اعمال.....	۸۱
استفتائات نیابت در اعمال.....	۸۱

فصل سوم: حجّ مستحبّی / ۸۳

فصل چهارم: حجّ نذری / ۸۵

فصل پنجم: حجّ بذلی / ۸۷

فصل ششم: اقسام حج / ۸۹

استفتائات اقسام حج حج / ۹۱

فصل هفتم: حجّ تمتّع / ۹۲

الف) عمره تمتّع حجّ / ۹۲

ب) حجّ تمتّع حجّ / ۹۳

شرایط حجّ تمتّع حجّ / ۹۵

فصل هشتم: میقات‌های احرام / ۹۸

۱. مسجد شجره احرام / ۹۸

۲. جُحْفَه احرام / ۹۹

۳. وادی عقیق احرام / ۱۰۰

۴. قرن المنازل احرام / ۱۰۰

۵. یلملم احرام / ۱۰۰

۶. شهر مکه احرام / ۱۰۱

۷. منزل خود انسان احرام / ۱۰۱

۸. جعرانه احرام / ۱۰۱

۹. محاذات یکی از میقاتها احرام / ۱۰۲

۱۰. أدنی الحل احرام / ۱۰۳

۱۰۶	احکام میقات‌ها
۱۱۰	استفتائات مواقیت و احکام آن

فصل نهم: اعمال عمره تمتع / ۱۱۴

۱۱۴	۱. احرام
۱۱۴	اول: پوشیدن لباس احرام
۱۱۸	دوم: نیت
۱۲۱	سوم: گفتن لبّیک
۱۲۴	احکام احرام
۱۲۵	استفتائات احرام
۱۳۲	محرمات احرام
۱۳۴	۱. پوشیدن لباس دوخته (برای مردان)
۱۳۶	۲. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند (برای مردان)
۱۳۶	۳. پوشانیدن سر (برای مردان)
۱۳۷	۴. پوشانیدن صورت (برای زنان)
۱۳۸	۵. زینت کردن
۱۳۹	۶. سرمه کشیدن
۱۴۰	۷. نگاه کردن در آینه
۱۴۱	۸. استعمال بوی خوش
۱۴۲	۹. مالیدن انواع روغن‌ها و کرم‌ها به بدن
۱۴۳	۱۰. ناخن گرفتن
۱۴۵	۱۱. زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان)
۱۴۶	۱۲. زایل کردن مو از بدن

۱۴۷	۱۳. عقد ازدواج
۱۴۹	۱۴. نگاه کردن
۱۴۹	۱۵. لمس کردن
۱۵۰	۱۶. بوسیدن
۱۵۰	۱۷. نزدیکی کردن
۱۵۲	۱۸. استمناء کردن
۱۵۲	۱۹. کشتن حشرات
۱۵۳	۲۰. بیرون آوردن خون از بدن
۱۵۳	۲۱. کشیدن دندان
۱۵۴	۲۲. دروغ و دشنام و تباخر
۱۵۴	۲۳. مجادله و نزاع
۱۵۶	۲۴. شکار حیوانات صحرائی
۱۵۸	۲۵. حمل اسلحه
۱۵۸	قطع درخت و گیاه حرم
۱۵۹	دیگر مسائل محرمات و کفارات احرام
۱۶۱	استفتائات محرمات احرام
۱۷۰	کفارات احرام به طور خلاصه
۱۷۳	۲. طواف
۱۷۴	شرایط پنج گانه طواف
۱۷۴	اول: نیت
۱۷۵	دوم: طهارت از حدث
۱۷۸	سوم: طهارت از نجاست
۱۸۰	چهارم: ختنه برای مردان

- ۱۸۰..... پنجم: پوشانیدن عورت.....
- ۱۸۱..... استفتائات شرایط پنج‌گانه طواف.....
- ۱۸۱..... نیت.....
- ۱۸۱..... طهارت از حدث.....
- ۱۸۳..... حکم مسلوس و مبتلی به خروج ریح.....
- ۱۸۴..... حکم مبطون.....
- ۱۸۵..... وظیفه مستحاضه، حائض و جنب.....
- ۱۹۰..... پاک بودن از نجاسات.....
- ۱۹۱..... ختنه کردن.....
- ۱۹۱..... طواف در لباس مشمول خمس.....
- ۱۹۲..... حدّ پوشش در طواف.....
- ۱۹۳..... واجبات هفت‌گانه طواف.....
- ۱۹۳..... اوّل و دوم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن.....
- ۱۹۴..... سوم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد.....
- ۱۹۵..... چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد.....
- ۱۹۶..... پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد.....
- ۱۹۷..... ششم: حدّ مطاف.....
- ۱۹۷..... هفتم: موالات.....
- ۲۰۰..... استفتائات واجبات هفت‌گانه طواف.....
- ۲۰۷..... احکام طواف.....
- ۲۰۹..... کم یا زیاد کردن طواف.....
- ۲۱۱..... قران در طواف.....
- ۲۱۲..... شک در تعداد دورهای طواف.....

۲۱۳	استفتائات احکام طواف
۲۱۶	نیابت در طواف
۲۱۷	دیگر سؤالات طواف
۲۲۰	۳. نماز طواف
۲۲۴	استفتائات نماز طواف
۲۲۴	محلّ نماز طواف
۲۲۷	محمول نجس
۲۲۸	وظیفه زنان حائض
۲۲۸	اصلاح قرائت نماز
۲۲۹	سؤالات دیگر
۲۳۱	طوافهای مستحبی
۲۳۴	استفتائات طوافهای مستحبی
۲۳۶	۴. سعی صفا و مروه
۲۳۶	واجبات سعی
۲۴۰	احکام سعی
۲۴۰	الف) ترک سعی
۲۴۱	ب) اضافه کردن دورهای سعی
۲۴۱	ج) کم کردن دورهای سعی
۲۴۲	قطع کردن سعی
۲۴۳	شکّ در سعی
۲۴۳	انجام محرّمات احرام بعد از سعی
۲۴۴	امور باقی مانده در سعی
۲۴۶	استفتائات سعی

۲۵۴	۵. تقصیر
۲۵۴	چگونگی تقصیر
۲۵۵	محلّ تقصیر
۲۵۵	احکام تقصیر
۲۵۷	استفتائات تقصیر
۲۵۷	چگونگی تقصیر
۲۵۸	زمان تقصیر
۲۵۸	شرایط تقصیر کننده
۲۵۸	احکام تقصیر

فصل دهم: احکام پس از عمره و قبل از شروع حج / ۲۶۱

۲۶۳	استفتائات احکام پس از عمره و قبل از شروع حج
-----	-------	---

فصل یازدهم: تبدیل حجّ تمتّع به افراد / ۲۶۷

۲۶۹	استفتائات حجّ افراد و تبدیل حجّ تمتّع به آن
۲۷۱	استفتائات تبدیل عمره مفرده به عمره تمتّع

فصل دوازدهم: اعمال حجّ تمتّع / ۲۷۳

۲۷۵	۱. احرام بستن از مکه
۲۷۸	استفتائات احرام حجّ تمتّع
۲۸۰	۲. وقوف در عرفات
۲۸۳	استفتائات وقوف در عرفات
۲۸۵	۳. وقوف در مشعر الحرام

۲۸۷	احکام و وقوف در عرفات و مشعر
۲۹۱	استفتائات وقوف در مشعر الحرام
۲۹۳	۴. رمی جمرة عقبه
۲۹۷	شک در رمی
۲۹۷	نیابت در رمی
۲۹۸	ترک رمی جمرات
۳۰۰	استفتائات رمی جمرات
۳۰۲	۵. قربانی
۳۰۳	شرایط حیوان قربانی
۳۰۶	تقسیم و مصرف گوشت قربانی
۳۰۸	نیابت در قربانی
۳۰۹	بدل قربانی
۳۱۲	استفتائات قربانی
۳۲۱	۶. تقصیر
۳۲۵	استفتائات تقصیر
۳۳۰	۷ تا ۱۱. واجبات پنج‌گانه مکه (بعد از منی)
۳۳۱	طواف نساء
۳۳۵	استفتائات اعمال بعد از منی
۳۳۵	الف) مقدم داشتن اعمال پنج‌گانه مکه
۳۳۷	ب) طواف نساء
۳۴۰	سؤالات دیگر
۳۴۳	۱۲. توقّف شبانه (بیتوته) در منی
۳۴۴	بیتوته شب سیزدهم

۳۴۵ بازگشت از منی
۳۴۶ کفّاره ترک بیتوته در منی
۳۴۷ استفتائات بیتوته
۳۵۰ ۱۳. رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم
۳۵۴ شک در رمی
۳۵۶ استفتائات رمی جمرات

فصل سیزدهم: احکام مصدود و محصور / ۳۶۱

۳۶۶ استفتائات محصور و مصدود
-----	-------------------------------

فصل چهاردهم: عمره مفرده / ۳۷۱

۳۷۲ فاصله معتبر بین دو عمره مفرده
۳۷۳ اعمال عمره مفرده
۳۷۶ استفتائات عمره مفرده

فصل پانزدهم: مسائل متفرقه حج / ۳۸۱

۳۸۱ ۱. شرکت در نماز جماعت اهل سنت
۳۸۳ ۲. سجده گاه
۳۸۴ ۳. نماز مسافر
۳۸۵ ۴. وقت نماز و روزه
۳۸۶ ۵. اعلان عید
۳۸۶ ۶. حج و خمس
۳۸۷ ۷. لقطه (گمشده) حرم
۳۸۸ ۸. استفتائات مرتبط با مسائل حج

فصل شانزدهم: حج و عمره کودکان / ۳۹۵

فصل هفدهم: چهل مسأله مهم و محلّ ابتلا در حجّ و عمره / ۴۰۰

فصل هجدهم: آداب و مستحبات حجّ و عمره / ۴۰۹

- ۴۰۹..... مستحبات سفر.
- ۴۱۰..... مستحبات احرام.
- ۴۱۴..... مکروهات احرام.
- ۴۱۴..... مستحبات دخول حرم.
- ۴۱۵..... مستحبات ورود به مکه معظمه و آداب مسجد الحرام.
- ۴۱۸..... آداب و مستحبات طواف.
- ۴۲۱..... دعاهای اشواط طواف.
- ۴۲۱..... شوط اول.
- ۴۲۲..... شوط دوم.
- ۴۲۲..... شوط سوم.
- ۴۲۲..... شوط چهارم.
- ۴۲۳..... شوط پنجم.
- ۴۲۳..... شوط ششم.
- ۴۲۴..... شوط هفتم.
- ۴۲۴..... مستحبات نماز طواف.
- ۴۲۵..... مستحبات سعی.
- ۴۲۷..... دعاهای اشواط سعی.
- ۴۲۷..... دور اول (از صفا به مروه).
- ۴۲۸..... دور دوم (از مروه به صفا).

- ۴۲۹ دور سوم
- ۴۳۰ دور چهارم
- ۴۳۰ دور پنجم
- ۴۳۱ دور ششم
- ۴۳۲ دور هفتم
- ۴۳۳ مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات
- ۴۳۴ مستحبات وقوف به عرفات
- ۴۳۹ مستحبات وقوف به مشعر
- ۴۴۱ مستحبات رمی جمرات
- ۴۴۲ مستحبات قربانی
- ۴۴۳ مستحبات حلق
- ۴۴۳ مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی
- ۴۴۴ مستحبات منی
- ۴۴۴ مستحبات دیگر مکه معظمه
- ۴۴۶ طواف وداع
- ۴۴۷ قسمتی از مستحبات مدینه طیبه
- ۴۴۷ زیارت حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
- ۴۴۸ زیارت حضرت صدیقه عَلَيْهَا السَّلَام
- ۴۴۹ زیارت ائمه بَقِيْعِ عَلَيْهِمُ السَّلَام
- ۴۵۵ دعای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در روز عرفه

پیشگفتار

سیر تاریخی «مناسک جامع»

بخشی از نظرات فقهی مرجع عالیقدر، حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه العالی)، پیرامون مناسک و اعمال حج، برای نخستین بار در کتاب «تعلیقات علی العروة الوثقی» به زبان عربی منتشر شد، سپس به صورت کاملتر و فراگیر، در کتاب «مناسک حجّ» معظّم له انتشار یافت که عمده احکام حج و عمره را در بر داشت. در مرحله بعد، و به پیشنهاد سازمان حج، معظّم له «بر مناسک حجّ امام خمینی علیه السلام» که از جامعترین مناسکهای حج به زبان فارسی محسوب می شود، حاشیه زدند که ابتدا حواشی مزبور به صورت مستقل، و سپس در پاورقی کتاب مذکور، و به همراه حواشی سه تن از مراجع بزرگ تقلید، آیات عظام خوئی، گلپایگانی و اراکی «قدّس الله اسرارهم» چاپ، و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

پرسش و پاسخهای جدیدی که از محضر معظّم له شده بود نیز در دو جلد، به نام «استفتائات جدید» به علاقمندان عرضه شد، که بحمدالله جلد

سوم آن نیز در آستانه نشر است. بخشی از کتاب مذکور در مورد مسائل مهم حج است.

دو موضوع «قربانی» و «رمی جمرات» پس از تحقیقات گسترده، و با عرضه فتاوا و نظریاتی جدید، در دو کتاب مستقل به نام «رمی جمرات» و «حکم الاضحیه فی عصرنا» به زیور طبع آراسته گردید. پراکندگی فتاوی معظّم له در مورد مناسک حج در کتابهای مذکور، تغییر فتوی در برخی از مسائل، و تضادّ ظاهری برخی از مسائل که در کتابهای مذکور آمده بود، و امور دیگر، سبب شد که فکر تألیف کتابی مستقل ذهن ما را به خود مشغول سازد. کتابی که نظرات معظّم له در تمام کتابهای مذکور را در خود جمع کند، و اشکالات مزبور را مرتفع سازد.

با این انگیزه، و پس از مشورت با استاد معظّم (دام ظلّه العالی)، تهیّه کتابی را که در دست دارید در عصر پنجشنبه ۱۳۸۰/۷/۷ شروع، و با امدادهای الهی، و عنایات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۲ پایان یافت، سپس معظّم له تمام مطالب کتاب را به طور دقیق مطالعه نموده، و با اصلاحاتی که انجام دادند به شکل کنونی در اختیار شما خوانندگان گرامی قرار گرفته است. امید است خداوند متعال این خدمت ناچیز را به لطف و کرمش قبول فرماید.

مزایای این کتاب

به برخی از ویژگیهای کتاب به صورت کوتاه اشاره شد، اما تفصیل آن به شرح زیر است:

۱. این کتاب نظرات فقهی حضرت آیه الله العظمی مکارم

شیرازی (مدّ ظلّه) را در مورد حج، که در کتابهای مختلف پراکنده بود، یکجا در خود جمع کرده است، و گزافه نیست اگر آن را یکی از جامعترین مناسک حج در زبان فارسی بدانیم.

۲. با توجه به این که در برخی از مسائل، نظریات معظم له تغییر کرده بود، این کتاب آخرین فتاوی معظم له را در اختیار شما می‌گذارد.

۳. از آنجا که کتابهای فقهی مربوط به حج معظم له در زمانهای مختلف تألیف و منتشر شده بود، گاه ناهماهنگی‌های ظاهری در بین برخی از فتاوی ایشان به چشم می‌خورد، که در این کتاب اصلاح شده است.

۴. کتابهایی که به صورت متن و حاشیه عرضه می‌شود مشکلات خاصی برای خوانندگان دارد. با درج حواشی مورد اشاره در متن، در این کتاب با مشکل مذکور رو به رو نخواهید شد.

۵. در برخی از کتابهای مناسک به مسائل غیر مورد نیاز، یا تکراری برخورد می‌کنیم. آنها را حذف نموده، و مسائل جدید و مورد نیاز را جایگزین آن نمودیم.

۶. ادبیات حاکم بر همه مسائل در حدّ توان و بضاعت علمی ما یکسان شده، و کتاب حاضر با ویرایش و پیرایش مناسبی در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

۷. سعی شده عنوانهای فرعی بیشتری برای مسائل انتخاب شود، تا خوانندگان عزیز در زمان کمتری به مسأله مورد نظر دسترسی پیدا کنند.

۸. برخی از مسائل را جابجا کرده، و در ابواب و فصول مناسب‌تر نهاده‌ایم.

۹. مسائلی که مصداق خارجی نداشته، و در بسیاری از مناسک‌های قدیم وجود داشت، به طور کامل حذف شده است.

۱۰. الفاظ و تعبیراتی که احياناً نامناسب و دور از نزاکت قلم بوده، اصلاح شده است.

با توجه به مزایای ده‌گانه فوق، و جامعیت این مجموعه، آن را «مناسک جامع» نامیدیم، و در عین حال ادعا نمی‌کنیم که این کتاب هیچ عیب و نقصی ندارد که چنین ادعائی، خود بزرگترین عیب است.

از خوانندگان عزیز، مخصوصاً روحانیون محترم کاروانهای حج، که مسؤولیت سنگین و پر زحمتی را بر دوش دارند، می‌خواهیم که با دقت این کتاب را مطالعه نموده، و ما را از پیشنهادات خویش آگاه سازند. تا این‌شاء‌الله در چاپهای بعد از آن استفاده کنیم.

در پایان از تمام عزیزانی که در تهیه این اثر ارزشمند از ابتدای کار تا مرحله چاپ و نشر مساعدت نموده‌اند، به ویژه حجة الاسلام آقای حاج مسعود مکارم (زید عزه) که زحمات شایان توجهی در تهیه این اثر کشیده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم، و از خداوند متعال برای آنان سربلندی، عزت، توفیق تشرّف و حجّ مقبول تقاضا نمودم.

آمین یا رب العالمین

قم - حوزه علمیه

ابوالقاسم علیان نژادی

۱۳۸۳/۲/۲۲ مطابق با ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۲۵

مقدمه

اهمیت حج در اسلام

حج یکی از ارکان مهم اسلام، و از بزرگترین فرائض دینی است. قرآن مجید در یک عبارت کوتاه و پرمعنی می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»؛ برای خدا بر مردم است که حج خانه او کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی او دارند.» و در ذیل همین آیه می‌فرماید: «وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»؛ و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.^۱

جمله «برای خداست بر مردم...» به ضمیمه تعبیر به «کفر» در مورد کسانی که حج واجب را ترک می‌کنند، اهمیت فوق العاده آن را در اسلام کاملاً روشن می‌سازد.

قابل توجه این که در تفسیر آیه شریفه ۷۲ سوره اسراء: «وَمَنْ كَانَ فِي

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْأَخْرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا^۱. از امام صادق عليه السلام روایت شده که یکی از مصادیق آیه، کسی است که حج واجب خود را پیوسته به تأخیر می‌اندازد، تا مرگ او فرا می‌رسد (او در قیامت نابینا خواهد بود)^۲.
در حدیث دیگری آمده است: «هرکس حج واجب را بدون عذر ترک کند، روز قیامت یهودی یا نصرانی محشور می‌شود»^۳.

و در مقابل، برای حج آنچنان پادشاهای عظیمی در روایات اسلامی وارد شده، که دربارهٔ کمتر عملی دیده می‌شود.

چنان‌که در حدیثی از امام صادق عليه السلام می‌خوانیم: «کسانی که حج و عمره به جا آورند میهمان خدا هستند، هر چه بخواهند خدا به آنها می‌دهد، و هر دعایی کنند به اجابت می‌رسد، و اگر دربارهٔ کسی شفاعت کنند پذیرفته می‌شود... و اگر در این راه بمیرند خداوند تمام گناهان آنها را می‌بخشد»^۴.
و نیز در حدیث دیگری از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد!»^۵.

و در حدیث سوّم از همان حضرت می‌خوانیم: «مَنْ حَجَّ الْبَيْتَ... حَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ؛ کسی که حج به جا آورد از گناه پاک می‌شود، همانند روزی که از مادر متولد شده است»^۶.

و این بزرگترین موهبت، و برترین افتخار، و بالاترین پاداش است.

۱. ترجمه: «کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است».

۲. وسائل الشیعه، جلد ۸، ابواب وجوب الحج، باب ۶، حدیث ۵.

۳. همان، باب ۷، حدیث ۱.

۴. تهذیب الاحکام، جلد ۵، باب ثواب الحج، صفحه ۲۹، حدیث ۱۷.

۵. عوالی اللئالی، جلد اول، صفحه ۴۲۷، حدیث ۱۱۴. و صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۲.

۶. عوالی اللئالی، صفحه ۴۲۶، حدیث ۱۱۳.

اسرار حج

بدون شک ثوابهای عظیم و فوق العاده‌ای که برای حج در احادیث بالا و سایر روایات آمده، و همچنین کیفی‌های سختی که برای ترک آن در قرآن مجید و روایات اسلامی ذکر شده، همه به خاطر اسرار و فلسفه‌های مهمی است که این عبادت بزرگ اسلامی دارد.

قرآن مجید در یک جمله کوتاه و بسیار پر معنا، درباره حج می‌فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»؛ (مردم را دعوت به حج کن) تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند!.^۱

این منافع، فراوان است که در روایات معصومین علیهم‌السلام به آن اشاره شده، از جمله:

۱. «آثار اخلاقی»؛ تربیت نفوس، تهذیب اخلاق، تقویت پایه‌های تقوا و خلوص از جمله آثار اخلاقی حج است. تعبیری که در احادیث بالا آمده بود که حج مقبول سبب می‌شود انسان از تمام گناهانش خارج شود و همانند روزی گردد که از مادر متولد شده، دلیل روشنی برای تأثیر حج بر پاکی دل و صفای روح و زدودن آثار گناهان یک عمر است. البته این فایده بزرگ اخلاقی هنگامی به دست می‌آید که زائران بیت الله الحرام به اسرار اعمال و مناسکی که انجام می‌دهند، دقیقاً توجه داشته باشند، تا هر قدمی که برمی‌دارند قدمی به سوی خدا و معبود و محبوب حقیقی باشد، و این عبادت بزرگ و پرمحتوی برای آنان به منزله «تولد دوباره» گردد.

کسانی که با توجه به اسرار این عبادت، و با نهایت خلوص نیت، این مراسم بزرگ روحانی را انجام می‌دهند، آثار عمیق آن را در درون جان خود

۱. سوره حج، آیه ۲۸.

تا پایان عمر احساس می‌کنند، و هر زمان به یاد خاطره‌های این سفر روحانی و صحنه‌های مملو از روحانیت و صفا و اخلاص بیفتند، روح تازه‌ای در آنها دمیده می‌شود (این، اثر تربیتی و اخلاقی حج است).

۲. «آثار سیاسی»؛ که در کنار آثار تربیتی حج قرار دارد بسیار مهم است؛ چرا که حج - اگر همان گونه که اسلام دستور داده و ابراهیم بت شکن، جهانیان را به آن فراخوانده انجام شود - سبب عزت مسلمانان، و تحکیم پایه‌های دین، و وحدت کلمه، و مایه قدرت و شوکت در برابر دشمنان، و براءت از مشرکین جهان خواهد شد، و این کنگره عظیم الهی، که هر سال در کنار خانه خدا تشکیل می‌شود، بهترین فرصت را به مسلمانان برای بازسازی نیروهای خویش، و تقویت پایه‌های اخوت و برادری، و خنثی کردن توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان اسلام در طول یک سال می‌دهد.

ولی متأسفانه همان گونه که گروهی از مسلمانان به عمق فلسفه اخلاقی حج نمی‌رسند، از فلسفه سیاسی آن نیز بی‌خبرند. تنها به ظواهر قناعت می‌کنند، و از روح این عبادت بزرگ غافلند، و به گفته یکی از سیاستمداران بیگانه: «وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را نفهمند، و وای به حال دشمنان اسلام اگر مسلمانان معنی حج را بفهمند!».

۳. «آثار علمی و فرهنگی»؛ یکی دیگر از آثار مهم حج، که در روایات معصومین علیهم‌السلام به آن اشاره شده، آثار فرهنگی آن است، چرا که آثار رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام در جای جای مکه و مدینه و مواقیف حج به چشم می‌خورد، و حضور دانشمندان بزرگ اسلامی از تمام کشورها، اعم از علمای بزرگ دینی، و اساتید فنون دیگر، و گویندگان و نویسندگان، که همه سال در حج شرکت دارند، فرصت خوبی به همه مسلمانان جهان برای

مبادله اطلاعات و دانستیها در تمام زمینه‌های دینی و علمی می‌دهد، و از همه گذشته، آگاهی خوبی از وضع همهٔ مسلمین جهان در آن محیط پیدا می‌شود که اگر برای این کار نیز برنامه ریزی شود آثار عظیم آن در جهان اسلام همه ساله ظاهر می‌گردد.

۴. در روایات اسلامی «فلسفه اقتصادی» نیز یکی از اسرار و اهداف حج شمرده شده است. ممکن است کسانی تصور کنند که حج با مسائل اقتصادی چه کار دارد؟ ولی وقتی توجه می‌کنیم که مهمترین مشکل مسلمین امروز همان وابستگی اقتصادی آنها به دشمنان اسلام است، و در کنار مراسم حج می‌توان کنگره‌ها و سمینارهای عظیمی از اقتصاددانان جهان اسلام به وجود آورد، و مسلمین را از این نظر از زیر سلطهٔ اجانب رهایی بخشید، اهمیت این موضوع روشن می‌شود.^۱

خلاصه این که حج، اسرار مهمی دارد که شایسته است در کتابهای جداگانه تدوین و به همهٔ مسلمین، مخصوصاً جوانان مسلمان، تعلیم داده شود.^۲ با توجه به مقدمهٔ فوق به سراغ مسائل و احکام حج می‌رویم.

۱. این چهار فلسفه در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است. به وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۷، حدیث شماره ۱۵، مراجعه فرماید.

۲. شرح بیشتر را در تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۷۵ به بعد، ذیل آیه ۲۸ سوره حج، مطالعه فرمایید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عمل ابن سائده مجزی و مبری
و ماست ان شاء الله

تم - نام کتاب: انوار
المکرمین علیهم السلام

حَجَّةُ الْاِسْلَام

مسألة ۱. حج یکی از ارکان دین اسلام و از ضروریات آن به شمار می‌رود، و ترک حج با اقرار به وجوب آن، برای کسانی که مستطیع هستند، از گناهان کبیره محسوب می‌شود، و انکار آن، در صورتی که انکارکننده علم به ضروری بودن آن داشته باشد، موجب کفر است.

مسألة ۲. بر هر شخص مستطیعی^۱ واجب است یک بار در طول عمر خود حج بجا آورد، و این حج را حَجَّةُ الْاِسْلَام می‌گویند.

مسألة ۳. حج، واجب فوری است؛ یعنی واجب است که در نخستین سال استطاعت آن را بجا آورد، و تأخیر آن بدون عذر جایز نیست، و در صورت تأخیر، باید در سال بعد انجام دهد، و همچنین....

مسألة ۴. هر گاه شخصی مستطیع شود و انجام حج متوقف بر مقدماتی، مثل تهیه اسباب و لوازم سفر باشد، تهیه آن مقدمات، به گونه‌ای که بتواند در همان سال حج را بجا آورد، واجب است، و در صورت حصول

۱. در مسائل آینده معنای «استطاعت» و شرایط آن به طور مشروح خواهد آمد.

استطاعت، چنانچه راه منحصر به نام نویسی برای چند سال بعد باشد آن نیز واجب است، و در صورت کوتاهی در انجام حج واجب، حج بر او مستقر می‌گردد؛ یعنی باید در اولین فرصت ممکن به هر شکلی که می‌تواند، به حج برود؛ هر چند استطاعت او از بین رفته، و ناچار باشد که وام بگیرد، مگر این‌که موجب عسر و حرج شدید شود.

شرایط وجوب حج

۱. بلوغ

مسأله ۵. اگر شخص غیر بالغ موقّق بر انجام مناسک حج شود، حجّ او صحیح است، ولی کفایت از حجّ واجب (حجّة الاسلام) نمی‌کند؛ یعنی اگر بعد از بلوغ مستطیع شد، باید دوباره حج را بجا آورد.

مسأله ۶. هرگاه کودک ممیزی برای حجّ مُحرم شود، و در مشعر الحرام یا قبل از آن به سنّ بلوغ برسد، حجّ او صحیح است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، کفایت از حجّ واجب نمی‌کند.

مسأله ۷. کسی که تصوّر می‌کرده بالغ نشده، و بدین جهت به هنگام تشرّف به حج، نیت حجّ مستحبّی کرده، و بعد معلوم شده که بالغ بوده، حجّ او کفایت از حجّ واجب می‌کند؛ همانگونه که اگر قصدِ وظیفهٔ فعلیه کرده، و آن را اشتباهاً بر حجّ استحبابی تطبیق داده، کفایت از حجّة الاسلام می‌کند. همچنین در صورتی که قصد مأمور به (وظیفهٔ واقعی) را داشته است.

مسأله ۸. رفتن به حج برای کودک ممیز مستحب است، و حجّ او، حتی بدون اجازهٔ ولیّش، صحیح می‌باشد، اما اگر در اموال خود تصرف

می‌کند باید به اذن ولیّ باشد؛ ولی همان گونه که گذشت، چنانچه پس از بلوغ مستطیع گردد، حجّی که در زمان کودکی به جای آورده کافی نیست، و باید دوباره به حج برود.

مسأله ۹. اگر کودک نابالغ قبل از احرام عمره تمتّع بالغ گردد، حجّ وی حَجّة الاسلام محسوب می‌شود و کافی است که از همان محل مستطیع باشد؛ ولی اگر بعد از احرام بالغ گردد، کفایت نمی‌کند.

۲. عقل

مسأله ۱۰. دوّمین شرط وجوب حج (حَجّة الاسلام) عقل است؛ بنابراین، بر شخص دیوانه حج واجب نیست، ولی اگر محرم شود، و در وقت درک مشعرالحرام عاقل گردد، حجّ او صحیح است؛ اما احتیاط واجب آن است که چنانچه پس از آن مستطیع شود دوباره حَجّة الاسلام را به جای آورد.

مسأله ۱۱. حکم فوق مخصوص مجنون دائمی است؛ بنابراین اگر مجنون ادواری^۱ بتواند اعمال حج را در حالی که عاقل است (دورِ إفاقه) بجای آورد لازم است این کار را انجام دهد.

۳. عدم مزاحمت با انجام واجب، یا ترک حرام مهمتر

مسأله ۱۲. یکی از شرایط وجوب حج آن است که با انجام حج، عمل واجب مهمتری ترک نگردد، یا کار حرام مهمتری انجام نشود.

مسأله ۱۳. اگر رفتن به حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی گردد، باید ملاحظه کند که کدام مهمتر است؛ چنانچه اهمّیت حج بیشتر باشد، باید به

۱. مجنون ادواری کسی است که گاهی عاقل است، و گاه عقل خود را از دست می‌دهد.

حج برود، و اگر اهمّیت کار واجب یا ترک حرام بیشتر است، باید حج را ترک کند (البته تشخیص این مطلب به نظر فقیه و مرجع تقلید است) و چنانچه این مطلب را مراعات نکند و به حج برود، معصیت کرده، اما حجّ او صحیح است؛ مثلاً اگر جهاد واجب را ترک کند و به حج برود، گناه کرده، ولی حجّ او باطل نیست.

مسأله ۱۴. کسی که برای حجّ نیابتی اجیر شده، سپس در همان سال، استطاعت مالی پیدا کرده، چنانچه مورد اجاره همان سال باشد، باید حجّ نیابتی را بجا آورد، و اگر استطاعت او باقی ماند، در سال آینده برای خودش حج بجا آورد.

مسأله ۱۵. در حج و عمره مستحبّی اجازه شوهر لازم است.

مسأله ۱۶. اگر حج یا عمره مستحبّی باعث آزار پدر یا مادر گردد، اشکال دارد.

۴. استطاعت

مسأله ۱۷. استطاعت به چند چیز حاصل می‌گردد:

(الف) داشتن زاد و توشه و آنچه مورد نیاز او در سفر و به هنگام بازگشت است. (استطاعت مالی)

(ب) داشتن جواز سفر، و نبودن مانعی در راه، و عدم خوف بر جان و مال و آبروی خویش. (استطاعت طریقی)

(ج) داشتن توانایی جسمانی برای انجام اعمال و مناسک حج. (استطاعت جسمانی)

(د) داشتن وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام اعمال حج. (استطاعت زمانی)

همه داشتن مخارج زندگی همسر و فرزند و کسانی که خرج آنها در طول مدّت حج شرعاً یا عرفاً بر او لازم است. (و داشتن مال، یا کسب و کار، یا شغلی که بعد از بازگشت بتواند با آن زندگی کند (رجوع به کفایت)).

شرط اوّل: استطاعت مالی

مسأله ۱۸. در استطاعت برای حج، علاوه بر داشتن هزینه رفت و برگشت، داشتن ضروریات زندگی و آنچه در گذران زندگی به آن نیاز دارد نیز شرط است؛ مثل خانه مسکونی (ملکی یا اجاره‌ای)، اثاث خانه، وسیله سواری و مانند آن؛ البته در حدّی که مناسب شأن او باشد، و چنانچه عین آنها را ندارد، پول یا معادل قیمت آن را داشته باشد.

مسأله ۱۹. اگر ضروریات زندگی را برای حج هزینه کند حجّ او صحیح است؛ ولی کفایت از حجّ واجب نمی‌کند.

مسأله ۲۰. کسی که نیاز به ازدواج دارد در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حج، هزینه ازدواج را هم داشته باشد، و منظور از نیاز این نیست که به خاطر ترک آن به عسر و حرج بیفتد، بلکه همین اندازه که ازدواج از شوون زندگی او باشد کافی است.

مسأله ۲۱. کسی که از دیگری طلب دارد، و بقیه شرایط استطاعت را نیز داراست، اگر طلبش بدون دردسر قابل وصول باشد، خواه وقت آن رسیده باشد یا نه، واجب است طلب خود را وصول کند و به حج برود.

مسأله ۲۲. شخصی که مستطیع نیست، اگر هزینه‌های حج را با قرض گرفتن از دیگران فراهم کند، مستطیع نمی‌شود؛ هر چند بتواند در آینده

بدهی خود را براحتی بپردازد؛ و اگر با چنین پولی حج بجا آورد کفایت از حجّه الاسلام نمی‌کند؛ هرچند حجّش صحیح است. آری اگر معادل وام، اموالی داشته باشد که از محلّ آن بتواند بدهی خود را به آسانی بپردازد، مستطیع است.

مسأله ۲۳. شخص بدهکار هرگاه مخارج حج را داشته باشد، ولی با پرداخت بدهی خود نتواند به حج برود، مستطیع نیست؛ مگر این که طلبکار عجله نداشته باشد، و او هم مطمئن باشد که بعداً قادر به ادای دین خواهد بود، یا بدهی اقساطی باشد و هنگام پرداخت قسط آن نرسیده باشد.

مسأله ۲۴. کسی که هزینه حج را دارد، ولی بدهکار نیز می‌باشد، چنانچه بدهی او مدّت دار است، و مطمئن باشد که به هنگام رسیدن زمان بدهی، قدرت بر پرداخت آن خواهد داشت، واجب است به حج برود. همچنین در صورتی که وقت پرداخت بدهی رسیده، ولی طلبکار راضی به تأخیر باز پرداخت بدهی باشد، و بدهکار مطمئن است که به هنگام مطالبه طلبکار، می‌تواند بدهی‌اش را ادا کند، در این صورت نیز واجب الحج است. در غیر این دو صورت، بدهکار واجب الحج نخواهد بود.

مسأله ۲۵. کسی که خمس یا زکات بدهکار است، در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مالی که بتواند بدهی فوق را بپردازد، مخارج حج را نیز داشته باشد.

مسأله ۲۶. کسانی که بدهکار ادارات دولتی، مانند اداره دارایی و شهرداری و مانند آن هستند، و برای پرداخت آن تحت فشارند، مستطیع نمی‌باشند، مگر این که اموالی در اختیار داشته باشند که هزینه هر دو را تأمین نماید.

مسأله ۲۷. کسی که از نظر مالی استطاعت دارد، ولی از جهت بدنی یا

باز بودن راه مستطیع نیست (یعنی در موقع حج، استطاعت بدنی ندارد، یا راه برای او باز نیست)، حق دارد پول خود را در سایر امور زندگی هزینه نموده، و خویش را از استطاعت مالی خارج کند؛ ولی اگر از این دو جهت هم مستطیع است، و فقط وسایل رفتن را تهیه نکرده، یا وقت حج نرسیده، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج نماید؛ و اگر چنین کند حج بر او واجب شده، و باید به هر شکل ممکن به حج برود.

مسأله ۲۸. اگر در سالی که استطاعت مالی دارد، استطاعت بدنی ندارد، یا راه باز نیست، ولی بداند در سالهای آینده از آن جهات نیز استطاعت پیدا می‌کند، می‌تواند اموال خود را صرف امور دیگر نموده، و خود را از استطاعت خارج کند.

مسأله ۲۹. کسی که استطاعت حج دارد باید مخارج مقدّماتی، از قبیل تهیه گذرنامه، ویزا، هزینه آزمایشات بهداشتی و مانند آن را بپردازد. و چنانچه قدرت پرداخت این گونه مخارج را نداشته باشد، مستطیع نیست.

مسأله ۳۰. اگر قیمت بلیط ماشین، یا هواپیما، یا سایر خدمات در سال استطاعت زیاد باشد، یا زیادتر از حدّ معمول باشد، باید به حج برود، و جایز نیست انجام حج را از سالی که مستطیع شده تأخیر بیندازد، مگر آن که گرانی به قدری باشد که موجب حرج و مشقت (زحمت فراوان) در زندگانی او شود؛ که در این صورت حج واجب نیست.

مسأله ۳۱. هرگاه شخص مستطیع پول نقد نداشته باشد، ولی مستغلاتی دارد که به آن نیاز ندارد و اگر بفروشد می‌تواند با پول حاصل از آن به حج برود، باید چنین کند؛ هر چند به قیمت روز از او نخرند.

مسأله ۳۲. چنانچه کسی منزل گرانی‌مندی دارد که زائد بر شأن اوست،

و چنانچه آن را تبدیل به منزل مناسب کند قادر بر حج خواهد بود، باید این کار را انجام دهد و به حج برود.

مسئله ۳۳. اگر کسی زمین یا چیز دیگری از اموالش را بفروشد که منزل مسکونی تهیّه کند، در صورت نیاز به منزل مسکونی و قصد تهیّه آن، مستطیع نمی‌شود.

مسئله ۳۴. کسانی که دارای وسایل و اجناس فراوانی هستند، که مورد نیاز آنها نمی‌باشد، چنانچه قیمت آن‌ها به اندازه مخارج سفر حج باشد، و سایر شرایط را نیز دارا باشند، واجب است به حج بروند.

مسئله ۳۵. هرگاه شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا نه، باید تحقیق و محاسبه کند، تا معلوم شود مستطیع هست یا نه.

مسئله ۳۶. زنی که مهریه‌اش به اندازه هزینه حج است، اگر شوهر قدرت پرداخت آن را نداشته باشد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع محسوب نمی‌شود؛ و اگر زوج قادر بر پرداخت باشد و مطالبه آن برای زن مفسده‌ای ندارد، در صورتی که شوهر نفقه و مخارج زن را بپردازد، لازم است مهریه‌اش را مطالبه نموده، و به حج برود؛ اما اگر مطالبه مهریه مشکلی در زندگی زن ایجاد می‌کند، و ممکن است به اختلاف یا مانند آن منتهی شود، مستطیع نمی‌باشد.

مسئله ۳۷. کسانی که برای خدمت در سفر حج استخدام می‌شوند، خواه به عنوان روحانی کاروان باشند، یا مدیر، معاون و خدمه کاروان، یا اعضای ستاد و بعثه حج، یا طبیب و پرستار، یا مامورین انتظامی و مسؤلین بانک و غیر اینها، و به این صورت حج خود را بجا می‌آورند، حج واجب آنها محسوب می‌شود، به شرط این که هزینه خانوادهایشان نیز در این مدت

تأمین باشد، ولی تأمین زندگی آنها در بازگشت شرط نیست، و در هر حال هرگاه چنین پیشنهادی به آنها شود و تاکنون حج واجبشان را بجا نیاورده باشند احتیاط واجب آن است که بپذیرند.

مسأله ۳۸. چنانچه شخصی تنها از طریق ثبت نام و قرار گرفتن در نوبت قادر بر انجام حج بوده و ثبت نام کرده و به هنگام ثبت نام بقیه هزینه‌های حج و دیگر شرایط استطاعت را داشته، اما هنگامی که نوبتش رسیده بر اثر گران شدن هزینه حج، یا تورم شدید و پایین آمدن ارزش پس‌اندازش، یا هزینه‌های پس از سفر که در محیط او اجتناب‌ناپذیر است، نتواند بقیه هزینه‌ها را تأمین کند واجب نیست به حج برود و مستطیع به شمار نمی‌رود.

مسأله ۳۹. اگر شخصی خود نیاز به ازدواج ندارد، اما یکی از افراد تحت تکفلش شدیداً نیاز به ازدواج دارد، و مقدار پولی دارد که برای یکی از این دو امر (حج و ازدواج) کافی است، مستطیع محسوب نمی‌شود و باید پس‌انداز مذکور را صرف ازدواج آن فرد کند.

مسأله ۴۰. هرگاه حج بر کسی واجب شود و انجام ندهد و استطاعتش از دست برود، باید به هر طریق ممکن حج را بجا آورد؛ هر چند با قرض کردن، یا اجیر شدن، یا مانند آن باشد.

مسأله ۴۱. هرگاه شخص مستطیع حج بجا نیاورد، سپس توانایی جسمانی‌اش را از دست بدهد، به طوری که ناامید باشد از این که خودش بتواند به سفر حج برود، باید شخص دیگری را نایب کند، و از طرف خود به حج بفرستد، اما هرگاه کسی قدرت مالی پیدا کند، و در زمان قدرت، بر اثر پیری یا بیماری، توانایی انجام حج نداشته باشد، حج بر او واجب نیست؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که اجیر بگیرد.

مسأله ۴۲. هرگاه خانمی با اشتغال در مؤسسه‌ای هزینه حجّش را به دست آورد، و مخارج روزانه‌اش نیز تأمین باشد، اما با رفتن به حج، شوهرش برای مخارج زندگی به زحمت بیفتد، در صورتی مستطیع است که به زحمت افتادن شوهر موجب مشکلاتی برای زن نباشد.

مسأله ۴۳. در استطاعت فرقی نیست که در ماههای حج (شوال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجّة) حاصل شود، یا قبل از آن مستطیع گردد (مشروط بر این که زمان کافی برای تهیّه مقدمات و رسیدن به اعمال حج را داشته باشد) بنابراین، اگر استطاعت مالی پیدا شود و سایر شرایط نیز موجود باشد نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند؛ مثلاً اموال خود را به کسی ببخشد، یا صرف کار غیر ضروری کند؛ حتّی قبل از فرا رسیدن ماههای حج، این کار جایز نیست.

مسأله ۴۴. اگر شخصی با اعتقاد به این که مستطیع نیست، نیت حجّ مستحب کند، سپس معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت از حجّة الاسلام (حج واجب) می‌کند.

مسأله ۴۵. جایز نیست با مال حرام، یا مالی که خمس آن را نداده، حج بجا آورد، و اگر لباس احرام و طواف وسی و پول قربانی و اجرت چادر و فرشی که بر آن وقوف به عرفات و منی می‌کند حرام باشد، مرتکب کار حرامی شده است.

مسأله ۴۶. اگر پولی که برای نام‌نویسی حج داده می‌شود، از درآمد همان سال بوده باشد خمس ندارد.

مسأله ۴۷. کسی که در محلّ زندگی‌اش مستطیع نمی‌باشد واجب نیست به حج برود؛ هر چند استطاعت حجّ میقاتی را داشته باشد، ولی اگر به حج برود، و زمانی که به میقات می‌رسد استطاعت حج با تمام شرایط دیگر حاصل گردد، مستطیع می‌شود، و کفایت از حجّ واجب او می‌کند.

شرط دوم: استطاعت طریقی

مسأله ۴۸. کسی که بلافاصله پس از استطاعت مالی برای تشرّف به حج ثبت نام کرده، و در قرعه کشی شرکت نموده، ولی قرعه به نام او اصابت نکرده، و موقّق به عزیمت به خانه خدا نگرديده، مستطیع نشده، و حج بر او واجب نیست، مشروط بر آن که راه صحیح دیگری جز شرکت در قرعه کشی نداشته باشد، ولی اگر مسامحه نموده، و در ثبت نام تأخیر کرده، حج بر او واجب است.

شرط سوم: استطاعت جسمانی

مسأله ۴۹. هرگاه زنی، که در حیات شوهر استطاعت مالی نداشته، شوهرش را از دست بدهد، و پس از مرگ شوهر، به واسطه ارثی که از شوهر به او رسیده، استطاعت مالی پیدا کند، ولی بر اثر بیماری قادر بر رفتن به حج نباشد، مستطیع نشده، و حج بر او واجب نیست؛ همچنین اگر بعد از مردن شوهر، شغل یا زراعت، یا صنعت، یا پس اندازی که بتواند پس از بازگشت از حج زندگی خود را با آن اداره کند نداشته باشد، مستطیع نمی شود؛ هر چند ارثی که برده جوابگوی هزینه های حج باشد.

مسأله ۵۰. شخصی که از سالها قبل مستطیع بوده و فعلاً مسافرت با هواپیما، به خاطر کسالتی که دارد، برای او امکان پذیر نیست، و عزیمت به این سفر روحانی با غیر هواپیما نیز ممکن نباشد، باید نایب بگیرد، مگر این که امید بهبودی داشته باشد، که باید صبر کند، و اگر در این فاصله فوت کند، باید از اصل مال وی حج او را بجا آورند، ولی اگر از سالهای قبل استطاعت نداشته، مستطیع نشده است.

شرط چهارم: داشتن وقت کافی

مسأله ۵۱. هرگاه برای حج ثبت نام کند، و پیش از آن که نوبتش فرارسد از دنیا برود، یا استطاعت بدنی او زائل شود، مستطیع نبوده و فیش حجّ او در صورت فوت متعلّق به ورثه است؛ مشروط بر این که جز از طریق نام نویسی قادر بر حج نبوده باشد.

شرط پنجم: گذران زندگی واجب النفقه‌اش در مدّت سفر او

مسأله ۵۲. یکی از شرایط استطاعت آن است که شخص مستطیع مخارج خانواده‌اش را تا بازگشت از سفر حج داشته باشد؛ هر چند بعضی از آنها واجب التّفقه او نباشند.

شرط ششم: رجوع به کفایت

مسأله ۵۳. یکی از شرایط استطاعت «رجوع به کفایت» است، یعنی پس از بازگشت از سفر حج، تجارت، یا زراعت، یا صنعت، یا منفعت ملک (مثل باغ و مغازه) یا شغلی که حقوق ماهیانه به او بدهند، یا قدرت بر کسب لایق به حالش، یا پس انداز و مانند آن، داشته باشد؛ به طوری که برای گذران زندگی به سختی و مشقّت نیفتد.

مسأله ۵۴. طلاب و مانند آنها، که از محلّ وجوهات شرعیّه امرار معاش می‌کنند، در صورتی که سایر شرایط را داشته باشند واجب الحجّ می‌شوند.

مسأله ۵۵. هرگاه زن مالی دارد که می‌تواند با آن حج برود، ولی بعد از بازگشت، نه شوهرش قادر بر تأمین زندگی اوست، و نه خودش، حج بر او واجب نمی‌شود.

استفتائات شرایط وجوب حج

۱. بلوغ

سؤال ۵۶. اگر پدر و مادر، کودکان غیر ممیز را همراه خود به مکه ببرند، آیا در صورت توانایی کودکان، واجب است، آنها را وادار به انجام اعمال و مناسک حج نمایند، یا خود به نیابت از سوی آنها انجام دهند؟ اگر پدر و مادر هیچ یک از این دو کار را انجام ندهند، آیا پس از بلوغ و رشد می‌توانند ازدواج کنند، یا باید اول عمره و حج و طواف نساء را بجا آورده، سپس ازدواج نمایند؟

جواب: بر ولی کودک واجب نیست او را مُحرم نموده، یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم نمود، باید وظایف و اعمال را مطابق مناسک انجام دهد، و اگر او را محرم نکرده، چیزی بر آن کودک نیست.

سؤال ۵۷. شخصی در زمان کودکی به همراه پدر و مادرش به مکه رفته، و پدر وی را محرم کرده، ولی تمام اعمالش را انجام نداده، و از احرام خارج نشده است. اکنون ازدواج کرده، و فرزندی دارد. آیا بر همسرش حرام ابدی است؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: لازم است در صورت امکان خودش، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد تا اعمال او را انجام دهد، و از احرام خارج شود، و مجدداً صیغه عقد همسر را بخواند، و تا اعمال انجام نشده، و صیغه مجدداً نخوانده از آن زن پرهیز کند، ولی بر او حرام ابدی نمی‌شود.

۲. عقل

سؤال ۵۸. شخصی پس از انجام عمره تمتع دیوانه شد، آیا لازم است او را برای حج محرم کنند؟

جواب: لازم نیست، و دیوانه تکلیفی ندارد.

سؤال ۵۹. دختر بچه ده ساله‌ای که متأسفانه کر و لال است، مشاعرش به گونه‌ای است که گاه به نماز می‌ایستد، ولی ناگهان نماز را رها می‌کند. آیا می‌توان او را محرم کرد؟ به طور کلی چه معیاری برای وجوب تکلیف، از جمله بستن احرام برای کسانی که به میقات آمده‌اند، وجود دارد که در صورت فقدان آن، می‌توانند بدون احرام از میقات عبور کنند؟

جواب: احتیاط آن است که چنین شخصی را محرم نکنید و به طور کلی کسانی که هوشیاری کافی ندارند، به گونه‌ای که اوقات نماز را درک نمی‌کنند، تکلیفی ندارند.

۳. عدم هزاحمت با انجام واجب، یا ترک حرالمهمتر

سؤال ۶۰. سازمان حج و زیارت از خانمهای مستطیع اجازه رسمی شوهر را می‌خواهد. اگر شوهری اجازه ندهد، تکلیف همسرش چیست؟

جواب: بعید است آنها در حج واجب اجازه شوهر را بخواهند. زیرا اجازه شوهر در انجام واجبات شرط نیست.

سؤال ۶۱. اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجی بجا آورد، آیا در این صورت اجازه شوهر لازم است؟ آیا شوهر حق ممانعت دارد؟
جواب: اجازه شوهر لازم است؛ مگر این که به هنگام ازدواج شرط کرده باشد.

سؤال ۶۲. خانم خانه داری مستطیع شده، ولی همسرش اجازه نمی‌دهد که به تنهایی مسافرت کند. او می‌گوید: «چون برای حج اسم مرا ننوشتی، من هم اجازه نمی‌دهم». وظیفه این خانم چیست؟
جواب: اجازه شوهر در سفر حج واجب شرط نیست، بنابراین زن باید حج خود را بجا آورد؛ هر چند بهتر جلب رضایت شوهر است، ولی اگر مخالفت با شوهر موجب اختلاف شدید و عسر و حرج شود واجب نیست به حج برود.

۴. استطاعت

سؤال ۶۳. اینجانب با شرایط زیر و بر اساس قرعه کشی سازمان حج و زیارت انشاءالله در سال آینده عازم بیت الله الحرام خواهم بود:
 ۱. هزینه کامل سفر خود و همسرم را از پول مخمس (پولی که خمس آن پرداخت شده) تهیه کرده‌ام.
 ۲. کارمند هستم و حقوق متوسطی در حد معمول گذران زندگی با قناعت دریافت می‌کنم.
 ۳. منزل مسکونی و اتومبیل سواری ندارم، و مستأجر می‌باشم.
 ۴. اسباب و لوازم زندگی را در حد معمول و متعارف دارم.
 با توجه به توضیح بالا، آیا من و همسرم مستطیع هستیم، و حج ما حج واجب است؟

جواب: چنانچه منزل استیجاری برای شما کافی است و نیاز قابل توجهی به ماشین سواری ندارید در فرض مسأله، هر دو نفرتان مستطیع هستید، و حجّ بر شما و ایشان واجب است.

سؤال ۶۴. شخصی جهت تشرّف به حج ثبت نام می‌کند. نوبت او را برای چندین سال بعد اعلام می‌کنند، حال اگر وی قبل از رسیدن نوبت پول قرض نموده، و از راه دیگری به مکه مشرف شود، و مناسک حج را بجای آورد، آیا حجّ واجب (حجّة الاسلام) محسوب می‌شود؟

جواب: اگر قبلاً حجّ بر او واجب نشده، و قبل از فرا رسیدن نوبت جز با قرض نمی‌تواند به مکه برود، چنین شخصی مستطیع نیست، و حجّ او حجّة الاسلام محسوب نمی‌شود، مگر این که نوبت خود را، که برای آن ثبت نام کرده، در مقابل آن به وام دهنده واگذار نماید.

سؤال ۶۵. اینجانب علی‌رغم بدهکاری، قبل از رسیدن وقت پرداخت آن، موفق به انجام سفر حج شدم. با توجه به این که شخص طلبکار نسبت به سفر حج من کاملاً راضی بود، و نیازی به پولش نداشت، آیا حجّ من، حجّ واجب محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه (علی‌رغم بدهی فوق) استطاعت مالی داشته‌اید، حجّ شما صحیح، و حجّة الاسلام محسوب می‌شود؛ مشروط بر این که پرداخت بدهی براحتی برای شما امکان‌پذیر باشد، ولی اگر با قرض قادر بر این سفر شده‌اید، مستطیع محسوب نمی‌شوید، و حجّ شما حجّ واجب به شمار نمی‌آید، مگر این که مالی معادل آن داشته باشید، و بتوانید بدهی خود را با آن ادا کنید.

سؤال ۶۶. مردانی که مهریه همسرانشان را نپرداخته‌اند، اگر مقدار پولی

داشته باشند که برای انجام حج یا پرداخت مهریه کافی باشد، و نتوانند با آن هر دو را انجام دهند، کدام مقدّم است؟ آیا چنین مردی مستطیع است؟

جواب: در صورتی که زن اصرار به گرفتن مهریه خود ندارد، مستطیع است.

سؤال ۶۷. آیا شخص مستطیع می‌تواند پول خود را به پدر و مادرش ببخشد، و خرج سفر آنها کند؟ اگر به این وسیله خود را از استطاعت خارج کند، تکلیفش چیست؟

جواب: اگر شخصاً مستطیع است باید خودش حج بجا آورد، و با بخشش پول به والدین یا شخص دیگر، تکلیف حج از او ساقط نمی‌شود، و در صورتی که با بخشش پول به والدین نتواند حج واجب خویش را بجا آورد، بخشش جایز نیست، هر چند بخشش او صحیح است.

سؤال ۶۸. آیا شخص مستطیع می‌تواند پول حج را در کارهای خیر دیگر، مانند تهیه جهیزه دختران نیازمند، یا ادای دین بدهکاران، یا آزادی زندانیان، یا بناهای مذهبی، یا مانند آن هزینه نماید؟

جواب: البته انجام کارهای خیر بسیار خوبست، ولی مستطیع باید به حج برود، و صرف پول حج در موارد مذکور کفایت از حج واجب نمی‌کند، و اگر چنین کند، و از استطاعت خارج شود، باید به هر شکل ممکن، هر چند با قرض کردن، به حج برود.

سؤال ۶۹. شخصی سرمایه یا ابزار کار اضافه بر نیاز دارد، که اگر اضافه را بفروشد می‌تواند با بقیه آن بدون زحمت امرار معاش کند، آیا چنین شخصی مستطیع است؟

جواب: در صورتی که فروختن آن مخالف شؤونات او نباشد، و سایر شرایط نیز جمع باشد، مستطیع است.

سؤال ۷۰. مدّتی قبل به منظور تشرف به مکه معظمه ثبت نام کردم، ولی تاکنون موفق به رفتن نشده‌ام. با توجه به گذشت زمان، هم از لحاظ جسمانی ضعیف شده‌ام و به همان نسبت از نظر در آمد، فعلاً امکانات مالی اجازه انجام حج نمی‌دهد، مگر این‌که ملک شخصی خود را در معرض فروش قرار دهم، و چنانچه این کار را انجام دهم در مضیقه و تنگنا قرار می‌گیرم. آیا فروش ملک فوق جهت انجام حج لازم است؟

جواب: در فرض سؤال، شما مستطیع نیستید، و فروش آن ملک لازم نیست، حتّی می‌توانید فیش حجّ خود را به دیگری واگذار کنید.

سؤال ۷۱. شخصی باغی دارد که قیمت آن برای هزینه سفر حج کافی است، ولی فعلاً درآمدی ندارد، اما اطمینان دارد که در آینده نزدیک باغ ثمر می‌دهد، و او هم از کار افتاده خواهد شد، و باید از درآمد آن امرار معاش کند. آیا چنین شخصی مستطیع است؟

جواب: مستطیع نیست.

سؤال ۷۲. مهریه خانمی به حدّ استطاعت حج می‌رسد. آیا به صرف طلبکاری مستطیع شده، و حج بر او مستقر می‌شود؟

جواب: هرگاه گرفتن مهریه از شوهر برای او عیب نباشد، و مشکلی در زندگانی اش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حج برود.

سؤال ۷۳. مهریه خانمی به اندازه استطاعت، یا بیشتر است. آیا بعد از فوت وی، بر ورثه لازم است که قبل از تقسیم ترکه مخارج حج را کسر کنند؟

جواب: چنانچه زن در حیات شوهر، طبق عرف و عادت می توانسته مهریه اش را از شوهرش بگیرد، مستطیع بوده و باید از ترکه او برداشته شود و به نیابت از او حج بجا آورند. و چنانچه نمی توانسته، مستطیع نبوده است.

سؤال ۷۴. خانم جوانی در جشن عروسی، از سوی شوهر، دوستان و بستگان صاحب مقداری طلا و جواهرات شده، که ارزش آن بیش از هزینه حج واجب است، آیا ایشان مستطیع است؟ یا چون زمان زینت و خودآرایی او می باشد، جزء مؤونه وی محسوب می شود؟ اگر طلا و جواهرات فوق را بفروشد یا تبدیل کند، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر آن مقدار که دارد جزء شوون او برای زینت به شمار می رود، مستطیع نیست.

سؤال ۷۵. هرگاه کسی قادر بر تهیه فیش حج به قیمت آزاد باشد، ولی با قیمت دولتی تفاوت زیادی داشته باشد، آیا حج بر او واجب است؟

جواب: در صورتی که تفاوت آن قدر زیاد نباشد که سبب اجحاف گردد مستطیع است، ولی اگر سبب اجحاف شود، یا موجب تضییع حق دیگران گردد، مستطیع نیست.

سؤال ۷۶. شخصی به جز پول قربانی، استطاعت حج را دارد، آیا حج بر او واجب است؟

جواب: آری حج بر او واجب است؛ زیرا بجای قربانی روزه می گیرد، و چنین کسی عرفاً استطاعت برای حج دارد.

سؤال ۷۷. شخصی از مسجد شجره محرم شده، به امید این که در جدّه برادرش هزینه سفر حج را به او بذل کند تا مستطیع گردد، به سمت جدّه

حرکت می‌کند، ولی برادرش پولی ندارد که به او بدهد. مدّتی برای تهیّۀ پول معطل می‌شود، تا این که شخصی مقداری پول به عنوان هدیه یا مانند آن، به برادرش می‌دهد، و او هم آن را به وی بذل می‌کند. آیا احرام او صحیح است؟

جواب: ظاهر این است که احرامش صحیح و حجّ او، کفایت از حجّۀ الاسلام می‌کند.

سؤال ۷۸. خدمۀ کاروانها، با توجّه به عدم استطاعت مالی، حجّ را چگونه انجام دهند؟ آیا باید نیت واجب کنند؟

جواب: خدمۀ کاروانها مستطیع هستند (به شرط آن که نفقه همسر و فرزندان خود را در مدّت حج داشته باشند) و باید نیت حجّ واجب کنند. همچنین اگر کسی را به عنوان کمک به بیمار یا مانند آن به حجّ ببرند.

سؤال ۷۹. شوهرم تمام مخارج سفر حجّ مرا بر عهده گرفته است، ولی متأسفانه اهل خمس نیست، و من هم از خود مالی ندارم که خمس هزینه‌های حج را پردازم. تکلیف من در ارتباط با خمس هزینه‌های رفت و برگشت، ارز، لباس احرامی، قربانی، و سایر مخارج چیست؟ خمس این هزینه‌ها بر عهده کیست؟

جواب: خمس اینها بر عهده شماست، و اگر توانایی ندارید مستطیع نیستید، ولی ما به امثال شما اجازه می‌دهیم که خمس آن را به ذمه بگیرید، و پس از بازگشت تدریجاً پردازید.

سؤال ۸۰. شخصی مستطیع است، ولی نوه‌اش شرعاً و عرفاً نیاز به ازدواج دارد، به گونه‌ای که با ترک ازدواج به گناه می‌افتد؛ وظیفۀ این شخص چیست؟ به حج برود، یا پولش را صرف ازدواج نوه‌اش نماید؟

جواب: حجّ خودش مقدّم است، مگر این که ازدواج نوه‌اش از مخارج عرفی او محسوب شود، و نتواند هزینه هر دو را تأمین نماید، که در این صورت هرگاه پیش از فرا رسیدن نوبت حج، موجودی خود را صرف ازدواج نوه‌اش کند، حج بر ذمه او نخواهد بود.

سؤال ۸۱. آیا طلاب یا دانشجویانی که از شهریه حوزه یا دانشگاه زندگی آنها تأمین می‌شود، اگر مخارج حجّ را داشته باشند، مستطیع می‌شوند؟

جواب: این‌گونه افراد، مستطیع هستند و حجّشان صحیح و مجزی است.

سؤال ۸۲. هرگاه کسی مستطیع باشد و در عزیمت به سفر حج کوتاهی کند تا نوبتش از دست برود، در صورتی که دیگر نتواند از طریق ثبت نام اقدام کند، آیا لازم است با واسطه و سفارش از داخل کشور، یا خارج از ایران به حج مشرف شود؟

جواب: لازم هست به هر شکلی که امکان دارد، و بر خلاف مقرّرات نظام اسلامی نیست، به حج مشرف شود.

سؤال ۸۳. شخصی پنج سال پیش، که مستطیع بود، برای حج ثبت نام کرد، ولی اکنون که نوبتش رسیده، فقیر شده است، آیا حج بر چنین شخصی واجب است؟

جواب: اگر موقعی که نوبت او فرا می‌رسد، فاقد بعضی از شرایط باشد حج بر وی واجب نیست، ولی می‌تواند حج مستحب بجا آورد.

سؤال ۸۴. شخصی قبل از ثبت نام، سایر شرایط حج را نداشته، ولی به هنگام ثبت نام مستطیع بوده است؛ امّا هنگامی که نوبت او می‌رسد از نظر

مالی در تنگنا قرار دارد، آیا می‌تواند پول ثبت نام حج را باز پس بگیرد و مصرف کند؟

جواب: در فرض مسأله مستطیع نیست، و می‌تواند پول را گرفته، و در نیازهایش هزینه نماید؛ اما خمس آن را باید بپردازد.

سؤال ۸۵. پدری پس از ثبت نام حج فوت می‌کند، قبل از فوت به یکی از پسران اجازه می‌دهد که برای خودش حج بجا آورد. در چنین موردی برای کدام یک از آنان استطاعت طریقی حاصل می‌شود؟

جواب: اگر پدر قبلاً توانایی بر حج نداشته حج بر او واجب نبوده، و در این صورت به هر فرزندی که اجازه داده حج بر او واجب می‌شود.
سؤال ۸۶. مقداری پول دارم که برای رفت و آمد به سفر مکه کافی است، ولی هنوز از طرف دولت زمانی برای ثبت نام اعلام نشده، آیا نگهداری آن پول لازم است و من مستطیع هستم؟

جواب: اگر سایر شرایط استطاعت را دارید، و در همین سال هم ثبت نام می‌شود باید ثبت نام کنید، در غیر این صورت مستطیع نیستید، و نگهداری پول برای ثبت نام در سالهای بعد لازم نیست.

سؤال ۸۷. شخصی برای حج ثبت نام نموده، ولی متأسفانه پیش از آن که نوبتش برسد فوت کرده است. وی در وصیت نامه‌اش قید نموده که پسر بزرگتر برای او حج مستحبی بجا آورد. پسر بزرگتر به گمان این که مستطیع شده (چون استطاعت بدنی و مالی داشته) به نیت خود حج را بجا می‌آورد. آیا حج او صحیح است؟

جواب: باید به نیابت پدر حج بجا آورد، و اگر به قصد خودش حج بجا آورده گناه کرده، ولی حجش صحیح است، اما باید در سالهای بعد خودش یا کس دیگر، به نیابت از پدرش حج بجا آورد.

سؤال ۸۸. از آنجا که اینجانب متأسفانه معتاد هستم، اداره بهداشت طبق مقررات جمهوری اسلامی از رفتن من به حج جلوگیری می‌کند. تکلیف من، با وجود استطاعت مالی و هفتاد و دو سال سن، چیست؟

جواب: اگر قبلاً مستطیع بوده و قادر به رفتن مگه نیز بوده‌اید و نرفته‌اید، حج بر شما واجب شده و به هر شکل ممکن باید به حج بروید، و اگر مأیوس از ترک اعتیاد هستید باید نایب بگیرید، ولی اگر قبلاً استطاعت نداشته‌اید در فرض مذکور مستطیع نیستید؛ مگر آن که بتوانید، هر چند با ترک اعتیاد، اجازه بگیرید و به حج بروید.

سؤال ۸۹. یکی از مؤمنین، که به قصد تشرّف به بیت الله الحرام وارد مدینه شده، متأسفانه سکنه کرده و طبق نظر پزشکان باید دو هفته در بیمارستان مدینه بستری گردد، و پس از آن وقت کافی برای انجام مناسک حج ندارد، تکلیف او چیست؟

جواب: اگر سال اول استطاعت اوست، و قدرت بر اعمال حج، حتّی به شکل اضطراری ندارد، مستطیع نبوده، و حج بر او واجب نیست، ولی برای داخل شدن به مکه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده، از احرام خارج گردد، ولی اگر سال اول استطاعت او نباشد، و قبلاً حج بر او واجب شده، در صورتی که امید به بهبودی ندارد باید نایب بگیرد تا حجّ تمتّع را برای او انجام دهد، و خودش برای وارد شدن به مکه طبق آنچه در بالا گفته شد عمل کند، و چنانچه برای این شخص انجام اعمال حجّ تمتّع ممکن باشد، هر چند با انجام اضطراری اعمال، لازم است مُحرم شود و هر مقدار از اعمال را که توانایی دارد خودش یا با کمک گرفتن از دیگران انجام دهد، و برای بقیه نایب بگیرد، ولی در وقوف به عرفات و مشعر، گرفتن نایب کافی نیست.

سؤال ۹۰. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) با وجود بدهکاری، چه مقدار پول برای استطاعت کافی است؟
 ب) در صورتی که از نظر مالی مستطیع باشد، ولی مقامات پزشکی سازمان حج و زیارت، به خاطر بیماری اجازه سفر به او ندهند، وظیفه اش چیست؟ آیا چنین شخصی مستطیع است؟

جواب: الف) استطاعت مالی در صورتی حاصل است که هزینه رفتن و برگشتن را داشته باشد، و پس از بازگشت از حج پرداخت بدهی به آسانی ممکن باشد.

ب) اگر قبل از آن که استطاعت مالی پیدا کند بیمار شده و قادر بر حج نبوده، مستطیع نشده است، و نایب گرفتن نیز لازم نیست.

سؤال ۹۱. شخصی پس از انجام عمره تمتع بیمار گشته، و به این جهت از انجام حج منصرف شده، و در مکه کسی را نایب کرده که اعمال او را انجام دهد، و به ایران باز گردیده است. اکنون وظیفه این شخص چیست؟ آیا محرّمات احرام بر او حرام است؟

جواب: در فرض مسأله، نایب گرفتن بی فایده است، و چنانچه سال اوّل استطاعت اوست، و در اثر بیماری از انجام حج بازمانده، فعلاً مستطیع نیست، مگر این که استطاعت او در سالهای بعد باقی بماند و حال او خوب شود. و اگر قبلاً مستطیع بوده، و حج بر او واجب شده، چنانچه از خوب شدن مأیوس باشد، باید در همان سال، و اگر ممکن نشد، در سالهای بعد برای انجام حج تمتع نایب بگیرد، و اگر بعداً خوب شد خودش حج را بجا می آورد، و در هر صورت فعلاً از احرام خارج گشته، و محرّمات احرام بر او حلال است.

سؤال ۹۲. خانمی که استطاعت مالی و جسمانی داشته، چندین سال قبل ثبت نام کرده، و امسال نام او را اعلان نموده‌اند، ولی متأسفانه اکنون تصادف کرده، و قسمتی از استخوانهایش شکسته است، به گونه‌ای که در وضعیت فعلی توان حرکت و حتی شستشوی خود را ندارد. آیا نامبرده باید به همین شکل به حج مشرف شود، یا صبر کند تا سال بعد بهبودی یابد؟ اگر سازمان حج تضمینی برای تشرّف وی در سال بعد ندهد، چه کند؟

جواب: با توجّه به این که فعلاً توانایی انجام مناسک حج را ندارد، باید به زمان بعد واگذار کند.

سؤال ۹۳. خانم مستطیعی ثبت نام نموده، و امسال نام او را اعلان کرده‌اند، ولی از آنجا که متأسفانه پس از ثبت نام نابینا شده، فرزند خویش را جهت انجام حج نایب نموده است. آیا صرف نابینا شدن استطاعت را از بین می‌برد؟ ضمناً نامبرده همراه ندارد، و قادر بر پرداخت هزینه همراه نیز نمی‌باشد.

جواب: افراد نابینا اگر همراه نداشته باشند، معمولاً مستطیع نیستند، و اگر قبلاً استطاعتی نداشته‌اند، لزومی ندارد کسی را به جای خود بفرستند؛ مگر این که خودشان مایل باشند.

سؤال ۹۴. آیا خانمی که به لحاظ مالی و بدنی و شرایط دیگر مستطیع است، ولی فرزند شیرخواری دارد که نزد غیر او آرام نمی‌گیرد، مستطیع است؟

جواب: چنانچه جدا شدن از آن طفل، خطر جانی یا بیماری شدیدی برای بچه داشته باشد، یا سبب عُسر و حرج برای دیگران شود، مستطیع نیست.

سؤال ۹۵. اگر زنی بدون اجازه شوهر به حج یا عمره مستحبّی برود، آیا

فقط گناه کرده، یا اعمالش نیز باطل است؟ و آیا چنین زنی حق دارد مُحرم شود، یا باید بازگردد؟

جواب: چنین زنی مرتکب گناه شده و باید به وطن بازگردد، ولی اگر محرم شود و حج یا عمره بجا آورد، حج و عمره اش صحیح است.

سؤال ۹۶. شخصی ده سال قبل برای حج ثبت نام کرده، ولی هنگامی که نوبتش رسید فوت کرد. آیا چنین شخصی مستطیع بوده است؟ وظیفهٔ ورثهٔ او چیست؟ تصرف ورثه در پولی که جهت حج واریز کرده، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر راهی برای رفتن به مکه جز از طریق نوبت نداشته، مستطیع نشده، و وجه فیش او جزء مال الارث است، و اگر ورثه بخواهند احتیاط کنند، می توانند حج میقاتی به مبلغ کمتری برای او بگیرند، مشروط بر این که آن مرحوم صغیری نداشته باشد، یا اگر صغیر دارد از سهم کبیر بردارند.

سؤال ۹۷. اگر کسی در بین سال از حیث مالی مستطیع شود، ولی قبل از رسیدن موسم حج، در همان سال فوت کند، آیا حج بر او واجب است؟

جواب: حج بر او واجب نیست.

سؤال ۹۸. پدرم مستطیع شد و به حج رفت؛ ولی پس از احرام و قبل از رسیدن به مکه و انجام هرگونه عملی از اعمال حج فوت نمود، آیا حجی بر گردن او هست؟

جواب: اگر بعد از احرام فوت کند، حج او قبول است؛ خواه در حرم فوت کرده باشد، یا خارج از حرم.

سؤال ۹۹. شخصی که واجب الحج بوده در مدینهٔ منوره بیمار، و با همان حال عازم مکه مکرّمه گردیده، و قبل از مراسم حج در مکه فوت

کرد. دارایی‌اش به هنگام فوت مقداری پول نقد و قطعه زمینی بیش نبوده است، آیا با فوت او حج ساقط می‌شود، یا باید ورثه‌اش با فروش آن زمین، شخصی را نایب کنند تا از سوی پدرشان حجّ بجا آورد؟

جواب: هرگاه بعد از احرام فوت شده حج از او ساقط است؛ خواه بعد از دخول در حرم باشد، یا قبل از آن.

سؤال ۱۰۰. اگر شخصی به قصد حجّ مستحب حرکت کرد، و به خاطر در آمدی در میقات مستطیع شد، و حجّ را بجا آورد، آیا کفایت از حجّ واجب می‌کند؟ آیا در چنین صورتی رجوع به کفایت شرط است؟

جواب: چنانچه انجام حجّ در این شرایط تأثیر چندانی در وضع و حال او نداشته باشد حجّ او صحیح است، و رجوع به کفایت در این مورد شرط نیست.

سؤال ۱۰۱. شخصی به حج مشرف شده، و چون مرجع تقلید او در آن زمان رجوع به کفایت را شرط استطاعت نمی‌دانسته، با این که رجوع به کفایت نداشته قصد حجّ واجب نموده، و آن را بجا آورده است. فعلاً همه شرایط استطاعت حتی رجوع به کفایت را دارد و از جنابعالی تقلید می‌کند، آیا لازم است دوباره حج بجا آورد؟

جواب: اعاده لازم نیست.

سؤال ۱۰۲. خانمی برای حجّ ثبت نام نموده، ولی شوهرش علی‌رغم استطاعت ثبت نام نکرده است، آیا زن شرعاً می‌تواند نوبتش را به شوهرش واگذار کند؟

جواب: اگر زن مستطیع است نمی‌تواند نوبت خود را به شوهرش بدهد، ولی اگر چنین کند، حجّ شوهرش صحیح است؛ هر چند زن گناه کرده، و حج بر ذمه او باقی می‌ماند.

سؤال ۱۰۳. اینجانب در موقع ازدواج یک سفر حج به همسرم وعده دادم. آیا ادای این وعده لازم است؟

جواب: اگر تنها وعده بوده، ادای آن واجب نیست؛ اما بدون شک عمل به آن مستحب مؤکد است، ولی چنانچه آن را جزئی از مهریه قرار داده‌اید، یا شرط ضمن العقد بوده، باید به آن عمل کنید.

سؤال ۱۰۴. شخصی حجّ واجبش را انجام داده، ولی احتمال می‌دهد که به طور صحیح انجام نشده، یا در آن زمان مستطیع نبوده، و اکنون شرایط استطاعت را دارد. اگر بخواهد احتیاطاً حجّ بجا آورد، چه نیتی کند؟

جواب: می‌تواند قصد ما فی الذمه کند (قصد می‌کند که آنچه را بر ذمه اوست انجام دهد) و می‌تواند قصد حجّ واجب احتیاطی نماید.

سؤال ۱۰۵. آیا شخصی که حج واجب خود را انجام داده، می‌تواند آن را به قصد ما فی الذمه اعاده کند؟

جواب: اگر حج خود را به طور صحیح انجام داده، وجهی برای اعاده آن نیست، ولی اگر شکّی در آن دارد، تکرار آن به قصد ما فی الذمه مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۶. هرگاه شخصی به تصوّر این که مستطیع است به نیت عمره تمّتع محرم شود، و کلیه اعمال و مناسک عمره و حجّ تمّتع را بجا آورد، سپس معلوم شود که مستطیع نبوده است. آیا از احرام خارج گردیده، و حج انجام شده حجّ واجب او محسوب می‌شود؟

جواب: احرام او صحیح است و حجّ او مستحبی محسوب می‌شود، و کفایت از حجّ واجب نمی‌کند، و از احرام خارج شده است.

سؤال ۱۰۷. هرگاه شخصی به تصوّر این که مستطیع نیست، به قصد حجّ

مستحبی محرم شود، و اعمال عمره تمتع را به انجام رساند، سپس در مکه مکرمه سؤال کند و معلوم شود که مستطیع بوده است. آیا مجدداً باید به نیت حج واجب محرم شود، یا همان عمره انجام شده کفایت می‌کند؟

جواب: کفایت می‌کند.

سؤال ۱۰۸. متأسفانه حکومت بعضی از کشورهایی که مسلمانان در آن ساکن هستند برای اعزام مسلمانان به حج پول زیادی از آنها می‌گیرند، که قهراً در جهت تقویت چنان حکومت‌های ظالمی مصرف می‌گردد. هرگاه راه تشرّف آن مسلمانان منحصر به این کار باشد، بفرماید:

(الف) آیا حج بر چنین اشخاصی واجب می‌شود؟

(ب) به هر حال اگر مسلمانان مذکور با شرحی که گذشت حج بجا آورند، حج واجب محسوب می‌شود؟

جواب: آنچه ذکر شد موجب سقوط حج نمی‌شود، و حج آنها مجزی است.

سؤال ۱۰۹. آیا بر اشخاصی که در وقت اسم نویسی برای حج، استطاعت مالی دارند، واجب است اسم نویسی کنند؟ و بر فرض وجوب، اگر بر اثر سهل انگاری ثبت نام ننموده، و پس از مدتی فوت کنند، یا از استطاعت مالی خارج گردند، آیا فقط مرتکب گناه شده‌اند، یا حج نیز بر ذمه آنهاست؟

جواب: آری لازم است شرکت کنند، و اگر شرکت نکنند حج بر آنها مستقر است و به هر شکلی که شده باید به حج بروند، مشروط بر این که مطمئن باشند قبل از فوت یا از بین رفتن استطاعت مالی نوبتشان می‌رسیده و می‌توانستند به حج بروند.

سؤال ۱۱۰. پدری با چهار پسر خود به طور مشترک زندگی می‌کند، و درآمدشان نیز یکجاست. وی برای تمام پسرها همسر اختیار کرده،

و مخارج سالانه خود و فرزندانش را نیز دارد، و بحمدالله بدهکاری نیز ندارد، ولی فقط هزینه حج دو نفر را دارند. آیا حج بر آنها واجب می‌شود؟ بر فرض وجوب، آیا تنها بر پدر واجب است، یا بر پسران هم واجب شده؟ کدام یک از پسران اولویت دارند؟

جواب: در فرض سؤال هیچ کدام مستطیع نیستند؛ زیرا اگر آن را در میان خود تقسیم کنند سهم هیچ کدام به اندازه حج نمی‌شود، مگر این که همه سهم خود را به دو نفر ببخشند، در این صورت به هر کس که ببخشند او مستطیع می‌شود.

فصل دوم:

حجّ نیابتی

مسأله ۱۱۱. جایز است از طرف میّت کسی را برای حجّ واجب، یا مستحب اجیر کنند؛ اما از طرف کسی که زنده است (بالغ، کودک، و دیوانه‌ای که حج بر او مستقر نشده) فقط برای حجّ مستحبّی می‌توان اجیر کرد، مگر نسبت به کسانی که حج بر آنها واجب شده، و بر اثر کوتاهی آن را بجا نیاورده‌اند، و اکنون به خاطر بیماری یا پیری، ناتوانی و جنون قادر بر حج نیستند، در این صورت واجب است نایب بگیرند؛ اما اگر زمانی استطاعت مالی پیدا کرده که استطاعت جسمی نداشته، و یا راه برای او باز نبوده، حج بر وی واجب نیست، و گرفتن نایب نیز واجب نمی‌باشد؛ نه در حیات، نه بعد از مرگ او.

مسأله ۱۱۲. کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی سال اول با داشتن استطاعت از تمام جهات به حج نرفته، اگر بعداً به واسطه بیماری، یا پیری، قدرت رفتن را از دست بدهد، یا برای او بسیار مشقت داشته باشد، واجب است نایب بگیرد، مشروط بر این که امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن در

آینده را نداشته باشد، و احتیاط واجب آن است که در اولین فرصت این کار را انجام دهد.

مسأله ۱۱۳. اگر شخصی از سالهای قبل مستطیع بوده، و فعلاً به خاطر کسالتی که دارد، مسافرت با هواپیما، برایش میسر نیست، و غیر از هواپیما وسیله دیگری برایش فراهم نمی‌شود، در صورتی که امید بهبودی نداشته باشد باید نایب بگیرد.

شرایط نایب

مسأله ۱۱۴. کسی که نایب در انجام حج می‌شود، باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱. بلوغ بنابر احتیاط واجب، بلکه در نیابت از حجّ واجب، بلوغ لازم است.
 ۲. عقل.
 ۳. ایمان (بنابر احتیاط واجب).
 ۴. اطمینان به انجام دادن عمل.
 ۵. آگاهی از احکام حج، هر چند با راهنمایی دیگران.
 ۶. بر خود نایب در آن سال حجّ واجبی نباشد. البته اگر واجب باشد نیابت او صحیح است، ولی به خاطر ترک حجّ واجب گناه کرده است.
 ۷. احتیاط مستحب آن است که در ترک بعضی از افعال حج معذور نباشد، ولی عذرهایی که در خود حج پیش می‌آید مانعی ندارد.
- مسأله ۱۱۵.** هرگاه نایب عمل را انجام دهد، ولی در صحت اعمال او شک شود، حمل بر صحت می‌شود.

مسأله ۱۱۶. کسی که برای انجام حجّ تمتع وقت ندارد، و وظیفه او عدول

به حجّ افراد است، نمی‌تواند برای حجّ تمتّع نایب شود، ولی اگر شخصی در وسعت وقت برای حجّ تمتّع اجیر شود، سپس وقت او برای انجام حجّ تمتّع تنگ گردد، باید عدول کند و نیابت او صحیح است.

مسأله ۱۱۷. هر کسی می‌تواند از طرف دیگری برای انجام حج نایب شود، به شرط این که از مسائل حج آگاه باشد، خواه قبلاً حج بجا آورده باشد یا نه، و اگر نایب به عللی نتواند حج نیابتی را بجا آورد، نمی‌تواند آن را به دیگری واگذار کند؛ مگر به اجازه صاحب پول.

مسأله ۱۱۸. کسی که حج بر او واجب شده (چه سال استطاعتش باشد، و چه از قبل حج بر وی مستقر شده باشد) نمی‌تواند از طرف دیگری برای حج اجیر شود، ولی اگر این کار را کند حجّ نیابتی وی صحیح می‌باشد؛ هر چند گناه کرده است، و کسی که مستطیع نیست می‌تواند حجّ نیابتی بجا آورد، و با رسیدن به مکه از این طریق مستطیع نمی‌شود.

مسأله ۱۱۹. کسی که معذور از انجام صحیح بعضی از اعمال حج است، احتیاطاً مستحب آن است که اجیر و نایب دیگری نشود، و اگر چنین شخصی، حتی به صورت مجانی، از سوی شخصی حج بجا آورد، اکتفا کردن به آن خلاف احتیاط است، ولی عذرهایی که در خود حج به طور تصادفی پیش می‌آید، مانند وقوف اضطراری و امثال آن، مانع نیابت نیست.

مسأله ۱۲۰. زن می‌تواند از طرف مرد و مرد می‌تواند از طرف زن نیابت کند، و هر کدام باید وظیفه خودشان را در چنین حجّی رعایت نمایند. اگر زن است وظایف زنان را بجا آورد، و اگر مرد است مطابق وظایف مردان عمل کند؛ ولی بهتر آن است که زن برای زن و مرد برای مرد نیابت کند.

حجّ بلدی و حجّ میقاتی

مسأله ۱۲۱. جایز است برای انجام حجّ واجب کسی را از طرف میت اجیر کنند که از «میقات» حج را بجا آورد، و پول آن از اصل ترکه خارج می‌شود، و آن را «حجّ میقاتی» می‌نامند، ولی اگر ورثه اجازه دهند می‌توان از طرف او «حجّ بلدی» انجام داد (کسی را اجیر کنند تا از همان شهری که میت در آن بوده حج بجا آورد) و این افضل است، ولی تفاوت قیمت حجّ بلدی و میقاتی را فقط وارثان کبیر باید بپردازند.

مسأله ۱۲۲. اگر «نایب» در حجّ بلدی چند ماه قبل از ایام حج به شهر «منوب عنه» برود، و به عنوان «نیابت» از حج از آنجا حرکت کند، و به وطن خویش یا محلّ دیگری رود، و در ماه ذی الحجّه از آنجا عازم حج شود، همین مقدار برای حجّ بلدی کافی است، و رفتن در ماه ذی الحجّه ضرورتی ندارد.

احکام نیابت

مسأله ۱۲۳. نایب باید در عمل قصد نیابت کند و منوب عنه را در نیت، ولو إجمالاً، تعیین کند، و لازم نیست نام او را ببرد، ولی مستحبّ است.

مسأله ۱۲۴. لباس احرام و پول قربانی در حجّ نیابتی بر عهده اجیر است؛ مگر این که هنگام قرارداد طور دیگری شرط کرده باشند.

مسأله ۱۲۵. نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه را نماید، و احتیاط مستحبّ آن است که آن را به قصد «ما فی الذمه» یعنی آنچه بر عهده او است بجا آورد.

مسأله ۱۲۶. اگر نایب طواف نساء را به طور صحیح انجام ندهد، همسر

بر او حلال نمی‌شود، ولی بر منوب عنه، چنانچه در حیات باشد، چیزی نیست.

مسأله ۱۲۷. در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست ولی در حج غیر واجب می‌تواند قصد نیابت از چند نفر کند.

مسأله ۱۲۸. کسی که برای حج تمتع اجیر شده، پس از انجام حج نیابی، می‌تواند از سوی دیگری برای عمره مفرده اجیر شود؛ همان گونه که می‌تواند برای خودش عمره مفرده بجا آورد؛ مشروط بر این که در همان ماه قمری که برای منوب عنه انجام داده نباشد، و اگر در همان ماه قمری باشد، قصد رجاء کند.

مسأله ۱۲۹. اگر کسی برای حج اجیر شود و تعیین نکنند در چه سالی انجام دهد، باید در اولین سال انجام دهد.

مسأله ۱۳۰. پس از آن که نایب اعمال حج را بجا آورد، حج از معذور ساقط می‌شود، و لازم نیست خودش به حج برود؛ هر چند بعداً عذرش برطرف شود؛ اما اگر قبل از اتمام حج عذرش برطرف شد، چه قبل از احرام باشد یا پس از آن، بنابر احتیاط واجب باید خودش به حج برود.

مسأله ۱۳۱. تنها با اجیر کردن کسی برای حج از طرف میت، ذمه او ادا نمی‌شود، مگر زمانی که اطمینان حاصل شود او حج را بجا آورده است. ولی چنانچه نایب بعد از احرام و داخل شدن در حرم بمیرد ذمه میت ادا می‌شود، و فرقی میان اقسام حج و نیابت نیست. و اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد احتیاط آن است که دوباره اجیر بگیرند. و اگر قبل از احرام بمیرد، باید دوباره اجیر بگیرند. این حکم در مورد نایب از حتی نیز صادق است.

مسألة ۱۳۲. نایبی که اولین بار به مکه مشرف می شود احتیاط واجب آن است که بعد از عمل نیابت، اگر بتواند در ماه قمری بعد عمره مفرده ای برای خودش نیز بجا آورد.

استفتائات حجّ نیابتی

موارد جواز و عدم جواز نیابت

سؤال ۱۳۳. پیرزنی هستم مستطیع و قبلاً می توانستم حج بجا آورم، ولی اکنون به علّت کهولت سن توانایی انجام اعمال حج را ندارم. آیا می توانم در حال حیات کسی را به نیابت خود به حج بفرستم، و حال آن که امید بهبودی در آینده نیز ندارم؟

جواب: باید نایب بگیرید.

سؤال ۱۳۴. اینجانب که به علّت کهولت سن و بالا بودن قندخون و بیماریهای دیگر قادر به انجام فریضه حج نمی باشم، آیا می توانم کسی را به نیابت از طرف خودم به حج بفرستم؟

جواب: اگر قبلاً از جمیع جهات مستطیع بوده، و اقدامی برای انجام حج نکرده اید، واجب است نایب بفرستید، و اگر قبلاً مستطیع نبوده اید، نایب گرفتن مستحبّ است.

سؤال ۱۳۵. اگر کسی به عنوان خدمه یک بار به حج مشرّف شود و حجّ خویش را بجا آورد، آیا می تواند در سفر دوّم، که به همین عنوان مشرّف

می‌شود، به نیابت از پدر یا مادر متوقّایش حجّ بجا آورد؟ در چنین صورتی، آیا حجّ از عهده کسی که به نیت او انجام داده، برداشته می‌شود؟

جواب: مانعی ندارد، و حجّ برای آنها صحیح است.

سؤال ۱۳۶. فرزندی اختیار تمام اموال پدرش را دارد، و پدرش نمی‌تواند حجّ بجا آورد. فرزند بدون اطلاع پدر، شخصی را برای وی اجیر کرده و خودش نیز برای انجام حجّ خویش مشرف شده است. آیا حجّ اجیر از سوی پدر صحیح است؟ اگر در مدینه قصد کند که همه مخارج اجیر را از مال خودش محاسبه کند، آیا اشکال برطرف می‌شود؟

جواب: در فرض مزبور نیابت از طرف پدر صحیح نیست، مگر این که با اطلاع و موافقت او باشد، و حجّ از طرف پدر واقع نمی‌شود، و فرقی بین دو صورت فوق نیست.

سؤال ۱۳۷. شخصی قبلاً مستطیع بوده و به حجّ نرفته، و اکنون هیچ‌گونه توانایی مالی جهت انجام حجّ ندارد، آیا فرزندش می‌تواند به صورت مجانی از طرف پدر حجّ نیابتی انجام دهد؟

جواب: نیابت در حجّ واجب از طرف انسان زنده صحیح نیست، مگر در صورتی که شخص از جهت پیری یا بیماری نتواند به حجّ برود، و از توانایی و خوب شدن وی تا آخر عمر مأیوس باشند، و با اجازه او حجّ بجا آورند.

سؤال ۱۳۸. آیا انجام حجّ به نیابت از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، با توجه به این که معروف است خودشان در موسم حجّ تشریف دارند، جایز است؟

جواب: به امید مطلوبیت اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۹. فقها می‌فرمایند: «نیابت از سوی کسی که بعد از استطاعت، به مکه مشرف شده، و پس از دخول در حرم فوت کرده، لازم نیست». حال اگر شخصی بعد از تمام کردن عمره تمتع از دنیا برود، آیا در این صورت هم نیابت لازم نیست؟

جواب: نیابت لازم نیست.

سؤال ۱۴۰. کسی با عمره مفرده وارد مکه شده ولی الآن به او پیشنهاد نیابت شده است، تکلیف در چیست؟

جواب: نیابت برای او جایز نیست.

سؤال ۱۴۱. شخصی پس از تشرّف به مدینه منوره بر اثر حوادثی دیوانه می‌شود. با توجه به این که حج سابقاً بر او مستقر شده، آیا می‌توان برای او نایب گرفت؟ اگر نیابت جایز نباشد، تبرّع حج از سوی او چه حکمی دارد؟

جواب: اگر امید به بهبودی او نباشد، گرفتن نایب با اجازه ولی او مانعی ندارد.

شرایط نایب

سؤال ۱۴۲. آیا شخص غیر بالغی که چندین بار به مکه مشرف شده، و به تمام مناسک و احکام حج آگاهی دارد، و نزدیک سنّ بلوغ است، می‌تواند نیابت کند و به جای مرحوم پدرش یا شخص دیگری حج بجا آورد؟ نیابت غیر بالغ در بقیّه عبادات چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۴۳. آیا همان گونه که جنون دائم مانع نیابت در حجّ است، جنون ادواری (جنون گاهگاهی) نیز مانع است؟ یعنی حتی در زمان عقل نیز نمی‌تواند نیابت کند؟

جواب: اگر در تمام مدّت حج عاقل باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۴. آیا شیعه بودن در نایب شرط است؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب در تمام اعمال حج و عمره به استثنای قربانی شرط است.

سؤال ۱۴۵. شخصی که خود مستطیع بوده، در میقات به نیابت از دیگری محرم شده، و عمره تمتّع را از طرف آن شخص انجام داده است، اکنون وظیفه او چیست؟

جواب: نیابتش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

سؤال ۱۴۶. مرحوم پدرم وصیت کرده که پسر بزرگش به نیابت از او به مکه برود. من که پسر بزرگ او هستم به وسیله ارث مستطیع شده‌ام، اما تا کنون نتوانسته‌ام سهم خود را به پول تبدیل کنم. آیا با این حال می‌توانم به نیابت از پدر حج بجا آورم؟

جواب: اگر امکان فروش سهم ارث، و صرف قیمت آن در حج وجود دارد، شما مستطیع هستید، و باید اول برای خودتان حج بجا آورید، بعد برای پدر، مگر این که پدر در حال حیات خود پولی بدهد و شما را موظف به انجام حج سازد، در این صورت حج پدر مقدم است.

سؤال ۱۴۷. شخصی طبق وصیت پدر، که پول به حساب سازمان حج واریز کرده، به نیابت از وی به مکه آمده است، در حالی که خود نیز از نظر مالی مستطیع بوده، ولی نام نویسی نکرده است. وظیفه او چیست؟ حج پدر را انجام دهد، یا حج خود را بجا آورد؟

جواب: اگر راه برای پسر باز نبوده، و به خاطر نیابت از پدر موفق به زیارت خانه خدا شده، باید حج پدر را انجام دهد.

سؤال ۱۴۸. هرگاه شخصی بعد از احرام حج بیمار شود و قادر بر اعمال و مناسک حج نباشد، آیا کسی که برای انجام عمره تمتع مستحبی محرم شده، و عمره را انجام داده، می‌تواند نایب او در حج شود؟

جواب: کسی که به نیت خودش برای عمره تمتع محرم شده (هر چند مستحبی باشد) باید اعمال خود را به اتمام برساند، و نمی‌تواند نایب دیگری شود، ولی اگر شخص مریض فقط قادر بر انجام طواف و سعی نباشد و بتواند وقوف عرفات و مشعر را درک کند، جایز است دیگری را برای طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند نایب برای خودش هم اعمال حج و عمره را بجا می‌آورد.

سؤال ۱۴۹. شخصی حج واجب را بجا آورده، ولی امرار معاش او از وجوه شرعیّه بوده، سپس در حالی که استطاعت قطعی از غیر وجوه شرعیّه پیدا کرده، به نیابت از دیگری حج بجا آورده است. آیا حج نیابتی او صحیح است، یا باید پس از انجام حج واجب خودش، حج نیابتی را تکرار کند؟

جواب: حج اول صحیح بوده، و حج نیابتی او نیز صحیح است، و استطاعت از امرار معاش با وجوهات شرعیّه حاصل می‌شود.

سؤال ۱۵۰. شخصی پس از استطاعت مالی ثبت نام نموده، و بعد از دو سال نوبتش فرا می‌رسد، ولی چند ماه قبل از حرکت به سوی مکه فوت می‌کند. وی پسرش را نایب کرده که حج او را انجام دهد، در حالی که پسر استطاعت مالی دارد، اما در ثبت نام کوتاهی کرده است، در صورتی که اگر ثبت نام می‌کرد شاید در همان سال اول، قرعه به نامش اصابت می‌نمود. اکنون این پسر به عنوان نیابت حج بلدی از پدر به مدینه آمده، و هنوز محرم نشده است، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: نیابت او صحیح، و استطاعت خودش حاصل نشده است، هر چند به خاطر کوتاهی کردن در اسم نویسی گناه کرده است.

سؤال ۱۵۱. خانمی که واجب الحج بوده وصیت کرده، وصیش از اموال او برایش حجّ بلدی انجام دهد. اکنون وصی از هر جهت مستطیع است، فقط به خاطر عدم ثبت نام استطاعت طریقی ندارد. آیا می‌تواند به نیابت از آن مرحومه حج بجا آورد؟

جواب: اگر از نوبت آن زن استفاده می‌کند، باید برای او حج بجا آورد.
سؤال ۱۵۲. پدر یا مادری برای حجّ ثبت نام کرده و قبل از فرا رسیدن نوبت، فوت نموده، و نسبت به انجام حجّ خویش وصیتی نکرده است. با توافق ورثه یکی از فرزندان برای انجام حجّ نیابتی انتخاب می‌شود، در حالی که این فرزند تمام شرایط استطاعت، غیر از استطاعت طریقی، را دارد (یعنی ثبت نام نکرده، و باید از فیش پدر یا مادر استفاده کند) لطفاً بفرمایید:
 الف) این فرزند برای خود حج بجا آورد، یا برای آنها؟

جواب: باید برای پدر یا مادر که از فیش آنها استفاده می‌کند حج بجا آورد؛ مگر این که با ورثه توافق کند که برای پدر یا مادر حجّ میقاتی خریداری کند، و برای خود حجّ واجب بجا آورد.

ب) چنانچه تخلّف کند و بدون هماهنگی با ورثه به نیت خود حج بجا آورد، آیا حجّ او صحیح است؟

جواب: حجّ او صحیح و کفایت از حجّ واجب می‌کند، ولی اولاً گناه کرده، و ثانیاً باید تمام پول فیش را به قیمت روز برگرداند، تا ورثه درباره حجّ پدر یا مادر اقدام کنند.

سؤال ۱۵۳. اگر شخصی قرار داد نیابت حج را ببندد، بعد به او پیشنهاد

شود که به عنوان خدمه به حج مشرف شود، حج را برای چه کسی باید انجام دهد؟ برای خودش، یا به عنوان نیابت؟

جواب: باید حج را فقط به قصد نیابت انجام دهد، ولی اگر اجیر نشده در حکم مستطیع است و حجّ او حجّ واجب محسوب می شود.

سؤال ۱۵۴. شخصی که یک پای او قطع شده به نیابت از دیگری به حج آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟

جواب: نیابت او مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۵. آیا نایب معذور در انجام برخی اعمال حج، می تواند در آن اعمال دیگری را اجیر کند؟ آیا می تواند پول نیابت را به دیگری بدهد که اصل حج را بجا آورد؟

جواب: نیابت معذور بنا بر احتیاط صحیح نیست، و باید پول را به صاحبش برگرداند، مگر این که از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می تواند شخص دیگری را در تمام عمل حج نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کند، و او عمل را انجام دهد، حج از طرف منوب عنه انجام می شود، ولی نایب اول باید پول را به صاحبش برگرداند (مگر این که صاحبش راضی گردد) و صاحب پول ضامن چیزی نیست، و نایب اول باید اجرت نایب دوم را بپردازد.

سؤال ۱۵۶. برخی از خدمه کاروانهای حج، قبول نیابت می کنند، ولی ناچارند برای انجام کارهای لازم در منی، یا جهت همراهی با افراد عاجز و ناتوان، نیمه شب از مشعر به منی بروند، آیا نیابت آنها صحیح است؟

جواب: نیابت آنها صحیح است.

سؤال ۱۵۷. کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک وقوف اضطراری مشعر به منی بروند، آیا همه آنها از معذورین می باشند که نیابت آنها، هر چند به صورت مجانی، مورد اشکال است، یا چنین عذری مضرّ به نیابت نیست؟

جواب: نیابت در این گونه موارد صحیح است.

سؤال ۱۵۸. آیا نایب می تواند شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا عمل دیگری که نیابت بردار است، نایب بگیرد؟ آیا این شرط نافذ است؟

جواب: اگر عذر دارد نمی تواند قبول کند؛ بلی در قربانی می تواند دیگری را نایب کند و شرط لازم نیست.

سؤال ۱۵۹. کسی که احتمال می دهد نتواند اعمال حج را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حجّ تمتّع را مبدّل به حجّ افراد کند، آیا می تواند از حجّ واجب نیابت کند؟

جواب: می تواند نیابت کند، ولی اگر وظیفه او عدول به حجّ افراد شد، احتیاط آن است که منوب عنه به آن حجّ اکتفا نکند، مگر این که از عذرهایی باشد که در حجّ احیاناً پیش می آید.

سؤال ۱۶۰. کسانی که در حال اجیر شدن، از معذورین نبوده، ولی بعداً و در اثناء عمل عذری برای آنها حاصل شده، و طبق وظیفه معذورین عمل کرده اند، آیا نیابتشان صحیح است، و مستحقّ تمام اجرت می باشند؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۱۶۱. کسی که نماز او صحیح نیست، آیا نیابت او برای حج صحیح است؟

جواب: اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او بنا بر احتیاط

باطل است، و اگر معذور نیست صحیح است، به شرط آن که قرائت خود را درست کند؛ یعنی در صورتی که بتواند در خلال این مدت تا موقع نماز طواف، نمازش را کامل کند اجیر شدن او مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۲. آیا کسی که قرائتش درست نیست، می تواند تبرّعاً و به طور مجّانی، از طرف کسی که حجّ واجب بر عهده دارد نیابت کند؟ یا برای نیابت در حج یا عمره اجیر شود؟

جواب: نیابت چنین شخصی، هر چند تبرّعی باشد، بنا بر احتیاط صحیح نیست؛ مگر آن که بتواند قرائت خود را تصحیح کند.

سؤال ۱۶۳. زنی که روز دهم، یازدهم و دوازدهم قادر بر رمی جمرات نیست، ولی می تواند شبها رمی جمره نماید، و یا در روز سیزدهم قضای هر سه روز را بجا آورد، آیا می تواند نیابت کند؟

جواب: نیابت او صحیح است، و باید شبها به جای روز رمی کند.

سؤال ۱۶۴. کسی که نماز او چندان کامل نیست، اگر برای خود، یا به نیابت از دیگری به حج برود، آیا می تواند شخصی که قرائت نمازش صحیح است را نایب کند؟

جواب: در مورد حجّ خودش، باید به اندازه‌ای که توانایی دارد انجام دهد، و کوشش کند تا آنجا که می تواند قرائت نماز را اصلاح کند، ولی اگر قرائتش صحیح نیست، نایب شدن او برای دیگران مشکل است.

سؤال ۱۶۵. اگر کسی که دیگری را نایب کرده، یا منوب عنه، به هنگام نیابت بداند که نایب جزء معذورین است، لطفاً بفرماید:

(الف) آیا اخذ اجرت برای نایب حلال است؟

(ب) آیا حجّ نیابتی او صحیح و از منوب عنه کفایت می‌کند؟

جواب: اگر نایب نمی دانسته که حجّ نیابتی معذور صحیح نیست، و منوب عنه می دانسته، احتیاط آن است که اجرة المثل او را بپردازد، و به آن حج اکتفا نشود.

سؤال ۱۶۶. معذور به چه کسی گفته می شود؟ آیا کسی که نمی تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی تواند خودش رمی جمرات کند، یا نمی تواند قربانی نماید، و یا نمی تواند یکی دیگر از واجبات حج، اعم از ارکان و غیر ارکان، را انجام دهد معذور شمرده می شود؟

جواب: هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است، و بنابر احتیاط مستحب نمی تواند نایب شود؛ ولی اگر در فراگرفتن اعمال حج یا نماز کوتاهی کرده باشد، نیابت او اشکال دارد؛ البتّه عذرهایی که در اثنای حج پیش می آید مانع صحّت نیابت نیست. همچنین اقدام شخص حاجی به قربانی در حال اختیار نیز شرط نیابت نمی باشد.

سؤال ۱۶۷. شخصی معذور است، ولی عذرش به گونه ای است که ضرری به حج و عمره خودش نمی زند. آیا چنین شخصی حق دارد به شکل تبرّعی (مجاناً) از سوی پدر یا مادر یا همسر یا یکی از اموات، یا حضرات معصومین علیهم السلام عمره یا حجّ نیابتی بجا آورد؟

جواب: اشکالی ندارد.

این لهور در نایب شرط نیست

۱. عمل بر طبق فتوای منوب عنه

سؤال ۱۶۸. آیا بر نایب واجب است که طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حج خود را انجام دهد، یا باید مطابق وظیفه خودش عمل کند؟

جواب: ملاک وظیفه خود اوست، ولی اگر به کیفیت خاصی اجیر شده، مثلاً از او خواسته‌اند که بر طبق فلان فتوی عمل کند، باید طوری انجام دهد که هم آن کیفیت خاص مراعات شود، و هم وظیفه‌اش انجام گردد.

سؤال ۱۶۹. آیا در مسأله نیابت حج لازم است نایب و منوب عنه از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسی هستند؟
جواب: لازم نیست، و نایب مطابق تقلید خودش عمل می‌کند.

۲. همجنس بودن نایب و منوب عنه

سؤال ۱۷۰. آیا زن به نیابت از دیگری می‌تواند نماز طواف بخواند؟
جواب: در مواردی که نیابت جایز است مانعی ندارد.
سؤال ۱۷۱. مردی وصیت کرده برای او حج بجا آورند. آیا دختر، یا همسرش نیز می‌توانند به نیابت از وی حج بروند؟
جواب: اگر شخص معینی را در وصیتنامه ذکر نکرده، دختر یا همسر او هم می‌توانند نیابت کنند.

۳. سابقه تشرّف

سؤال ۱۷۲. آیا «صرورة»، یعنی کسی که تاکنون به حج مشرف نشده، می‌تواند نایب شود؟ اگر مرد باشد یا زن، از طرف مرد باشد یا زن، تفاوتی دارد؟

جواب: نیابت «صرورة»، چه مرد باشد و چه زن، جایز است؛ خواه از طرف مرد باشد، یا از طرف زن؛ ولی نیابت زن، مخصوصاً اگر منوب عنه مرد باشد، کراهت دارد.

سؤالات دیگر نیابت

سؤال ۱۷۳. شخصی که ساکن اراک است، از قم برای حجّ بلدی اجیر شده است. وی در نظر داشته به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز، در حالی که از موضوع غافل بوده، برای انجام کار دیگری به قم و سپس به تهران می‌رود. آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است، یا باید به قم برگردد، و از آنجا نیت حج بلدی کند؟ اگر از ایران خارج شده باشد چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: اگر می‌تواند، باید برگردد؛ مگر این که نیت در اعماق ذهنش وجود داشته باشد، و چنانچه برنگشت، هر چند در صورت امکان، و حج را انجام داد، حجّ او صحیح است؛ ولی اجرتش به همان نسبت کم می‌شود، مگر این که اجیر کنندگان راضی شوند.

سؤال ۱۷۴. آیا شخص زنده، در مواردی که مجاز به گرفتن نایب است، باید از «بلد» نایب بگیرد، یا از «میقات»؟ اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می‌کند؟

جواب: نایب گرفتن از میقات کفایت می‌کند، و خودش باید نایب بگیرد، و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست، مگر این که از طرف او وکالت داشته باشد.

سؤال ۱۷۵. کسی که حجّ نیابتی انجام می‌دهد اگر در قربانی، شخص دیگری را وکیل کند، قربانی کننده، که نایب نایب است، چگونه نیت نماید؟ آیا باید نیت کند که به وکالت از سوی میّت قربانی می‌کنم، یا به وکالت از سوی نایب میّت؟ و در هر صورت، آیا ذکر نام میّت هم لازم است؟

جواب: بردن نام میّت لازم نیست، بلکه کافی است نیت کند که آنچه را بر عهده نایب است انجام می‌دهد.

سؤال ۱۷۶. ناییبی پس از ورود به مکه شک می‌کند که آیا هنگام نیتِ احرام، نیتِ نیابت کرده یا نه؟ آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیت منوب عنه مُحرم شود، یا حج برای خودش محسوب می‌شود، و دیگر نمی‌تواند نایب باشد؟

جواب: در نیت، گذراندن از ذهن لازم نیست. اگر انگیزه او از آمدن به مکه و احرام نیابت بوده، عمل را به عنوان نیابت انجام می‌دهد، ولی اگر از اول مردد بوده به چه قصدی حج بجا آورد، می‌تواند به نیتِ اجمالی (یعنی همان نیت موقع احرام) عمل خود را به اتمام برساند، ولی برای نیابت کفایت نمی‌کند.

سؤال ۱۷۷. آیا برای کسی که در طواف عمره تمتع یا طواف حج، نایب شده جایز است که طواف را در غیر ایام حج انجام دهد؟

جواب: باید طواف حج تمتع را تا آخر ذی الحجّه، و طواف عمره تمتع را در ماههای حج، قبل از عرفات بجا آورد.

سؤال ۱۷۸. آیا بر نایب لازم است علاوه بر طواف نساء که به نیت منوب عنه بجا می‌آورد، برای خود نیز طواف نساء انجام دهد؟

جواب: واجب نیست.

سؤال ۱۷۹. اگر مردی که قادر است در روز رمی جمرات کند، از سوی زنی نایب شود، آیا می‌تواند رمی را در شب انجام دهد؟

جواب: نمی‌تواند.

سؤال ۱۸۰. شخصی در میقات محرم شده، و لبتیک می‌گوید، سپس به فکر می‌افتد که چون سفر دوم اوست، برای پدر، یا مادر، یا یکی از خویشاوندان، حج تبرّعی انجام دهد. آیا می‌تواند عدول کند، و دوباره به نیت شخص مورد نظر محرم شود؟

جواب: اگر به احرام صحیح محرم شده نمی‌تواند نیت را عوض کند؛ بلکه باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته به انجام برساند.

سؤال ۱۸۱. شخصی به عنوان نیابت از دیگری در مسجد شجره محرم شده، و به مکه آمده است. در جلسات آموزشی مناسک حج، متوجه می‌شود که خودش مستطیع بوده است، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: احتیاطاً عمره را تمام کند، و طواف نساء را بجا آورد، و سپس به میقات برگردد، و برای حجّ خودش محرم شود. این در صورتی است که اجیر نشده باشد، و گرنه اجاره او صحیح است، و در آن سال مستطیع نیست.

سؤال ۱۸۲. آیا نایب می‌تواند با نذر قبل از میقات محرم گردد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۸۳. آیا جایز است در یک سال اصالتاً از طرف خودم و نیابتاً از طرف دیگری حج بجا آورم؟

جواب: در یک سال نمی‌توان بیش از یک حج انجام داد، ولی می‌توان در هر ماه قمری یک عمره مفرده بجا آورد.

سؤال ۱۸۴. آیا می‌توانیم عمره مفرده، یا طواف مستحبی، را به نیابت از چند نفر انجام دهیم؟ آیا در اعمال آن، از جمله طواف نساء باید نیت همه شود، یا نیت بعضی از آنها کافی است؟

جواب: می‌توانید به نیابت از چند نفر انجام دهید، و باید همه چیز آن به نیت همه باشد.

سؤال ۱۸۵. آیا انجام یک عمره مفرده استحبابی به نیت خود، و به نیابت تبرّعی از دیگران صحیح است؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۸۶. شخصی به نیابت از پدر مرحومش عازم حج می‌باشد. مخارج اعمال بعدی، از جمله فراهم کردن ارز، بر عهده کیست؟ آیا می‌تواند از ثلث مال او بردارد؟

جواب: هر گاه پدرش در اولین فرصت استطاعت ثبت نام کرده، و قبل از رفتن به حج فوت نموده، نیابت از او واجب نیست، و تنها در صورتی که ورثه راضی باشند می‌توان برای او حج مستحبی بجا آورد، ولی اگر قبلاً مستطیع شده، و در ثبت نام و رفتن به حج کوتاهی نموده، باید برای او حج میقاتی انجام دهند و هزینه‌های آن از اصل مال است؛ مگر این که وصیت کرده باشد حج بلدی بجا آورند، که در این صورت هزینه‌های اضافی از ثلث مال برداشته می‌شود، و اگر بتوانند فیش بانکی او را طبق موازین قانونی بفروشند و با قسمتی از آن اجیر بگیرند، احتیاط واجب آن است که چنین کنند.

سؤال ۱۸۷. پدری تمام اموالش را به دو تن از فرزندانش مصالحه می‌کند؛ مشروط بر این که پس از مرگ وی شخصی را به نیابت از او، حداکثر ظرف چهار سال، به مکه بفرستند. فرزندان طبق شرط در سال چهارم کسی را از شهر خود روانه کرده‌اند، ولی نایب هنگامی که به شهر دیگر رسید شخص دیگری را برای حج میقاتی اجیر کرد، و نایب دوم حج میقاتی را انجام داد. در حالی که اولاً فرزندان میت از این جریان اطلاع نداشتند، و ثانیاً حج میقاتی برای مردم آنجا شناخته شده نیست.

لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا نایب، حق نایب گرفتن دیگری را داشته است؟

جواب: نایب حق نایب قرار دادن دیگری را ندارد.

ب) آیا طبق آنچه انجام شده، میّت برئ الذّمه شده است؟
جواب: حجّ انجام گرفته صحیح می باشد، و میّت برئ الذّمه شده است.

ج) حکم مصالحه چیست؟

جواب: مصالحه به قوّت خود باقی است.

د) آیا فرزندان به شرط عمل کرده اند؟ یا عمل نشده و اموال میّت باید بین همه ورثه تقسیم شود؟

جواب: باید پول حج را از نایب اوّل باز پس بگیرند، و احتیاط واجب آن است که میان ورثه تقسیم کنند.

سؤال ۱۸۸. نایب عمره تمّتع را انجام داده، و بعد ناچار شده که به ایران باز گردد. آیا می تواند بقیّه اعمال را به دیگری واگذار نماید، تا حج تمّتع را تکمیل کند؟

جواب: نمی تواند.

سؤال ۱۸۹. پیرمرد یا پیرزنی محرم شده، اما هوش و حواس کافی ندارد. مثلاً به هنگام نماز از «ایاک نعبد» به «غیر المغضوب علیهم» منتقل می شود آیا لازم است برای وی نایب گرفته شود؟

جواب: به مقداری که خودش می تواند انجام دهد، و نایب هم بگیرد.
سؤال ۱۹۰. جنابعالی نیابت از چند نفر را به صورت مشترک جایز نمی دانید. آیا در این مساله بین اشتراک خود و دیگران، یا اشتراک چند نفر بدون خودش تفاوتی هست؟

جواب: نیابت از طرف چند نفر یا از طرف خودش و دیگران در حج و عمره مستحبی مانعی ندارد.

سؤال ۱۹۱. نیابت حج، یا عمره، یا طواف از سوی جنین در رحم چه حکمی دارد؟

جواب: مشروع نیست.

سؤال ۱۹۲. متأسفانه شخصی پس از احرام عمره تمتع دیوانه شد دوستانش بدون اجازه وی برایش نایب گرفته، یا تبرعاً و مجاناً بقیه اعمالش را به جا آورده‌اند. آیا این کار برای آن شخص کفایت کرده، و از احرام خارج شده است؟ اگر پولی خرج شده باشد، آیا می‌توان از ولی مجنون گرفت؟

جواب: نیابت مزبور کفایت نمی‌کند، و شخص اول همچنان در احرام باقی است، و پولی که خرج شده از جیب کسی که خرج کرده رفته، و نمی‌تواند از ولی مجنون بگیرد، ولی چنانچه او را فریب داده باشد، مثلاً کسی گفته باشد شما این کار را انجام دهید من اجرت آن را از ولی او می‌گیرم و به شما می‌دهم، در این صورت می‌تواند از همین شخص بگیرد، و احتیاط آن است که ولی مجنون برای او نایب بگیرد که بقیه اعمالش را انجام دهند.

سؤال ۱۹۳. آیا نیابت خدمه‌ای که پیش از طلوع صبح به همراه خانمها به منی می‌روند، ولی قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعر رسانده، و وقوف رکنی مشعر را درک می‌کنند، صحیح است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۱۹۴. کسانی که به جهت حج نیابتی به حج مشرف می‌شوند، علاوه بر اعمال واجب، چه مقدار از مستحبات را باید به نیابت از منوب عنه انجام دهند؟

جواب: به مقداری که معمول و متعارف در میان حجاج است.

نیابت در اعمال

مسأله ۱۹۵. هرگاه ولیّ کودک وی را محرم کند، باید او را وادار نماید تا آن مقدار از اعمال حجّ و عمره را که می‌تواند بجا آورد، و اگر نمی‌تواند، ولیّ به نیابت از وی انجام دهد.

استفتائات نیابت در اعمال

سؤال ۱۹۶. اگر مادری، دختر بیحّه (مثلاً) سه ساله‌اش را در سفر مکّه معظمه همراه ببرد، و آنچه از اعمال را دختر بتواند انجام دهد او را وادار به انجام آن کند، و آنچه را قادر نیست مادر به نیابت از او انجام دهد. آیا حجّ این دختر صحیح است، و پس از رشد و بلوغ می‌تواند ازدواج کند؟

جواب: آری از احرام خارج شده، و می‌تواند ازدواج کند.

سؤال ۱۹۷. یکی از حجّاج را در روز عید قربان و قبل از تراشیدن سر دستگیر کرده و به ایران فرستاده‌اند. آیا رفقای او می‌توانند از وی نیابت نموده، بقیّه اعمالش را انجام دهند؟ چنین شخصی چگونه از احرام خارج می‌شود؟

جواب: این کار بدون این که نیابت به کسی بدهد صحیح نیست، و برای خروج از احرام اگر ممکن است باید به منی بیاید و تقصیر کند، سپس اعمال بعدی را انجام دهد تا از احرام خارج شود، و اگر نمی‌تواند به منی برود، در محلّ خودش حلق یا تقصیر می‌کند، و بنا بر احتیاط مستحب موهای خود را به منی می‌فرستد، و برای اعمال بعدی نایب می‌گیرد.

سؤال ۱۹۸. زنی در روز نهم ذی الحجّه، در صحرای عرفات دیوانه

می‌شود، و او را به بیمارستان منتقل می‌کنند. همراهانش تا آخرین لحظه‌ای که می‌توانستند در مکه بمانند، همراهش ماندند، ولی متأسفانه بهبودی نیافت. آیا شوهرش که همراه اوست می‌تواند برای او نایب بگیرد، یا خودش باقی اعمال او را انجام دهد؟

جواب: در صورتی که سال اوّل استطاعت اوست حج بر او واجب نشده، و لازم نیست برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد باید به وظایف خود عمل کند، و چنانچه وقت گذشته لااقل اعمال عمره مفرده را بجا آورد تا از احرام خارج شود و اگر قبلاً مستطیع بوده باید در سال‌های بعد در صورت امکان خودش، و اگر نمی‌تواند نایبش حج را بجا آورد.

سؤال ۱۹۹. آیا شرط ایمان نایب، که در اصل نیابت حج شرط است، در ذبح و سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است، مثل رمی جمرات و طواف، نیز شرط است؟

جواب: در ذبح شرط نیست؛ ولی در بقیه موارد بنا بر احتیاط واجب شرط است.

فصل سوم:

حجّ مستحبّی

مسأله ۲۰۰. مستحب است برای کسانی که استطاعت ندارند، یا سایر شرایط در آنها جمع نیست، یا حج واجب را بجا آورده‌اند، حج بجا آورند، بلکه مستحب است هر سال تکرار کنند؛ ولی چنانچه ازدحام بیش از حدّ حجّاج، تولید مزاحمت شدید برای کسانی که هنوز حج بجا نیاورده‌اند می‌کند، سزاوار است کسانی که حجّ واجب بجا آورده‌اند موقتاً از انجام حجّ مستحبّی خودداری نمایند. همچنین سزاوار است هنگام نوبت گذاری، مسؤولین نوبت را به کسانی دهند که می‌خواهند برای نخستین بار حجّ واجب بجا آورند، ولی اگر خانه خدا (فرضاً) یک سال به اندازه کافی زائر نداشته باشد، بر حاکم شرع واجب است عده‌ای را با هزینه بیت المال به حج بفرستد؛ هر چند حجّ واجب خود را انجام داده باشند.

مسأله ۲۰۱. در حجّ مستحبّی زن، اجازه شوهر لازم است. حتی اگر حجّ مستحبّی فرزند بدون اجازه پدر یا مادر باعث آزار آنها شود اشکال دارد.

مسأله ۲۰۲. کسی که هزینه حج را ندارد مستحبّ است قرض کند و به

حج برود؛ مشروط بر این که بتواند قرض را بدون مشقت اداء کند.

مسأله ۲۰۳. کسی که مال ندارد تا با آن به حج برود، مستحب است با

اجیر شدن و نیابت از دیگری، به حج برود.

مسأله ۲۰۴. مستحب است در وقت خارج شدن از مکه، نیت برگشتن

نماید، و مکروه است قصد برگشتن داشته باشد؛ مگر این که انجام

حج‌های مستحبی پی در پی سبب محرومیت انجام دهندگان حج واجب

شود، که در این صورت بهتر است مجال را به آنها بدهند.

مسأله ۲۰۵. مستحب است که از اموال خود از طرف خویشاوندان یا

دوستان و بزرگان حج بجا آورد؛ چه زنده باشند، یا از دنیا رفته باشند.

همچنین مستحب است از طرف معصومین علیهم‌السلام حج نیابتی انجام دهد،

و نیز انجام طواف از طرف آنها، یا دیگران مستحب است؛ مشروط بر این

که دوستان و خویشاوندانش در مکه نباشند، یا معذور باشند.

مسأله ۲۰۶. بعد از انجام حج مستحبی می‌تواند ثواب آن را به دیگری

هدیه کند، همان گونه که می‌تواند هنگام شروع آن را به نیت دیگری آغاز

کند و حج و عمره مستحبی را می‌تواند به نیابت چند نفر زنده و خودش، یا

چند نفر مرده و خودش، یا چند نفر زنده و مرده و خودش بجا آورد.

فصل چهارم:

حجّ نذری

مسأله ۲۰۷. کسی که عاقل و بالغ باشد، و از روی قصد و اختیار نذر کند که حج بجا آورد، حج بر او واجب می‌شود؛ ولی نذر زن بدون اجازه شوهر - در صورتی که با حقّ او منافات داشته باشد - جایز نیست، و در صورتی که منافات نداشته باشد صحیح است، مثل این که زن همسفر شوهر باشد.

مسأله ۲۰۸. اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجّی بجا آورد، پس از ازدواج جهت انجام فریضه حج، اجازه شوهر لازم است، و شوهر حقّ ممانعت دارد.

مسأله ۲۰۹. هرگاه نذر حج کند و زمانی برای آن تعیین نکند می‌تواند آن را تأخیر بیندازد؛ (ولی احتیاط آن است که زیاد به تأخیر نیندازد). و اگر زمانی برای آن معین کرده، واجب است در همان زمان انجام دهد، و چنانچه عمداً انجام ندهد باید کفّاره^۱ بدهد، و احتیاط آن است که حج را نیز قضا کند.

۱. کفّاره نذر مانند کفّاره روزه ماه مبارک رمضان است. یعنی دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند و اگر به هر کدام یک «مُد» که تقریباً ۷۵۰ گرم است گندم یا جو یا مانند آنها بدهد کافی است.

مسألة ۲۱۰. هرگاه کسی نذر کند اگر فلان حاجتش روا شد حج بجا آورد، و قبل از روا شدن آن از دنیا برود، قضای نذر لازم نیست؛ اما اگر بعد از روا شدن حاجت و در حالی که می‌توانسته به حج رود، از دنیا برود، باید ورثه او آن را قضا کنند، یا برای او اجیر بگیرند، و احتیاط آن است که پول آن را با رضایت ورثه (اگر همه کبیر باشند) از اصل ترکه بردارند.

فصل پنجم:

حجّ بذلی

مسأله ۲۱۱. هرگاه کسی مخارج رفتن به مکه را ندارد، ولی دیگری مالی به او می‌بخشد، یا در اختیار او می‌گذارد که با آن حج برود، و مخارج زن و فرزند او را نیز در این مدت می‌پردازد، بر چنین کسی حج واجب است؛ هر چند بدهکار باشد، و در موقع بازگشت نیز وسیله کافی برای امرار معاش نداشته باشد، و قبول کردن چنین هدیه‌ای واجب است، مگر این که منت، یا ضرر، یا مشقت غیر قابل تحمّلی به همراه داشته باشد، و این حج کفایت از حجّ واجب می‌کند، و آن را حجّ بذلی می‌نامند.

مسأله ۲۱۲. اگر شخصی مالی معادل مخارج حجّ به دیگری ببخشد که حج بجا آورد، باید قبول کند و طبق شرط عمل نماید. همچنین اگر پول دهنده بگوید: «مخیر هستی که با آن حج بجا آوری، یا در راه دیگر مصرف کنی» در این صورت نیز باید حج بجا آورد؛ بلکه اگر اسم حج را هم نیاورد، و فقط مال را به او ببخشد، احتیاط آن است که قبول کند و حج بجا آورد؛ مشروط بر این که در بازگشت زندگی او تأمین باشد، و چنین حجّی، کفایت از حجّ واجب می‌کند.

مسأله ۲۱۳. در حج بذلی، دهنده پول می‌تواند از بذلش برگردد (مگر این که خویشاوند یکدیگر باشند) ولی اگر در بین راه باشد، باید هزینه بازگشت او را بپردازد، و اگر بعد از احرام باشد، بازگشت او اشکال دارد، ولی در مواردی که از فیش استفاده می‌شود و عملاً قابل بازگشت نیست، حق رجوع ندارد.

مسأله ۲۱۴. قربانی در حج بذلی بر عهده دهنده پول (بازل) می‌باشد، ولی کفارات بر عهده وی نیست، هر چند احتیاط مستحب آن است که کفارات غیر عمدی را بپردازد. و اگر باذل پول قربانی را ندهد حج واجب نمی‌شود. مگر این که در بازگشت زندگی او تأمین باشد، که در این صورت حج بر وی واجب می‌گردد، و به جای قربانی روزه می‌گیرد.

مسأله ۲۱۵. مواردی که شخص، یا نهاد، یا ارگانی، فردی را بدون این که ملزم به انجام کاری باشد به حج می‌فرستد، شبیه حج بذلی است، و قبول آن لازم است و کفایت از حج واجب می‌کند.

مسأله ۲۱۶. کسی که توانایی سفر حج ندارد، و امیدی به توانابیش در آینده نیز نمی‌باشد، علاوه بر این، از نظر مالی نیز مستطیع نیست، اگر شخصی نفقه حج او را بدهد، حج بر او واجب نمی‌شود تا شخصی را نایب کند که از طرف او به حج برود، همچنین است اگر شخصی او را میهمان کند.

فصل ششم:

اقسام حج

مسأله ۲۱۷. حج بر سه گونه است: «حج تمتع»، «حج قران» و «حج افراد».

مسأله ۲۱۸. «حج تمتع» وظیفه کسانی است که فاصله محل سکونت آنها تا مکه معظمه چهل و هشت میل (حدود هشتاد و شش کیلومتر) یا بیشتر باشد و «حج قران» و «افراد» وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که منازل آنها در کمتر از این مسافت قرار دارد.

مسأله ۲۱۹. کسی که اهل مکه است اگر به خارج از مکه سفر کند، سپس به سوی مکه بازگردد، می تواند «حج تمتع» یا «حج قران» و «افراد» بجا آورد.

مسأله ۲۲۰. کسی که خارج از مسافت مذکور زندگی می کند، هرگاه بیش از دو سال در مکه اقامت نماید، وظیفه او همان وظیفه اهل مکه است؛ خواه قبلاً مستطیع بوده، و یا پس از اقامت مستطیع شده باشد، و خواه اقامت او به قصد همیشگی باشد، یا به قصد مدت محدود.

مسأله ۲۲۱. «حجّ افراد» مانند «حجّ تمتّع» است، با این تفاوت که اولاً: در حجّ تمتّع قربانی هست و در «حجّ افراد» قربانی واجب نیست؛ هر چند استحباب دارد. ثانیاً: عمره حجّ افراد پس از انجام مناسک حجّ است، بر خلاف عمره تمتّع که قبل از حجّ انجام می‌شود. ثالثاً: عمره تمتّع طواف نساء ندارد، ولی عمره مفرده که بعد از حجّ افراد انجام می‌شود طواف نساء دارد. در حقیقت این گونه افراد دو طواف نساء انجام می‌دهند؛ یکی در پایان حج و دیگری در پایان عمره مفرده.

مسأله ۲۲۲. زن حائض یا کسی که به واسطه ضیق وقت نمی‌تواند عمره تمتّع بجا آورد، باید قصد حجّ افراد کند، و با همان احرام عمره تمتّع که عدول به افراد کرده به عرفات برود، و مثل سایر حجّاج تمام اعمال حج را به جز قربانی که بر او واجب نیست انجام دهد؛ و به این ترتیب حجّ او کامل می‌شود، و بعد عمره مفرده بجا می‌آورد.

استفتائات اقسام حج

سؤال ۲۲۳. آیا منظور از اقامت دو سال در مکه معظمه، اقامت مستمر و پی در پی است، یا این حکم شامل کسانی که چندین ماه از سال را در آنجا مقیم هستند، مخصوصاً ماههای حج، و در طول سه چهار سال در مجموع دو سال آن را در مکه بوده‌اند، نیز می‌شود؟
جواب: منظور اقامت مستمر عرفی است.

سؤال ۲۲۴. عمره مفرده حج افراد را تا چه زمانی می‌توان بدون عذر تأخیر انداخت؟

جواب: احتیاط آن است که تأخیر نیندازد.

سؤال ۲۲۵. کسی که حشش تبدیل به حج افراد شده و باید بعد از حج عمره مفرده بجا آورد، اگر همان سال عمره مفرده را انجام ندهد، بلکه سال بعد که به حج می‌رود، عمره مفرده را بعد از اعمال حج بجا آورد، آیا کفایت می‌کند؟

جواب: باید توجه داشت که عمره مفرده را در هر ماه از سال می‌توان انجام داد؛ ولی چون وجوب آن ظاهراً فوری است، نباید تأخیر بیندازد.

فصل هفتم:

حجّ تمتّع

مسأله ۲۲۶. صورت حجّ تمتّع به طور اجمال چنین است:

الف) عمره تمتّع

- عمره تمتّع حتماً باید در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) واقع شود؛ و از پنج عمل زیر تشکیل می شود:
۱. احرام بستن از میقات به قصد عمره تمتّع.
 ۲. هفت بار طواف خانه کعبه.
 ۳. دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم.
 ۴. سعی بین صفا و مروه (هفت بار).
 ۵. تقصیر، یعنی کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن، ولی به گرفتن ناخن قناعت نشود.

پس از انجام اعمال پنجگانه فوق، از احرام بیرون می آید، و تمام چیزهایی که به خاطر احرام بر او حرام شده بود حلال می شود.

ب) حجّ تمتّع

حجّ تمتّع شامل اعمال زیر است:

۱. احرام بستن از مکه.
۲. وقوف (توقّف کردن) در «عرفات» از ظهر تا غروب روز نهم ذی‌الحجه.
۳. وقوف در مشعر الحرام و ماندن در آنجا از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب.
۴. رفتن به منی و رمی جمره عقبه (یعنی هفت سنگ کوچک به محلی که در آخر منی قرار دارد، و نامش «جمره عقبه» است، می‌زند).
۵. قربانی کردن در منی روز عید قربان (دهم ذی‌الحجه).
۶. حلق یا تقصیر، یعنی تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن؛ ولی به ناخن تنها قناعت نکند.
- با انجام این شش عمل تمام آنچه با احرام بر او حرام شده بود حلال می‌شود، جز همسر و بوی خوش.
۷. هفت دور طواف خانه کعبه (این طواف، طواف زیارت نام دارد).
۸. بجا آوردن دو رکعت نماز طواف.
۹. سعی (رفت و آمد) میان صفا و مروه.
- هنگامی که این سه عمل هم انجام شد، بوی خوش نیز بر محرم حلال می‌شود.
۱۰. طواف دیگری اطراف خانه کعبه بجا می‌آورد، و این طواف، طواف نساء نام دارد.
۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء.

با انجام این دو عمل، همسر نیز بر او حلال می‌شود.

۱۲. بازگشت به منی و اقامت شب یازدهم و دوازدهم (و در بعضی

حالات شب سیزدهم) در آنجا.

۱۳. رمی جمرات سه گانه (یعنی انداختن هفت سنگ در روز یازدهم

و دوازدهم به هر کدام از سه محلی که در منی قرار دارد، و این سه محل

جرمه اولی، و وسطی، و جمره عقبه نام دارد).

بعد از ظهر روز دوازدهم با انجام این اعمال، می‌تواند به مکه باز گردد

و حج او تمام است.

این بود اعمال پنجگانه عمره تمتع و اعمال سیزدهگانه حج تمتع، که

شرح جزئیات آن در مسائل آینده خواهد آمد.

مسأله ۲۲۷. لازم نیست حاجی تمام احکام حج را قبل از سفر حج بدانند،

و کافی است که نیت عمره تمتع یا حج تمتع نماید؛ یعنی نیت کند عبادتی را

که خداوند بر او واجب کرده انجام دهد، و تفصیل هر یک از اعمال را به

هنگام عمل از روحانی کاروان، یا رساله مناسک حج فرا گیرد، و سپس

عمل کند. البته فراگیری اعمال حج قبل از سفر حج بهتر و موافق احتیاط

است.

شرایط حجّ تمتّع

مسأله ۲۲۸. در حجّ تمتّع پنج چیز شرط است:

۱. نیت؛ یعنی قصد کند برای خدا این اعمال را به عنوان «حجّ تمتّع» بجا آورد؛ بنابراین اگر نوع دیگری از حج را قصد کند، یا مردّد میان «حجّ تمتّع» و نوع دیگری باشد، یا قصد او خالص برای خدا نباشد، حجّش صحیح نیست.

۲. «عمره» و «حج» باید هر دو در ماههای حج (ماه شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) واقع شود؛ بنابراین اگر تمام عمره، یا قسمتی از آن، را قبل از ماه شوال انجام دهد کافی نیست.

۳. احرام «حجّ تمتّع» همانطور که گفته شد، باید از خود مکه باشد، و تفاوتی میان محله‌ها و مناطق مختلف مکه قدیم و جدید نیست، خواه از منزل باشد، یا از مسجد الحرام، حتی در کوچه یا خیابان مکه می‌تواند قصد احرام کند، ولی بهتر از همه جا برای احرام حج «مسجد الحرام» است؛ البته احتیاط واجب آن است که از محدوده حرم خارج نباشد.

۴. «عمره تمتّع» و «حجّ تمتّع» هر دو باید در یک سال انجام شود؛

بنابراین، اگر یکی را امسال و دیگری را سال دیگر در ماههای حج انجام دهد صحیح نیست.

۵. در صورتی که «حج تمتع» عنوان نیابت داشته باشد باید «عمره» و «حج» هر دو به وسیله یک نفر انجام شود؛ بنابراین اگر یک نفر عمره تمتع و دیگری حج را بجا آورد، کافی نیست.

مسئله ۲۲۹. شهر مکه امروز بسیار بزرگ شده است، با این حال تمام آنچه به نام مکه نامیده می‌شود احکام مکه را دارد، همان گونه که مسجد الحرام توسعه یافته، در عین حال تمام آن احکام مسجد الحرام را دارد.

مسئله ۲۳۰. کسی که وظیفه او «حج تمتع» است نمی‌تواند به «حج افراد» یا «حج قران» تغییر نیت دهد؛ مگر این که وقت تنگ باشد، به طوری که نتواند عمره تمتع را تمام کرده و به حج برسد. در این صورت می‌تواند «عمره تمتع» را رها کرده، نیت حج افراد یا قران کند، و وظایف حج را بجا آورد، و بعد از پایان حج، عمره مفرده انجام دهد (مانند سایر کسانی که حج قران و افراد انجام می‌دهند) و منظور از تنگ بودن وقت برای حج این است که نتواند وقوف در عرفات را، که از ظهر تا غروب روز عرفه است، درک کند.

مسئله ۲۳۱. هرگاه زن گرفتار عادت ماهانه شود و نتواند طواف و نماز طواف را، که شرط آن طهارت است، پیش از رسیدن زمان اعمال حج (ووقوف به عرفات) انجام دهد، باید نیت حج افراد کند، و با همان احرام به عرفات برود، و اعمال حج را انجام دهد، و بعد از بازگشت به مکه و پاک شدن، طوافهای حج و نمازهای طواف را انجام دهد، و پس از اتمام حج برای عمره مفرده به مسجد تنعیم رفته و از آنجا محرم شود، و اعمال عمره

مفرده را انجام دهد، و احتیاط واجب آن است که در پایان آن طواف نساء را نیز بجا آورد.

مسأله ۲۳۲. مانعی ندارد که زنان به وسیله خوردن قرص و مانند آن از عادت ماهانه خود جلوگیری کرده؛ تا بتوانند اعمال حجّ تمتّع، از جمله طواف و نماز طواف را، در حال پاکی انجام دهند.

مسأله ۲۳۳. در احرام طهارت شرط نیست بنابراین شخص حائض و مستحاضه و جنب می‌توانند محرم شوند هر چند استحباب مؤکّد پاک بودن است (طهارت فقط در طواف و نماز طواف شرط است).^۱

۱. وظیفه مستحاضه، حائض و جنب در بخش استفتائات شرایط طواف، سؤال ۶۲۸ به بعد آمده است.

فصل هشتم:

میقات‌های احرام

مسأله ۲۳۴. منظور از میقات جایی است که باید از آنجا برای حج یا عمره احرام بست، و بدون احرام نمی‌توان از آن گذشت.

مسأله ۲۳۵. میقاتهای احرام ده محل است، که پنج میقات آن اصلی است:

۱. مسجد شجره

مسأله ۲۳۶. «مسجد شجره» در کنار مدینه قرار دارد، و امروز به نام «آبار علی» معروف است، آن را «ذو الحلیفه» نیز می‌نامند. تمام کسانی که می‌خواهند از راه مدینه به حج بروند باید از آنجا مُحرم شوند، و جایز نیست تأخیر بیندازند، و مثلاً از «جحفه» - که میان راه مکه و مدینه است - محرم شوند، مگر بیماران و افراد ضعیف و کسانی که موانع دیگری دارند، و نمی‌توانند از مسجد شجره محرم شوند.

مسأله ۲۳۷. واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه

می‌توان در کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق، و مسجد امروز - که بسیار توسعه یافته - وجود ندارد؛ بنابراین، زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می‌توانند در بیرون مسجد احرام ببندند.

مسأله ۲۳۸. شخص جنب یا حائض می‌تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، و نباید در مسجد توقف کند. همان گونه که می‌تواند در خارج از مسجد محرم شود.

مسأله ۲۳۹. چنانچه شخص جنب یا حائض، که عادتش تمام شده، بر اثر ازدحام جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و بنا به عللی موفق بر غسل نیز نشود، می‌تواند تیمم بدل از غسل حیض یا جنابت کند، و از داخل مسجد محرم شود، و نیز می‌تواند بیرون مسجد احرام ببندد.

مسأله ۲۴۰. احتیاط مستحب آن است که از خود مسجد شجره محرم شوند، نه در کنار و اطراف مسجد.

۲. جُحْفَه

مسأله ۲۴۱. «جحفه» محلی است میان مکه و مدینه در فاصله تقریباً ۱۵۰ کیلومتری مکه، که فعلاً با جاده اصلی مقداری فاصله دارد، و در آنجا مسجد بزرگی ساخته‌اند، و آن، میقات کسانی است که از مصر و شمال آفریقا و سوریه و اردن و لبنان (از طریق زمینی) به حج می‌آیند، بلکه میقات تمام کسانی است که از آنجا عبور می‌کنند.

مسأله ۲۴۲. مسلمانان ایران و سایر نقاط که با هواپیما وارد فرودگاه جدّه می‌شوند، و نمی‌خواهند به مدینه بروند، می‌توانند به جحفه رفته و از آنجا محرم شوند، سپس به مکه بروند، و چنین افرادی نمی‌توانند از جدّه یا حدیبیه برای عمره تمتع محرم شوند.

مسأله ۲۴۳. همان گونه که گفته شد در جحفه مسجدی است که می‌توان از بیرون یا داخل آن احرام بست، و بهتر داخل مسجد است، ولی زنان حائض از بیرون مسجد محرم می‌شوند.

۳. وادی عقیق

مسأله ۲۴۴. «وادی عقیق» محلی است در سمت شمال شرقی مکه، که حدود ۹۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، و آن، میقات اهل «عراق» و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می‌کنند، می‌توانند از آنجا مُحْرِم شوند. این میقات دارای سه قسمت است: قسمت اول را «مَسْلَخ» می‌نامند، و قسمت دوم را «عَمْرَه»، و قسمت سوم را «ذات عرق» می‌گویند، و احرام بستن از تمام آنها جایز است، هر چند افضل احرام از «مسلخ» است.

۴. قرن المنازل

مسأله ۲۴۵. «قرن المنازل» محلی است نزدیک «طائف» که حدود ۹۴ کیلومتر با مکه فاصله دارد، و آن میقات مردم آنجا، یا کسانی است که از آنجا عبور می‌کنند. بلکه تمام کسانی که وارد جدّه می‌شوند، می‌توانند به آنجا رفته و از آنجا محرم شوند، هم اکنون در آنجا مسجدی وجود دارد که همه می‌توانند از آن محرم شوند.

۵. یلملم

مسأله ۲۴۶. «یلملم» نام کوهی است در نواحی جنوبی مکه، که حدود ۸۴ کیلومتر با آن فاصله دارد، و آن، میقات کسانی است که از جنوب شبه جزیره

عربستان، مانند یمن، به سوی مکه می‌آیند، و نیز تمام کسانی که از آنجا می‌گذرند، می‌توانند از آنجا محرم شوند.
این پنج میقات، میقاتهای اصلی عمره تمتع است.

۶. شهر مکه

مسأله ۲۴۷. «مکه» میقات برای حج تمتع است؛ یعنی پس از انجام عمره، برای ادای مناسک حج، که نخستین عمل آن رفتن به «عرفات» است، از شهر مکه احرام می‌بندد.

مسأله ۲۴۸. فرقی بین محلات مکه نیست، و از هر نقطه آن می‌توان مُحْرِم شد؛ حتی در نقاطی که - بر اثر توسعه شهر مکه - امروز به آن اضافه شده است، ولی احتیاط واجب آن است که از محدوده حرم خارج نباشد؛ مثلاً امروزه که مکه امتداد یافته و از مسجد تنعیم، که نزدیکترین حد حرم است، فراتر رفته، اگر کسی از نقاطی که بیرون از حد حرم است محرم شود، احرام حج تمتع او خالی از اشکال نیست، و بهتر از همه جا مسجد الحرام است.

۷. منزل خود انسان

مسأله ۲۴۹. کسانی که منزلشان از میقات به مکه نزدیکتر است، محل احرام آنان همان «منزل خودشان» است؛ ولی جایز بلکه بهتر است که آنها هم به یکی از میقاتهای پنجگانه معروف رفته، و از آنجا محرم شوند.

۸. جعرانه

مسأله ۲۵۰. «جعرانه» محلی است در انتهای حرم بین طائف و مکه، که

بنابر احتیاط واجب اهل مکه برای عمره مفرده باید از آنجا احرام ببندند. همچنین کسانی که مدت دو سال در مکه اقامت کرده‌اند، و به‌طور کلی یکی از میقات‌های عمره مفرده است.

۹. محاذات یکی از میقاتها

مسئله ۲۵۱. کسانی که از میقات نمی‌گذرند هرگاه به محاذات هر یک از میقاتها برسند باید از همانجا محرم شوند، و لزومی ندارد که حتماً به یکی از میقاتهای پنجگانه معروف بروند، و اگر از محاذات دو میقات می‌گذرند باید وقتی به محاذات نخستین میقات می‌رسند احرام ببندند، و در محاذات میقات بعد، تیت احرام را تجدید نمایند.

مسئله ۲۵۲. کسانی که از محاذات غیر مسجد شجره عبور می‌کنند، احتیاط مستحب آن است که قبل از رسیدن به محاذات، به نذر محرم شوند، و بهتر آن است که در محاذات تجدید احرام کنند (ولی واجب نیست).

مسئله ۲۵۳. منظور از محاذات برای کسی که به طرف مکه می‌رود آن است که به جایی برسد که میقات در سمت راست یا چپ او واقع شده، به‌گونه‌ای که اگر از آن نقطه عبور کند میقات متمایل به پشت او گردد.

مسئله ۲۵۴. اگر محاذات را نداند باید از اهل اطلاع مورد اطمینان پرسد، و اگر نتواند مکان محاذات را تشخیص دهد، قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد محاذات باشد بنابر احتیاط با نذر محرم می‌شود.

مسئله ۲۵۵. هرگاه از راهی بگذرد که محاذی هیچ یک از میقاتها نیست (مانند جدّه)، احتیاط آن است که به میقات، یا جایی که محاذی یکی از میقاتها باشد رود و از آنجا محرم شود، و اگر آن هم امکان ندارد، از هر جا که احتمال می‌دهد محاذی یکی از میقاتهاست محرم می‌شود، سپس به

اولین نقطه حرم (در اطراف مکه) که رسید، احرام خود را تجدید می‌کند (یعنی دوباره نیت نموده، و لبتیک گوید).

مسئله ۲۵۶. در مسئله محاذات میقات، فرقی میان صحرا و دریا نیست؛ ولی احرام از محاذات هوایی اشکال دارد.

مسئله ۲۵۷. کسانی که با هواپیما به جده می‌روند نمی‌توانند از جده یا حدیبیه (برای عمره تمتع) محرم شوند؛ بلکه باید به یکی از مواقیت پنج‌گانه، یا به محاذات میقات، بروند و از آنجا محرم شوند، و اگر نمی‌توانند احتیاطاً نذر کنند و در همان جده محرم شوند، و در ابتدای حرم تجدید احرام کنند.

مسئله ۲۵۸. محاذات با علم و یقین و نیز شهادت یک یا دو شاهد عادل ثابت می‌شود، و اگر از این دو راه ثابت نشد، هرگاه از قول کسانی که مطلع به آن مکانها هستند گمان قوی حاصل شود کافی است. همچنین از قول کسانی که اهل خبره هستند، و از روی قواعد علمی محاذات را تعیین می‌کنند، اگر گمان قابل ملاحظه‌ای حاصل شود ظاهراً کافی است.

مسئله ۲۵۹. در صورتی که ثابت نشود «رایغ»^۱ محاذی جحفه است، احرام از آن محل صحیح نیست.

۱۰. أدنی الحل

مسئله ۲۶۰. «أدنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم، میقات کسانی است که عمره مفرده بجا می‌آورند. (اعم از عمره حج قران و افراد، یا عمره مفرده که در هر موقع از سال می‌توان انجام داد).

۱. «رایغ» سرزمینی نزدیک جحفه است و در لغت به معنای راحت و خوشایند می‌باشد.

مسأله ۲۶۱. بهتر این است که برای عمره مفرده از یکی از این سه محل: «حدیبیه» یا «جعرانه» یا «تنعیم» که نزد اهل مکه معروف است، احرام ببندد، و آسانتر برای کسانی که می‌خواهند بعد از حج، عمره مفرده بجا آورند این است که به مسجد تنعیم - که حدود هشت کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در حال حاضر جزء شهر مکه است - بروند، و از آنجا محرم شوند.

مسأله ۲۶۲. کسانی که از طریق جدّه مستقیماً برای عمره مفرده به سوی مکه می‌روند باید از «حدیبیه» که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است، محرم شوند (حدیبیه دورترین حدّ حرم است).^۱

مسأله ۲۶۳. اگر شخصی در مکه باشد و بخواهد عمره تمتع بجا آورد، و به عللی از رفتن به میقات عمره تمتع معذور باشد، لازم است به خارج از حرم، مانند مسجد تنعیم، برود و از آنجا محرم شود، و از ادنی الحل کافی است.

مسأله ۲۶۴. میقات شاغلین در جدّه (از ایرانیان و سایر کشورها) در عمره تمتع، همان مواقیت پنجگانه معروف است، ولی برای عمره مفرده می‌توانند مانند سایرین از «حدیبیه» یا محاذی آن در جاده جدید محرم شوند، و چنانچه بر اثر جهل به مسأله در جای دیگری محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست، و محرمات احرام بر آنها حرام نمی‌شود. در صورت علم و عمد نیز حکم مسأله همین است، ولی در صورت جهل، اگر بعد از اعمال مسأله را بفهمند عمل آنان صحیح است.

۱. حدیبیه در کنار جاده قدیم «جدّه، مکه» واقع شده، و محاذی آن در جاده جدید در نزدیکی پل شمیسیه مسجدی ساخته‌اند که محاذی آن است، و می‌توان از آنجا محرم شد.

مسأله ۲۶۵. بهتر این است احرام عمره مفرده نیز از یکی از میقاتهای پنجگانه (مسجد شجره، جحفه، قرن المنازل، وادی عقیق و یلملم) انجام گیرد، و کسانی که قصد عمره مفرده دارند و قبلاً به مدینه می‌روند، و از میقات یا محاذی میقات عبور می‌کنند باید از آنجا مُحرم شوند، در غیر این صورت از مسجد تنعیم یا یکی دیگر از میقات‌های عمره مفرده محرم گردند.

مسأله ۲۶۶. ترتیب میقاتها به طور خلاصه بصورت زیر است:

۱. میقات «عمره حجّ تمتّع» یکی از میقاتهای پنجگانه معروف است؛ خواه حجّ واجب باشد یا مستحب.
۲. میقات «حجّ تمتّع» مکه است.
۳. میقات «حجّ افراد یا قران» یکی از میقاتهای پنجگانه است.
۴. میقات «عمره مفرده» ادنی الحّلّ است؛ یعنی نخستین محلی که از حرم بیرون باشد، مانند تنعیم و جعرانه و حدیبیه.
۵. میقات کسانی که خانه آنها بعد از میقات است، همان منزلشان می‌باشد، که برای «عمره تمتّع» یا «حجّ افراد» و «حجّ قران» می‌توانند از آنجا محرم شوند، ولی بهتر است آنها نیز از یکی از میقاتهای پنجگانه احرام ببندند.

احکام میقات‌ها

مسألة ۲۶۷. احرام بستن قبل از میقات جایز نیست. همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام حرام است، و تنها باید در خود میقات محرم شوند؛ مگر در دو صورت:

۱. در صورتی که نذر کند قبل از میقات محرم شود، لازم است به نذر خود وفا کند، از هر جا که باشد، و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست، به همین جهت هنگامی که انسان در میقات یا محاذات آن شک کند، می‌تواند قبل از رسیدن به محلّ مشکوک، «نذر احرام» نماید، و از همان جا محرم شود، و فرقی میان حجّ واجب و مستحب نیست؛ و نذر زن در صورتی که مزاحم حقّ شوهر نباشد اشکالی ندارد.

۲. برای کسی که می‌خواهد عمره ماه رجب را بجا آورد، و بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن به میقات تمام گردد، جایز است قبل از میقات محرم شود، تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند.

مسألة ۲۶۸. رسیدن به میقات باید به طور یقین، یا اطمینان، یا شهرت در میان اهل محل، یا حداقل شهادت یک نفر عادل ثابت شود، و در صورت شک، احرام بستن جایز نیست؛ مگر از طریق نذر کردن.

مسأله ۲۶۹. کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفتهٔ راهنما، یا رئیس کاروان، که می‌گوید فلان محل میقات است، محرم شوند، مگر این که از گفتهٔ آنها اطمینان پیدا کنند، بلکه ظنّ حاصل از گفتهٔ اهل اطلاع نیز کافی است. در غیر این صورت باید به اهل محل مراجعه کنند و در صورتی که هیچ راهی پیدا نشود قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهند میقات باشد نذر می‌کنند و احرام می‌بندند.

مسأله ۲۷۰. عبور از میقات بدون احرام جایز نیست، مگر این که میقات دیگری در پیش داشته باشد که در این صورت احرام از میقات دوم صحیح است؛ هر چند کار خلافی کرده است.

مسأله ۲۷۱. جایز نیست اختیاراً احرام را از میقات تأخیر بیندازد. بلکه احتیاط واجب آن است که از محاذات میقات هم بدون احرام عبور نکند؛ اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسأله ۲۷۲. کسانی که برای عمرهٔ مفرده به مکه مشرف می‌شوند، و باید به یکی از مواقیت معروفه بروند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات عبور کنند، و اگر چنین کنند، واجب است به میقات بازگردند، و از آنجا محرم شوند، و اگر نتوانند برگردند، از همان جا که هستند محرم می‌شوند.

مسأله ۲۷۳. هرگاه از روی علم و عمد بدون احرام از میقات بگذرد، باید به میقات بازگردد و مُحرم شود، و اگر نتواند بازگردد حجّ او باطل است، و باید سال بعد بجا آورد.

مسأله ۲۷۴. اگر بدون احرام از میقات بگذرد، و میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، لازم نیست به میقات اول بازگردد، بلکه از میقات دوم محرم می‌شود.

مسأله ۲۷۵. هرگاه از روی جهل یا فراموشی در میقات محرم نشود، هنگامی که یادش آمد اگر بیرون حرم است، باید از همان جا احرام ببندد، و اگر وارد حرم شده به بیرون حرم (مثلاً تنعیم) برود و احرام ببندد، و اگر نمی‌تواند از حرم بیرون برود، از همان جا که هست احرام می‌بندد.

مسأله ۲۷۶. چنانچه زن در حال عادت ماهیانه باشد، و خیال کند احرام بستن برای او جایز نیست، و در میقات احرام نبندد، اگر می‌تواند، باید به میقات برگردد و مُحرم شود، و اگر نمی‌تواند، به خارج حرم رود و در آنجا احرام ببندد، و اگر نمی‌تواند، از همان جا که هست احرام ببندد، و حج و عمره او صحیح است.

مسأله ۲۷۷. همانطور که قبلاً گفته شد احرام برای حج تمتع از خود مکه است. حال اگر از روی جهل یا فراموشی بدون احرام به سوی «عرفات» حرکت کند، چنانچه امکان داشته باشد به مکه برگردد و محرم شود، و اگر نتواند به مکه برگردد، در خود «عرفات» یا «مشعر» یا «منی» (قبل از رمی جمرات و قربانی کردن) محرم شود، و اگر بعد از رمی جمرات و قربانی یادش بیاید، وقت احرام گذشته، ولی حج او صحیح است.

مسأله ۲۷۸. هرگاه از روی جهل یا فراموشی احرام را ترک کند، و بعد از تمام شدن اعمال متوجه شود، اعمال او صحیح است؛ خواه در عمره تمتع باشد، یا حج، یا عمره مفرده.

مسأله ۲۷۹. کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته، و عمره مفرده بجا آورده، و تا ماههای حج در مکه مانده، باید برای احرام عمره تمتع به یکی از میقاتهای پنجگانه معروف برود، و نمی‌تواند از «تنعیم» محرم شود.

مسأله ۲۸۰. خدمه کاروانها می‌توانند عمره تمتع را بجا آورند، و از احرام

خارج شوند، سپس برای انجام کارهای ضروری به جدّه، یا مدینه، یا مانند آن بروند، ولی باید مطمئن باشند که به موقع به حج می‌رسند، و اگر بخواهند به عمره مفرده قناعت کنند (البته در صورتی که سال اول آنها نباشد) جایز است از ادنی الحل محرم شوند؛ مثلاً می‌توانند از حدیبیه^۱ که در وسط راه جدّه و مکه است محرم شوند، و در هر دو صورت اگر از مکه خارج شوند، و در همان ماه قمری که عمره انجام داده‌اند وارد شوند، احرام مجدد لازم نیست. در غیر این صورت، باید برای عمره مفرده دیگری محرم شوند.

۱. همانطور که گفته شد حدیبیه در کنار جاذه قدیم «جدّه مکه» واقع شده، و محاذی آن در جاذه جدید نزدیکی پل شمیسیه مسجدی ساخته‌اند که می‌توان از آنجا محرم شد.

استفتائات مواقیت و احکام آن

سؤال ۲۸۱. هرگاه حائض یا جنب، عمداً و عسیاناً وارد مسجد شجره شده، و همانند دیگران در آنجا توقف نموده، و محرم شود. آیا احرامش صحیح است؟

جواب: اگر عمداً باشد خالی از اشکال نیست؛ ولی همان‌گونه که قبلاً گفته‌ایم احرام از خارج مسجد نیز جایز است.

سؤال ۲۸۲. عده‌ای از مردم طائف عازم مکه بودند، که مأمورین دولتی مانع از رفتن آنها به قرن المنازل جهت احرام شدند. بدین جهت، به وادی عقیق رفته و از آنجا احرام بستند. با توجه به این که میقات مردم طائف قرن المنازل است، نه «وادی عقیق» آیا احرام آنها صحیح بوده است؟

جواب: آری احرام آنها صحیح است. هر کس به هر میقاتی رود و از آنجا محرم شود کافی است.

سؤال ۲۸۳. آیا میقات کسانی که به صورت موقت در مکه اقامت کرده‌اند برای حج، همان میقاتهای پنجگانه معروف است، یا باید از خود مکه محرم شوند؟

جواب: اگر فریضه آنها تبدیل نشده، یعنی دو سال در مکه نمانده‌اند، باید از میقاتهای معروف احرام ببندند، و اگر تبدیل شده، میقات آنها احتیاطاً از جمرانه است.

سؤال ۲۸۴. آیا برای ساکنین مکه، که وظیفه آنها حجّ افراد است و آن را به جا آورده‌اند، و قصد دارند حجّ تمتّع مستحبّی انجام دهند، جایز است برای عمره تمتّع از منزلشان، که از میقات به مکه نزدیکتر است، محرم شوند؟ به طور کلی در احرام عمره تمتّع مستحبّی، تفاوتی بین آفاقی^۱ و مکی هست؟

جواب: آنها می‌توانند از منزلشان محرم شوند؛ هر چند احرام آنها از یکی از میقاتهای پنجگانه نیز جایز است.

سؤال ۲۸۵. شخصی به قصد رفتن به جحفه جهت بستن احرام عمره تمتّع، از جدّه حرکت می‌کند. به او می‌گویند: «فقط راه مکه باز است، و شما نمی‌توانید به جحفه بروید» متحیر می‌شود، از شخص ظاهراً آگاهی سؤال می‌کند. ایشان می‌گوید: «چون شما نمی‌توانید به میقات بروید، از جدّه محرم شوید» آن شخص هم از جدّه محرم می‌شود. آیا حجّ او درست است؟

جواب: احرام از جدّه کافی نیست، ولی چون شخص مزبور جاهل بوده، عملش صحیح است.

سؤال ۲۸۶. آیا احرام عمره تمتّع از شهر جدّه جایز است؟

جواب: چون محاذی بودن شهر جدّه با هیچ یک از میقاتها مسلم نیست، باید برای احرام به میقات یا به محاذات میقات برود، و اگر هیچ

۱. کسانی که از مکه و محدوده آن بیرون هستند.

کدام امکان ندارد، احتیاطاً با نذر محرم می‌شود، و سپس بنا بر احتیاط در ابتدای حرم تجدید احرام می‌کند.

سؤال ۲۸۷. آیا کسی که در یکی از میقاتها برای عمره تمتع محرم شده می‌تواند بر خلاف جهت مکه سفر کند، و پس از چند روزی به مکه بیاید. مثل این که در مسجد شجره محرم شود، و به مدینه بازگردد، و پس از چند روز به مکه برود؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۸۸. کسی که در جدّه یا مدینه حالت روانی پیدا کرده، آیا لازم است با احرام وارد مکه گردد، یا بدون احرام نیز جایز است؟

جواب: مجنون تکلیفی ندارد، و احرام بر او واجب نیست؛ و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

سؤال ۲۸۹. آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۲۹۰. زنی بدون اجازه شوهرش نذر نموده، و قبل از رسیدن به میقات با نذر محرم می‌شود. آیا احرام وی و اعمال پس از آن صحیح است؟

جواب: اگر نذر او منافاتی با حق شوهرش ندارد، احرامش صحیح است.

سؤال ۲۹۱. شخصی عمداً یا جهلاً یا سهواً بدون احرام وارد مکه شده، و بر اثر گرانی بیش از حد کرایه، یا ممنوعیت خروج از سوی دولت و مانند آن، نمی‌تواند به میقات برگردد. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر بازگشت به میقات ممکن نیست، باید از ادنی الحل (مانند تنعیم) محرم شود؛ مگر این که ترک احرام از میقات بدون عذر

باشد، که در این صورت نمی‌تواند حج بجا آورد. هر چند احتیاط مستحب آن است که از ادنی‌الحل یا هر جا که می‌تواند محرم شود، و اعمال حج را بجا آورد، و سال آینده دوباره به حج برود.

فصل نهم:

اعمال عمره تمتع

۱. احرام

مسأله ۲۹۲. نخستین اعمال عمره و حج «احرام» است، و واجبات «احرام» سه چیز است: «پوشیدن لباس احرام»، «نیت» و «گفتن لبیک».

اول: پوشیدن لباس احرام

مسأله ۲۹۳. شخصی که می‌خواهد احرام ببندد واجب است قبلاً لباسهایی را که پوشیدنش بر محرم حرام است از تن بیرون آورد، سپس دو جامه احرام را بر تن کند. یکی را (که ازار گویند) به صورت لنگ دور کمر ببندد، و دیگری را مانند عبا بر دوش بیندازد (و آن را «رداء» گویند). این حکم مخصوص مردان است، و برای زنان پوشیدن دو جامه احرام، نه زیر لباسها و نه روی لباسها، لازم نیست. بلکه همان لباسها، لباس احرامشان محسوب می‌شود.

مسأله ۲۹۴. احتیاط واجب آن است که دو جامه احرام و طرز پوشیدن آن

به همین شکلی که معمول است باشد؛ یعنی لنگ را طوری ببندد که لااقل از ناف تا زانو را بپوشاند، و رداء را روی شانه بیفکند، به طوری که بقیه بدن را بپوشاند، ولی جنس و رنگ خاصی در جامه احرام شرط نیست، اما نباید دوخته باشد.

مسئله ۲۹۵. احتیاط واجب آن است که پوشیدن دو جامه احرام قبل از نیت و گفتن لَبَّیک باشد، و اگر بعد از لَبَّیک بپوشد، احتیاط آن است که لَبَّیک را دوباره بگوید.

مسئله ۲۹۶. احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزند، و اگر از روی جهل یا فراموشی گره بزند احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرری نمی‌زند و چیزی بر او نیست (اما گره زدن آن به دور کمر مانعی ندارد). و بهترین راه آن است که روی لنگ کمر بند یا مانند آن ببندد تا کاملاً راحت باشد؛ اما گره زدن دو طرف رداء مانعی ندارد. همچنین بستن آن به وسیله سنجاق، یا گذاشتن سنگی در یک طرف حوله و بستن آن با یک قطعه کش یا نخ به طرف دیگر (آن گونه که در میان بعضی از حجاج معمول است) نیز مانعی ندارد؛ هر چند ترک این امور بهتر است.

مسئله ۲۹۷. احتیاط واجب آن است که در حال اختیار به یک جامه بلند، که مقداری از آن را لنگ و مقداری را رداء قرار می‌دهند، اکتفا نکنند؛ بلکه باید دو جامه جداگانه باشد.

مسئله ۲۹۸. احتیاط واجب آن است که در پوشیدن جامه احرام قصد قربت و جلب رضای الهی داشته باشد، و احتیاط مستحب آن است که به هنگام بیرون آوردن جامه دوخته هم قصد قربت داشته باشد.

مسئله ۲۹۹. تمام چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه

احرام نیز شرط می‌باشد؛ بنابراین لباسهای احرام باید پاک باشد، و از اجزای حیوان حرام گوشت، یا ابریشم خالص، و زربفت نباشد. (در این حکم، بنا بر احتیاط واجب، فرقی میان زن و مرد نیست، هر چند در نماز در مورد پارچه ابریشم و زربفت میان زن و مرد تفاوت است).

مسئله ۳۰۰. در مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار بخشوده شده، در لباس احرام نیز بخشوده شده است؛ ولی در طواف بخشوده نیست.

مسئله ۳۰۱. إزار (لنگ) باید بدن نما نباشد، و احتیاط واجب آن است که رداء نیز چنین نباشد.

مسئله ۳۰۲. احتیاط واجب آن است که جامه احرام از پوست نباشد.

مسئله ۳۰۳. احتیاط واجب آن است که جامه احرام منسوج و بافتنی نباشد، و چیزهایی مانند نمد کافی نیست.

مسئله ۳۰۴. واجب نیست همیشه لباس احرام را به تن داشته باشد؛ بلکه می‌تواند برای شستن، یا عوض کردن، یا حمام رفتن، یا مقصود دیگری، موقتاً آن را از تن درآورد.

مسئله ۳۰۵. هرگاه لباس احرام نجس شود باید آن را بشوید، و اگر میسر نبود هر وقت ممکن شد اقدام به تطهیر آن می‌کند. (و اگر رداء نجس شود می‌تواند موقتاً آن را بردارد) و احتیاط آن است که اگر بدن نیز در حال احرام نجس شود، مبادرت به تطهیر آن کند.

مسئله ۳۰۶. اگر جامه احرام یا بدن را تطهیر نکند کفاره ندارد.

مسئله ۳۰۷. هرگاه محرم جامه احرام را بنا بر عللی عوض کرده، بهتر است هنگامی که وارد مکه می‌شود، برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده، بپوشد.

مسأله ۳۰۸. اگر از روی نادانی یا فراموشی در حالی که پیراهن یا لباسهای معمولی دیگر در تن دارد احرام ببندد، احرام او صحیح است؛ ولی باید فوراً آن لباس را از تن بیرون آورد، و فقط لباس احرام بپوشد، و اگر این کار از روی علم و عمد باشد، احتیاط آن است که در این صورت بعد از بیرون آوردن آن لباس و پوشیدن لباس احرام، دوباره نیت کند و لَبَّیک بگوید.

مسأله ۳۰۹. هرگاه بعد از احرام به خاطر ندانستن مسأله یا فراموشی، پیراهن به تن کند احرامش صحیح است؛ ولی باید آن را از طرف پایین در آورد، و اگر ممکن نشد، باید آن را بشکافد و بیرون آورد.

مسأله ۳۱۰. هرگاه بیمار باشد و نتواند لباس معمولی خود را در میقات از تن در آورد، کافی است نیت احرام کند و لَبَّیک بگوید، و در صورت امکان لباسهای معمولی را موقتاً در آورد و لباس احرام بپوشد و محرم شود، و بعداً اگر ناچار است لباس معمولی خود را به تن کند، و اگر در میقات این کار ممکن نشد، و بعداً حال او برای پوشیدن لباس احرام مساعد شد، احتیاط واجب آن است که اگر توانایی دارد به میقات برگردد، و مجدداً احرام ببندد، و اگر بازگشت به میقات میسر نبود، از همان جا لباس را عوض می‌کند، و تجدید احرام لازم نیست.

مسأله ۳۱۱. پوشیدن بیش از دو جامه (مثلاً دو حوله) برای احرام جهت جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن، اشکالی ندارد.

مسأله ۳۱۲. هرگاه محرم بر اثر سردی هوا، یا علت دیگر، ناچار شود لباس دوخته بپوشد، این کار اشکالی ندارد، ولی اگر ممکن است، لباس دوخته را پشت و رو کند و بر دوش بیندازد، و دست در آستین آن نکند، و اگر اضطرار به پوشیدن لباس دوخته به این نوع پوشش رفع نمی‌شود، می‌تواند به طور معمولی لباس بپوشد.

دوم: نیت

مسأله ۳۱۳. نیت احرام چنین است که قصد می‌کند اموری را که بعداً به آن اشاره می‌شود بر خود حرام بشمرد، و به دنبال آن به اعمال عمره یا حج بپردازد، و کافی است با در نظر گرفتن این معنی، به زبان، یا در قلبش بگوید: «احرام می‌بندم برای عمره تمتع از حج واجب (یا مستحب) برای خودم (یا برای کسی که از طرف او نیابت دارم) قربة الی الله» و منظورش از «احرام می‌بندم» بناگذاری بر تحریم کارهای مزبور بر خویش است، و در احرام حج می‌گوید: «احرام می‌بندم برای حج واجب قربة الی الله» و در عمره مفرده می‌گوید: «احرام می‌بندم برای عمره مفرده قربة الی الله».

مسأله ۳۱۴. لازم نیست نیت را بر زبان جاری کند، بلکه کافی است چنین قصدی در دل او باشد، ولی بهتر است علاوه بر قصد باطنی، بر زبان نیز جاری سازد.

مسأله ۳۱۵. مستحب است ولی طفل غیر ممیز، یا هر کسی که عهده‌دار کارهای کودک است او را محرم کند، و لباس احرام بر وی بپوشاند، و از طرف او نیت کند؛ یعنی به هنگام عمره تمتع بگوید: «این طفل را محرم می‌کنم به عمره تمتع قربة الی الله» و به هنگام حج تمتع بگوید: «این طفل را محرم می‌کنم برای حج تمتع قربة الی الله»، و در صورت امکان او را وادار کند که لبتیک بگوید، و اگر توانایی ندارد خودش از طرف او لبتیک بگوید؛ اما اگر ولی می‌ترسد که نتواند وظایف مربوط به کودک را بدرستی انجام دهد، بهتر است از محرم کردن وی صرفنظر کند.

مسأله ۳۱۶. منظور از قصد قربت، قصد جلب رضای خدا و قرب به ذات پاک اوست، و باید در همان حال، قصد انجام مناسک عمره یا حج را داشته

باشد، و بهتر است از همان اول تعیین کند که قصد عمره دارد، یا حج، و منظورش مثلاً «حجّة الاسلام» است (یعنی حجّ واجب به خاطر استطاعت) یا «حجّ مستحب»، یا «حجّ نذری» یا «نیابت»، ولی اگر از اول نیت احرام کند به این قصد که نوع عمل را بعداً تعیین نماید، نیز مانعی ندارد. (ولی احتیاط واجب آن است که قصد نیابت را از اول تعیین کند).

مسأله ۳۱۷. عمره و حج و اجزاء آن از عبادات است، و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند تعالی بجا آورد.

مسأله ۳۱۸. اگر عمره تمتع را به سبب ریا، یا غیر آن، باطل کند، احتیاط واجب آن است که حجّ افراد بجا آورد، و پس از آن عمره مفرده انجام دهد، و در سال دیگر حج را اعاده نماید، مگر این که بتواند عمره را اعاده کند.

مسأله ۳۱۹. اگر حج را به نیت خالص بجا نیاورد، و آن را به ریا و مانند آن باطل کند، باید سال آینده عمره و حج را اعاده نماید.

مسأله ۳۲۰. اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به قصد ریا انجام دهد، و آن را باطل کند، و نتواند جبران نماید، باید طبق آنچه در دو مسأله بالا گفته شد عمل نماید، ولی اگر محلّ جبران باقی است و جبران کند، عملش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

مسأله ۳۲۱. اگر بر اثر ندانستن مسأله، یا جهت دیگری، بجای نیت عمره تمتع، حجّ تمتع را قصد کند، و در نظرش این باشد که همان عملی که همه مردم انجام می‌دهند او هم بجا آورد، ولی خیال کرده جزء اول از دو جزء اعمال حج، حجّ تمتع نام دارد، بدین جهت نیت حجّ تمتع کرده، عمل او صحیح است و عمره تمتع محسوب می‌شود، و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

مسأله ۳۲۲. اگر بر اثر جهل به مسأله، یا جهت دیگری، گمان کند که حج تمتع بر عمره تمتع مقدم است، و به هنگام احرام، نیت حج تمتع کند، و قصد داشته باشد پس از احرام به عرفات و مشعر برود و مناسک حج تمتع را انجام دهد، سپس عمره را بجا آورد، بنابر احتیاط واجب احرام او باطل است، و باید در میقات دوباره محرم شود، و اگر از میقات عبور کرده، باید در صورت امکان به میقات برگردد و در آنجا محرم شود، و اگر امکان بازگشت به میقات نیست، از همانجا که هست محرم می‌شود، و اگر وارد حرم شده و توجه به مسأله پیدا کرده، باید در صورت امکان از حرم خارج شود و محرم گردد، و گرنه در همانجا احرام می‌بندد، و اعمال او صحیح است.

مسأله ۳۲۳. اگر زن در میقات حائض باشد، و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند، و برای حج افراد محرم شود، ولی اگر بعد از آن فهمید اشتباه کرده، در صورتی که برای حجة الاسلام محرم شده، احرام او باطل است، و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود، ولی بهتر است زن در چنین مواردی در موقع احرام، نیت کند احرامی را که بر او واجب است انجام دهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

مسأله ۳۲۴. هرگاه در موقع نیت احرام قصد شکستن بعضی از محرّمات را داشته باشد (مثل این که در همان موقع در حال سفر باشد، و بدون ضرورت زیر سقف اتومبیل یا هواپیما قرار گیرد) برای احرام او خالی از اشکال نیست، و اگر در آغاز نیت ترک همه را داشته، ولی پس از احرام نیت او عوض شود، یا بعضی از آن اعمال را مرتکب گردد، ضرری به احرام او نمی‌زند؛ هر چند در مواردی باید کفاره دهد.

مسأله ۳۲۵. دانستن اموری که بر محرم حرام است به طور مشروح لازم نیست؛ بلکه کافی است به طور اجمال نیت ترک همه را داشته باشد.

سوم: گفتن لبّیک

مسأله ۳۲۶. واجب است هنگام احرام «لبّیکهای چهارگانه» را به عربی صحیح بگوید، و احتیاط واجب آن است که بصورت زیر باشد:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ؛ خداوندا! اجابت (و اطاعت) می‌کنم دعوت تو را، و دگر بار هم اجابت می‌کنم تو را، همتایی برای تو نیست، اجابت می‌کنم تو را، ستایش تنها تو را سزاوار است، و نعمت و ملک از آن توست، هیچ همتایی نداری!».

مسأله ۳۲۷. احتیاط واجب آن است از افزودن لبّیک پنجم و عبارات دیگر خودداری شود؛ مگر آنچه در مستحبات خواهد آمد.

مسأله ۳۲۸. واجب است لبّیکهای چهارگانه فوق را، همانند تکبیره الاحرام نماز، به طور صحیح ادا کند.

مسأله ۳۲۹. در صورتی که زائر نتواند این عبارات را به عربی صحیح ادا کند، باید آن را یاد بگیرد، و اگر نتواند، یا وقت نباشد، کافی است دیگری شمرده شمرده برای او بخواند و او تکرار نماید، و چنانچه قادر بر تلفظ صحیح نباشد، احتیاط آن است آنچه را می‌تواند بخواند، و ترجمه آن را نیز بگوید.

مسأله ۳۳۰. شخص گنگ بجای گفتن «لبّیک» با دست خود اشاره می‌کند، و زبان خود را طبق معمول حرکت می‌دهد، و بهتر است علاوه بر این، کسی به نیابت از او نیز لبّیک بگوید، ولی واجب نیست.

مسأله ۳۳۱. کودکان می‌توانند برای عمره یا حج مُحرم شوند، اگر خودشان تمیز بدهند «لَبَّيْكَ» را همراه با نیت می‌گویند، و اگر غیر ممیز باشند ولی یا کسی با اجازه ولی از طرف آنها نیت می‌کند و لبّیک می‌گوید، و هرگاه کسی در میقات بیهوش باشد، از طرف او نیز می‌توان نیت کرد و لبّیک گفت.

مسأله ۳۳۲. در احرام فقط یک بار لبّیک گفتن (به صورتی که گفته شد) واجب است، و بعد از آن، مستحبّ است آن را در حالات مختلف به مقدار امکان تکرار کند؛ یعنی در موقع سوار شدن بر مرکب و پیاده شدن، و گذشتن از پستیها و بلندیها، و پس از خواب، و بعد از نمازها تکرار می‌نماید، و بهتر است مردان صدای خود را به لبّیک بلند کنند.

مسأله ۳۳۳. در احرام عمره تمتّع واجب است مُحرم هنگامی که خانه‌های مکه را مشاهده کرد «لَبَّيْكَ» را قطع کند، و در احرام حج به هنگام ظهر روز عرفه، و در عمره مفرده واجب است هنگام مشاهده کعبه اگر از مکه برای احرام به خارج رفته است، و هنگام داخل شدن به منطقه حرم اگر از خارج مکه به سوی آن می‌آید، لبّیک را قطع کند.

مسأله ۳۳۴. هرگاه محرم «لَبَّيْكَ» واجب را، چه عمدأ و چه بر اثر عذر، نگفته باشد، محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود، و اگر چیزی از محرمات احرام که کفّاره دارد انجام دهد، کفّاره بر او واجب نمی‌شود. همچنین اگر «لَبَّيْكَ» اوّل را با ریا باطل کند.

مسأله ۳۳۵. پیش از گفتن «لَبَّيْكَ» اعمالی که بر محرم حرام است، بر او حرام نمی‌شود؛ هر چند نیت احرام کرده، و لباس احرام را نیز پوشیده باشد. بنابراین، اگر قبل از گفتن لبّیک چیزی از آنها را بجا آورد کفّاره‌ای ندارد،

و در حقیقت «لَبَّيْكَ» مانند «اللَّهُ اكْبَرُ» اول نماز است، که تا آن را نگوید وارد نماز نمی‌شود، و هرگاه شک کند که «لَبَّيْكَ» گفته یا نه؟ باز هم چیزی بر او حرام نمی‌شود.

مسأله ۳۳۶. هرگاه در میقات باشد و شک کند لبّیک گفته، یا نه باید لبّیک را بگوید، و اگر از میقات گذشته، احتیاط آن است اگر می‌تواند بازگردد و لبّیک را بگوید، و اگر نمی‌تواند، در همانجا بگوید، و اگر لبّیک گفته، اما نمی‌داند صحیح گفته یا نه؟ بنا را بر درست گفتن می‌گذارد، و احرامش صحیح است.

مسأله ۳۳۷. اگر لبّیک را فراموش کند، یا به خاطر ندانستن مسأله آن را نگوید، واجب است در صورت امکان به میقات برگردد و احرام ببندد و لبّیک بگوید، و اگر نتواند برگردد، و هنوز داخل حرم نشده، همانجا لبّیک می‌گوید، و اگر داخل حرم شده، واجب است به خارج حرم بازگردد، و در آنجا احرام ببندد و لبّیک بگوید، و چنانچه نمی‌تواند بازگردد، همانجا محرم می‌شود و لبّیک می‌گوید، و اگر بعد از اتمام حج یا عمره یادش بیاید، عمل او صحیح است.

مسأله ۳۳۸. جایز نیست لبّیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد، و اگر عمداً تأخیر بیندازد، باید به وظیفه کسی که بدون احرام از میقات عبور کرده عمل کند؛ یعنی اگر می‌تواند بازگردد.

مسأله ۳۳۹. اگر پس از گفتن لبّیک واجب در میقات، شک کند که نیت حجّ تمتع کرده، یا نیت عمره تمتع، بنا می‌گذارد که نیت عمره تمتع کرده، و عمره‌اش صحیح است. همچنین اگر بعد از گفتن لبّیک در روز هشتم ذی‌الحجه، که باید برای حجّ تمتع تلبیه بگوید، فراموش کند که برای حجّ لبّیک گفته، یا برای عمره، بنا می‌گذارد که برای حجّ تمتع گفته، و حجّ او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که دوباره لبّیک بگوید.

احکامِ احرام

مسأله ۳۴۰. لازم نیست محرم به هنگام احرام بستن، از حدث اصغر و اکبر پاک باشد، بنابراین بدون وضو، و در حال جنابت یا حیض، یا نفاس می‌تواند محرم شود. (البته روشن است که در صورت جنابت و حیض و نفاس باید خارج از مسجد محرم شود)، البته غسل احرام بر زن حائض و نفساء نیز مستحب است.

مسأله ۳۴۱. اگر احرام را فراموش کند یا بر اثر جهل ترک کند، و بعد از پایان مناسک و اعمال متوجه شود، عمره و حج او صحیح است.

مسأله ۳۴۲. احرام کسی که ختنه نشده صحیح است، ولی طواف و نماز طواف‌های او اشکال دارد، و در احرام باقی می‌ماند. مگر آن که ختنه کرده و سپس طواف و نماز طواف را بجای آورد.

مسأله ۳۴۳. اگر بچه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام و تمام طواف‌هایش صحیح است؛ زیرا در طواف صبی ختان شرط نیست.

مسأله ۳۴۴. هرگاه مکلفی که ختنه نشده مستطیع گردد (مانند کسی که تازه مسلمان شده) چنانچه بتواند ختنه کند باید در همان سال به حج برود، و اگر نتواند، حج را به تأخیر می‌اندازد تا ختنه شود، و اگر ختنه کردن برای همیشه برای او ضرر دارد، باید با همان حال حج را بجا آورد. (ولی احتیاط مستحب آن است علاوه بر این که خودش طواف می‌کند، نایی هم بگیرد تا برای او طواف کند).

استفتائات احرام

سؤال ۳۴۵. بعضی از مردان محرم برای این که موقع وزش باد، یا به هنگام سوار شدن ماشین، یا مانند آن، عورت آنها ظاهر نشود، علاوه بر دو حوله احرام، یک متر پارچه نذوخته از وسط پا عبور می دهند، به گونه ای که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می گیرد. این عمل چه حکمی دارد؟
جواب: اشکال ندارد؛ ولی اجتناب از این گونه کارها جز در موارد ضروری بهتر است.

سؤال ۳۴۶. آیا لباس احرام منحصر به دو جامه است، و نباید بیشتر باشد؟
جواب: مقدار واجب آن دو جامه است، و زیاده تر مانعی ندارد؛ مشروط بر این که مانند لباس احرام باشد، مثلاً از حوله های متعدد استفاده کند.

سؤال ۳۴۷. اینجانب به علت قطع نخاع و عدم کنترل بول و مشکلات دیگر، نمی توانم بدن و لباس احرام خود را پاک نگهدارم، وظیفه ام چیست؟
جواب: آن مقدار که می توانید محافظت کنید، و آنچه موجب عُسر و حرج است اشکالی ندارد.

سؤال ۳۴۸. اگر لباس احرام زنان به قدری نازک باشد که بدن آنها نمایان گردد، آیا به اعمال حج آنان ضرری می‌رساند؟
جواب: این کار برای احرام اشکال دارد و طواف و نماز طواف را باطل می‌کند.

سؤال ۳۴۹. طبق فتوای بعضی از مراجع که فرموده‌اند: «احتیاطاً زنان هم مثل مردان محرم شوند» آیا زن بعد از پوشیدن حوله‌های احرام، می‌تواند حوله‌ها را کنار بگذارد، و اعمال حج را با لباس معمولی اش انجام دهد؟
جواب: زنان می‌توانند در همان لباسهای معمولی محرم شوند، و پوشیدن حوله‌های احرام لازم نیست، و به فرض که احتیاطاً با آن محرم شوند، بعد می‌توانند بیرون آورند.

سؤال ۳۵۰. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:
 الف) اگر جامه احرام را از پول خمس یا زکات نداده خریده باشند، آیا احرام در آن صحیح است؟
جواب: احرام در آن حرام است.

ب) آیا پرداخت خمس لباس احرام، که معلوم نیست از پول خمس نداده تهیه شده، یا از پولی که خمس به آن تعلق نگرفته (مانند مال الارث) واجب است؟

جواب: با فرض شک در تعلق خمس، پرداختن خمس آن لازم نیست، هر چند احتیاط در آن مطلوب است.

سؤال ۳۵۱. آیا کسی که فقط نیابت در طواف یا سعی می‌کند لازم است لباس احرام بپوشد؟
جواب: لازم نیست.

سؤال ۳۵۲. چنانچه شخصی که سال خمسی نداشته به حج مشرف شود، و با همان پولهای خمس نداده هزینه‌های حج، از جمله لباس احرام و قربانی را تأمین نماید. حج او چه حکمی دارد؟
جواب: از این کار باید اجتناب کرد.

سؤال ۳۵۳. چنانچه شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده بعد از فراغت از اعمال حج، خمس اموالش را بپردازد، اعمالش صحیح است؟
جواب: احتیاط مستحب آن است که طواف و نماز طواف را اعاده کند.

سؤال ۳۵۴. یکی از حاجیها به هنگام احرام به شکل زیر نیت نموده است: «محرم می‌شوم برای عمره تمتع (یا حج تمتع)، قربة الی الله» با توجه به این که برخی از فقهاء فرموده‌اند: «نیت احرام لازم نیست»، احرام ایشان چه حکمی دارد؟

جواب: احرام از امور قصدی است، و حقیقت آن بناگذاری بر تحریم تروک احرام بر خویشتن است، و باید نیت کرد، و اگر مقصود او از جمله مذکور همین معنی باشد کافی است.

سؤال ۳۵۵. شخصی در گذشته حج واجبش را انجام داده، و بنا داشته حج مستحبی بجا آورد، ولی از روی ناآگاهی، یا فراموشی، در نیت احرام عمره گفته: «احرام می‌بندم برای عمره تمتع از حج تمتع از حجة الاسلام قربة الی الله» آیا چنین نیتی به حج مستحبی او ضرر می‌زند؟

جواب: این گونه نیت اشکال دارد؛ مگر این که اشتباه لفظی باشد، و قصدش این بوده عمره‌ای که وظیفه اوست انجام دهد، ولی اسمش را از روی اشتباه حجة الاسلام گذاشته است. در این صورت صحیح است، و معمولاً همین‌گونه است.

سؤال ۳۵۶. زنی قبل از احرام عمره تمتع می‌دانست که عادت ماهانه او ده روز طول می‌کشد، و وقت کافی برای اعمال عمره تمتع قبل از احرام حج تمتع نخواهد داشت، ولی با همه این اوصاف نیت عمره تمتع می‌کند، وظیفه او چیست؟

جواب: نیت را به حج افراد برمی‌گرداند، و حج او اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۷. هرگاه کسی که به دیگران «نیت احرام» و «تلبیه» را تلقین می‌کرده، فراموش کند که خودش نیت نماید، وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه نگفته، محرم نشده، و باید - در صورت امکان - به میقات بازگردد و محرم شود. و اگر بازگشت به میقات ممکن نیست، به خارج حرم رود و در آنجا مجدداً احرام بندد.

سؤال ۳۵۸. اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه محرم نمی‌شود، و در عین حال تلبیه را غلط بگوید، و سپس اعمال حج را انجام دهد، آیا اعمالش صحیح است؟

جواب: چنانچه عمداً غلط گفته اعمالش صحیح نیست، و اگر عمدی نبوده، بلکه از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله بوده، اعمالش صحیح است.

سؤال ۳۵۹. بعضی از زائران ایرانی، کلماتی مانند «لَبَّيْكَ»، «غیر»، «یوم» و مانند آن را به گونه‌ای ادا می‌کنند که گاه احساس می‌شود متمایل به کسره است. در مقابل بعضی از اهل دقت، یا وسواسیها، اظهار می‌دارند که فتحه باید کاملاً ظاهر شود، و به هنگام تلفظ چنان اشباع می‌کنند که شبیه به «الف» می‌شود (و لبّیاک می‌گویند) در حالی که اساتید قرائت زبان عربی و حتی خود عربها نیز به دقتی که گروه دوم لازم می‌دانند، ادا نمی‌کنند. لطفاً بفرمایید طرز صحیح قرائت این کلمات چگونه است؟

جواب: در این گونه مسائل باید به تلفظ اهل لسان توجه کرد؛ و از آنجا که اهل لسان فتحه را به صورتی که گروه دوّم معتقدند نمی‌گویند، احتیاط آن است که از آن پرهیز شود؛ و آنچه از اهل لسان بارها شنیده‌ایم این است که فتحه را کمی مایل به کسره ادا می‌کنند، و همین صحیح است.

سؤال ۳۶۰. اگر کسی تلبیه را غلط بگوید، و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج متوجه این مسأله شود، وظیفه او نسبت به سایر اعمال و همچنین عمره قبلی چیست؟

جواب: با توجه به این که بعد از زمان جبران متوجه شده، اعمالش صحیح است، و هرگاه اعمال منی را انجام نداده به نزدیکترین نقطه خارج از حرم می‌رود و محرم می‌شود، و اعمال منی را انجام می‌دهد؛ و از احرام خارج می‌شود، سپس سایر اعمال حج را کامل می‌کند، و احتیاط آن است که یک عمره مفرده بعد از آن انجام دهد یعنی به مسجد تنعیم می‌رود و احرام می‌بندد، و اعمال عمره را بجا می‌آورد.

سؤال ۳۶۱. یکی از حجاج شنوایی خود را به کلی از دست داده، و زبانش هم لکنت دارد، و قادر بر تکلم صحیح نمی‌باشد. مسؤولین و دوستانش به این موضوع توجه نداشته، و آن شخص در میقات نیت نکرده، و تلبیه هم نگفته، و به همین شکل همراه بقیه وارد مکه شده است، وظیفه او چیست؟

جواب: باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه محرم شود؛ هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند به میقات بازگردد، باید در خارج از حرم محرم شود، و اگر نمی‌تواند تلبیه را، هر چند با تلقین، صحیح بگوید احتیاط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید، و ترجمه‌اش را نیز بر زبان آورد.

سؤال ۳۶۲. چنانچه پس از خروج از میقات متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده، یا به جهت دیگری احرامش درست نبوده، و از طرفی نمی‌تواند از نیمه راه به میقات برگردد، بلکه باید به مکه بیاید، و از آنجا به میقات بازگردد. وظیفه چنین شخصی چیست؟

جواب: اگر می‌تواند به میقات بازگردد، هر چند بعد از رفتن به مکه باشد، باید چنین کند، ولی چون وارد شدن به مکه بدون احرام جایز نیست، از ادنی الحلّ به نیت عمره مفرده محرم می‌گردد، و پس از اعمال عمره مفرده، به یکی از مواقیت معروف می‌رود، و برای «عمره تمتّع» به طور صحیح محرم می‌شود.

سؤال ۳۶۳. آیا خانمها می‌توانند تلبیه را به گونه‌ای بلند بگویند که مرد نامحرم صدای آنها را بشنود؟

جواب: جایز است.

سؤال ۳۶۴. آیا به هنگام پوشیدن لباس احرام، چه در میقات باشد یا ساعتها قبل از بستن احرام در مدینه صورت گرفته باشد، قصد خاصی لازم است؟

جواب: هیچ قصدی لازم نیست، بلکه هنگام احرام مطابق آنچه در بحث احرام گذشت نیت می‌کند.

سؤال ۳۶۵. هرگاه شخصی در میقات، یا محاذات آن، یا ادنی الحلّ، یا شهر مکه، و خلاصه هر جا که وظیفه‌اش بوده محرم شود، و سپس پشیمان گردد، آیا می‌تواند احرامش را بر هم بزند؟

جواب: نمی‌تواند از احرام خارج شود. حتی اگر لباس احرام را از تن بیرون کند، و لباس دوخته بپوشد، و قصد بیرون آمدن از احرام کند،

احرامش به هم نمی خورد، و آنچه به سبب احرام بر او حرام شده حلال نمی شود، و اگر کاری کند که موجب کفاره است، باید کفاره بدهد و راه خروج از احرام فقط انجام عمره یا حج است که نیت آن را کرده است.

محرمات احرام

مسأله ۳۶۶. هنگامی که انسان محرم می‌شود کارهای زیر بر او حرام می‌گردد، و بعضی دارای کفاره است، به عقیده ما بعضی از آنها مکروه است، که شرح آن خواهد آمد. این کارها به ترتیب زیر است:

۱. پوشیدن لباس دوخته (برای مردان).
۲. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند (برای مردان).
۳. پوشانیدن سر (برای مردان).
۴. پوشانیدن صورت (برای زنان).
۵. زینت کردن برای همه.
۶. سرمه کشیدن.
۷. نگاه کردن در آینه.
۸. استعمال بوی خوش.
۹. مالیدن کرم و روغن به بدن.
۱۰. ناخن گرفتن.
۱۱. زیر سایه رفتن در حال سفر (برای مردان).

۱۲. زائل کردن مو از بدن.
۱۳. عقد ازدواج.
۱۴. نگاه به همسر از روی شهوت.
۱۵. لمس کردن.
۱۶. بوسیدن.
۱۷. نزدیکی کردن.
۱۸. استمناء کردن.
۱۹. کشتن حشرات.
۲۰. بیرون آوردن خون از بدن.
۲۱. کشیدن دندان.
۲۲. مجادله کردن.
۲۳. دروغ گفتن.
۲۴. صید حیوانات صحرائی.
۲۵. حمل اسلحه.

مسأله ۳۶۷. پس از آن که کودک محرم شد، یا او را محرم نمودند، ولی یا سرپرست او باید او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست، او را از محرمات احرام حفظ کند.

مسأله ۳۶۸. اگر کودک محرم مرتکب یکی از محرمات احرام شد، کفاره آن در صید بر عهده ولی اوست، نه آن که از اموال طفل بپردازد، و احتیاط مستحب آن است که در غیر صید نیز ولی از طرف او کفاره بدهد.

۱. پوشیدن لباس دوخته (برای مردان)

مسأله ۳۶۹. پوشیدن لباسهایی مانند پیراهن، قبا، کت و شلوار، زیر پیراهن، شورت، بر مردان در حال احرام حرام است؛ بلکه احتیاط واجب آن است که از هر لباس دوخته اجتناب کنند. همچنین از لباسهای بافتنی، و لباسهایی که قطعات آن را به هم می‌چسبانند، یا مانند نمد درست می‌کنند، و به صورت پیراهن و پالتو و شلوار و مانند آن است، هر چند دوختنی نباشد و نخ و سوزن در آن به کار نرود، احتیاط واجب این است که از همه این‌ها پرهیز شود.

مسأله ۳۷۰. در لباس دوخته تفاوتی میان لباس کوچک و بزرگ نیست، ولی انداختن پتوهایی که اطراف آن دوخته شده بر شانه برای دفع سرما و مانند آن، یا کشیدن لحاف دوخته شده به روی بدن (به شرط این که سر خود را با آن نپوشاند) اشکال ندارد، بلکه اگر لبه‌های احرامی نیز دوخته باشد ضرری ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است.

مسأله ۳۷۱. بستن «همیان»^۱ و مانند آن بر کمر مانعی ندارد، هر چند دوخته شده باشد. همچنین بستن کمر بند روی احرامی نیز مانعی ندارد؛ خواه دوخته باشد، یا غیر دوخته. بستن شال دوخته شده روی احرامی نیز بی‌مانع است، اما احتیاط مستحب در تمام اینها ندوخته بودن است.

مسأله ۳۷۲. استفاده از فتق بند، هر چند دوخته باشد، مانعی ندارد. همچنین کیفهای دوخته‌ای که احیاناً به گردن یا شانه می‌اندازند، و قمقمه‌آب که در محفظه دوخته‌ای قرار دارد، ضرری ندارد.

۱. همیان کمر بند پهنی است که بر کمر می‌بندند و پول نقد و مانند آن را در آن می‌گذارند.

مسأله ۳۷۳. همان گونه که در باب احرام گفتیم احتیاط واجب آن است که لنگ احرامی را به گردن گره نزند؛ اما گره زدن آن به دور کمر، مخصوصاً در آنجا که احتیاج به آن باشد، و همچنین گره زدن دو طرف رداء، یا استفاده از سنجاق برای نگهداشتن آن، یا لنگ مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن است، و آنچه در میان بعضی از حجّاج معمول است، که سنگی در کنار حوله گذاشته، و با یک قطعه کش یا نخ آن را به طرف دیگر می‌بندند نیز جایز است، و بهترین راه برای حفظ لنگ، استفاده از کمر بند است.

مسأله ۳۷۴. پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان بی مانع است؛ مگر دستکش که جایز نیست، هر چند دوخته نباشد.

مسأله ۳۷۵. کسی که عمداً لباس دوخته بپوشد، کفاره آن یک گوسفند است؛ اما اگر از روی فراموشی یا جهل باشد چیزی بر او نیست.

مسأله ۳۷۶. پوشیدن لباس دوخته در حال اضطرار حرام نیست، ولی کفاره دارد.

مسأله ۳۷۷. اگر محرم چند لباس دوخته بپوشد، باید برای هر کدام یک کفاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کند و یک دفعه بپوشد، برای هر یک کفاره جداگانه بپردازد.

مسأله ۳۷۸. اگر از روی اضطرار لباس‌های متعدّد بپوشد کفاره ساقط نمی‌شود؛ مگر این که کفاره متعدّد موجب عسر و حرج شود.

مسأله ۳۷۹. اگر لباسی، مثلاً پیراهن، بپوشد و کفاره آن را بپردازد، و دوباره پیراهن دیگری بپوشد، یا همان را که پوشیده از تن بیرون آورد و مجدداً بپوشد، باید دوباره کفاره بپردازد.

۲. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند (برای مردان)
 مسأله ۳۸۰. پوشیدن کفشهایی که تمام روی پا را می‌پوشاند، مانند کچمه، گیوه، کفشهای معمولی و امثال آن، و همچنین جوراب در حال احرام جایز نیست؛ خواه ساق پا را بپوشاند، یا نه؛ اما اگر قسمتی از روی پا را بپوشاند، مانند دمپایی، و کفشهایی که قسمتی از روی پا در آن پوشیده نمی‌شود، مانعی ندارد. البته این حکم مخصوص مردان است، و پوشیدن کفش و جوراب برای زنان در حال احرام اشکال ندارد.

مسأله ۳۸۱. هرگاه حولهٔ احرامی بلند باشد و روی پا را بپوشاند، یا مثلاً برای رفع درد پا، پارچه‌ای را داغ کنند و بر روی پا بگذارند، اشکالی ندارد.
 مسأله ۳۸۲. هرگاه مرد عمداً، یا در حال اضطرار، کفش و جوراب بپوشد کفاره ندارد، همچنین اگر از روی فراموشی یا جهل باشد. و احتیاط مستحب آن است که اگر مجبور به پوشیدن کفش و جوراب شود، قسمت روی پا را شکاف دهد.

۳. پوشانیدن سر (برای مردان)

مسأله ۳۸۳. پوشانیدن تمام سر برای مردان در حال احرام حرام است، و احتیاط واجب آن است که قسمتی از سر را نیز نپوشانند، ولی پوشانیدن سر با دست، یا موقع خشک کردن با حوله، یا به هنگام خواب به وسیلهٔ بالش جایز است. همچنین انداختن بند مشک و ساک و مانند آن، بر سر جایز است، و پوشانیدن صورت نیز برای مردان مانعی ندارد.

مسأله ۳۸۴. احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهایی مثل گِل، حنا، دارو، و مانند آن نیز نپوشاند.

مسأله ۳۸۵. احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد؛ مثلاً باری را که می‌خواهد حمل کند بر روی سر قرار ندهد.

مسأله ۳۸۶. احتیاط واجب آن است که گوشها را نیز نپوشانند.

مسأله ۳۸۷. جایز نیست محرم سر خود را در آب فروبرد؛ خواه بقیه بدن زیر باشد یا نه؛ اما ریختن آب بر سر خواه برای غسل باشد یا غیر آن مانعی ندارد، همچنین زیر دوش رفتن؛ ولی سر خود را در وان حمام زیر آب نکنند.

مسأله ۳۸۸. دستمالی که برای سردرد به سر می‌بندند اشکال ندارد، و خشک کردن سر با دستمال و حوله نیز جایز است؛ مشروط بر این که سر را با آن نپوشانند.

مسأله ۳۸۹. اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازند، به گونه‌ای که بالای سر قرار گیرد، و سر را برای حفظ از پشه زیر آن کنند اشکالی ندارد. همچنین استفاده از پشه بند اشکال ندارد.

مسأله ۳۹۰. مرد محرم نباید به هنگام خوابیدن سر خود را بپوشاند، و اگر بدون توجه، یا از روی فراموشی چنین کند، باید فوراً سر خود را برهنه نماید.

مسأله ۳۹۱. کفاره پوشانیدن سر به‌طور عمد برای مردان یک گوسفند است (بنابر احتیاط واجب)؛ ولی در صورت جهل و فراموشی و غفلت کفاره ندارد.

مسأله ۳۹۲. احتیاط واجب آن است که اگر سر را به‌طور مکرر بپوشاند، کفاره را نیز تکرار کند؛ یعنی برای هر دفعه یک گوسفند بدهد، مگر این که موجب عُسر و حرج شود.

۴. پوشانیدن صورت (برای زنان)

مسأله ۳۹۳. پوشانیدن صورت برای زنان در حال احرام جایز نیست،

خواه به وسیله نقاب باشد، یا پوشیه، یا بادبز، یا مانند آن. حتی احتیاط واجب آن است که به وسیله سدر و مانند آن هم صورت خود را نپوشانند.

مسئله ۳۹۴. پوشانیدن قسمتی از صورت، به طوری که به آن نقاب و برقع نگویند حرام نیست. همچنین پوشانیدن در حال خواب به وسیله لحاف و گذاشتن صورت بر بالش، یا پوشانیدن به وسیله دست، مانعی ندارد.

مسئله ۳۹۵. بر زنان واجب است که به هنگام نماز سر خویش را بپوشانند، و بدین منظور برای این که یقین حاصل کنند می‌توانند مقداری از صورت را نیز با مقنعه و مانند آن بپوشانند.

مسئله ۳۹۶. جایز است زن چادر خود را پایین بکشد، به طوری که نصف یا تمام صورت را فراگیرد، و احتیاط آن است که به صورت نچسبد، و در صورتی که نامحرمی نباشد صورت را باز نگه دارد (باز بودن گردی صورت در غیر حال احرام نیز جایز است).

مسئله ۳۹۷. کفاره پوشانیدن صورت برای زنان، بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند است، و می‌توان این احتیاط را ترک کرد.

۵. زینت کردن

مسئله ۳۹۸. جایز نیست مردان انگشتر زینتی بپوشند؛ ولی انگشترهایی که برای ثواب در دست می‌کنند، اگر جنبه تزیینی نداشته باشد، بی‌اشکال است. بنابراین اگر انگشتر زینتی باشد، باید از پوشیدن آن خودداری کند، خواه به قصد زینت باشد، یا نباشد.

مسئله ۳۹۹. اگر انگشتری به دست کند، نه برای زینت و نه برای استحباب، مثل آن که برای خاصیتی به دست کند، و عرفاً جنبه زینتی نداشته باشد، اشکال ندارد.

مسأله ۴۰۰. پوشیدن زینت آلات مطلقاً برای زنان در حال احرام جایز نیست؛ اما زینت آلاتی که قبلاً به طور معمول آن را می پوشیده، اگر در حال احرام پنهان باشد مانعی ندارد، و آنها را نباید به مردان نشان بدهد؛ حتی به شوهر خود.

مسأله ۴۰۱. خضاب کردن به «حنا» برای مردان و زنان، اگر جنبه زینت داشته باشد، در حال احرام جایز نیست.

مسأله ۴۰۲. احتیاط واجب آن است که محرم، خواه زن باشد یا مرد، از پوشیدن هرگونه زینت آلات دیگر نیز اجتناب کند؛ حتی احرامی زینتی، یا دمپایی زینتی نپوشد، و از هرگونه آرایش سر و صورت و سایر اعضای بدن پرهیز نماید.

مسأله ۴۰۳. رنگ کردن موها، در صورتی که به آن تزئین گفته شود، برای محرم اشکال دارد؛ هر چند قصد زینت نکرده باشد، و در صورتی که جنبه تزئین نداشته باشد (مثل این که برای درمان حنا ببندد) مانعی ندارد. همچنین رنگ کردن موها و بستن حنا قبل از احرام، به طوری که اثرش تا موقع احرام باقی بماند، اشکالی ندارد؛ مگر این که از اول قصدش تزئین برای حالت احرام باشد، که معمولاً کسی این کار را نمی کند.

مسأله ۴۰۴. پوشیدن زیور آلاتی که بر مردان و زنان در حال احرام حرام است، کفاره ندارد.

۶. سرمه کشیدن

مسأله ۴۰۵. سرمه کشیدن برای زنان و مردان با مواد سیاه، یا غیر آن، اگر جنبه زینت داشته باشد در حال احرام حرام است، و اگر جنبه زینت

ندارد، مثلاً برای درمان چشم استفاده شود و شکل زینت به خود نگیرد، اشکالی ندارد.

مسئله ۴۰۶. سرمه کشیدن در حال احرام موجب کفاره نمی‌شود؛ مگر این که بوی خوش در آن باشد، که در این صورت اگر عمداً سرمه بکشد احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۴۰۷. در صورتی که محرم به خاطر درمان و مانند آن احتیاج به سرمه کشیدن داشته باشد مانعی ندارد.

۷. نگاه کردن در آینه

مسئله ۴۰۸. نگاه کردن در آینه برای تزئین خود و اصلاح سر و وضع خویش در حال احرام حرام است؛ خواه مرد باشد، یا زن؛ اما برای هدفهای دیگر، مثل نگاه کردن رانندگان در آینه برای دیدن اطراف اتومبیل، یا نگاه کردن پزشک برای دیدن دهان و دندان بیمار، یا نگاه به آینه بی آن که عکس خویش را در آن ببیند، یا نگاه کردن به آینه برای دیدن محل زخم صورت و مانند آن، مانعی ندارد.

مسئله ۴۰۹. نگاه کردن در آب صاف و اشیاء صیقلی برای اصلاح سر و وضع خویش، حکم نگاه در آینه را دارد، و در حال احرام جایز نیست.

مسئله ۴۱۰. احتیاط مستحب آن است که به آینه نگاه نکند؛ هر چند برای زینت کردن نباشد.

مسئله ۴۱۱. اگر بدون اختیار چشمش به آینه بیفتد اشکالی ندارد؛ و بهتر این است که در ایام حج، در اطاقهایی که افراد محرم سکونت دارند، و نیز در آسانسورها، روی آینه چیزی بکشند که نگاه غیر اختیاری افراد محرم نیز به آن نیفتد.

مسأله ۴۱۲. نگاه کردن به آینه موجب کفاره نمی‌شود، ولی مستحب است بعد از نگاه کردن لبتیک بگوید.

مسأله ۴۱۳. نگاه کردن در شیشه اطاق، یا شیشه عینک که پشت آن پیداست، در حال احرام بی مانع است، ولی اگر عینک زینتی باشد استفاده از آن برای محرم، خواه مرد باشد یا زن، جایز نیست.

۸. استعمال بوی خوش

مسأله ۴۱۴. استعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها، مُشک، زعفران، گلاب و غیر آن، خواه از طریق بوییدن باشد، یا مالیدن بر بدن و لباس، یا پراکندن در فضای اطاق به وسیله اسپری، بر مرد و زن مُحرم حرام است و احتیاط آن است که از خوردن غذاهای معطر اجتناب کنند.

مسأله ۴۱۵. خوردن میوه‌های خوشبو مانند سیب و پرتغال و مانند آن مانعی ندارد؛ ولی بهتر است از بوییدن آنها خودداری شود.

مسأله ۴۱۶. احتیاط واجب آن است که از تمام انواع گلها و سبزیهایی که بوی خوش می‌دهد اجتناب شود.

مسأله ۴۱۷. خرید و فروش عطریات در حال احرام اشکالی ندارد، ولی نباید حتی به عنوان امتحان آنها را بویید، یا استعمال کند.

مسأله ۴۱۸. احتیاط آن است که محرم از «دارچین»، «زنجبیل»، «هَل» و هر آنچه بوی خوش دارد، اجتناب کند.

مسأله ۴۱۹. محرم نمی‌تواند با صابونهای عطری، یا شامپوهای معطر، خود را بشوید، و لازم است از گذاشتن این‌گونه اشیاء در کنار لباس احرامی خود، که سبب بو گرفتن آنها می‌شود، خودداری کند.

مسأله ۴۲۰. هرگاه محرم در جایی قرار گیرد که بوی خوش در آنجا باشد، باید چیزی در برابر بینی خود بگیرد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود، ولی اگر از محلی بگذرد که بوی بد در آنجاست، نباید بینی خود را بگیرد، اما می‌تواند به سرعت از آنجا بگذرد.

مسأله ۴۲۱. اگر ناچار شود لباسی که بوی خوش می‌دهد بپوشد، یا غذایی که بوی خوش دارد بخورد، باید چیزی در برابر بینی خود قرار دهد که بوی خوش را استشمام نکند؛ مگر این که موجب عسر و حرج شود.

مسأله ۴۲۲. مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه (چیزی که کعبه را با آن خوشبو می‌کنند) حرام نیست؛ ولی چون معلوم نیست خلوق کعبه چیست احتیاط آن است که از بوی خوشی که فعلاً به کعبه می‌مالند نیز اجتناب شود.

مسأله ۴۲۳. اگر عمداً بوی خوش استعمال کند، کفاره آن بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است.

مسأله ۴۲۴. اگر در زمان واحد به طور مکرر بوی خوش استعمال کند، بعید نیست یک گوسفند کفایت کند؛ ولی احتیاط در تعدد است، و چنانچه در زمانهای مختلف از بوی خوش استفاده نماید، تکرار کفاره را ترک نکند، و اگر پس از استفاده از بوی خوش کفاره دهد، و دوباره آن را استعمال کند، واجب است مجدداً کفاره دهد.

۹. مالیدن انواع روغن‌ها و کره‌ها به بدن

مسأله ۴۲۵. مالیدن هر نوع روغن و کرم به بدن، خواه معطر باشد یا نه، برای محرم جایز نیست؛ حتی مالیدن روغنهای خوشبو قبل از احرام در

صورتی که عطر آن در حال احرام باقی بماند ممنوع است؛ اما روغن و کرم غیر معطر قبل از احرام مانعی ندارد.

مسئله ۴۲۶. مالیدن انواع پمادهای طبی بر بدن برای معالجه و درمان مانعی ندارد.

مسئله ۴۲۷. خوردن غذاهای چرب، هر چند اطراف دست و دهان را چرب کند، برای محرم جایز است.

مسئله ۴۲۸. خوردن روغن اگر بوی خوش - همانند بوی زعفران - نداشته باشد، مانعی ندارد و آلا احتیاط در ترک آن است.

مسئله ۴۲۹. اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن بنابر احتیاط یک گوسفند است؛ هر چند از روی اضطرار باشد، و اگر بوی خوش نداشته باشد، در صورت مالیدن به بدن، کفاره آن نیز بنابر احتیاط یک گوسفند است.

۱۰. ناخن گرفتن

مسئله ۴۳۰. گرفتن ناخن دست یا پا، حتی گرفتن یک ناخن یا قسمتی از آن، بر محرم حرام است؛ ولی اگر ناخن آسیب دیده، و ماندن آن ضرر دارد، یا مایه ناراحتی شدید است، می‌تواند آن را قطع کند.

مسئله ۴۳۱. تفاوتی در گرفتن ناخنها با قیچی و ناخن گیر و حتی با دندان نیست.

مسئله ۴۳۲. در آنچه که گفته شد تفاوتی میان انگشت اضافی و غیر آن نیست (بنابر احتیاط واجب).

مسئله ۴۳۳. هرگاه گرفتن ناخن از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، چیزی بر او نیست، و اگر از روی عمد باشد، کفاره گرفتن هر ناخن

یک مدّ طعام (حدود ۷۵۰ گرم) است؛ و هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، کفّاره آن یک گوسفند است. همچنین اگر تمام ناخنهای دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفّاره آن یک گوسفند است؛ اما اگر ناخن دستها را در یک مجلس، و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفّاره آن دو گوسفند است.

مسأله ۴۳۴. هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد، ولی تمام ناخن پاها را نگیرد، یک گوسفند برای ناخن دستها کفّاره می‌دهد، و برای هر یک از ناخنهای پا، یک مدّ طعام به نیازمند می‌پردازد. همچنین اگر تمام ناخن پاها را بگیرد، ولی تمام ناخن دستها را نگیرد.

مسأله ۴۳۵. اگر پنج ناخن دست و پنج ناخن پا را بگیرد، باید برای هر یک از ناخنها یک مدّ طعام کفّاره بدهد. همچنین اگر کمتر از ده ناخن از دستها یا پاها را بگیرد.

مسأله ۴۳۶. اگر بیش از ده ناخن داشته باشد، و تمام ناخنها را بگیرد، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و احتیاط مستحب آن است که برای هر یک از ناخنهای اضافه بر ده ناخن اصلی، کفّاره مدّ طعام بدهد.

مسأله ۴۳۷. هرگاه شخصی بیش از ده ناخن دارد، و ده ناخن اصلی را در حال احرام بگیرد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی اگر بعضی از ناخنهای اصلی و بعضی از ناخنهای اضافه را بگیرد، برای هر یک از ناخنهای اصلی یک مدّ طعام، و برای هر یک از ناخنهای اضافی نیز، بنابر احتیاط مستحب، یک مدّ طعام می‌پردازد.

مسأله ۴۳۸. اگر ناچار به گرفتن ناخن شود، احتیاط واجب آن است که کفّاره آن را - به همان شرحی که گذشت - بپردازد.

۱۱. زیر سایه رفتن در حال احرام (برای مردان)

مسئله ۴۳۹. مرد محرم هنگام سفر نباید زیر سایه برود، یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرد. بنابراین، سوار شدن بر هواپیما، یا اتومبیل سر پوشیده، و مانند آن، هنگام روز برای مردان محرم جایز نیست؛ ولی برای زنان و بچه‌ها جایز است، و کفاره‌ای هم ندارد.

مسئله ۴۴۰. در منازل وسط راه، یا در مکه، عرفات، مشعر و منی، رفتن زیر خیمه و سقف منزل مانعی ندارد؛ هر چند در حال راه رفتن باشد. همچنین گذشتن از بازارهای سر پوشیده، و تونلهایی که برای عابران درست کرده‌اند، بی مانع است.

مسئله ۴۴۱. گذشتن از زیر پله‌های وسط راه مانعی ندارد. همچنین بودن در سایه‌ای که از دیواره‌های اتومبیل سرباز به وجود می‌آید، جایز است.

مسئله ۴۴۲. در این حکم فرقی بین افراد پیاده و سواره نیست.

مسئله ۴۴۳. در مواقعی که سایبان اثری برای حفظ از آفتاب و باران ندارد، رفتن مردان محرم زیر سایبان در حال سفر مانعی ندارد. بنابراین، مردان محرم می‌توانند در شبها، یا بین الطلوعین، یا روزهای کاملاً ابری، از ماشین سقف دار یا هواپیما استفاده کنند؛ ولی در شبهای بارانی استفاده از سایبان کفاره دارد.

مسئله ۴۴۴. کسانی که نذر کرده‌اند از کشور خود احرام ببندند، و ناچارند با هواپیما به مکه مُشرف شوند، نذر آنها باطل است.

مسئله ۴۴۵. برای بیماران، و کسانی که از حرارت آفتاب شدیداً ناراحت می‌شوند، یا تابش آفتاب به آنها زیان می‌رساند، جایز است از ماشین سقف دار و مانند آن استفاده کنند؛ اما باید کفاره بدهند.

مسأله ۴۴۶. هرگاه محرم از روی سهو و فراموشی، یا جهل، به هنگام سفر زیر سایه برود، کفاره ندارد؛ اما اگر عمداً، یا به خاطر ضرورتی باشد، کفاره دارد، و کفاره آن یک گوسفند برای هر احرام است؛ یعنی برای مجموع احرام عمره یک گوسفند، و برای مجموع احرام حج نیز یک گوسفند واجب است.

۱۲. زایل کردن مو از بدن

مسأله ۴۴۷. مُحرم نباید مو از بدن خود جدا کند؛ خواه با تراشیدن باشد، یا قیچی کردن، یا کندن به هر وسیله دیگر (مثلاً به وسیله دارو)، خواه شخصاً این کار را انجام دهد، یا دیگری را وادارد تا او را اصلاح نماید؛ حتی جدا کردن یک مو از بدن جایز نیست، و فرقی میان اعضای بدن نمی‌باشد.

مسأله ۴۴۸. در حرمت جدا کردن مو از بدن، تفاوتی بین کم و زیاد بودن موی ازاله شده نیست، بلکه همان‌گونه که گفته شد ازاله یک مو نیز حرام است؛ هر چند از نظر کفاره تفاوت دارد.

مسأله ۴۴۹. اگر بداند شانه زدن موی سر و صورت، سبب جدایی موها می‌شود جایز نیست؛ بلکه احتیاط مستحب آن است که از شانه کردن موها در حال احرام مطلقاً خودداری کند، و هنگام خاراندن بدن نیز باید مواظب باشد مویی جدا نشود.

مسأله ۴۵۰. هرگاه داشتن مو سبب بیماری، یا ناراحتی شدید گردد، جایز است آن را زایل کند؛ ولی کفاره دارد.

مسأله ۴۵۱. اگر به هنگام انجام وضو یا غسل، مویی بدون قصد کنده شود اشکالی ندارد.

مسأله ۴۵۲. هرگاه عمداً سر خود را بتراشد، یا موهای زیر هر دو بغل یا یکی را زایل کند، کفاره آن یک گوسفند است؛ ولی اگر از روی ضرورت سر خود را بتراشد مخیر است میان یک گوسفند، یا سه روز روزه، یا اطعام شش فقیر، که به هر کدام دو مدّ طعام (تقریباً یک کیلو و نیم) بدهد، و احتیاط واجب آن است که در زایل کردن موی زیر بغل نیز همین کفاره را بدهد؛ اما اگر مقداری از موی سر، یا صورت، یا زیر بغل، یا زیر گلو، و مانند آن را زایل کند، کافی است یک فقیر را اطعام نماید.

مسأله ۴۵۳. اگر موی سر را به غیر تراشیدن ازاله کند، احتیاط واجب آن است که کفاره تراشیدن را بدهد.

مسأله ۴۵۴. اگر از روی ندانستن مسأله، یا فراموشی، یا غفلت، موی بدن را زایل کند کفاره ندارد، و هرگاه در موقع وضو و غسل دست بر بدن بکشد، و موهایی کنده شود، همان طور که گفته شد، کفاره‌ای ندارد؛ اما اگر بدون هدف دست بر سر و صورت یا بدن خود بکشد، و موهایی از او جدا شود، احتیاط واجب آن است که مقداری غذا به فقیر بدهد.

مسأله ۴۵۵. محرم نمی‌تواند مو از بدن دیگری زایل کند. خواه طرف مقابل مُحَرَّم باشد، یا غیر مُحَرَّم، خواه با تیغ باشد، یا با وسیله دیگر؛ ولی این کار کفاره‌ای ندارد. بنابراین، باید دقت کرد که در منی به هنگام بیرون آمدن از احرام، افراد محرم نمی‌توانند سر دیگران را بتراشند، یا اصلاح کنند؛ بلکه اول باید خودشان از احرام خارج شوند، و بعد چنین کنند.

۱۳. عقد ازدواج

مسأله ۴۵۶. ازدواج کردن در حال احرام برای مُحَرَّم، اعم از زن و مرد، جایز نیست؛ خواه خودش صیغه عقد را بخواند، یا به دیگری وکالت دهد که

این کار را انجام دهد. خواه عقد دائم باشد یا موقت، و در هر صورت عقد او باطل است، و هرگاه علم به حرام بودن آن داشته باشد، و اقدام به این کار کند، آن شخص بر او حرام ابدی خواهد شد.

مسئله ۴۵۷. جایز نیست مُحْرِم برای دیگری صیغه عقد بخواند، هرچند او مُحْرِم نباشد، و در این صورت نیز عقد او باطل است؛ اما حرام ابدی نمی‌شود، و در هیچ یک از دو صورت فوق کفاره واجب نیست.

مسئله ۴۵۸. جایز نیست مُحْرِم در مجلس عقد ازدواج به عنوان شاهد حضور پیدا کند. همچنین (بنابر احتیاط واجب) جایز نیست شهادت بر انجام عقد ازدواج دهد؛ هر چند قبل از احرام شاهد عقد بوده باشد، و برای خود یا دیگری خواستگاری کند.

مسئله ۴۵۹. اگر با علم به مسئله، شخصی را در حال احرام برای خود عقد کند، همان گونه که گفته شد آن شخص بر او حرام دائمی می‌شود، ولی اگر با جهل به مسئله چنین کاری کند، عقد باطل است، اما حرام ابدی نمی‌شود، هر چند احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند؛ مخصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسئله ۴۶۰. در احکامی که گفته شد، فرقی بین عقد دائم و موقت نیست.

مسئله ۴۶۱. هرگاه مرد غیر مُحْرِم زن مُحْرِمی را عقد کند، احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد، و در صورت علم به مسئله، حرام ابدی نیز می‌شود؛ بنابر احتیاط واجب.

مسئله ۴۶۲. رجوع کردن در حال احرام به زنی که وی را طلاق رجعی داده، اشکالی ندارد.

مسئله ۴۶۳. هرگاه شخص سوّمی زنی را برای کسی که در احرام است

عقد کند، و محرم دخول نماید، و هر سه نفر عالم به حکم بطلان باشند، بر هر یک از آنان یک شتر به عنوان کفاره واجب می‌شود، ولی اگر آمیزش صورت نگیرد، بر هیچ کدام کفاره‌ای واجب نمی‌شود، و در این حکم تفاوتی نیست بین آن که زن و عاقد محرم باشند، یا نباشند، و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانسته، و بعضی دیگر نمی‌دانسته‌اند، کفاره فقط بر کسی که می‌دانسته واجب است.

۱۴. نگاه کردن

مسئله ۴۶۴. جایز نیست مُحْرِم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند؛ ولی نگاه بدون قصد لذت مانعی ندارد.

مسئله ۴۶۵. هرگاه به قصد لذت به همسرش نگاه کند، باید یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که یک شتر کفاره بدهد.

مسئله ۴۶۶. هرگاه عمداً به زن دیگری غیر از همسرش نگاه کند، و با این کار منی از او خارج شود، احتیاط واجب آن است که در صورت توان یک شتر، و اگر نمی‌تواند یک گاو، و اگر قدرت بر آن هم ندارد، یک گوسفند کفاره دهد.

۱۵. لمس کردن

مسئله ۴۶۷. برای شخص مُحْرِم جایز نیست که بدن همسرش را به قصد لذت لمس کند، ولی این کار بدون قصد لذت مانعی ندارد.

مسئله ۴۶۸. هرگاه به قصد لذت بدن همسرش را لمس نماید، باید یک

گوسفند کفاره دهد، و اگر با این کار انزال منی شود، کفاره آن بنابر احتیاط واجب یک شتر است.

۱۶. بوسیدن

مسئله ۴۶۹. جایز نیست مُحْرِم همسر خود را از روی شهوت ببوسد، و احتیاط آن است که بوسیدن بدون قصد لذت را نیز ترک کند.

مسئله ۴۷۰. اگر همسرش را به قصد لذت ببوسد، کفاره آن یک شتر است؛ خواه انزال شود، یا نشود.

مسئله ۴۷۱. اگر غیر همسرش را از روی شهوت ببوسد، کفاره آن بنابر احتیاط واجب یک شتر است، و اگر بدون شهوت باشد، یک گوسفند کفاره دارد.

۱۷. نزدیکی کردن

مسئله ۴۷۲. نزدیکی با همسر در حال احرام حرام است، و آن سه حالت دارد:

۱. هرگاه در حال «احرام حج» از روی علم و عمد نزدیکی کند، چنانچه قبل از وقوف به عرفات یا مشعر الحرام صورت گیرد، حج او فاسد می‌شود؛ ولی باید آن را تمام کرده، و سال آینده اعاده نماید، و کفاره آن یک شتر است، و باید آن زن و مرد (بنابر احتیاط واجب) تا پایان مناسک حج از هم جدا شوند، یا شخص سوّمی با آنها باشد، و در سال بعد نیز هنگامی که به آن مکان - که عمل مذکور در آن واقع شده - می‌رسند، باید تا پایان حج از هم جدا شوند.

۲. هرگاه نزدیکی عالمّاً و عامداً در «عمره تمتّع» واقع شده باشد، کفاره

آن بنا بر احتیاط واجب یک شتر است؛ ولی عمره او باطل نمی‌شود. خواه این عمل قبل از سعی صفا و مروه باشد، یا قبل از تقصیر و بیرون آمدن از احرام، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر قبل از سعی باشد، عمره را در صورت امکان تمام کرده، سپس آن را اعاده کند.

۳. هرگاه نزدیکی از روی علم و عمد در «عمره مفرده» واقع شود، اگر قبل از اتمام سعی صفا و مروه باشد عمره او باطل است، و یک شتر باید کفاره بدهد، و احتیاط واجب آن است که عمره را تمام کرده، و در ماه قمری بعد به یکی از میقاتها رفته مجدداً احرام ببندد، و عمره مفرده را اعاده کند، و فرقی میان عمره واجب و مستحب نیست؛ اما اگر بعد از طواف و سعی (و قبل از تقصیر) باشد، عمره او باطل نخواهد شد.

مسئله ۴۷۳. هرگاه نزدیکی با همسر در حال احرام بعد از وقوف به عرفات و مشعر الحرام، و قبل از طواف نساء صورت گیرد، حج او صحیح است؛ هر چند گناه کرده و یک شتر کفاره دارد.

مسئله ۴۷۴. هرگاه از روی فراموشی، یا غفلت، یا ندانستن مسئله نزدیکی کند، ضرری به حج یا عمره او نمی‌زند، و کفاره هم ندارد. بنابراین، احکام فوق مربوط به کسی است که عالماً آن را انجام می‌دهد.

مسئله ۴۷۵. هرگاه مرد محرم با همسر خود، که وی نیز محرم است، از روی اجبار نزدیکی کند، چیزی بر زن نیست، ولی مرد در صورت علم و عمد علاوه بر کفاره خود، باید کفاره زن را نیز بدهد؛ اما اگر این کار با علم و رضایت زن صورت گیرد، هر کدام باید یک کفاره - به شرحی که گذشت - بدهند.

مسئله ۴۷۶. اگر بدون آمیزش از همسر خود تمتع ببرد، باید یک شتر

کفّاره بدهد؛ ولی حجّ او صحیح است، و در سال آینده لازم نیست حج بجا آورد. حکم زن نیز همین گونه است، و در صورت اکراه، مانند مسألهٔ سابق است.

مسألهٔ ۴۷۷. کفّاره در همهٔ این موارد، بنابر احتیاط واجب، یک شتر است، و فرقی میان همسر دائم و موقت نیست. همچنین نزدیکی از جلو و عقب در این احکام یکسان است.

مسألهٔ ۴۷۸. احکام بالا در حجّ واجب و مستحب و حجّ نیابتی یکسان است؛ ولی در صورت ارتکاب این عمل در حجّ نیابتی، اجیر حقّ مال الاجاره دارد، هر چند باید به وظایف بالا عمل کند (و همان گونه که گفته شد این احکام در صورت علم و عمد است).

۱۸. استمناء کردن

مسألهٔ ۴۷۹. هرگاه مُحْرِم با خود بازی کند و منی از او خارج شود، حکمش حکم کسی است که با زنی نزدیکی کرده باشد، که شرح آن در مسائل سابق گذشت، و اگر با همسر خود بازی کند، یا به وسیلهٔ نگاه کردن، یا فکر و تصوّر کردنِ چنان صحنه‌هایی، منی از او خارج گردد، کفّاره بر او واجب است؛ بلکه بنابر احتیاط واجب تمام احکام جماع را، که در مسائل سابق گذشت، دارد.

۱۹. کشتن حشرات

مسألهٔ ۴۸۰. احتیاط واجب آن است که مُحْرِم حشرات (مانند پشه، مگس، مورچه و امثال آن) را نکشد؛ چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای

دیگر. بلکه احتیاط واجب آن است که هیچ جنبده‌ای را به قتل نرساند، مگر این که مایهٔ آزار او شوند، یا از حیوانات موذی و خطرناک، مثل مار و عقرب و مانند آن باشد؛ حتی احتیاط واجب آن است که حشرات مذکور را از روی بدن نیفکند، و اگر از روی خطا چنین کند، مقداری طعام به فقیر دهد.

مسئلهٔ ۴۸۱. احتیاط واجب آن است که حشرات را از مکانی که محفوظ است به جایی که در معرض سقوط است منتقل نکند؛ بلکه احتیاط آن است که مطلقاً از محلی به محل دیگر منتقل ننماید؛ مگر این که مکان دوم محفوظتر باشد.

مسئلهٔ ۴۸۲. کشتن و انتقال حشرات در حال احرام کفاره دارد، و کفارهٔ آن، خواه عمداً باشد یا از روی خطا، مقداری طعام است.

۲۰. بیرون آوردن خون از بدن

مسئلهٔ ۴۸۳. بیرون آوردن خون از بدن، خواه به وسیلهٔ حجامت باشد، یا جراحی، یا مسواک نمودن، یا خاراندن بدن، به طوری که خون از آن خارج شود، در غیر حال ضرورت مکروه است، و چون جمعی از فقها آن را حرام می‌دانند، احتیاط مستحب ترک آن است.

مسئلهٔ ۴۸۴. بهتر است در حال احرام از دادن خون به روش امروز نیز خودداری کند؛ مگر در مواقع ضرورت و برای حفظ جان مسلمان.

مسئلهٔ ۴۸۵. بیرون آوردن خون از بدن کفاره‌ای ندارد.

۲۱. کشیدن دندان

مسئلهٔ ۴۸۶. کشیدن، یا کندن، یا جرم‌گیری، یا پر کردن دندان، اگر باعث

خونریزی شود در حال احرام مکروه است، ولی اگر موجب خونریزی نشود اشکالی ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب ترک آن است.

مسئله ۴۸۷. کفاره کشیدن دندان در حال احرام، بنا بر احتیاط مستحب یک گوسفند است.

۴۲. دروغ و دشنام و تفاخر

مسئله ۴۸۸. دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام به خصوص نهی شده است؛ یعنی از کارهایی است که مُحَرِّم باید آن را ترک کند، بلکه احتیاط واجب آن است که از اظهار برتری بر دیگران، یا بیان نقص دیگران نسبت به خود، نیز اجتناب کند، و این سه کار (دروغ، دشنام و تفاخر) مطابق بعضی از روایات معصومین علیهم السلام در معنی «فسوق» در آیه شریفه «فَلَا رَفْثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»^۱ جمع است.

مسئله ۴۸۹. هرگاه مُحَرِّم هر یک از امور سه گانه فوق را انجام دهد کار خلافی کرده، ولی احرام او باطل نمی‌شود، و کفاره آن استغفار است، و بهتر این است که انسان در حال احرام زبان خود را از هر سخن ناروا و زشت حفظ کند، و جز به نیکی سخن نگوید.

۴۳. مجادله و نزاع

مسئله ۴۹۰. «جدال» در حال احرام ممنوع است، همان گونه که در آیه

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۹.

شریفه ۱۷۹ سورة بقره به آن اشاره شده است، و منظور از «جدال» در اینجا آن است که از روی خصومت و دشمنی برای اثبات مطلبی در مقابل دیگری به خدا سوگند یاد کند، و بگوید: «بَلِي وَاللَّهِ...؛ آری، به خدا سوگند که مطلب چنین است» یا برای نفی مطلبی بگوید: «لَا وَاللَّهِ...؛ نه، به خدا سوگند مطلب چنین نیست» و فرقی میان عربی و فارسی و زبانهای دیگر نمی‌باشد؛ بلکه هر عبارتی که این مفهوم را برساند در حال احرام حرام است و احتیاط آن است که از مخاصمات خالی از قسم نیز بپرهیزد.

مسألة ۴۹۱. گفتن کلمه «لا» و «بلی» و مرادف آن در سایر زبانها، مثل «نه» و «آری» در فارسی، جدال نیست؛ بلکه قسم خوردن برای اثبات یا ردّ مطلبی، از روی خصومت و مخالفت جدال است.

مسألة ۴۹۲. اگر قسم به غیر نام خداوند و صفات او باشد، حکم جدال ندارد.

مسألة ۴۹۳. سایر نامهای خداوند نیز حکم لفظ جلاله (الله) را دارد؛ (بنابر احتیاط واجب) بنابر این اگر مُحرم در مقام خصومت و مجادله برای اثبات یا نفی مطلبی در مقابل دیگری، به «رحمان» یا «رحیم» یا «خالق آسمان و زمین» و مانند آن قسم بخورد، جدال محسوب می‌شود.

مسألة ۴۹۴. در مقام ضرورت قسم به لفظ جلاله، یا سایر اسماء الله، برای شخص محرم، جهت اثبات حقّ یا ابطال باطلی جایز است.

مسألة ۴۹۵. در موضوع جدال سوگند دروغ و راست یکسان است؛ ولی اگر قسم دروغ باشد، کفّاره آن در همان مرتبه اول یک گوسفند است، و احتیاط آن است که برای دو بار قسم دروغ یک گاو، و برای سه بار یک شتر کفّاره دهد، و اگر راست باشد، چنانچه سه مرتبه تکرار کند کفّاره‌اش

یک گوسفند می‌باشد؛ اما کمتر از سه بار کفاره ندارد؛ هر چند در حال احرام کار خلافی کرده، و باید استغفار کند.

مسئله ۴۹۶. اگر محرم بیش از سه مرتبه قسم راست بخورد، هر مقدار که باشد، کفاره آن یک گوسفند است؛ مگر آن که بعد از سه مرتبه کفاره بدهد، که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند، باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد.

مسئله ۴۹۷. اگر به دروغ مثلاً ده مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفاره آن بنا بر احتیاط یک شتر است؛ مگر این که پس از سه مرتبه یا بیشتر، کفاره را پردازد که در این صورت باید در دفعه اول گوسفند، و در دفعه دوم گاو، و در دفعه سوم شتر کفاره دهد.

مسئله ۴۹۸. احتیاط آن است که در حال احرام از هر نوع مجادله و خصومت بپرهیزد؛ هر چند جمله‌های قسم - که در مسائل قبل گفته شد - در آن نباشد، ولی اظهار تنفر و بیزاری و برائت از دشمنان اسلام، نه تنها ضرری برای احرام ندارد، بلکه از وظایف مسلمین در برابر کفار می‌باشد.

مسئله ۴۹۹. هرگاه از روی محبت (نه به خاطر خصومت) بگوید: «به خدا قسم این کار را نکن» یا بگوید: «به خدا سوگند بگذار من برای تو این کار را انجام دهم» حرام نیست، و کفاره هم ندارد.

۲۴. شکار حیوانات صحرائی

مسئله ۵۰۰. شکار کردن حیوانات صحرائی یا ذبح آنها در حال احرام، حرام است؛ همچنین شکار پرندگان، و در این مورد تفاوتی نمی‌کند که به تنهایی شکار کند، یا به کمک دیگران.

مسأله ۵۰۱. نشان دادن شکار به شخص شکار کننده، یا بستن و نگهداری آن، یا خوردن گوشت شکار (هر چند دیگری شکار کرده، یا خودش قبل از احرام آن را شکار کرده باشد) حرام است.

مسأله ۵۰۲. کشتن ملخ نیز برای محرم جایز نیست. بنابراین، اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است چنانچه بتواند، راه خود را تغییر دهد، و اگر نمی‌تواند باید مواظب باشد ملخ‌ها را حتی الامکان پایمال ننماید، ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکالی ندارد.

مسأله ۵۰۳. کشتن حیوانات موذی، مانند مار و عقرب و درندگان، در جایی که ایجاد خطر نمایند جایز است.

مسأله ۵۰۴. ذبح حیوانات اهلی، مانند مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر، در حال احرام اشکالی ندارد.

مسأله ۵۰۵. شکار حیوانات دریایی برای محرم جایز است.

مسأله ۵۰۶. منظور از حیوانات دریایی حیواناتی است که تخم‌گذاری و رشد نوزاد آنها هر دو در دریا انجام شود، و در دریا هم زندگی کند.

مسأله ۵۰۷. نگاه داشتن صید در حال احرام بنابر احتیاط واجب حرام است؛ هر چند مالک آن باشد.

مسأله ۵۰۸. هر حیوانی که شکار آن حرام است، نوزاد و تخم آن نیز حرام است؛ هر چند در دسترس باشد.

مسأله ۵۰۹. اگر محرم شکاری را ذبح کند، بنابر مشهور در حکم میتة (مردار) خواهد بود، و بنابر احتیاط واجب هیچ کس (چه محرم و چه غیر محرم) نمی‌تواند از آن استفاده کند.

مسأله ۵۱۰. برای کشتن و شکار کردن هر یک از حیوانات صحرائی

کفاره‌ای معین شده است، ولی چون در حال حاضر این مسأله چندان مورد ابتلا نیست، و حجاج بیت الله مطلقاً اقدام به شکار نمی‌کنند، از شرح آن صرف‌نظر می‌شود.

۴۵. حمل اسلحه

مسأله ۵۱۱. محرم نباید با خود اسلحه بردارد؛ خواه اسلحه گرم باشد، یا سرد، بلکه احتیاط آن است که از سلاحهای دفاعی، مانند سپر و زره و جلیقه‌های ضد گلوله و امثال آن، نیز استفاده نکند؛ ولی در موقع ضرورت، خطر و ترس از دزد و دشمن و حیوان درنده، حمل هر نوع سلاحی که لازم باشد جایز است.

مسأله ۵۱۲. آنچه ممنوع است حمل نمودن اسلحه با خویش است؛ مانند بستن شمشیر به کمر، و گرفتن تفنگ بر دوش، یا با دست، ولی اگر در خانه و خیمه و اثاثیه خود سلاحی داشته باشد، برای احرام او ضرر ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که آن را نیز در غیر موارد ضرورت ترک کند.

مسأله ۵۱۳. هرگاه عمداً اسلحه با خود بردارد، احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

قطع درخت و گیاه حرم

مسأله ۵۱۴. حرمت قطع گیاه و درخت حرم، اختصاص به حال احرام و شخص مُحرم ندارد؛ بلکه بر همه کس حرام است.

مسأله ۵۱۵. اگر گیاه یا درختی در منزل انسان باشد، چنانچه خودش آن را کاشته باشد قطع آن جایز است، و اگر دیگری کاشته قطع آن نیز مانعی

ندارد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که آن را قطع نکند؛ اما قطع درختان و گیاهان خودرو - که قبل از بنای منزل در آن بوده - حرام است.

مسئله ۵۱۶. گیاه اذخر که یکی از گیاهان خوشبو است از حکم بالا مستثنی است و قطع آن مانعی ندارد.

مسئله ۵۱۷. اگر به صورت متعارف و عادی راه برود، و گیاهی بر اثر راه رفتن قطع شود، اشکالی ندارد.

مسئله ۵۱۸. اگر حیوانی همراه داشته باشد نمی تواند از گیاهان و علفهای حرم برای او بچیند؛ ولی جایز است حیوان را رها کند تا خودش علف بخورد.

مسئله ۵۱۹. چنانچه درختی را که قطع آن جایز نیست قطع کند، احتیاط آن است که یک گاو کفاره دهد؛ خواه آن درخت بزرگ باشد، یا کوچک.

مسئله ۵۲۰. اگر قسمتی از درخت را قطع کند، نه همه آن را، لازم است قیمت آن را به عنوان کفاره بپردازد.

مسئله ۵۲۱. قطع گیاه حرم کفاره ای جز استغفار ندارد.

دیگر مسائل محرّمات و کفّارات احرام

مسئله ۵۲۲. اگر نایب موجبات کفّاره را انجام دهد، کفّاره بر عهده خود اوست، نه منوب عنه.

مسئله ۵۲۳. انجام محرّمات احرام از روی جهل یا غفلت یا فراموشی موجب کفاره نمی شود و به حج و عمره ضرر نمی زند، مگر در صید که در هر صورت کفّاره دارد.

مسئله ۵۲۴. کفّارات حج و عمره را به فقرا ی غیر مسلمان نمی توان داد و احتیاط آن است که به فقرا ی غیر شیعه نیز ندهند.

مسأله ۵۲۵. شرایط قربانی حج تمتع در حیوانی که برای کفاره قربانی می‌شود، معتبر نیست، بنابراین می‌توان گوسفند خصی و معیوب را برای این منظور قربانی کرد.

مسأله ۵۲۶. قربانی‌هایی که به عنوان کفاره در عمره تمتع بر حاجی واجب شده، احتیاط مستحب آن است که در مکه ذبح کند، و آنچه در حج بر او واجب شده، در منی ذبح نماید، و اگر ترک کرد و به وطنش بازگشت، در همانجا قربانی کند، و تمام گوشت آن را به مستمندان صدقه دهد.

مسأله ۵۲۷. احتیاط واجب آن است که کفاره غیر سادات به سادات داده نشود.

مسأله ۵۲۸. تأخیر انداختن انجام کفارات تا هنگام بازگشت به محل مانعی ندارد. بنابراین، می‌تواند گوسفند کفاره را در وطنش ذبح کند، تا صرف فقرای شیعه گردد.

مسأله ۵۲۹. شخص فقیر نمی‌تواند گوشت کفاره خود را به مصرف کسانی که واجب النفقه او هستند برساند؛ هر چند نیازمند باشند.

مسأله ۵۳۰. استفاده از گوشت کفاره برای شخصی که کفاره بر او واجب شده جایز نیست، ولی استفاده از گوشت قربانی واجب، یا مستحب، برای صاحب آن جایز است.

استفتائات محرمات احرام

سؤال ۵۳۱. آیا مردان محرم، برای محافظت از سرما، می‌توانند از پتوهایی که حاشیه آن دوخته شده استفاده کنند؟

جواب: اشکالی ندارد، و حکم لباس دوخته بر آن جاری نمی‌شود.

سؤال ۵۳۲. آیا مردان محرم می‌توانند در شب مشعر برای محافظت از سرما از کیسه خواب استفاده کنند؟

جواب: جایز نیست و کفاره آن، همان کفاره پوشیدن لباس دوخته است.

سؤال ۵۳۳. آیا منظور از لباس دوخته - که در حال احرام بر مردان حرام است - دوختنیهایی است که قطعات جدا از هم را به هم متصل می‌کنند، یا حتی اگر بر روی حوله احرام هم دوخت بزند اشکال دارد؟

جواب: این گونه دوختن‌ها اشکالی ندارد.

سؤال ۵۳۴. آیا استفاده از دست و پای مصنوعی، که با چرمهای دوخته شده به بدن می‌بندند، برای جانبازان و معلولین محرم جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد، و کفاره هم ندارد.

سؤال ۵۳۵. آیا احرام در کفش دوخته شده، که تمام روی پا را نگیرد، جایز است؟

جواب: آری جایز است؛ ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.

سؤال ۵۳۶. آیا پوشیدن لباسهایی که قسمتهایی از آن، به عنوان تزئین، تور دوزی یا گلدوزی شده، برای زنان محرم جایز است؟ و آیا مقنعه جز لباس است؟

جواب: از لباسهای زینتی در حال احرام باید پرهیز کرد، و مقنعه نیز جزء لباس است.

سؤال ۵۳۷. اگر محرم سر درد بگیرد و بدین جهت دستمالی بر سر ببندد، که تمام سر را بپوشاند، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار در حال ضرورت جایز است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب کفّاره دارد.

سؤال ۵۳۸. مُحرمی سرش را شسته و موهایش خیس است. اگر صبر کند تا موها به طور طبیعی خشک شود و سپس وضو بگیرد، نمازش به تأخیر می‌افتد. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: مانعی ندارد سرش را با حوله خشک کند، و سپس وضو بگیرد، ولی حوله را آهسته بکشد، تا مویی جدا نشود، همچنین دقت نماید تا همه سر را نپوشاند.

سؤال ۵۳۹. اگر مرد محرم سرش را با چیز دوخته - مانند کلاه دوخته شده - بپوشاند، آیا باید دو کفّاره بدهد، یا یک کفّاره کافی است؟

جواب: در مثل پارچه دوخته شده - که به صورت کلاه نیست - یک کفّاره دارد؛ ولی کلاه دوخته و مانند آن، بنا بر احتیاط واجب دو کفّاره دارد.

سؤال ۵۴۰. هرگاه زن محرم از مقنعه‌ای استفاده کند که روی چانه را تا لبها بپوشاند، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد؛ هر چند بهتر آن است که مقنعه روی خط چانه باشد.
سؤال ۵۴۱. آیا زن مُحْرِم می تواند صورت خود را با حوله خشک کند؟
جواب: خشک کردن صورت برای زنان با حوله مانعی ندارد. به شرط اینکه تمام صورت را نپوشاند.

سؤال ۵۴۲. صورت خانمهای محرم در حال پوشیدن یا درآوردن مقنعه خواه و ناخواه پوشیده می شود، چه حکمی دارد؟
جواب: این مقدار مانعی ندارد.

سؤال ۵۴۳. در مورد زینت کردن زن در حال احرام فرموده اید: «اگر به قصد بقای زینت قبل از احرام زینت کند، و اثرش پس از احرام نیز باقی باشد، اشکال دارد» آیا حکم مزبور تکلیفی است، یا وضعی؟
جواب: حکم مذکور تکلیفی است، و احرام او باطل نمی شود، و کفاره ای ندارد.

سؤال ۵۴۴. آیا عکس گرفتن در حال احرام، یا فیلمبرداری در این حال، اشکال دارد؟ چون عکس گیرنده به شیشه دوربین، که حالت شفاف و آینه ماندی دارد، نگاه می کند.

جواب: عکس برداری و فیلم برداری در حال احرام اشکالی ندارد.
سؤال ۵۴۵. آیا برای محرم جایز است از صابون، یا شامپوهایی که بویی دارد - هر چند بوی خیلی خوشی نیست - استفاده کند؟

جواب: اگر صدق بوی خوش می کند باید از آن اجتناب نماید؛ در غیر این صورت مانعی ندارد، و اگر مشکوک هم باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۴۶. گرفتن ناخن شخص غیر محرم توسط محرم چه حکمی دارد؟
جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۵۴۷. طبق فتوای حضرتعالی، محرم از منزل خود در مکه تا مسجدالحرام می‌تواند از ماشین سقف دار استفاده کند. آیا کسانی که در مسجدالحرام برای حج احرام می‌بندند نیز می‌توانند در مکه زیر سقف بروند؟

جواب: در شهر مانعی ندارد؛ هر چند در حال حرکت به سوی عرفات باشد، ولی هنگامی که به خارج شهر رسید سایبان جایز نیست؛ مگر این که شب باشد.

سؤال ۵۴۸. استظلال برای شخصی که از تنعیم محرم می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: با توجه به این که تنعیم در حال حاضر جزء شهر مکه شده و مکه منزل است، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۴۹. افرادی که از مسجد شجره محرم شده، و شبانه با ماشین سقف‌دار به سمت مکه حرکت کرده‌اند، نزدیک طلوع آفتاب در ماشین به خواب رفته، و پس از طلوع آفتاب بیدار شده، و بلافاصله ماشین را متوقف کرده‌اند. آیا برای مدتی که در حال حرکت روزانه در زیر سقف بوده‌اند کفاره‌ای به آنها تعلق می‌گیرد؟ اکنون که ماشین توقف کرده و می‌خواهند با حرکت در زیر سقف از ماشین پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

جواب: در این صورت کفاره‌ای لازم نیست.

سؤال ۵۵۰. پیاده و سوار شدن از ماشینی که ایستاده، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف جلو ماشین باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۵۵۱. اینجانب یکی از خدمه کاروانها بعد از درک عرفات به اتفاق

بانوان کاروان، در اتوبوسی سقف دار سوار شده، و برای درک وقوف اضطراری مشعر الحرام، صبح روز دهم به سمت مشعر حرکت کردیم. ناگهان یادم آمد که در هوای آفتابی نباید زیر سقف اتوبوس باشم. چند دقیقه پس از توجه به این مطلب در اتوبوس بودم و پس از توقف اتوبوس - بر اثر ترافیک - پیاده شده، و بقیه راه را پیاده رفتم. لطفاً بفرمایید:

۱. آیا کفاره‌ای به من تعلق می‌گیرد؟

۲. در صورت تعلق کفاره، آیا حتماً باید در منی ذبح گردد؟

۳. در صورتی که ذبح در منی شرط باشد، اکنون که در تهران هستم،

چه کنم؟

۴. با توجه به این که من خدمه کاروان بودم، و طبق دستور مدیر کاروان باید همراه بانوان با آن اتوبوس می‌رفتم، و از خود استقلالی نداشتیم، کفاره بر عهده کیست؟

۵. چنانچه ستاد حج یا شخص دیگری تقبل کند که ذبح را انجام دهد،

آیا از گردن من ساقط می‌شود؟

جواب: شما باید گوسفندی قربانی کنید، و انجام آن در وطن اشکالی ندارد. بلکه در شرایط فعلی، که یافتن مستحق در منی و حتی مکه مشکل است، ذبح در وطن اولی است، و می‌توانید به مسئولین ستاد حج یا شخص دیگری نیابت دهید که از طرف شما ذبح کنند، و در این صورت قربانی آنها هم کافی است؛ ولی بدون نیابت دادن به آنها صحیح نیست.

سؤال ۵۵۲. آیا استظلالم مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی

خورشید است، یا شامل سایه حاصل از تابش مایل خورشید هم می‌شود؟

جواب: سایه دیواره‌های ماشین بدون سقف و مانند آن مانعی ندارد.

سؤال ۵۵۳. آیا استظلال مربوط به سایه‌ای است که بر سر محرم می‌افتد، یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد نیز حکم استظلال دارد؟
جواب: در فرض سؤال، که سایه بر سر نیست، مانعی ندارد.
سؤال ۵۵۴. آیا در عرفات - همانند منی - می‌توان در حال حرکت از چتر استفاده کرد؟

جواب: حرکت کردن با چتر در عرفات نیز اشکال ندارد.

سؤال ۵۵۵. در شهر مکه تونلهایی وجود دارد که طول آن بیش از هزار متر است. آیا محرم می‌تواند با اتومبیل مسقف از آن عبور کند؟
جواب: مانعی ندارد؛ زیرا داخل شهر است.

سؤال ۵۵۶. آیا محرم به محض رسیدن به شهر مکه می‌تواند از سایه استفاده کند، یا این کار بعد از رسیدن به محلّ اقامت و منزل جایز است؟
جواب: با رسیدن به مکه استظلال مانعی ندارد.

سؤال ۵۵۷. اخیراً از آخر منی تا نزدیکی محلّ جمرات سایبانی درست کرده‌اند. عبور محرم از این راه، در صورتی که هنوز منزل نکرده و از مشعرالحرام مستقیم به سمت جمرات می‌رود، چه حکمی دارد؟
جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۵۵۸. با ماشین بدون سقف در حال احرام به سمت مکه حرکت کردیم، برای نوشیدن آب مجبور شدم به قسمت جلو اتوبوس که مسقف است بروم. آیا مرتکب خلافتی شده و باید کفّاره بپردازم؟

جواب: این کار جایز نیست، و اگر عمداً باشد کفّاره دارد، و کفّاره آن یک گوسفند برای تمام مدت احرام است؛ ولی اگر در شب غیر بارانی باشد اشکال ندارد.

سؤال ۵۵۹. یکی از خدمه کاروان‌ها مجبور است به عنوان راهنما به همراه زنان با ماشین سقف‌دار روزانه به سوی مکه حرکت کند، چه حکمی دارد؟
جواب: رفتن زیر سایه در موقع ضرورت جایز است، ولی کفاره دارد، و کفاره آن برای هر احرام یک گوسفند است.

سؤال ۵۶۰. برخی از حجاج، که برای عمره مفرده محرم می‌شوند، مجبورند روزانه و با ماشین مسقف حرکت کنند، و در بین راه برای نماز و غذا چند مرتبه پیاده و سوار می‌شوند. چند کفاره بر آنان واجب است؟
جواب: برای تمام مدت احرام عمره، یا تمام مدت احرام حج، یک کفاره کافی است.

سؤال ۵۶۱. هرگاه شخصی که از احرام خارج شده موه‌های شخص محرم را بتراند یا کوتاه کند، یا یکی دیگر از کارهایی که بر محرم حرام است برای او انجام دهد، مانند گرفتن ناخن یا زینت کردن او و امثال آن، چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که محرم به میل و اختیار حاضر به این کار شود، مرتکب کار حرامی شده و باید کفاره بدهد؛ ولی چنانچه بدون اختیار، یا از روی فراموشی بوده، کفاره‌ای برای هیچ کدام ندارد.

سؤال ۵۶۲. آیا شوهر پس از خروج از احرام می‌تواند زوجه در حال احرامش را از روی شهوت لمس کند؟
جواب: برای شوهر اشکالی ندارد؛ ولی اگر زن نیز از این کار لذت می‌برد احتیاط آن است که به این کار رضایت ندهد.

سؤال ۵۶۳. مردی از احرام خارج می‌شود، سپس همسرش را که هنوز در احرام است می‌بوسد، هر چند زن راضی به این کار نبوده است. حکم زن و مرد در این مسأله چیست؟

جواب: اگر زن اختیاری نداشته و راضی نبوده، چیزی بر او نیست، و بر مرد هم کفّاره‌ای واجب نشده است.

سؤال ۵۶۴. تزریق آمپول برای تزریق کننده و تزریق شونده، که در حال احرام است، چه حکمی دارد؟

جواب: تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد؛ ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن گردد مکروه است.

سؤال ۵۶۵. آیا می‌توان در حال احرام پوستهای زاید را، که از لبها یا کنار ناخن‌ها بر آمده، از بدن جدا کرد؟

جواب: در صورتی که خون نیاید اشکالی ندارد، و اگر خون بیاید مکروه است، و در هر حال کفّاره‌ای ندارد.

سؤال ۵۶۶. آیا سوگندهای معمولی، همانند سوگندهای روزمره مردم، در حال احرام اشکال دارد؟

جواب: قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.

سؤال ۵۶۷. در مناسک حضرت‌تعالی قطع درخت حرم جزء محرمات احرام ذکر نشده است. آیا این کار از محرمات احرام نیست؟

جواب: این کار از محرمات احرام نیست، بلکه بر همه کس حرام است.

سؤال ۵۶۸. در بین مردم معروف است که شخص محرم نباید به کسی دستور بدهد؛ بلکه باید کارهایش را خودش انجام دهد. آیا چنین مطلبی صحیح است؟ اگر در حال احرام به کسی دستور دهد آیا گناه کرده و کفّاره دارد؟

جواب: این کار اشکال ندارد؛ ولی تفاخر و برتری جویی حرام است.

سؤال ۵۶۹. کسی که حجّش را باطل کرده، چگونه از احرام خارج شود؟

جواب: اگر حجّ فاسد شده را به اتمام برساند، یا در بعضی از موارد که وظیفه او تبدیل به عمره مفرده است، عمره مفرده را به پایان برساند، از احرام خارج می‌شود.

سؤال ۵۷۰. آیا منظور از کشیدن دندان - که در فرض خونریزی مکروه است - دندان شخص محرم است، یا شامل دندان دیگری هم می‌شود؟ مثلاً اگر دندانپزشک محرم باشد، و دندان شخص محرم یا غیر محرمی را بکشد آیا کراهت دارد؟

جواب: شامل دندان غیر نمی‌شود.

سؤال ۵۷۱. آیا در حال احرام می‌توان دندانی که شدیداً درد دارد، و دکتر سفارش به کشیدن آن کرده، را کشید هر چند باعث خونریزی شود؟

جواب: خارج کردن خون از بدن در حال احرام چه در حال ضرورت و غیر ضرورت حرام نیست، ولی مکروه است و کفاره‌ای هم ندارد.

کفّارات احرام به طور خلاصه

گرچه کفّاره هر یک از محرمات احرام، به هنگام ذکر آنها بیان شد، ولی برای سهولت امر همه را یک جا ذکر می‌کنیم. توجّه فرمایید:

کفّاره	کار حرام	ردیف
یک شتر (با تفصیلی که قبلاً ذکر شد)	جماع (آمیزش)	۱
یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)	استعمال بوی خوش	۲
برای هر ناخن یک مدّ طعام (۷۵۰ گرم)	گرفتن کمتر از ده ناخن	۳
یک گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست یا پا	۴
یک گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست و پا در یک مجلس	۵
دو گوسفند	گرفتن تمام ناخنهای دست با پا در دو مجلس	۶
یک گاو (بنابر احتیاط واجب) استغفار	قطع درخت حرم قطع گیاه حرم	۷
یک گوسفند	پوشیدن لباس دوخته حتّی در حال ضرورت	۸
کفّاره ندارد	پوشیدن کفش و جوراب برای مردان	۹

۱۰	پوشانیدن صورت برای زنان	یک گوسفند (احتیاط مستحب)
۱۱	زیر سایه رفتن برای مردان	یک گوسفند
۱۲	تراشیدن سر یا موهای زیر بغل	یک گوسفند
۱۳	تراشیدن سر در حال ضرورت	تخیر بین یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش فقیر به دو مد طعام
۱۴	زایل کردن موی زیر بغل در حال ضرورت	مانند مورد قبل (بنابر احتیاط واجب)
۱۵	زایل کردن مقداری از موی سر یا صورت یا زیر بغل و مانند آن	اطعام یک فقیر
۱۶	ازواج برای خود	کفاره ندارد
۱۷	اجرای صیغه عقد برای دیگران	کفاره ندارد
۱۸	نگاه یا لمس همسر بقصد لذت	یک گوسفند
۱۹	نگاه یا لمس همسر با انزال	یک شتر (احتیاط واجب)
۲۰	بوسیدن همسر بقصد لذت	یک شتر
۲۱	کشتن حشرات حتی سهواً	مقداری طعام (بنابر احتیاط واجب)
۲۲	دروغ گفتن، دشنام دادن و تفاخر نمودن	استغفار
۲۳	قسم دروغ	برای هر مرتبه یک گوسفند
۲۴	قسم راست (سه مرتبه)	یک گوسفند
۲۵	قسم راست (کمتر از سه مرتبه)	کفاره ندارد
۲۶	حمل سلاح	یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)
۲۷	سرمه کشیدن	کفاره ندارد
۲۸	نگاه کردن به آینه	کفاره ندارد

کفّاره ندارد	پوشیدن زیور آلات	۲۹
یک گوسفند	استعمال روغن که بوی خوش دارد	۳۰
کفّاره ندارد	خارج کردن خون از بدن	۳۱
یک گوسفند (بنابر احتیاط مستحب)	کشیدن دندان	۳۲
یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)	پوشاندن سر	۳۳
یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب)	مالیدن روغن	۳۴

۲. طواف

مسألة ۵۷۲. دوّم از واجبات عمره، طواف است؛ طواف یعنی هفت دور گردش به دور خانه خدا، که هم در عمره واجب است و هم در حج. (یک مرتبه در عمره، و دو بار در حج).

مسألة ۵۷۳. طواف از ارکان عمره است؛ بنابراین اگر کسی آن را عمدتاً ترک کند، و تا زمانی که وقت آن باقی است بجا نیاورد، عمره او باطل می‌شود؛ چه عالم به مسأله باشد، و چه جاهل، و احتیاط آن است که چنین شخصی «حجّ افراد» بجا آورد، و عمره را پس از حج انجام دهد، و حجّش را در سال بعد نیز اعاده نماید.

مسألة ۵۷۴. هرگاه طواف را سهواً ترک کند، لازم است هر وقت یادش آمد آن را بجا آورد، و اگر به وطن خود بازگشته و نمی‌تواند یا زحمت شدید دارد که به مکه بازگردد، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد تا بجا آورد.

شرایط پنج گانه طواف

اوّل: نیت

مسأله ۵۷۵. باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد؛ زیرا طواف از عبادات است، و بدون نیت همراه با قصد قربت صحیح نیست.

مسأله ۵۷۶. لازم نیست محرم نیت را به زبان آورد، یا حتی از قلب خود بگذراند؛ بلکه همین مقدار توجه داشته باشد که تصمیم دارد طواف انجام دهد، و این توجه تا پایان طواف وجود داشته باشد کافی است. به عبارت دیگر، نیت در عبادات مانند نیت در کارهای روز مژه است؛ همانطور که (مثلاً) با قصد آب می خورد و راه می رود، اگر به همان شکل عبادت را بجا آورد نیت انجام شده است؛ تنها قصد قربت در عبادات لازم است.

مسأله ۵۷۷. اگر در انجام طواف، یا سایر اعمال عمره و حج، که عبادت است، ریا کند (یعنی برای نشان دادن، و به رخ دیگران کشیدن، و عمل خود را خوب جلوه دادن، عبادت را بجا آورد) آن عمل باطل است، و علاوه بر بطلان عمل، مرتکب معصیت و گناه بزرگی نیز شده است.

مسأله ۵۷۸. اگر در انجام عبادت، رضایت و خشنودی دیگری را هم مدّ نظر داشته باشد، و آن عمل خالص برای خدا نباشد، ریا و باطل است.

مسأله ۵۷۹. در صحیح بودن عمل کفایت می کند که آن را «برای خدا» یا «برای اطاعت امر خدا» یا «برای نجات از کیفر الهی» یا «برای رسیدن به بهشت» و یا «برای وصول به ثواب معنوی» انجام دهد.

مسأله ۵۸۰. هرگاه بعد از تمام کردن طواف یا دیگر عبادات، مرتکب ریا شود، عبادت باطل نمی شود؛ هر چند کار خلافی کرده است.

دوم: طهارت از حدث

مسأله ۵۸۱. منظور از «طهارت از حدث» این است که محرم به هنگام طواف، از جنابت و حیض و نفاس پاک بوده، و وضو داشته باشد.

مسأله ۵۸۲. «طهارت از حدث» در طواف واجب شرط است، اما در طواف مستحب شرط نیست؛ هر چند افضل آن است که طهارت داشته باشد. بنابراین اگر جنب یا حائض، یا نفساء بوده و فراموش کرده، و با همان حال طواف نموده، طواف مستحب او صحیح است، اما در صورت علم و آگاهی، چون بودن جنب در مسجد الحرام حرام است، طواف او صحیح نمی‌باشد، ولی طواف مستحب بدون وضو اشکالی ندارد.

مسأله ۵۸۳. همان‌گونه که در بالا آمد طهارت از حدث در طواف واجب شرط است؛ چه طواف عمره باشد، یا طواف حج، یا طواف نساء. حتی در عمره و حج مستحب - که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند - طهارت از حدث شرط است.

مسأله ۵۸۴. هرگاه شخصی که وضو نداشته، یا از جنابت، یا حیض، یا نفاس، پاک نبوده طواف واجب کند، طوافش باطل است؛ خواه از روی عمد باشد، یا بر اثر غفلت و نسیان، یا ندانستن مسأله.

مسأله ۵۸۵. هرگاه محرم دسترسی به آب پیدا نکند، یا از استعمال آب معذور باشد، و نتواند صبر کند تا عذرش برطرف شود، واجب است به جای آن تیمم کند؛ خواه تیمم بدل از غسل باشد، یا بدل از وضو؛ سپس طواف را بجا آورد.

مسأله ۵۸۶. با توجه به مسأله قبل اگر محرم که دسترسی به آب ندارد تیمم بدل از غسل کرد، و سپس یکی از مبطلات وضو را انجام داد، لازم

نیست تیمّم بدل از غسل را تکرار کند؛ بلکه تیمّم بدل از وضو می‌کند، و تا زمانی که یکی از موجبات غسل حاصل نشده، و عذرش باقی است، همان تیمّم بدل از غسل اوّل کافی است.

مسأله ۵۸۷. اگر امید دارد که عذرش مرتفع گردد، احتیاط مستحب آن است که تا آخرین فرصت صبر کند؛ اگر عذر برطرف نشد تیمّم کند؛ ولی اگر یقین دارد برطرف می‌شود باید صبر کند.

مسأله ۵۸۸. اگر با طهارت بوده و شک کند که حدّی از او سر زده، بنا را بر طهارت می‌گذارد، و لازم نیست دوباره آن را انجام دهد.

مسأله ۵۸۹. هرگاه یقین داشته باشد غسل بر او واجب شده، یا وضویش باطل گردیده، سپس شک کند که وضو گرفته یا غسل کرده، باید وظیفه غسل یا وضو را انجام دهد.

مسأله ۵۹۰. هرگاه بعد از انجام طواف شک کند آن را با وضو بجا آورده، یا شک کند غسل را انجام داده؟ طوافش صحیح است؛ ولی برای اعمال بعد (که نیاز به وضو، یا غسل دارد) باید آن را بجا آورد.

مسأله ۵۹۱. اگر در اثناء طواف شک کند وضو گرفته؟ و حالت سابقه خود را از وضو و حدث نداند، اگر بعد از گذشتن از نصف باشد طواف را رها می‌کند و وضو می‌گیرد، و از همانجا بقیه طواف را بجا می‌آورد، و سپس احتیاطاً آن را اعاده می‌کند، و اگر قبل از گذشتن از نصف باشد، طواف او باطل است.

مسأله ۵۹۲. هرگاه در اثناء طواف شک کند غسلی که بر او واجب بوده انجام داده، یا نه؟ باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود، و پس از غسل بازگردد، سپس اگر حدّ اقل نصف طواف را تمام کرده باشد، دنباله آن را بجا

می‌آورد، و احتیاط آن است که پس از اتمام طواف آن را اعاده کند، و اگر قبل از گذشتن از نصف بوده، از اول شروع می‌کند.

مسئله ۵۹۳. هرگاه زن محرم حائض شود و نتواند طواف و نماز طواف را با طهارت قبل از وقوف به عرفات بجا آورد، باید نیت حج افراد کند، و بعد از اتمام اعمال حج، عمره مفرده را با طهارت انجام دهد؛ خواه حائض شدن قبل از احرام باشد، یا بعد از احرام. حکم زن زائو نیز همین است.

مسئله ۵۹۴. بانوان می‌توانند با خوردن قرص، عادت را به عقب بیندازند و طواف و عمره را به جا آورند، و برای حج و عمره آنها اشکال ندارد.

مسئله ۵۹۵. هرگاه بانوان بعد از خوردن قرص در ایام عادت لک ببینند، و سه روز پشت سر هم ادامه نداشته باشد، حیض محسوب نمی‌شود. وضو می‌گیرند، و اعمالشان صحیح است.

مسئله ۵۹۶. هرگاه زنی در غیر ایام عادت ماهانه لک ببیند، و به اعتقاد این که خون عادت نیست، طواف و نماز طوافش را انجام دهد، و شب بعد از طواف خونی ببیند که تمام شرایط عادت ماهیانه را داشته باشد، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک (در شب قبل از طواف) خون در باطن بوده و قطع نشده، آن لک احکام حیض دارد و طواف و نماز طوافش باطل است، ولی حج و عمره او صحیح است، اما باید طواف و نماز طواف را (بعد از قطع عادت و انجام غسل) اعاده کند، و اگر در عمره بوده، در صورت تنگی وقت برای اعاده طواف و نماز آن، احتیاطاً بعد از حج یک عمره مفرده نیز به جا آورد. ولی اگر شک دارد، یا یقین دارد که آن لک مدتی قطع شده (و این خون تازه‌ای است)، حکم حیض ندارد و اعمالش صحیح است.

مسئله ۵۹۷. هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وضوی او باطل

شود، تجدید وضو می‌کند و باز می‌گردد. اگر حدّ اقل نصف طواف را تمام کرده بود، بقیّه را بجا می‌آورد، و اگر کمتر از نصف بوده از اوّل شروع می‌کند، و اگر زن در حال طواف عادت ماهانه شود، فوراً از مسجد الحرام خارج می‌شود، و حکم او نیز بعد از پاک شدن همین است.

مسأله ۵۹۸. اگر به خاطر پیش آمدن حاجت ضروری برای خودش یا یکی از برادران و خواهران دینی، طواف واجب خود را قطع کند، مطابق مسأله سابق عمل می‌نماید.

مسأله ۵۹۹. هرگاه در اثناء طواف بیماری شدیدی به او دست دهد که قادر بر اتمام طواف نباشد طواف را قطع می‌کند، و پس از بهبودی اگر نصف طواف انجام داده، باقیمانده را بجا می‌آورد، و اگر کمتر از آن بوده، طواف را از سر می‌گیرد، و اگر بیماری ادامه یافت و نتوانست شخصاً طواف کند، او را طواف می‌دهند، و اگر به این صورت نیز نتوانست طواف کند، نایب می‌گیرد. **مسأله ۶۰۰.** هرگاه طواف مستحب را رها کند و دنبال کاری برود (خواه ضروری باشد، یا غیر ضروری) هنگامی که باز می‌گردد می‌تواند از همانجا که رها کرده ادامه دهد؛ خواه نصف آن را بجا آورده باشد، یا نه.

مسأله ۶۰۱. نشستن در حال طواف برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط واجب آن است که موالات عرفی به هم نخورد (یعنی مطابق معمول طواف را پشت سر هم و بدون فاصله زیاد بجا آورد).

سوم: طهارت از نجاست

مسأله ۶۰۲. بدن و لباس طواف کننده (خواه در طواف واجب، یا مستحب) باید از هر نجاستی پاک باشد؛ حتی بعضی از نجاسات که در نماز

بخشوده شده (مانند خون کمتر از یک درهم) در طواف بخشوده نیست، ولی در مورد خون زخمها، اگر شستن آن باعث مشقت و عسر و حرج باشد، ضرری برای طواف ندارد.

مسئله ۶۰۳. اگر لباسهای کوچک مانند جوراب، شب کلاه و همیان، که به تنهایی نمی‌توان با آن ستر عورت کرد، نجس باشد عیبی ندارد.

مسئله ۶۰۴. اگر تطهیر خون قروح و جروح مشقت داشته باشد، شستن آن لازم نیست؛ ولی احتیاط واجب آن است که به مقداری که می‌توان بدن را تطهیر کرد، و لباس را عوض نمود، و موجب مشقت نیست، انجام دهد.

مسئله ۶۰۵. در صورتی که بتواند با تأخیر انداختن طواف، خود و لباس خویش را بدون مشقت تطهیر کند، احتیاط آن است که چنین نماید؛ به شرط آن که وقت باقی باشد.

مسئله ۶۰۶. هرگاه لباس یا بدن نجس باشد، و نداند یا می‌دانسته و فراموش کرده، چنانچه بعد از طواف بفهمد طوافش صحیح است، و اگر در حال طواف بفهمد باید لباس خود را عوض کند، و با لباس پاک طواف را ادامه دهد، و اگر لباس پاکی همراه ندارد طواف را متوقف می‌کند، و لباس یا بدن را آب می‌کشد، سپس باقیمانده طواف را به جا می‌آورد، و طوافش صحیح است؛ خواه قبل از انجام نصف طواف باشد، یا بعد از آن.

مسئله ۶۰۷. اگر شک داشته باشد که لباس یا بدنش نجس است یا پاک، می‌تواند در آن حال طواف کند؛ خواه بداند قبلاً پاک بوده، یا نداند، ولی اگر یقین داشته باشد که قبلاً نجس بوده، و نداند که آن را تطهیر کرده یا نه، نمی‌تواند در آن حال طواف کند، بلکه باید ابتدا تطهیر کند، و سپس طواف نماید.

مسئله ۶۰۸. اگر در بین طواف بدن یا لباس او نجس شود، دست از طواف بر می‌دارد، و لباس یا بدنش را آب می‌کشد، سپس طواف را از همانجا که قطع

کرده بود ادامه می‌دهد، و طوافش صحیح است؛ خواه قبل از انجام نصف طواف باشد، یا بعد از آن.

مسئله ۶۰۹. اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ملاحظه کند، و احتمال دهد که در همان حال طواف حاصل شده، طبق مسئله قبل عمل می‌کند.

چهارم: ختنه برای مردان

مسئله ۶۱۰. هرگاه مردی ختنه نکرده باشد، طوافش باطل است، و احتیاط واجب آن است که پسر نابالغ نیز ختنه کرده باشد.

مسئله ۶۱۱. اگر بچه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام و طواف‌های او صحیح است؛ زیرا در طواف صبی ختان شرط نیست.

مسئله ۶۱۲. اگر کسی ختنه کرده به دنیا بیاید، طوافش صحیح است.

مسئله ۶۱۳. هرگاه کسی از روی عمد، یا فراموشی، یا ندانستن مسئله، طواف را بدون ختنه انجام دهد، طوافش باطل است.^۱

پنجم: پوشانیدن عورت

مسئله ۶۱۴. پوشانیدن عورت بر طواف کننده واجب است؛ بلکه لازم است بدن خود را طوری بپوشاند که نگویند بدنش برهنه است.

مسئله ۶۱۵. احتیاط واجب آن است که تمام شرایط لباس نمازگزار را در حال طواف رعایت کند.

۱. برخی از احکام ختنه، در مسائل ۳۴۲ تا ۳۴۴ گذشت.

استفتائات شرایط پنج‌گانه طواف

نیت

سؤال ۶۱۶. شخصی که به نیابت از دیگری به حج آمده، در دور دوم طواف شک می‌کند که آیا طواف را به نیت منوب عنه آغاز کرده، یا برای خودش؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: احتیاط آن است که طواف را به نیت منوب عنه به پایان برساند، پس از آن نماز طواف بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند.

طهارت لز حدت

سؤال ۶۱۷. شخصی پس از انجام تقصیر متوجه می‌شود که در حال طواف و نماز طواف وضو نداشته، یا وضویش باطل بوده، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا لازم است مجدداً لباس احرام بپوشد، و طواف کند؟

جواب: طواف و نماز طواف را اعاده کند، و عمره او صحیح است، و پوشیدن لباس احرام لازم نیست.

سؤال ۶۱۸. وضوی یکی از حُجَّاج در دور آخر طواف باطل شد. طواف را

با همان حالت به پایان رسانده، سپس وضو گرفته و طواف را از اول شروع کرده، و پس از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا عمل او صحیح می‌باشد؟

جواب: طواف دوّم و اعمال پس از آن صحیح است؛ هر چند می‌توانست طواف اوّل را پس از وضو تکمیل و به آن قناعت نماید.

سؤال ۶۱۹. شخصی به نیابت از پدر، عمره مفرده‌ای انجام داده، و روز بعد به نیابت از مادر احرام می‌بندد و در اثنای عمره دوّم متوجه می‌شود که طواف و نماز طواف عمره اوّل را بدون وضو انجام داده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: طواف و نماز عمره اوّل را اعاده می‌کند، و عمره دوّم را به قصد رجا ادامه می‌دهد (توجه داشته باشید که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد؛ مگر به قصد رجا، یعنی به امید این که مطلوب باشد، نه به طور قطعی).

سؤال ۶۲۰. کسی که وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای و تیمّم بوده، از روی جهل و نادانی به احکام شرع، بدون تیمّم اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: طواف و نماز آن باید اعاده شود.

سؤال ۶۲۱. هنگام اذان صبح به مسجد الحرام رسیدیم. سرپرست کاروان گفت: «کمی صبر کنید، پس از نماز صبح طواف می‌کنیم». بر اثر خستگی زیاد خوابم برد، و چون آب در دسترس خود ندیدم تیمّم کردم، و طواف و نماز طواف را با تیمّم انجام دادم. آیا حجّ من صحیح است؟

جواب: در صورتی که برای شما امکان داشته وضو بگیرید، هر چند

که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است. وظیفه شما این است که طواف و نماز طواف را اعاده کنید، و اگر خودتان نمی‌توانید، باید نایب بگیرید.

سؤال ۶۲۲. شخصی در طواف واجب احساس می‌کند لباس احرامش نجس شده، ولی اعتنا نمی‌کند، و با همان حال طواف و اعمال بعد را انجام می‌دهد، سپس لباسش را بررسی نموده، یقین پیدا می‌کند که در حال طواف چنین شده است، و بدون جبران اعمال به وطن باز می‌گردد. اکنون وظیفه‌اش چیست؟ آیا هنوز در حال احرام است؟

جواب: اگر در حال طواف یقین نداشته احرامی اش نجس شده (هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد)، از احرام خارج شده است، و طواف و نماز طوافش صحیح است.

حکم مسلوس و هبتلی به خروج ریح

سؤال ۶۲۳. وظیفه مسلوس (کسی که بی‌اختیار قطرات بول از او خارج می‌شود) نسبت به طواف و نماز طواف چیست؟

جواب: اگر در زمان خاصی بیماریش تخفیف پیدا می‌کند، به گونه‌ای که می‌تواند در آن زمان طواف و نماز طواف را با وضو و بدن پاک به جا آورد، باید این اعمال را در آن زمان انجام دهد و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که زحمت زیادی نداشته باشد، هر بار که وضویش باطل شد تجدید وضو کند، و اگر زحمت زیاد دارد، برای طواف یک وضو، و برای نماز هم یک وضو می‌گیرد، و اگر نماز طواف را بلافاصله بعد از طواف بخواند، همان وضوی اول کافی است و نایب گرفتن لازم نیست.

سؤال ۶۲۴. شخصی عمل جزّاحی کرده، و فعلاً کیسه‌ای به او بسته‌اند که پیوسته قطرات بول در آن می‌ریزد؛ خواه از مجرای بول، یا از محلّی که جزّاحی و سوراخ شده است. آیا چنین شخصی حکم مسلوس را دارد؟

جواب: آری، حکم مسلوس را دارد که حکم آن در پاسخ قبل گذشت.

سؤال ۶۲۵. مُحرمی که مبتلا به خروج ریح است (یعنی بیماری دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند) و در طول سال شاید یکی دو ماه بیماریش تخفیف پیدا کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می‌شود، تکلیفش چیست؟

جواب: چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد، یا این کار زحمت زیاد داشته باشد، می‌تواند برای طواف به یک وضو اکتفا کند، و برای نماز طواف وضوی دیگری بگیرد. هر چند در اثناء طواف و نماز، وضویش باطل شود، و اگر نماز طواف را بلافاصله بعد از طواف بخواند، همان وضوی اوّل کافی است و نیازی به نایب گرفتن نیست.

سؤال ۶۲۶. پیرمردی سلس بول دارد و به هنگام طواف از نجس کردن لباس و مسجد خودداری نمی‌کند و به راهنمایی و ارشاد دیگران توجه ندارد؛ آیا می‌تواند برای طواف نایب بگیرد؟

جواب: باید نایب بگیرد.

حکم مبطون

سؤال ۶۲۷. مدّتی است، که به علّت بیماری و در اثر عمل جزّاحی، مبطون هستم و خروج مدفوع را احساس نمی‌کنم. بدین جهت از کیسه مخصوصی استفاده نموده، و برای وضو و نماز طبق رساله عمل می‌کنم. با

توجه به این که سال آینده، انشاء الله، به زیارت خانه خدا نائل می‌شوم،
وظیفه‌ام در رابطه با مراسم حج چیست؟

جواب: چنانچه زمانی باشد که بتوانید طواف و نماز طواف را بدون خروج آن انجام دهید، باید همان زمان را انتخاب نموده، و اعمالتان را انجام دهید و اگر چنین چیزی امکان پذیر نیست، و به هیچ وجه خروج آن را احساس نمی‌کنید، طواف را با یک وضو، و نماز طواف را با وضوی دیگر انجام دهید و اگر ناچار است هر دو را با هم بجا آورد و توانایی بر وضوی مجدد ندارد برای نماز طواف تیمم می‌کند و اگر نماز طواف را بلافاصله بعد از طواف بخواند، همان وضوی اول کافی است و نیازی به نایب گرفتن نیست.

وظیفه مستحاضه، حائض و جنب

سؤال ۶۲۸. خانمی طبق تاریخ تولدش، بیش از پنجاه سال شمسی دارد، و یک سال و نیم است که عادت ماهانه نشده؛ ولی در حال احرام خون می‌بیند. آیا می‌توان در یائسگی او تردید کرد؟ وظیفه او چیست؟

جواب: هرگاه شرایط و صفات عادت ماهیانه را نداشته باشد، حکم مستحاضه را دارد و با انجام وظیفه مستحاضه حج و طواف او صحیح است.

سؤال ۶۲۹. هرگاه زنان سیده پس از شصت سال، و غیر سیده بعد از پنجاه سال، چند روز متوالی خونی ببینند، که همه نشانه‌های حیض را داشته باشد، برای طواف و نماز طواف چه کنند؟

جواب: در صورت داشتن تمام نشانه‌های حیض، حکم حیض را دارد. در ضمن زنان سادات در محیط ما حکم زنان قرشیه را ندارند،

و آنها نیز در پنجاه سالگی قمری (حدود ۴۸/۵ سال شمسی) یائسه می‌شوند، یعنی هرگونه خون مشکوکی ببینند حکم استحاضه را دارد.

سؤال ۶۳۰. خانمی در حال طواف مستحاضهٔ قلیله می‌شود. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر بعد از گذشتن از نصف طواف بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام می‌کند، و اگر قبل از آن بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر، طواف را از اول شروع می‌کند.

سؤال ۶۳۱. زن مستحاضه‌ای پس از انجام غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، ولی در اثناء طواف لک می‌بیند. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر خون او مستمر است و به وظیفه‌اش عمل کرده، و در حد امکان از خروج خون جلوگیری نموده، وظیفه‌ای ندارد، ولی اگر خون کاملاً قطع شده و غسل کرده، سپس خون جاری شده، حکم حدث جدید را دارد.

سؤال ۶۳۲. زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد، و با این کار فاصله‌ای بین اعمال او پیش می‌آید، که گاهی از اوقات طولانی است، مثل این که باید برای غسل به منزل برود. آیا این فاصله اشکال ندارد؟

جواب: همانطور که قبلاً گفته شد، هنگامی که مستحاضه وظیفهٔ غسل خود را برای نمازها انجام دهد به حکم طاهر است، و غسل دیگری برای طواف و نماز طواف لازم نیست.

سؤال ۶۳۳. خانم مستحاضه‌ای طبق وظیفه‌اش غسل کرد، یا وضو گرفت، و مشغول طواف شد. در بین طواف، نماز ظهر شروع شد. طواف را قطع کرد و نمازش را خواند. پس از نماز، با همان وضو یا غسل طوافش را ادامه داد. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: هرگاه مستحاضه کثیره غسلهای نماز خود را به موقع بجا آورد، غسل دیگری مطلقاً برای طواف و نماز طواف بر او واجب نیست. سؤال ۶۳۴. خانمی پس از وقوف در عرفات و مشعر، عادت ماهانه می‌شود. با مصرف قرص خون قطع می‌شود، و اعمال را انجام می‌دهد؛ ولی پس از آن لک می‌بیند. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر اعمال او در حال پاک بودن انجام شده صحیح است، و اشکالی ندارد.

سؤال ۶۳۵. بعضی از بانوان برای جلوگیری از عادت ماهیانه، مخصوصاً جهت اعمال حج، قرص می‌خورند؛ ولی با این حال به هنگام احرام لکه‌های مختصری می‌بینند. آیا ضرری به اعمال آنها می‌زند؟

جواب: لکه‌های مزبور، اگر سه روز مستمراً ادامه نیابد، حکم استحاضه را دارد، و ضرری به اعمال حج نمی‌زند، و باید مطابق اعمال استحاضه عمل کنند و چنانچه فقط لکه‌هایی دیده و ادامه نداشته، تنها وضو بر آنان واجب است، و غسل ندارد.

سؤال ۶۳۶. اگر صاحب عادت «وقتیه و عددیه» که عدد روزهای عادتش همواره مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شود و غسل کند، سپس اعمال حج را بجا آورد، ولی بعداً لک ببیند، اعمالش چگونه است؟

جواب: هرگاه اعمال او در حال پاکی واقع شده، صحیح است.

سؤال ۶۳۷. نظم عادت ماهانه بعضی از خانمها به خاطر مصرف قرص جلوگیری بر هم می‌خورد؛ به طوری که گاه به مدت طولانی مرتب خون یا لک می‌بینند. وظیفه این دسته از زنان در حج چیست؟

جواب: اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، و در ایام عادت دیده

شود، هر چند به این صورت که پس از شروع تا سه روز باطن آلوده باشد، محکوم به حکم حیض است. در غیر این صورت، احکام استحاضه را دارد.

سؤال ۶۳۸. خانمی عادت ماهانه نمی‌شود؛ ولی هر دو ماه یکبار دو سه روزی لک و ترشحات می‌بیند، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: اگر خون، هر چند در داخل و باطن، تا سه روز استمرار نداشته، حکم استحاضه را دارد.

سؤال ۶۳۹. هرگاه زنی در عمره تمتع قبل از سه شوط و نیم حائض شود، و تا قبل از رفتن به عرفات پاک نگردد، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: باید نیت حج افراد کند؛ و بعد از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد.

سؤال ۶۴۰. اگر خانمی بعد از دور چهارم در طواف عمره تمتع حائض شود، و تا وقت وقوف به عرفات پاک نشود، چه تکلیفی دارد؟
جواب: باید سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد، سپس برای حج تمتع احرام ببندد، و پس از بازگشت از عرفات و منی و قبل از بجا آوردن اعمال مکه بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را بجا آورد سپس اعمال مکه را بجا آورد.

سؤال ۶۴۱. خانمی عمره تمتع را به پایان رسانده، سپس متوجه شده طوافش به جهتی باطل بوده، و اکنون نیز عادت ماهانه شده است. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: هر وقت پاک شد طواف و نماز طواف را اعاده می‌کند و اگر قبل از وقوف به عرفات پاک نشود برای حج محرم می‌گردد، و پس از بازگشت به مکه و رفع عذر، آن اعمال را بجا می‌آورد.

سؤال ۶۴۲. خانمی بر اثر جهل و ناآگاهی از احکام شرع، پس از پاک شدن از عادت ماهانه، خیال می‌کرده جنب است، و لهذا نیت غسل جنابت کرده، و با همین حال حج بجا آورده است. حج او چه حکمی دارد؟
جواب: اگر منظورش انجام غسل برای عادت ماهانه بوده، و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

سؤال ۶۴۳. شخصی پس از به جا آوردن اعمال حج متوجه می‌شود که غسل مس میت بر او واجب بوده، و هنوز آن را انجام نداده است. آیا حجش صحیح است؟

جواب: هرگاه غسل واجب یا مستحب معتبر دیگری انجام داده کفایت می‌کند، و حجش صحیح است و اکنون وظیفه‌ای ندارد، ولی اگر هیچ غسلی نکرده، هر چند حجش اشکالی ندارد، اما واجب است طوافها و نمازهای آن را اعاده کند، و اگر خودش قادر نیست نایب بگیرد.
سؤال ۶۴۴. دختر مجزودی در اوائل سن بلوغ جنب شده، و تاکنون غسل جنابت نکرده؛ ولی غسلهایی مانند غسل حیض یا جمعه را انجام داده، و با این کیفیت به حج رفته است. لطفاً بفرمایید:

۱. عبادتهایی که بعد از آن حالت تاکنون انجام داده چه وضعی دارد؟
۲. آیا هنوز از احرام خارج نشده، و جمیع محرمات احرام بر او حرام است؟
۳. حجش چه حکمی دارد، و اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: هرگاه غسل دیگری انجام داده کفایت می‌کند؛ بنابراین، اعمالی که بعد از غسل حیض یا جمعه انجام داده، از جمله حج او، صحیح است، ولی نمازهایی را که بعد از جنابت و قبل از اولین غسل خوانده باید به تدریج قضا کند، و اگر بعد از جنابت تا زمان حج هیچ غسلی نکرده، باید طوافهای عمره و حج و طواف نساء و نمازهای آن را

دوباره بجا آورد، و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد، و تا زمانی که این اعمال را اعاده نکرده، باید از بوی خوش و ازدواج و محرّماتی که با طواف نساء حلال می‌شود، احتیاطاً اجتناب کند.

سؤال ۶۴۵. هرگاه شخص محرم جنب شود، و آب برایش ضرر داشته باشد، و وقت عمره هم تنگ باشد، آیا طواف و نماز آن با تیمّم کافی است، یا باید نایب هم بگیرد؟

جواب: کافی است، و نایب گرفتن لازم نیست.

پاک بودن از نجاسات

سؤال ۶۴۶. شخصی در دور ششم طواف نجاستی در بدن خود مشاهده کرده، و یقین دارد که از دورهای قبل بوده است، ولی بدون توجه به این مطلب، طواف را تکمیل کرده، و پس از تطهیر بدن طواف را اعاده نموده، سپس بقیّه اعمال عمره را به انجام می‌رساند. آیا اعمال او صحیح است؟

جواب: عمل او اشکالی ندارد.

سؤال ۶۴۷. شخصی در حین طواف متوجه اندکی خون بر بینی خود می‌شود. با دستمال آن را پاک کرده، و طواف را به انجام می‌رساند. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: اگر بینی او نجس شده باید آن را آب بکشد، و طواف را تکمیل کند، و اگر این کار را نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر آن را تکمیل کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز را اعاده کند.

سؤال ۶۴۸. اگر بچه‌های کوچک در حال طواف یا سعی به خواب روند، یا در قنடைّه خود بول کنند، چه حکمی دارند؟

جواب: در هر دو صورت حجّ آنها صحیح است؛ ان شاء الله.

ختنه کردن

سؤال ۶۴۹. جوان هفده ساله‌ای که ختنه نشده، و به تشخیص شورای پزشکی ختنه برایش ضرر دارد، مستطیع شده، و فعلاً در مدینه است. تکلیف او نسبت به حج چیست؟

جواب: باید با همان حال محرم شود، و اعمالش را بجا آورد، و گرفتن نایب برای طواف لازم نیست.

سؤال ۶۵۰. تکلیف کسی که ختنه او به طور ناقص انجام شده، و با این حال اعمال حج را به جا آورده، چه می‌باشد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که بعد از ختنه صحیح و کامل، طوافها و نماز طوافها را اعاده کند، و اگر نمی‌تواند به مکه برود، نایب می‌گیرد.

سؤال ۶۵۱. اگر شخصی را به طور ناقص ختنه کرده باشند، به این معنی که قسمت بالای آلت کاملاً هویدا نیست، ولی در حال نعوظ آشکار می‌گردد، آیا چنین شخصی ختنه شده محسوب، و طوافهایش صحیح است؟ اگر پاسخ منفی است، و ختنه بر آن شخص برای بار دیگر لازم باشد، و او به علت سن بالا از انجام این کار خجالت بکشد، حکم مسأله چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که طواف و نماز آن را بعد از ختنه کامل اعاده کند، و در این گونه مسائل خجالت کشیدن معنی ندارد. می‌تواند به طور پنهانی نزد طبیب آگاهی برود و ختنه کند، و این کار در ایام ما بسیار آسان است.

طواف در لباس مشمول خمس

سؤال ۶۵۲. شخصی با پول خمس نداده لباس احرام خریده، و با همان

لباس محرم شده، و طواف و نماز طواف را بجا آورده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: احتیاط مستحب آن است که طواف و نماز آن را اعاده کند.

سؤال ۶۵۳. هرگاه مُحْرَم به هنگام طواف پول خمس نداده همراه داشته باشد، آیا طوافش اشکال پیدا می‌کند؟

جواب: اشکالی برای طوافش ایجاد نمی‌کند.

حدّ پوشش در طواف

سؤال ۶۵۴. آیا حجاب زنان محرم در طواف، مانند حجاب در حال نماز است، یا تفاوت می‌کند؟

جواب: تفاوت می‌کند؛ در حال نماز پوشیدن روی پا و کف آن نیز مستثنی است؛ ولی احتیاط آن است که در حال طواف آنها را بپوشاند (جوراب بپوشد). همچنین در طواف استفاده از نقاب جایز نیست، ولی در نماز ضرری ندارد.

سؤال ۶۵۵. اگر مقداری از موی سر زن محرم، یا جاهای دیگر بدنش، که پوشیدن آن در حال طواف لازم است، ظاهر باشد، طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: طوافش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

واجبات هفتگانه طواف

اول و دوم: شروع از حجر الاسود و ختم به آن

مسألة ۶۵۶. باید طواف را از «حجر الاسود» شروع کند، و به «حجر الاسود» ختم نماید، و همین اندازه که در عرف بگویند از حجر الاسود شروع کرده، و به آن ختم کرده کافی است، و دقت در محاذی بودن اجزای بدن با حجر الاسود لازم نیست؛ ولی احتیاط واجب آن است که کمی قبل از حجر الاسود شروع کند، و کمی بعد از آن ختم نماید، تا یقین حاصل کند که هفت دور تمام انجام داده است.

مسألة ۶۵۷. در طواف باید همان‌گونه که همه مسلمین طواف می‌کنند شروع کند، و از دقتهای افراد و سواسی در مورد محاذات با حجر الاسود بپرهیزد، و در دورهای دیگر توقف مقابل حجر الاسود لازم نیست، بلکه بدون توقف ادامه می‌دهد تا هفت دور تمام شود تا مزاحمتی برای طواف‌کنندگان حاصل نگردد.

مسألة ۶۵۸. گاه دیده می‌شود که اشخاص جاهل در هر دوری که به هنگام طواف انجام می‌دهند توقف نموده، و مقداری عقب و جلو می‌روند تا

محاذات با حجر الاسود را رعایت کرده باشند، این کار به هیچ وجه لازم نیست، بلکه گاهی حرام است.

سوم: خانه کعبه سمت چپ طواف کننده باشد

مسأله ۶۵۹. واجب است طوری طواف کند که خانه کعبه طرف دست چپ او باشد (برخلاف حرکت عقربه ساعت) همان گونه که معمول همه مسلمین است.

مسأله ۶۶۰. واجب نیست صورت طواف کننده در حال طواف رو به جلو باشد؛ بلکه می تواند به سمت چپ و راست خود نگاه کند، و حتی صورت را برگرداند و به عقب نگاه کند.

مسأله ۶۶۱. لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول و متعارف مسلمین خانه کعبه را دور بزند کافی است، حتی اگر گاهی صورت خود را به سوی کعبه کند و به راه خود ادامه دهد مانعی ندارد.

مسأله ۶۶۲. آنچه بعضی از عوام در مورد محاذی بودن دائمی شانه چپ با کعبه (به خصوص موقع رسیدن به حجر اسماعیل) انجام می دهند هیچ لزومی ندارد؛ بلکه اگر موجب وهن مذهب گردد جایز نیست، و بهتر است به جای این گونه احتیاط های بیجا، در تمام حالات حضور قلب داشته باشند، و همانند سایر مسلمین کعبه را دور بزنند.

مسأله ۶۶۳. گاه دیده می شود برخی از افراد جاهل برای احتیاط از شخص دیگری می خواهد که او را طواف دهد، و شانه های او را به سوی کعبه کند، به گونه ای که اختیار از طواف کننده سلب می شود. هر چند این کار

موجب بطلان طواف نمی‌گردد، اما بدون شک کارهای این افراد بسیار بد و زننده است.

مسأله ۶۶۴. هرگاه بر اثر شلوغی مطاف، و ازدحام طواف کنندگان، مقداری از طواف برخلاف متعارف انجام شد؛ مثل این که بدن طواف کننده در حال حرکت به سمت کعبه واقع شد، یا پشت به کعبه قرار گرفت، یا مقداری عقب عقب حرکت کرد، و طواف را ادامه دهد باید مقداری که عقب عقب حرکت کرده را از سر بگیرد، و اگر نمی‌تواند برگردد، بدون قصد طواف همراه جمعیت دور می‌زند تا به محلّ مورد نظر برسد، و از آنجا نیت کند و ادامه دهد.

مسأله ۶۶۵. اگر بر اثر ازدحام طواف کنندگان، انسان را بدون اختیار به پیش ببرند، در صورتی که با توجه به این امر و با اختیار خود وارد طواف شده، ضرری به طوافش نمی‌زند.

مسأله ۶۶۶. به هنگام طواف کردن به هر شکل برود مانعی ندارد؛ می‌تواند آهسته یا تند، سواره یا پیاده راه برود، یا حتی بدود، ولی بهتر آن است که به طور عادی و با آرامش راه برود، و ذکر خدا گوید.

چهارم: «حجر اسماعیل» داخل طواف باشد

مسأله ۶۶۷. واجب است «حجر اسماعیل» را داخل در طواف کند، یعنی از بیرون حجر اسماعیل کعبه را دور بزند. بنابراین، اگر سهواً یا از روی جهل از داخل «حجر اسماعیل» طواف کند باید آن دور را نادیده گرفته، و از حجر الاسود اعاده نماید (ولی نظر به این که به عقب برگشتن در این گونه موارد با ازدحام جمعیت مشکل است، بهتر این است که همراه طواف کنندگان آن

دور را بدون نیت ادامه دهد، تا به حجر الاسود برسد، سپس نیت می‌کند و آن دور را ادامه می‌دهد).

مسئله ۶۶۸. هرگاه شخصی عمداً از داخل حجر اسماعیل طواف کند، حکم ابطال عمدی طواف را دارد که در ابتدای مسائل طواف حکم آن گذشت.

مسئله ۶۶۹. اگر کسی پس از انجام اعمال حج تمتع متوجه شود که چند شوط از طواف را، در طواف حج یا عمره، سهواً از داخل حجر اسماعیل انجام داده، حج او صحیح است، ولی باید آن طواف را تکمیل کند، سپس نماز طواف را اعاده نماید.

مسئله ۶۷۰. اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل طواف کند، کافی است همان مقدار را اعاده کند، و اعاده تمام طواف لازم نیست (البته در شرایط کنونی عملاً هیچ کس روی دیوار حجر نمی‌رود).

پنجم: طواف در خارج خانه کعبه باشد

مسئله ۶۷۱. طواف باید در خارج خانه کعبه باشد. بنابراین، طواف در داخل خانه کعبه جایز نیست.

مسئله ۶۷۲. احتیاط آن است روی آن قسمت از کناره کعبه که «شاذروان» نام دارد، طواف نکند؛ هر چند امروز شاذروان طوری ساخته شده که عملاً امکان طواف روی آن نیست.

مسئله ۶۷۳. دست گذاشتن بر دیوار خانه کعبه، یا بر دیوار حجر اسماعیل، یا دست گذاردن روی دیوار حجر اسماعیل، ضرری برای طواف ندارد.

مسئله ۶۷۴. هرگاه در اثنای طواف داخل خانه کعبه شود طواف او باطل است، و باید اعاده کند.

ششم: حد مطاف

مسأله ۶۷۵. مشهور میان جمعی از فقها این است که باید طواف در فاصله مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد^۱ و از هر طرف باید این فاصله در نظر گرفته شود، بنابراین در طرف «حجر اسماعیل» محدوده طواف شش ذراع و نیم (کمتر از سه متر و نیم) خواهد بود، زیرا حجر اسماعیل (که مجموعاً بیست ذراع است) از آن کم می‌شود، ولی حق این است که طواف در تمام مسجد الحرام جایز می‌باشد؛ هر چند در غیر مواقع ازدحام رعایت احتیاط مستحب است؛ یعنی اگر طواف کردن در فاصله مزبور مشکل نباشد، از آن حد خارج نشود.

مسأله ۶۷۶. اتصال صفوف طواف کنندگان شرط نیست.

مسأله ۶۷۷. طواف در طبقات بالا در حال ازدحام زیاد، و در مورد بیماران که اجازه طواف از پایین به آنها داده نمی‌شود، اشکالی ندارد؛ و گرفتن نایب لازم نیست.

هفتم: موالات

مسأله ۶۷۸. موالات عرفی در طواف شرط است؛ یعنی باید هفت دور پی در پی دور خانه خدا بگردد، و کمتر از هفت دور کافی نیست؛ ولی در طواف مستحب موالات شرط نیست.

مسأله ۶۷۹. هرگاه طواف را عمداً قطع کند (برای رفع خستگی، یا نوشیدن آب، و مانند آن) ولی از مسجد خارج نشود، و قبل از فوت موالات

۱. این فاصله بیست و شش ذراع و نیم، یعنی کمتر از سیزده متر می‌باشد.

بازگردد، و از همان جا که قطع کرده ادامه دهد، طوافش صحیح است. خواه کمتر از سه شوط و نیم طواف کرده باشد، یا بیشتر.

مسئله ۶۸۰. هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وقت نماز فریضه، یا نافله وتر فرا رسد، می‌تواند طواف را قطع کرده، و نماز را به‌جا آورد، سپس بقیه طواف را تکمیل کند؛ خواه قبل از سه شوط و نیم باشد، یا بعد از آن.

مسئله ۶۸۱. اگر شخصی در حال طواف باشد، و وقت نماز واجب تنگ گردد، واجب است طواف را رها کند، و نمازش را بخواند، سپس طوافش را کامل کند.

مسئله ۶۸۲. قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت، یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است، و بعد از انجام نماز، طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه می‌دهد، و احتیاط مستحب آن است که طبق مسئله بالا عمل کند. (توجه داشته باشید که این مسئله در مورد نماز جماعت است).

مسئله ۶۸۳. اگر بدون عذر طواف را قطع کرد، و کاری که منافات با طواف داشت انجام داد، مثل این که فاصله زیادی انداخت، و موالات عرفیه از بین رفت، احتیاط آن است که اگر سه شوط و نیم بجا آورده طواف را اتمام و سپس اعاده نماید؛ ولی مانعی ندارد از آغاز طواف را از سر بگیرد.

مسئله ۶۸۴. هرگاه در اثناء طواف عذری پیدا شد، مثل بیماری شدید، یا حیض، یا باطل شدن وضو و مانند آن، اگر عذر مذکور بعد از تجاوز از نصف بوده، پس از رفع عذر برمی‌گردد، و طواف را تکمیل می‌کند، ولی اگر قبل از آن بوده، آن طواف را رها کرده، دوباره از اول شروع می‌کند، و احتیاط مستحب در فرض اول (در غیر حیض) اتمام و اعاده است.

مسأله ۶۸۵. هرگاه عذر شخصی که طواف را قطع کرده، ادامه پیدا کند تا زمانی که وقت انجام طواف تنگ شود، در صورت امکان باید او را به مسجد الحرام بیاورند و طوافش دهند، و اگر بیش از نصف طواف کرده بقیه را انجام می‌دهد و اگر ممکن نیست برایش نایب بگیرند و نایب طواف را از ابتدا بجا می‌آورد.

مسأله ۶۸۶. اگر در حال سعی صفا و مروه یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده، باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند، سپس بقیه سعی را بجا آورد، و طواف و سعیش هر دو صحیح است. لکن احتیاط واجب آن است که اگر طواف کمتر از نصف بوده، آن را تمام کند و سپس اعاده نماید. همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده، آن را تمام نموده و سپس اعاده کند، و در هر دو حالت می‌تواند طواف یا سعی را رها کرده، از اول بجا آورد.

مسأله ۶۸۷. حاجی می‌تواند طواف را رها نموده، خانه را ببوسد، و سپس برگردد و از همانجا که قطع کرده طواف را ادامه دهد، ولی بهتر است این کارها را انجام ندهد.

استفتائات واجبات هفت‌گانه طواف

سؤال ۶۸۸. شخصی طواف را از حجر الاسود شروع، و به رکن یمانی - که قبل از حجر الاسود است - ختم کرده، و فاصله رکن یمانی تا حجر را بدون نیت ادامه داده، و دوباره از حجر الاسود نیت کرده، و به رکن یمانی ختم نموده، و هفت دور طواف را به همین صورت انجام داده است. طواف او چه حکمی دارد؟

جواب: این طواف باطل است، و باید اعاده شود.

سؤال ۶۸۹. اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نموده، و به همانجا ختم کند، آیا طوافش باطل است؟

جواب: طوافش باطل است.

سؤال ۶۹۰. وظیفه شخصی که به اشتباه طواف را از رکن یمانی شروع، و به همانجا ختم کرده، و سپس نماز طواف را خوانده، و پس از آن متوجه خطایش شده چیست؟ چنانچه در وسط طواف متوجه اشتباهش گردد، و طوافش را به حجر الاسود ختم کند، آیا مقدار اضافی برای طواف ضرر دارد؟

جواب: طواف و نماز آن را در هر دو صورت باید اعاده کند.

سؤال ۶۹۱. اگر شخصی یقین کرد رکن مستجار (رکن یمانی که قبل از حجر الاسود قرار دارد) حجر الاسود است، و طواف را از آنجا شروع و به همانجا ختم کرد، و بعد فهمید که این کار خطا بوده، تکلیفش چیست؟
جواب: طواف مذکور بنا بر احتیاط واجب باطل است، و باید اعاده شود.

سؤال ۶۹۲. شخصی در حال طواف کعبه را بوسیده، و احتمال می‌دهد در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، و این شک بعد از انجام طواف به وجود آمده است. طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: چون شک بعد از طواف بوده، طوافش صحیح است.

سؤال ۶۹۳. شخصی در اثناء طواف به خاطر لمس و بوسیدن بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده، و نمی‌داند در بازگشت طواف را از همان نقطه ادامه داده یا نه، اکنون وظیفه‌اش چیست؟
جواب: هرگاه شک بعد از طواف بوده طوافش صحیح است، و الا باید از سر بگیرد.

سؤال ۶۹۴. یکی از حجاج خیال کرده به هنگام طواف مقداری از شوط را بر اثر فشار جمعیت طی کرده، ولی یقین به این مطلب ندارد، و از آنجا که نمی‌توانسته آن مقدار را برگردد و اعاده کند، بقیه شوط را به قصد رجاء و احتیاطاً انجام می‌دهد (تا اگر آن دور باطل بوده اضافه لغو باشد، و اگر صحیح بوده، اضافه بر طواف محسوب نشود) سپس هفت دور بجا آورده، و آن دور را حساب نکرده است. این طواف چه حکمی دارد؟
جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۶۹۵. شخصی به هنگام طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رفته، سپس به جای آن که همان مقدار را جبران کند، آن را رها کرده و یک دور دیگر به جا آورده، که مجموعاً هفت دور تمام و یک دور ناقص می‌شود. آیا این طواف صحیح است؟

جواب: طوافش اشکال دارد، و باید آن را اعاده کند.

سؤال ۶۹۶. اگر محرم از ابتدا بداند که بر اثر شلوغی طواف کنندگان مقداری از طواف یا همه آن را بی‌اختیار انجام خواهد داد، آیا از اول می‌تواند نیت کند آن مقدار، که جمعیت او را می‌برد، نیز جزء طواف باشد، و آن را مثل طواف سواره محسوب نماید؟

جواب: طوافش صحیح است، و اشکالی ندارد.

سؤال ۶۹۷. شخصی در حال طواف به یکی از طواف کنندگان که روی زمین افتاده، برخورد نموده، و او را از روی زمین بلند می‌کند. ممکن است در این حال چند گامی به جلو برود، در حالی که توجه به طواف ندارد. در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از طواف را بدون قصد بجا آورده یا نه، تکلیفش چیست؟

جواب: اگر قصد طواف، و لو اجمالاً، داشته کافی است.

سؤال ۶۹۸. شخصی در شوط پنجم یقین پیدا می‌کند که پنج متر شوط اول، و پنج متر از شوط دوم را بی‌اختیار طواف کرده است. تکلیف او چیست؟

جواب: اگر از اول قصد کرده خود را در میان طواف کنندگان قرار دهد و با آنها بچرخد، آنچه را با فشار جمعیت به جا می‌آورد، جزء طواف است و صحیح می‌باشد.

سؤال ۶۹۹. خانمی بدون کمک دیگران قادر بر طواف نیست یا باید او را

با تخت در خارج مطاف طواف دهند، یا شخص نامحرمی او را بر پشت بگیرد، و در محدوده مطاف طواف دهد. وظیفه اش چیست؟

جواب: با توجه به این که به فتوای ما مطاف حدّ معینی ندارد، او را با تخت در پشت مقام ابراهیم طواف دهند.

سؤال ۷۰۰. کسی که به حدود مطاف آگاهی نداشته، طواف را بجا آورده، و پس از آن شک می‌کند که در مطاف بوده یا نه، آیا طوافش صحیح است؟

جواب: همان گونه که در بالا آمد در هر صورت طوافش صحیح است؛ چون طواف حدّ معینی ندارد.

سؤال ۷۰۱. چنانچه محرم یقین داشته باشد که در حال طواف در محدوده معین با مرد نامحرم یا زن نامحرم برخورد می‌کند، آیا باز هم لازم است در محدوده معین طواف کند؟

جواب: گفتیم که طواف حدّ معینی ندارد. به علاوه برخورد از روی لباس بدون قصد خاصّ اشکال ندارد.

سؤال ۷۰۲. گاه انسان ناچار می‌شود از محدوده طواف - فاصله میان مقام ابراهیم و کعبه - دورتر شود، خواه به سبب نظافت کارکنان مسجدالحرام باشد، یا تعمیراتی که احیاناً در بعضی از اطراف کعبه انجام می‌دهند، یا کسانی که با ویلچر و تخت روان طواف داده می‌شوند و مانند اینها، آیا طوافشان صحیح است؟

جواب: همان گونه که قبلاً گفتیم طواف از نظر ما محدوده خاصی ندارد، و در حال اختیار نیز می‌توان از فاصله مقام و کعبه دورتر طواف کرد.

سؤال ۷۰۳. شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد. بدین جهت طواف را قطع کرده، و مشغول نماز شد. پس از نماز، طواف را از سر گرفت، و هفت شوط کامل به جا آورد. آیا طواف او صحیح است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۷۰۴. شخصی در وسط طواف، به هر دلیل آن را رها کرده، و طواف را از سر می‌گیرد. آیا طوافش صحیح است؟ اگر اعمال بعدی را انجام داده باشد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: طواف و اعمال بعدی در هر حال صحیح است.

سؤال ۷۰۵. تعدادی از زائران خانه خدا مشغول طواف بودند که مأمورین نظافت مسجدالحرام شروع به نظافت نموده، و طواف کنندگان به ناچار طواف را رها کردند. مدتی طول کشید، خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده، بدین جهت طواف را از سر گرفتند. در صورتی که به هم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان چه حکمی دارد؟

جواب: در هر صورت اشکالی ندارد.

سؤال ۷۰۶. شخصی شوط اول طواف را، که به طور ناقص انجام شده بود، رها نموده، سپس شش شوط دیگر به جا می‌آورد، بعد از آن شوط اول را اعاده می‌کند. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: هرگاه نیتش اجمالاً انجام طواف واجب شرعی بوده، مانعی ندارد.

سؤال ۷۰۷. هرگاه طواف یا سعی کسی به علتی قطع شود، و بخواهد از همان جا که قطع شده شروع کند، ولی در اثر ازدحام جمعیت نتواند به آن نقطه برود، و در محاذی آن به طرف چپ یا راست قرار گیرد. آیا می‌تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند؟

جواب: لازم نیست از همان نقطه باشد؛ بلکه محاذات کافی است.

سؤال ۷۰۸. شخصی نیت طواف را در دل می‌گذراند، و به قصد طواف

حرکت می‌کند. پس از چند قدمی گمان می‌کند نیت طواف باید به زبان آورده شود، بدین جهت آن دور را رها نموده، و برمی‌گردد، و نیت را به زبان آورده، و طواف را از نو شروع می‌کند. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۷۰۹. شخصی طواف خود را بر هم می‌زند و طواف دیگری را شروع می‌کند. آن را نیز بر هم زده و طواف سوّم را آغاز و به اتمام می‌رساند. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: طواف آخر او اشکال ندارد. ولی سزاوار است مؤمنان از این گونه کارها حتی الامکان پرهیزند.

سؤال ۷۱۰. شخصی در شوط ششم بر اثر خستگی از ادامه طواف باز می‌ماند. بدین جهت طواف را قطع نموده، به استراحت می‌پردازد، و شخص دیگری را نایب می‌کند که بقیّه طوافش را انجام دهد؛ سپس خودش نماز طواف را بجا می‌آورد. بعداً متوجّه می‌شود که استراحت در وسط طواف موالات را بر هم نمی‌زند. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: بقیّه طواف را خودش تکمیل می‌کند، سپس نمازش را اعاده می‌نماید.

سؤال ۷۱۱. شخصی در حال طواف غش کرده، و از ادامه طواف باز می‌ماند، و پس از چند ساعت به هوش می‌آید. آیا می‌تواند طوافش را از همان جا که قطع شده ادامه داده، سپس بقیّه اعمالش را بجا آورد؟

جواب: اگر طوافش قبل از اتمام سه شوط و نیم قطع شده، وضو می‌گیرد و طواف را از اوّل شروع می‌کند، و اگر بعد از آن بوده، پس از وضو از همانجا ادامه می‌دهد.

سؤال ۷۱۲. کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است، هرگاه طواف ناقص خود را اتمام نموده، و به هنگام اعاده طواف، دوباره طوافش قطع شود. آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده کند؟

جواب: آری، فرقی نمی‌کند.

سؤال ۷۱۳. در مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند، سپس نماز طواف را بخواند، و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند، اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده، تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده فقط بقیه را قصد طواف داشته باشد) و سپس دو رکعت نماز طواف بخواند، آیا کفایت می‌کند؟

جواب: بهتر آن است که طواف اول را رها کرده، طواف دیگری را شروع کند. زیرا این احتیاط مستحب است.

سؤال ۷۱۴. در مواردی که طواف و سعی را اتمام و اعاده می‌کند، آیا ترتیب نیز لازم است؟

جواب: آری، احتیاط آن است که ابتدا طواف را تمام کند و نماز بخواند، سپس طواف و نماز آن را اعاده نماید، و بعد به سراغ سعی برود.

سؤال ۷۱۵. در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، آیا لازم است با لباس احرام باشد؟

جواب: لازم نیست.

احکام طواف

مسأله ۷۱۶. کسی که طواف عمره تمتع را ترک کند چند صورت دارد:
الف) هرگاه عمداً ترک کند تا وقت وقوف به «عرفات»^۱ تنگ شود، احتیاط واجب آن است که نیت حج افراد کند و پس از حج، عمره مفرده به جا آورد، و سال بعد حج تمتع را اعاده نماید.

ب) کسی که از روی جهل و نادانی طواف را ترک کند، «حج» او مبطل به «افراد» می‌شود، و بنابر احتیاط واجب بعد از آن عمره مفرده به جا می‌آورد، و سال بعد حج تمتع را اعاده می‌کند و احتیاط مستحب آن است که یک شتر به عنوان کفاره قربانی کند.

ج) کسی که از روی سهو و فراموشی طواف را ترک کند، حج او درست است، و هر وقت یادش آمد طواف را به جا می‌آورد (و احتیاط مستحب آن است که سعی را هم بعد از آن اعاده کند) و اگر به وطن خود بازگشته، یا از مکه بیرون رفته، و مراجعت به مکه برای او زحمت دارد، نایب بگیرد تا

۱. وقت وقوف به عرفات بنابر احتیاط واجب از ظهر روز عرفه (نهم ذی الحجّه) تا غروب آفتاب است.

طواف او را به جا آورد، و در این مدّت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند در مکه قربانی کند، و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست، در شهر خود قربانی نماید.

مسألة ۷۱۷. طواف از ارکان حج است و کسی که «طواف حج» را تا آخر ذی الحجه ترک کند، اگر از روی عمد باشد حجّ او باطل است، و باید سال دیگر اعاده کند و اگر از روی جهل و ناآگاهی باشد، نیز حجّ او باطل است (خواه جاهل مقصر باشد، یا غیر مقصر) و علاوه بر اعاده حج، احتیاط آن است که شتری هم قربانی کند و اگر از روی سهو و فراموشی بوده، طواف را قضا می‌نماید، و حجّ او صحیح است و چنانچه بعد از مراجعت از حج، یا بیرون رفتن از مکه متوجه شود، و بازگشت برای او مشقت داشته باشد، کسی را نایب می‌گیرد که برای او طواف کند و مستحب است سعی را نیز بعد از آن اعاده کند، و یک گوسفند در منی قربانی نماید، و اگر ممکن نشد در وطن خود قربانی کند، و در این مدّت چیزی بر او حرام نیست.

مسألة ۷۱۸. هرگاه محرم بر اثر بیماری قادر بر انجام طواف نباشد تا وقت طواف تنگ شود، اگر ممکن است، او را به نحوی ببرند و طواف دهند (هر چند بر دوش بگیرند، یا بر چرخ یا تخت بنشانند. البته با رعایت شرایط و احکام طواف در حدّ ممکن) و اگر به این شکل هم ممکن نباشد، برای او نایب می‌گیرند.

مسألة ۷۱۹. اگر محرم مشغول سعی بین صفا و مروه شود، سپس یادش بیاید که طواف را بجا نیاورده، باید سعی را رها کرده و طواف و نماز طواف را انجام دهد، و پس از آن سعی را اعاده نماید.

مسألة ۷۲۰. هرگاه از روی سهو، یا غفلت، یا جهل، طواف را بدون وضو

انجام دهد باطل است، و باید آن را اعاده نماید. همچنین اگر با حال جنابت، یا حیض، یا نفاس یا استحاضه بدون انجام وظائف آن، انجام دهد.

مسأله ۷۲۱. سخن گفتن و خندیدن در حال طواف، و حتی خوردن چیزی، طواف را باطل نمی‌کند؛ ولی بهتر است در حال طواف (خواه واجب باشد، یا مستحب) سخنی جز ذکر خدا و دعا نداشته باشد، و با حضور قلب این عبادت بزرگ را انجام دهد، و از هر کاری که حضور قلب را می‌کاهد، پرهیز کند.

کم یا زیاد کردن طواف

مسأله ۷۲۲. کم یا زیاد کردن طواف جایز نیست. هرگاه کسی از روی عمد یا جهل چیزی بر هفت دور بیفزاید، طواف او باطل است، و اگر طواف واجب را کم کند، چنانچه قبل از فوت موالات عرفیه بازگردد و آن را تکمیل نماید، طوافش صحیح است، و آلا طواف او باطل می‌شود، و باید از نو شروع کند.

مسأله ۷۲۳. طواف واجب یا مستحب را می‌توان قطع کرد، و از نو شروع نمود. (این حکم برای حلّ بسیاری از مشکلات طواف کارساز است؛ زیرا می‌تواند آن را رها کند، و از سر بگیرد).

مسأله ۷۲۴. هرگاه طواف را از روی عمد بیش از هفت دور به جا آورد طواف او باطل است؛ خواه از اوّل قصد زیادی داشته باشد، یا بعد از اتمام هفت دور قصد کند که چیزی بر آن اضافه نماید، و خواه زیادی به اندازه یک دور باشد، یا کمتر، یا بیشتر؛ اما اگر مقدار اضافی را به قصد طواف به جا نیاورد، مثل این که در اوّل کار یک دور با جمعیت حرکت می‌کند تا به

طواف آشنا شود، سپس هنگامی که مقابل «حجر الاسود» رسید قصد طواف می‌کند، این کار ضرری ندارد، همچنین اگر بعد از تمام شدن هفت دور بر اثر کثرت جمعیت نتواند فوراً از دایره طواف خارج شود، مانعی ندارد مقداری با مردم بدون قصد طواف ادامه دهد، و بعد خارج شود.

مسأله ۷۲۵. هرگاه از روی سهو طواف را زیادتر از هفت دور به جا آورد، اگر اضافه کمتر از یک دور باشد، آن را قطع می‌کند و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا بیشتر باشد، احتیاط آن است که به قصد قربت بر آن بیفزاید تا هفت دور دیگر به عنوان طواف مستحب کامل شود، و بعد دو رکعت نماز طواف واجب را به جا می‌آورد، و پس از سعی (در آنجا که سعی واجب است) دو رکعت دیگر برای طواف مستحب به جا می‌آورد. و لازم نیست قصد کند طواف اول واجب است، و دوم مستحب؛ بلکه همین اندازه که به قصد قربت انجام دهد کافی است.

مسأله ۷۲۶. هرگاه از روی سهو و فراموشی طواف واجب را ناقص بگذارد، اگر بعد از تجاوز از نصف باشد، برمی‌گردد و طواف را کامل می‌کند. (خواه موالات از دسته رفته باشد، یا نه) و اگر قبل از آن باشد چنانچه موالات به هم نخورده، می‌تواند آن را تکمیل نماید وگرنه، باید از نو شروع کند.

مسأله ۷۲۷. چنانچه پس از بازگشت به وطن متوجه نقصان در طواف شود، احتیاط آن است که برگردد، و طوافش را طبق آنچه در بالا گفتیم تکمیل کند، و اگر نتواند، یا مشکل باشد، نایب بگیرد. و احتیاط آن است که یک گوسفند در مکه، و اگر نتواند در شهر خود، قربانی نماید.

مسأله ۷۲۸. هرگاه طواف کننده از روی عمد از اول قصد کند کمتر از هفت دور یا بیشتر بجا آورد، طوافش باطل است؛ هر چند به هفت دور تمام

کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن مسأله، بلکه اگر بر اثر فراموشی یا غفلت نیز باشد، طواف را اعاده کند.

مسأله ۷۲۹. اگر در وسط طواف از قصد هفت دور برگشت (چه قصد کرده باشد کمتر انجام دهد، و یا بیشتر) از همانجا که چنین نیتی کرده طوافش باطل است. و احتیاط آن است که طواف را به نیت صحیح تمام کرده، و سپس اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتیر از هفت شوط انجام دهد، اصل طواف باطل می‌شود.

مسأله ۷۳۰. چنانچه شخصی گمان کند همانطور که هفت دور طواف مستحب است، یک دور هم استحباب دارد، و قصد کند هفت دور طواف واجب کند، و یک دور مستحب هم به دنبال آن انجام دهد، یا به همین نیت هشت دور طواف کند، طوافش صحیح است، ولی آن یک دور بی‌فایده و باطل است؛ زیرا طواف، کمتر از هفت دور نیست.

قران در طواف

مسأله ۷۳۱. «قران»، یعنی دو طواف را پشت سر هم بجا آوردن بی آن که در وسط آن نماز طواف بخواند، اگر در طواف واجب باشد حرام است، ولی طواف اول باطل نمی‌شود؛ مگر این که از آغاز چنین قصدی داشته باشد، که در این صورت صحیح بودن طواف اول نیز مشکل است.

مسأله ۷۳۲. «قران» در طواف مستحب مکروه است، ولی حرام و باطل نیست.

مسأله ۷۳۳. اگر شخص محرم یک دور، یا کمتر، یا بیشتر، بر هفت دور بیفزاید، و قصدش این باشد که مقدار اضافه جزء آن طواف نباشد، حکم قران میان دو طواف را دارد که حرام است، ولی طواف اول باطل نیست.

شک در تعداد دورهای طواف

مسئله ۷۳۴. اگر بعد از فراغت از طواف، در عدد دورهای طواف یا شرایط طواف مانند وضو و غیره شک کند اعتنا نمی‌کند.

مسئله ۷۳۵. هرگاه بعد از رسیدن به «حجر الاسود» شک کند هفت دور به جا آورده، یا هشت دور، یا بیشتر، نباید اعتنا کند، و طوافش صحیح است. همچنین اگر در وسط دور شک کند که دور هفتم است یا بیشتر، آن دور را تمام کند، و طوافش صحیح است.

مسئله ۷۳۶. اگر در آخر دور، یا در وسط دور، شک کند شش دور به جا آورده، یا هفت دور، طواف او بنا بر احتیاط واجب باطل است، و باید آن را رها کرده، از نو شروع کند. همچنین است در هر موردی که یک طرف شک کمتر از هفت دور باشد؛ اما در طواف مستحب در این موارد بنا بر کمتر می‌گذارد، و طواف را کامل می‌کند و طوافش صحیح است.

مسئله ۷۳۷. شخص کثیر الشک که در طواف زیاد شک می‌کند نباید به شک خود اعتنا کند، و آن طرفی را که مناسبتر برای او است بگیرد؛ مثلاً اگر میان پنج و شش شک کند، بنا بر شش می‌گذارد و اگر میان هفت و هشت شک کند، بنا را بر هفت می‌گذارد.

مسئله ۷۳۸. ظنّ و گمان در مسائل گذشته در حکم شک است، و باید مطابق حکم شک عمل کند.

مسئله ۷۳۹. مانعی ندارد که انسان برای شمردن دورهای طواف به رفیق و همراه خود اعتماد کند (در صورتی که فرد مورد اعتمادی باشد).

مسئله ۷۴۰. بعضی برای حفظ عدد دورهای طواف، دعای توسّل و مانند آن را شروع می‌کنند، تا به هفتمین معصوم علیهم السلام برسند. این کار مناسب نیست؛ به خصوص اگر با صدای بلند خوانده شود. بهتر است از اذکار دیگر استفاده شود.

استفتائات احکام طواف

سؤال ۷۴۱. شخصی پس از تمام شدن هفت دور طواف، دو دور دیگر برای جبران نقص احتمالی به قصد احتیاط به جا می‌آورد. آیا این عمل ضرری به طوافش می‌رساند؟

جواب: طواف او اشکالی ندارد.

سؤال ۷۴۲. شخصی به هنگام سعی بین صفا و مروه متوجه می‌شود بیش از هفت دور طواف کرده است. وظیفه او چیست؟

جواب: احتیاط آن است که سعی را تکمیل نموده، سپس طواف و نماز طواف و سعی را دوباره بجا آورد، و پس از آن تقصیر کند.

سؤال ۷۴۳. شخصی چند متر از یک شوط طواف را خراب کرده، و چون محلّ دقیق آن را نمی‌دانسته آن را رها نموده، و یک شوط دیگر از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم کرده است. اگر نیت او این باشد که آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود، و زیادی قبلی و بعدی به عنوان مقدمه علمیه باشد، طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: طوافش صحیح است، مگر این که بعد از خراب شدن آن

شوط، آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.

سؤال ۷۴۴. اگر هنگام خروج از محلّ طواف بعد از دور هفتم، مقداری از مسافت را به قصد آن که جزء طواف باشد به جا آورد، چه حکمی دارد؟
جواب: اگر عمدی باشد، طوافش باطل می‌شود، و اگر سهوی باشد باید قطع کند، و طوافش صحیح است.

سؤال ۷۴۵. آیا «قران در طواف» که حرام است، طواف را نیز باطل می‌کند؟

جواب: اگر از اوّل یا در وسط طواف اوّل، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اوّل قصد قران کرده، طواف اوّل باطل نمی‌شود.

سؤال ۷۴۶. شخصی پس از انجام هفت دور طواف عمره تمتّع، با خود می‌گوید: «این طواف دلچسب نشد» بدین جهت و بدون خواندن نماز طواف، هفت دور دیگر طواف می‌کند، سپس نماز و سعی را انجام داده، و تقصیر می‌کند. آیا عمل او صحیح است؟

جواب: عمل او صحیح است؛ هر چند ناآگاهانه داخل در قران حرام شده است.

سؤال ۷۴۷. کودک نابالغی با اجازه پدرش محرم شده، و طواف را نیمه کاره رها کرده، به تصوّر این که همان مقدار کافی است، و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده است. اکنون تکلیف او چیست؟

جواب: سعی و طوافش باطل است. باید طواف و نماز و سعی را اعاده نموده، سپس تقصیر نماید.

سؤال ۷۴۸. زنی به همراه شوهرش، که یک دور طواف را انجام داده بود، شروع به طواف می‌کند، و پس از اتمام طواف همسرش، که دور ششم او بوده، طواف را از سر می‌گیرد، و هفت دور دیگر می‌زند. طواف اول و دوم زن چه حکمی دارد؟

جواب: طوافی را که از سرگرفته صحیح است.

سؤال ۷۴۹. اگر در هنگام طواف در صحت دور سابق، یا قسمتی از دور فعلی - که مشغول انجام آن است و محل آن گذشته - شک کند، چه حکمی دارد؟ مثلاً مشغول انجام دور چهارم است و از حجر اسماعیل هم گذشته، ولی در صحت دور سوم شک دارد، یا در مورد دور چهارم شک دارد که از داخل حجر طواف کرده، یا از خارج آن دور زده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: طوافش صحیح است.

سؤال ۷۵۰. شخصی به هنگام انجام طواف در تعداد دورهای طواف شک کرد، و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت. پس از انجام اعمال، یقین به صحت طواف پیدا کرد. آیا طوافش صحیح است؟

جواب: صحیح است.

سؤال ۷۵۱. اگر حاجی در حال طواف، یا سعی، شک کند که دور چندم طواف یا سعی است، و با همین حال عمل خویش را ادامه دهد، سپس به یک طرف شک یقین پیدا کرده، و عمل را تمام نماید، آیا چنین عملی صحیح می‌باشد؟

جواب: اگر طواف یا سعی را به امید انجام وظیفه شرعی ادامه دهد، و بعد یقین پیدا کند اشکالی ندارد، و طواف و سعی او صحیح است.

سؤال ۷۵۲. گاه انسان شک می‌کند که فلان شوط طواف را درست انجام داده، یا نه؟ آیا جایز است بعد از طواف یک شوط دیگر به عنوان احتیاط به جا آورد، سپس نماز طواف را بخواند؟

جواب: با قصد مذکور مانعی ندارد.

سؤال ۷۵۳. شخصی در پایان یکی از دوره‌های طواف آن را رها کرده، و لحظه‌ای استراحت می‌کند. هنگامی که برای تکمیل آن برمی‌گردد شک می‌کند که شوط پنجم بوده، یا ششم؟ وظیفه‌اش را بیان فرمائید.

جواب: احتیاط واجب آن است که آن طواف را رها کند، و از نو شروع نماید.

سؤال ۷۵۴. معیار و ملاکِ کثیر الشک بودن در طواف چیست؟

جواب: کثیر الشک بودن یک امر عرفی است؛ یعنی مردم بگویند او بسیار شک می‌کند.

نیابت در طواف

سؤال ۷۵۵. آیا کسانی که قادر به انجام طواف نیستند باید نایب بگیرند؟ یا لازم است توسط چرخ، یا تخت‌های مخصوص طواف داده شوند؛ هر چند آنها را در خارج از محدوده، یا از طبقه بالا، طواف دهند؟

جواب: نیابت لازم نیست، و طواف به شکل مزبور صحیح است، و طواف از طبقه بالا به هنگام ضرورت مانعی ندارد. همچنین در صورت ضرورت و اتصال به جمعیت طواف در زیر سقف‌ها و رواق‌ها مانعی ندارد.

سؤال ۷۵۶. آیا قسمتی از طواف، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت هست؟

جواب: در صورت امکان آنها را در باقیمانده سوار بر چرخ و مانند آن طواف دهند، در غیر این صورت، برای تمام طواف نایب بگیرند.

سؤال ۷۵۷. شخص ناتوانی که به خاطر گرانی نمی‌تواند طواف را بوسیله تخت روان و مانند آن انجام دهد، آیا می‌تواند نایب بگیرد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۷۵۸. آیا محرم می‌تواند قبل از انجام طواف واجب خود (چه طواف عمره باشد، یا حج، یا طواف نساء) به نیابت از معذور طواف انجام دهد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۷۵۹. آیا کسی که فقط نیابت در طواف یا سعی می‌کند لازم است لباس احرام بپوشد؟

جواب: لازم نیست.

دیگر سؤالات طواف

سؤال ۷۶۰. اگر طواف، یا نماز طواف، یا سعی شخصی در عمره به جهتی باطل شده، و آن شخص بدون توجه به این مطلب تقصیر نموده، و از احرام خارج شده باشد، سپس متوجه بطلان عمل مذکور گردد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید عمل باطل شده را جبران کند، ولی از احرام خارج شده، و کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۷۶۱. شخصی طواف حج واجب خویش را غلط انجام داده، و پس از آن، چندین طواف نیابی نیز به همان صورت به جا آورده است. تکلیف او در مورد طوافهای مذکور چیست؟

جواب: اگر از روی سهو و فراموشی باشد حج او صحیح است و باید

طواف‌ها و نماز طواف‌ها را اعاده کند، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد و احتیاطاً خودش هم نماز طواف را بخواند و اگر عمدتاً یا جهلاً بوده، حجّ او اشکال دارد. طواف‌های نیابی نیز همین حکم را دارد.

سؤال ۷۶۲. اگر کسی طواف عمره را فراموش کند، یا ناقص انجام دهد، و در عرفات متوجه شود تکلیفش چیست؟

جواب: می‌تواند بعد از اعمال منی آن را تدارک کند.

سؤال ۷۶۳. اگر شخصی طواف را فراموش کند، یا باطل انجام دهد، آیا می‌تواند قضای آن را در ماههای غیر حج انجام دهد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۷۶۴. هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و اعمال عمره، نظیر طواف و سعی، را جهلاً یا عمدتاً با لباس دوخته انجام دهد، اعمالش چه حکمی دارد؟

جواب: طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مُجزی است، ولی اگر عمدتاً باشد کفاره دارد.

سؤال ۷۶۵. به هنگام طواف، و بر اثر فشار و ازدحام، بعضی از وسائل طواف‌کنندگان مثل ساعت، انگشتر، احرامی، شانه و مانند آن، روی زمین و زیر دست و پای طواف‌کنندگان می‌افتد، که برداشتن آن خطرناک است. بعضی از طواف‌کنندگان پا روی آن می‌گذارند. آیا این عمل ضرری به طواف آنها می‌زند؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی عمدتاً پا روی آن نگذارند.

سؤال ۷۶۶. اگر انسان هنگام طواف پا روی احرامی دیگران بگذارد، و بداند این کار موجب اذیت و آزار صاحب آن می‌شود، طوافش چه حکمی دارد؟

جواب: به طواف ضرری نمی‌زند، ولی عمدتاً این کار را نکند.

سؤال ۷۶۷. حجّاج اهل سنت هنگام طواف وقتی به محاذی حجرالاسود می‌رسند، دستها را بلند کرده و تکبیر می‌گویند، و سپس به طواف خود ادامه می‌دهند. آیا این کار طبق نظر علمای شیعه نیز سفارش شده است؟
جواب: در بعضی روایات به آن اشاره شده است و می‌توان به نیت قربت مطلقه انجام داد.

سؤال ۷۶۸. گاه در حال طواف تماس با بدن نامحرم حاصل می‌شود آیا ضرری برای طواف ندارد؟

جواب: طواف باطل نمی‌شود، و کفّاره‌ای هم ندارد، حتّی اگر خدای نکرده از روی عمد باشد، ولی باید مراقب دام‌های شیطان بود.

سؤال ۷۶۹. نظر به اهمّیت اعمال حج، به خصوص طوافها و نماز آن، بعضی از حجّاج پاره‌ای از اعمال را، هر چند ظاهراً نقصی ندارد، احتیاطاً چند بار انجام می‌دهند. چه حکمی دارد؟

جواب: نباید گرفتار وسواس شد؛ ولی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانعی ندارد.

سؤال ۷۷۰. یکی از حجّاج پس از فراغت از مناسک عمره متوجه شد که وضویش باطل بوده، وظیفه او چیست؟

جواب: باید طواف و نماز طواف را با وضوی صحیح تکرار کند، در این صورت عمره او صحیح خواهد بود.

۳. نماز طواف

مسألة ۷۷۱. واجب است بعد از طواف واجب، دو رکعت نماز بخواند، واحتیاط واجب آن است که این نماز را پشت مقام ابراهیم بجا آورد، ولی لازم نیست متصل به آن باشد؛ بلکه همین اندازه که بگویند پشت مقام ابراهیم بجا آورده کافی است.

مسألة ۷۷۲. محلّ نماز طواف واجب - چنانکه گفتیم - پشت مقام ابراهیم است، ولی اگر فشار جمعیت زیاد باشد، می‌تواند در یکی از دو طرف مقام ابراهیم، یا عقب‌تر از مقام، نماز بخواند، به خصوص در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که صفوف طواف کنندگان به پشت مقام ابراهیم می‌رسد، و خواندن نماز در آنجا مشکل می‌شود، در این حال نباید اصرار بر خواندن نماز در نزدیکی مقام ابراهیم داشت، بلکه باید در جایی که این مشکل وجود ندارد خوانده شود، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می‌دهند، مانند این که گروهی دست به دست هم می‌دهند، و حریمی برای نمازگزاران مورد نظر درست می‌کنند، هیچ ضرورتی ندارد و اگر برای طواف کنندگان، یا سایر نماز گزاران ایجاد مزاحمت کند، خالی از اشکال

نیست، بلکه باید عقب‌تر بروند تا جایی که مزاحم طواف کنندگان نباشد.

مسئله ۷۷۳. نماز طواف را می‌توان بلند یا آهسته خواند، و اذان و اقامه ندارد، و در چیزهای دیگر شبیه نماز صبح است؛ ولی بنابر احتیاط واجب، جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

مسئله ۷۷۴. در نماز طواف هر سوره‌ای، جز سوره‌های سجده را می‌توان خواند؛ ولی مستحب است در رکعت اول پس از حمد سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند.

مسئله ۷۷۵. نماز طواف را در همه اوقات می‌توان خواند، مگر این که با وقت نماز واجب مزاحمت کند، به گونه‌ای که خواندن نماز طواف در آن وقت، باعث از دست رفتن نماز واجب شود، که در این صورت باید نماز روزانه را مقدم داشت.

مسئله ۷۷۶. بر هر مکلفی واجب است قرائت نماز خود را یاد بگیرد؛ یعنی حمد و سوره و سایر ذکرهای نماز را به طور صحیح بخواند؛ ولی اگر به علت بیسوادی، یا علل دیگر، بعد از تلاش لازم نتوانست قرائت را به طور کامل بخواند، همان مقدار که می‌تواند کافی است، و اگر می‌تواند یاد بگیرد، اما کوتاهی کند، معصیت نموده است، ولی اگر وقت تنگ باشد، و فرصت برای یاد گرفتن نباشد، باید به همان مقدار که توانایی دارد نمازها و از جمله نماز طواف را بخواند، و نایب گرفتن لازم نیست.

مسئله ۷۷۷. اگر کسی نمی‌داند که قرائت نمازش درست نیست، و در نادانی خود معذور باشد، نمازش صحیح است، و اعاده ندارد؛ اما اگر مقصر بوده، لازم است پس از درست کردن قرائت، نمازش را اعاده کند؛ وگرنه معصیت کرده است.

مسأله ۷۷۸. همه نمازها را باید با قرائت صحیح انجام داد. زائران خانه خدا باید از فرصت استفاده کنند، و به هنگام اراده این سفر بزرگ روحانی، قرائت نماز خود را برای اهل علم بخوانند، و اگر ایرادی دارد برطرف نمایند، تا حج آنها از هر نظر خالی از اشکال باشد.

مسأله ۷۷۹. برای صحیح بودن قرائت، دقت‌های علمای تجوید شرط نیست؛ همین اندازه که در عرف عرب بگویند کلمات را صحیح ادا می‌کند کافی است.

مسأله ۷۸۰. هرگاه کسی از روی عمد نماز طواف را ترک کند، باید برگردد و بجا آورد، ولی اگر به موقع بجا نیاورد، حج او باطل نیست؛ بلکه فقط گناه کرده و باید آن را جبران کند.

مسأله ۷۸۱. اگر شخصی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگ او واجب است که قضای آن را بجا آورد؛ و اگر شخص دیگری نیز بجا آورد کفایت می‌کند.

مسأله ۷۸۲. هرگاه شخصی از روی سهو، یا جهل و ندانستن مسأله، نماز طواف واجب را ترک کند، در صورت امکان باید برگردد و نماز را پشت مقام بجا آورد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، هر جا که هست نماز را بجا آورد؛ حتی اگر در وطن خود باشد.

مسأله ۷۸۳. هرگاه نماز طواف را فراموش کند، و در حال سعی یادش بیاید، سعی را رها می‌کند، و برمی‌گردد نماز طواف را بجا می‌آورد، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می‌دهد.

مسأله ۷۸۴. هرگاه نماز طواف را فراموش کند، و اعمال پس از نماز را بجا آورد، و پس از توجه نماز طواف را انجام دهد، اعاده اعمال پس از نماز برای او لازم نیست؛ هر چند احتیاط مستحب در اعاده آن اعمال است.

مسأله ۷۸۵. احتیاط واجب آن است که نماز طواف را بلافاصله بعد از طواف بجا آورد؛ مگر این که یادش برود، که حکم آن گفته شد.

مسأله ۷۸۶. هرگاه به واسطه مانعی - مثل باطل شدن وضو، یا نجس شدن لباس و بدن، یا ازدحام جمعیت برای نماز جماعت روزانه، و مانند آن - نتواند نماز طواف را بلافاصله پس از طواف بجا آورد، بعد از رفع مانع بجا می‌آورد، و طواف و نمازش صحیح است.

مسأله ۷۸۷. در احکامی که ذکر شد، جاهل به مسأله در حکم کسی است که فراموش کرده است.

مسأله ۷۸۸. شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند، و احتیاط واجب در ظنّ به رکعات اتمام، سپس اعاده است، و در ظنّ در افعال نماز، باید نمازگزار احتیاط کند، و در سایر احکام، نماز طواف همانند نماز یومیّه است.

مسأله ۷۸۹. اگر مُحرم نماز طواف را قبل از طواف خوانده، باید پس از انجام طواف آن را اعاده کند.

استفتائات نماز طواف

محلّ نماز طواف

سؤال ۷۹۰. این که فرموده‌اید: «واجب است نماز طواف را پشت مقام بجا آورند» پشت مقام تا چه اندازه است؟ آیا می‌توان حدّ معینی برای آن فرض کرد؟

جواب: این امر عرفی است؛ یعنی مردم بگویند نماز او پشت مقام است.

سؤال ۷۹۱. شخصی با اعتقاد به این که حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، نمازش را در آنجا بجا آورده است. وظیفه‌اش چیست؟ اگر بعد از تقصیر متوجّه شود، آیا اعمال بعد از نماز هم باید اعاده گردد؟

جواب: باید نمازش را در پشت مقام ابراهیم اعاده کند، و اعاده اعمال بعد لازم نیست.

سؤال ۷۹۲. خانمی نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خوانده، و به منزل بازگشته، و سپس متوجّه شده که حائض گردیده، و طبق عادت هر ماهه تا وقوف به عرفات پاک نمی‌شود. آیا نمازی که خوانده صحیح بوده؟ اگر صحیح نبوده، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: عمره او صحیح است، و باید برای حج تمتع محرم شود، و هنگامی که برای اعمال مکه به مکه بازگشت، نماز طواف عمره را پشت مقام ابراهیم بجا می آورد، و احتیاط آن است که نماز سابق را قبل از طواف حج تمتع بخواند.

سؤال ۷۹۳. آیا نماز در پشت مقام ابراهیم حکم تکلیفی است، یا وضعی؟ به عبارت دیگر، اگر کسی (مثلاً) نمازش را نزدیک دیوار زمزم بخواند، آیا نمازش باطل است، یا فقط معصیت کرده، ولی نماز صحیح است؟

جواب: خواندن نماز طواف واجب پشت مقام ابراهیم جزء شرایط است، و جنبه حکم وضعی دارد، ولی اگر بر اثر ازدحام نتواند نماز را پشت مقام بخواند، تا جایی که مزاحمتی برای طواف کنندگان نداشته باشد عقب تر می رود.

سؤال ۷۹۴. هرگاه فردی به خاطر ازدحام نتواند نماز طواف را پشت مقام بخواند، آیا باید صبر کند تا خلوت شود، یا می تواند فوراً نمازش را در جایی که مقدور است بخواند، ولو روزهای بعد، در جای نزدیکتر بتواند اعاده نماید؟

جواب: می تواند در جایی که مقدور است بخواند، و صبر کردن برای نزدیکتر خواندن لازم نیست.

سؤال ۷۹۵. اگر کسی نماز طواف را در مکانی غیر از مقام ابراهیم بخواند، و با اعتقاد به صحّت آن، بقیّه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

جواب: فقط باید نماز را اعاده کند.

سؤال ۷۹۶. در یکی از روزنامه های عربستان مقاله ای تحت عنوان: «آیا جابجایی مقام ابراهیم مناسب است؟» به چاپ رسیده، و مطالبی در مورد

لزوم این کار به منظور رفع مانع برای طواف کنندگان مطرح شده است. لطفاً بفرمایید:

الف) چنین اقدامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: جابجایی مقام ابراهیم ضرری به امر طواف نمی‌زند؛ زیرا جایز است طواف در دو طرف مقام ابراهیم انجام شود؛ اما از آنجا که مقام ابراهیم معیاری برای محلّ نماز «طواف واجب» است، و این تغییر سبب می‌شود که معیار مزبور به هم بخورد، تغییر آن شرعاً مجاز نیست. ب) در صورت عملی شدن این طرح، تکلیف حجّاج در مورد طواف و نماز طواف چیست؟

جواب: همان طور که گذشت برای طواف مشکلی ایجاد نمی‌شود؛ زیرا طواف در پشت مقام نیز جایز است؛ اما اگر خدایی نکرده آنها اقدام به چنین کار خلافی کنند، زائران باید در محلّ جدید پشت مقام ابراهیم نماز طواف بخوانند.

سؤال ۷۹۷. گاه انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کنندگان او را حرکت داده، جا بجا می‌کنند؛ ولی در عین حال نماز را شروع می‌کند. اگر این نماز را تمام کند صحیح است؟

جواب: اگر به امید این که بتواند آن را کامل کند انجام داده، و او را جا به جا نکردند، نماز او صحیح است، و اگر کمی جا به جا کنند، به طوری که صورت نماز به هم نخورد، و در حال جا به جایی سکوت کند، آن نیز مانعی ندارد.

سؤال ۷۹۸. شخصی مشغول نماز طواف بود که طواف کنندگان او را حرکت دادند. پس از استقرار ذکرری را که در حال حرکت خوانده بود تکرار

کرد، ولی دوباره او را حرکت دادند، او نیز ذکر را تکرار کرد. آیا نمازش صحیح است؟

جواب: اگر طوری حرکت داده‌اند که استقرار او از بین رفته، تکرار ذکر مانعی ندارد؛ در غیر این صورت، تنها به قصد احتیاط تکرار کند، به شرط آن که از روی وسواس نباشد.

سؤال ۷۹۹. هنگامی که قسمتی از زمین مسجد الحرام نجس می‌شود، کارکنان آنجا اقدام به تطهیر آن به روش غیر صحیح می‌کنند. آیا نماز خواندن بر روی آن قسمت از زمین، که به روش فوق تطهیر شده و هنوز مرطوب است، جایز است؟

جواب: احتیاط آن است که در مکان دیگری نماز بخواند؛ ولی اگر یقین به نادرستی روش آنها ندارد اشکالی ندارد، و جستجو در این امور لازم نیست.

سؤال ۸۰۰. در موقع نماز طواف امکان ندارد که مردان و زنان طوری بایستند که محاذی هم نباشند، یا زنان جلوتر از مردان مشغول نماز نشوند. در این صورت نماز چه حکمی دارد؟

جواب: در این شرایط اشکالی ندارد.

محمول نجس

سؤال ۸۰۱. آیا محمول نجس (همراه داشتن دستمال نجس، و امثال آن) در طواف و نماز طواف جایز است؟

جواب: پوشیدن لباسهایی که به تنهایی ستر عورت نمی‌کند، در طواف و نماز طواف اشکالی ندارد؛ همچنین محمول نجس و متنجس.

وظیفه زنان حائض

سؤال ۸۰۲. خانمی برای عمره تمتع مُحرم شده، و پس از ورود به مکه و انجام طواف، و قبل از بجا آوردن نماز طواف، حائض گردیده است. وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر وقت وسعت دارد (یعنی تا قبل از عزیمت به عرفات پاک می شود) صبر می کند تا پاک شود و نماز طواف را بخواند، و پس از آن بقیه اعمال را بجا آورد، و چنانچه وقت تنگ است، سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام می دهد، سپس برای حج تمتع مُحرم می شود، و احتیاط آن است که پس از بازگشت از عرفات و منی، و قبل از بجا آوردن اعمال مکه، نماز طواف گذشته را بخواند، سپس اعمال مکه را بجا آورد.

اصلاح قرائت نماز

سؤال ۸۰۳. شخصی که نمازش غلطهای فراوانی دارد، و به احرام عمره تمتع مُحرم شده، وارد مکه می شود، و (مثلاً) هفت روز در مکه توقف می کند. آیا واجب است تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح نماید، سپس شروع به طواف و نماز کند، یا وظیفه دیگری دارد؟

جواب: لازم است صبر کند، و نمازش را به مقداری که می تواند اصلاح کند.

سؤال ۸۰۴. هرگاه شخصی مطمئن بوده که قرائت و اذکار نمازش را به طور صحیح انجام می داده، و نماز طواف را بر همان اساس خوانده است، اکنون معلوم شده که اشتباهاتی در قرائت نماز دارد. چه باید بکند؟

جواب: اگر احتمال غلط بودن آن را نمی داده، نمازش صحیح بوده است؛ ولی برای نمازهای روزانه آینده اشتباهاتش را اصلاح کند.

سؤالات دیگر

سؤال ۸۰۵. اگر خانمی اذکار نماز طواف را به قدری بلند بخواند که نامحرم بشنود، چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد، ولی بهتر است آهسته تر بخواند.

سؤال ۸۰۶. وضوی شخصی پس از طواف باطل می شود، ولی بر اثر خجالت وضو نمی گیرد، و به همان شکل نماز طوافش را به جا آورده، و به دنبال آن سعی و تقصیر نموده، و از احرام خارج می شود. وظیفه او چیست؟

جواب: باید نماز را اعاده کند.

سؤال ۸۰۷. آیا روحانی کاروان، که نماز طوافش را به صورت فرادی خوانده، می تواند همان نماز را مانند نمازهای یومیّه، به نیت جماعت برای افراد کاروان امامت کند؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب نماز طواف را نمی توان با جماعت خواند.

سؤال ۸۰۸. آیا جایز است در میان طواف و نماز طواف، نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگری بجا آورد؟

جواب: احتیاط در ترک آن، و اقدام به انجام نماز طواف است.

سؤال ۸۰۹. گاه در پشت مقام ابراهیم ازدحام زیاد است، و چون زن و مرد در کنار هم هستند احیاناً مورد فشار ازدحام قرار می گیرند. در صورتی که خوف فسادی نرود، آیا به نماز طواف ضرری می زند؟

جواب: در فرض سؤال برای نماز ضرر ندارد.

سؤال ۸۱۰. آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز آن، به مقدار زمان دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله ضرر دارد؟ خواندن دو رکعت نماز مستحبی چطور؟

جواب: اشکال ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است.

سؤال ۸۱۱. شخصی علاقمند است قرائت قرآن و نمازهای مستحبی و دعای توسل را پشت مقام ابراهیم انجام دهد، در حالی که در جاهای دیگر مسجد الحرام نیز انجام این امور ممکن است. از طرفی، بر اثر ازدحام جمعیت کسانی که می‌خواهند نماز طواف واجب بخوانند با کمبود جا مواجه هستند. آیا این کار جایز است؟

جواب: این کار در صورت مزاحمت جایز نیست، و می‌تواند در نقاط دیگر مسجد الحرام آنها را انجام دهد، زیرا تمامی نقاط مسجد الحرام دارای فضیلت است.

سؤال ۸۱۲. در مناسک فرموده‌اید: «باید نماز طواف را پس از طواف بدون فاصله بجا آورد» آیا فوریت نماز بعد از طواف، وضعی است یا تکلیفی؟ اگر شخصی به فاصله مثلاً یک ساعت بعد از طواف، نماز را بخواند چه حکمی دارد؟

جواب: فوریت تکلیفی است و نماز مذکور صحیح است.

طوافهای مستحبی

مسأله ۸۱۳. یکی از مستحبات بسیار مؤکد برای کسانی که در مکه هستند طواف خانه خداست، که مانند طواف واجب هفت دور است، و بعد از آن دو رکعت نماز طواف خوانده می‌شود؛ ولی سعی صفا و مروه ندارد، و این از افضل عبادات در مسجدالحرام است. در حدیثی، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «در اطراف کعبه صد و بیست رحمت الهی وجود دارد. نیمی از آن مخصوص طواف کنندگان، و چهل قسمت از آن مربوط به نمازگزاران، و بیست قسمت دیگر، از آن نگاه کنندگان به کعبه است»^۱.

مسأله ۸۱۴. انسان می‌تواند به نیت خود، یا به نیت دوستانی که در مکه نیستند، اعم از اموات و غیر اموات، این طواف را به جا آورد.

مسأله ۸۱۵. طوافهای مستحب، بر عمره‌های متعدّد در یک ماه که به قصد رجا بجا می‌آورند، ترجیح دارد.

مسأله ۸۱۶. طواف مستحب مانند طواف واجب است؛ ولی در موارد زیر تفاوت دارد:

۱. وسائل الشیعه، جلد ۹، صفحه ۳۹۸.

۱. در طواف مستحب وضو شرط نیست؛ هر چند افضل آن است که با وضو باشد، ولی برای نماز طواف باید وضو بگیرد.
 ۲. نماز طواف مستحب را در هر جایی از مسجد الحرام می‌توان به جا آورد، و لازم نیست پشت مقام ابراهیم باشد؛ حتی در حال اختیار.
 ۳. موالات در طواف مستحب لازم نیست، و می‌تواند میان شوطهای آن جدایی بیندازد.
 ۴. قطع طواف نافله بدون عذر و ضرورت جایز است؛ اگر چه نخواهد بقیه اشواط را بجا آورد؛ اما طواف واجب، بنابر احتیاط مستحب، نباید در غیر موارد ضرورت قطع شود.
 ۵. شک در نقصان دوره‌های طواف مستحب اشکالی ندارد، و بنا را بر کمتر می‌گذارد.
 ۶. «قران» در طواف واجب جایز نیست؛ یعنی دو طواف را پشت سر هم بدون نماز نمی‌توان انجام داد، ولی در طواف مستحب جایز و مکروه است.
 ۷. قطع طواف مستحب در غیر موارد ضرورت نیز جایز است، و بعداً از هر کجا قطع کرده بقیه را به‌جا می‌آورد، و احتیاج به گذشتن از نصف نیست.
- مسألة ۸۱۷.** بهتر است در مواقعی که گروه زیادی مشغول انجام طواف واجب هستند، و ازدحام شدید است، از طواف مستحب خودداری شود. تا محل طواف در اختیار کسانی که طواف واجب می‌کنند قرار گیرد.
- مسألة ۸۱۸.** طواف مستحب وقت و تعداد معینی ندارد، و در هر موقع از شب یا روز می‌توان انجام داد. ولی هر طواف باید هفت دور باشد.
- مسألة ۸۱۹.** طواف مستحب لباس احرام نمی‌خواهد، و سخن گفتن در آن (مانند طواف واجب)، جایز است. هر چند بهتر است که مشغول ذکر خدا باشد، یا دعا بخواند.

مسأله ۸۲۰. بلند خواندن دعاها در طواف مستحب و واجب، به طوری که مزاحمت برای دیگران فراهم شود، کار درستی نیست.

استفتائات طوافهای مستحبی

سؤال ۸۲۱. هرگاه زنان در طوافهای مستحبی بدانند که چشم آنها به بدن مردان می‌افتد، و امکان دارد در بین فشار مردان هم قرار گیرند، طوافشان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر عمداً و از روی اختیار نگاه نکنند اشکال ندارد؛ ولی بهتر است در ازدحام مراعات کنند.

سؤال ۸۲۲. آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است؟

جواب: آری، شرط است.

سؤال ۸۲۳. آیا محرم می‌تواند قبل از اعمال عمره تمتع، یا عمره مفرده،

یا قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی بجا آورد؟

جواب: در فرض سؤال احتیاط ترک طواف مستحبی است؛ ولی اگر

بجا آورد به عمره و حج او ضرر نمی‌زند.

سؤال ۸۲۴. آیا می‌توان هر دور از دورهای هفت گانه طواف مستحب را

به نیت یکی از مؤمنین به جا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یکی

نفر انجام داد؟

جواب: نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می‌تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد؛ و ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

۴. سعی صفا و مروه

مسألة ۸۲۵. سعی صفا و مروه از واجبات رکنی «عمره تمتع» و «حج» است، و منظور از آن رفت و آمد میان این دو کوه کوچک است. از «صفا» به سوی «مروه» می‌رود، و از «مروه» به «صفا» باز می‌گردد، تا هفت دور تمام شود (رفتن از یکی به دیگری یک دور حساب می‌شود). بنابراین، چهار بار از صفا به مروه می‌رود، و سه بار باز می‌گردد، و دفعهٔ چهارم باز نمی‌گردد، که در مجموع هفت دور می‌شود.

واجبات سعی

مسألة ۸۲۶. در سعی چند چیز واجب است:

اول: تیت

واجب است سعی را با «قصد» و برای رضای خدا انجام دهد، و همین اندازه که اجمالاً بدانند چه می‌کند، و برای حج یا عمره سعی می‌نماید، کافی است، و گفتن به زبان لازم نیست.

دوم: شروع از «صفا»

سوم: ختم کردن به «مروه»^۱

رفتن از صفا به مروه یک دور، و بازگشت از آن دور دوم حساب می‌شود. بنابراین، دور هفتم به مروه ختم می‌شود.

چهارم: سعی هفت دور تمام باشد

باید سعی صفا و مروه هفت دور تمام باشد؛ نه کمتر و نه بیشتر.

پنجم: سعی در داخل مسعی انجام گیرد

سعی میان صفا و مروه باید از طریق معمول باشد. بنابراین، اگر قسمتی از سعی را از داخل مسجد الحرام، یا فضای بیرون انجام دهد، درست نیست.

ششم: سعی به صورت متعارف انجام گیرد

واجب است هنگام رفتن به مروه رو به مروه، و هنگام برگشتن به صفا، رو به صفا باشد.

هفتم: غصبی نبودن لباس، ستر عورت در مردان و حجاب در زنان

برای صحت سعی احتیاط واجب آن است که لباس انسان غصبی نباشد، و ستر عورت در مردان و حجاب برای زنان لازم است.

مسألة ۸۲۷. باید تمام فاصله میان این دو کوه کوچک را ببیماید، و با توجه به این که در حال حاضر قسمتی از دامنه این دو کوه با سنگ پوشانیده شده، همین اندازه که سر بالایی را ببیماید کافی است. بنابراین،

۱. چنانکه گفته شد صفا و مروه دو کوه کوچک نزدیک مسجد الحرام است، که هنگام بیرون آمدن از مسجد از طرف صفا و مروه «صفا» در طرف راست، و «مروه» در سمت چپ قرار دارد. بنابراین، حاجی نخست به صفا آمده، و از آن شروع می‌کند.

لازم نیست به قسمت لخت کوه برود، و پای خود را به آن بچسباند، و کارهای نادرستی را (مانند بالا رفتن از کوه) که بعضی عوام انجام می‌دهند، انجام ندهد.

مسأله ۸۲۸. اگر سعی را سهواً از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده نماید، و در صورتی که در بین سعی بفهمد، چنانچه آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد، و بقیه را تکمیل کند، کفایت می‌کند.

مسأله ۸۲۹. اگر کسی عمداً سعی را کم یا زیاد کند، سعی او باطل است، و اگر سهواً باشد، در صورت نقصان، پیش از آن که موالات از بین برود کامل می‌کند، و در صورت زیادی، زیادی سهوی ضرری ندارد.

مسأله ۸۳۰. کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند، و با همین نیت از صفا شروع کرده، ولی رفت و برگشت را یک دور حساب نموده، و در نتیجه چهارده دور سعی کرده، احتیاط آن است سعی را اعاده کند، و این احتیاط ترک نشود.

مسأله ۸۳۱. سعی از طبقه بالا، که امروز ساخته شده و بالاتر از دو کوه صفا و مروه قرار دارد، اشکال دارد؛ مگر این که بر اثر ازدحام یا غیر آن، نتواند از طبقه پایین سعی را به جا آورد، در این صورت سعی در طبقه بالا جایز است، و احتیاط مستحب این است که در این صورت برای طبقه پایین هم نایب بگیرد.

مسأله ۸۳۲. با توجه به این که طبقه زیرزمین صفا و مروه بین دو کوه می‌باشد، سعی در آنجا حتی در غیر حال ضرورت جایز است.

مسأله ۸۳۳. اگر کسی به هنگام رفتن به مروه به عکس باشد (یعنی موقع رفتن به سوی مروه پشت به آن کرده عقب عقب برود، یا روی دست

راست یا دست چپ حرکت کند) سعی او صحیح نیست؛ اما این مسأله نباید موجب وسواس شود؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول حرکت کند کافی است، هر چند صورت خود را به راست و چپ برگرداند، یا مثلاً برای ملاحظه همراهان گاهی به عقب سر نگاه کند.

مسأله ۸۳۴. واجب است سعی را پس از انجام نماز طواف بجا آورد.

مسأله ۸۳۵. لازم نیست سعی را بلافاصله بعد از طواف و نماز آن بجا آورد؛ بلکه اگر خسته شود، یا هوا گرم باشد، می‌تواند آن را تا ساعتها به تأخیر اندازد. حتی بدون خستگی و گرما نیز تأخیر جایز است؛ ولی تأخیر آن تا روز بعد بدون ضرورت جایز نیست، و اگر تأخیر انداخت، گناه کرده، ولی سعی او باطل نخواهد شد.

مسأله ۸۳۶. اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سعی را بر طواف مقدم دارد، احتیاط واجب آن است بعد از انجام طواف و نماز طواف سعی را دوباره بجا آورد.

احکام سعی

الف) ترک سعی

مسأله ۸۳۷. هرگاه کسی عمداً تمام هفت دور سعی، یا قسمتی از آن را ترک کند، اگر در عمره تمتع بوده باشد، و نتواند قبل از وقوف به عرفات آن را جبران نماید، احتیاط واجب آن است که حج خود را مبدل به حج افراد کند؛ یعنی نیت حج افراد کند، و اعمال حج را تمام نماید، و سال آینده نیز حج تمتع را اعاده کند و اگر در عمره مفرده است اعمال مترتبه او باطل و بر احرام باقی است تا آنها را بجا آورد.

مسأله ۸۳۸. سعی از ارکان است و اگر کسی عمداً سعی در حج را ترک کند، و به موقع آن را جبران ننماید، حج او باطل می‌شود. حج را احتیاطاً تمام کند، و باید سال آینده دوباره حج را به جا آورد.

مسأله ۸۳۹. اگر ترک سعی از روی جهل و نادانی نسبت به مسأله بوده، احتیاط واجب آن است که همان حکم عمد را - که در مسأله قبل گفته شد - اجرا کند؛ اما اگر از روی سهو و فراموشی ترک کند، باید هر وقت یادش آمد برگردد و آن را به جا آورد؛ هر چند بعد از ماه ذی الحجّه باشد، و اگر

برگشتن برای او مشقت دارد، نایب می‌گیرد تا برای او به جا آورد؛ و در این مدّت چیزی بر او حرام نیست. همچنین است در عمره مفرده.

ب) اضافه کردن دوره‌های سعی

مسأله ۸۴۰. هرگاه سعی را عمداً زیادتر از هفت مرتبه به قصد سعی واجب بجا آورد، سعی او باطل است، و اگر سهواً یک دور یا کمتر یا بیشتر اضافه کند، و بعد به خاطرش بیاید اعتنا نمی‌کند، و سعی او صحیح است، و نیازی نیست که مقدار زیادی را تا هفت دور تمام کند؛ بلکه احتیاط در ترک این کار است.

مسأله ۸۴۱. هرگاه از روی ندانستن مسأله چیزی بر هفت دور اضافه کند، حکمش مانند صورت عمد است؛ یعنی سعی را از نو بجا می‌آورد.

ج) کم کردن دوره‌های سعی

مسأله ۸۴۲. هرگاه از روی سهو و فراموشی یا جهل به مسأله چیزی از سعی را کم کند، خواه قبل از اتمام چهار دور باشد یا پس از آن، هر وقت به خاطرش آمد کمبود را به جا می‌آورد، و سعی او صحیح است، و اگر از مکه خارج شده یا به وطن بازگشته، و برگشتن به مکه برای او مشقت دارد، نایب می‌گیرد، و کفّاره‌ای هم ندارد؛ هرچند کارهایی را که بر محرم حرام است انجام داده باشد.

مسأله ۸۴۳. هرگاه شخصی کمتر از یک دور سعی کرد و بقیه را فراموش نمود، احتیاط واجب آن است که هر وقت یادش آمد سعی را از سر بگیرد، و اگر یک دور را کامل نمود و بقیه را فراموش کرد، جایز است همان سعی را

تکمیل کند، ولی اگر چهار دور را تمام نکرده، احتیاطاً مستحب آن است که سعی را تکمیل کند، سپس از سر بگیرد.

مسأله ۸۴۴. هرگاه یقین داشته باشد که سعی را ناقص بجا آورده، مثلاً شش دور یا کمتر بوده، بر می‌گردد و آنچه را می‌داند ناقص گذاشته تکمیل می‌کند، و سعی او صحیح است.

قطع کردن سعی

مسأله ۸۴۵. هرگاه مشغول سعی صفا و مروه است و مقداری از آن را انجام داده - خواه کم باشد یا زیاد - و وقت نماز فرا رسد، سعی را قطع می‌کند، و نماز را بجا آورده، سپس باقیمانده سعی را انجام می‌دهد.

مسأله ۸۴۶. هرگاه حاجت ضروری برای او، یا یکی از برادران و خواهران دینی پیدا شود، می‌تواند سعی را قطع کرده و به دنبال آن برود، و پس از بازگشت از همان جا که رها کرده ادامه می‌دهد، و سعی او صحیح است. همچنین کسی که خسته شده می‌تواند برای استراحت در وسط سعی بنشیند، و بعد برخیزد و ادامه دهد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو، ولی بهتر است که بدون خستگی ننشیند، و استراحت نکند.

مسأله ۸۴۷. هرگاه مشغول سعی باشد و یادش بیاید که نماز طواف را بجا نیاورده، بر می‌گردد و نماز طواف را نزد مقام ابراهیم می‌خواند، سپس سعی را از همان جا که رها کرده ادامه می‌دهد.

مسأله ۸۴۸. احتیاطاً آن است که در غیر مواردی که در بالا گفته شد موالات را در سعی مراعات کند؛ یعنی هفت دور را بدون فاصله زیادی پشت سر هم بجا آورد.

شک در سعی

مسأله ۸۴۹. هرگاه بعد از اتمام سعی و انجام تقصیر، شک کند آیا هفت دور را صحیح بجا آورده، یا نه؟ یا سایر شرایط موجود بوده، یا نه؟ اعتنا نمی‌کند، ولی اگر قبل از تقصیر شک کند که ناقص بجا آورده یا کامل؟ باید سعی را از اول اعاده کند؛ اما اگر می‌داند هفت دور کامل را بجا آورده و شک در بیشتر دارد، سعی او صحیح است و اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۸۵۰. اگر بعد از اتمام سعی، یا اتمام هر دوری، شک کند که آن را درست بجا آورده، یا نه؟ اعتنا نمی‌کند، و سعی صحیح است. همچنین اگر در بین رفت و آمد، در صحیح بجا آوردن جزء پیش شک کند اعتنا ننماید.

مسأله ۸۵۱. هرگاه در مروه شک کند هفت دور سعی نموده، یا زیادتر (مثل این که شک بین هفت شوط و نه شوط نماید) اعتنا نمی‌کند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفتم است یا کمتر، سعی او باطل است. همچنین در هر شکگی که کمتر از هفت دور باشد، مثل شک بین یک و سه، یا دو و چهار و مانند آن، سعی باطل است.

مسأله ۸۵۲. اگر طواف را (مثلاً روز شنبه) بجا آورد، و روز بعد شک کند که سعی کرده یا نه، احتیاطاً مستحب انجام سعی است، مگر آن که پس از تقصیر شک نماید، که در این صورت لازم نیست سعی کند.

انجام محرمات احرام بعد از سعی

مسأله ۸۵۳. هیچ یک از محرمات احرام، یعنی آن چه به واسطه احرام بر محرم حرام شده بود، با انجام سعی حلال نمی‌شود، بلکه باید تقصیر کند.

مسأله ۸۵۴. هرگاه قبل از تقصیر گمان کند سعی خود را کامل کرده، باید

به این گمان قناعت نکند، و تحقیق نماید، و اگر فکرش به جایی نرسید، مقداری را که اطمینان به انجامش ندارد، به جا آورد، و اگر بدون تحقیق تنها به گمان این که سعی خود را کامل کرده، تقصیر کند (موی سر را کوتاه کند) و پس از آن با همسر خود نزدیکی نماید، احتیاط واجب آن است که علاوه بر تکمیل سعی خود، یک گاو قربانی کند (قربانی را اگر بتواند در مکه، و اگر نتواند در شهر خود ذبح می‌کند).

مسأله ۸۵۵. اگر قسمتی از سعی را در عمره تمتع فراموش کند، سپس به گمان این که اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شود و با همسرش نزدیکی کند، واجب است برگردد و سعی را تمام کند، و بنابر احتیاط یک گاو به عنوان کفاره قربانی نماید؛ بلکه عمره‌های دیگر نیز همین حکم را دارد (بنابر احتیاط واجب).

امور باقی مانده در سعی

مسأله ۸۵۶. بهتر است در حال سعی وضو داشته باشد، ولی واجب نیست. حتی زنان حائض می‌توانند سعی بین صفا و مروه را انجام دهند.

مسأله ۸۵۷. مستحب است بعد از تمام کردن طواف و نماز آن - اگر ازدحام مانع نشود - دست بر «حجر الاسود» بگذارد، یا آن را بیوسد، سپس به سراغ آب زمزم برود، مقداری از آن بنوشد، و کمی بر سر و بدن خود بریزد، و پس از آن شروع به سعی نماید، ولی اگر بوسیدن، یا دست گذاشتن بر حجر الاسود، بر اثر ازدحام موجب آزار دیگران یا خودش گردد، بهتر است از آن صرف نظر کند.

مسأله ۸۵۸. سعی را می‌توان پیاده یا سواره انجام داد، خواه سالم و توانا

باشد، یا بیمار و ناتوان؛ اما اشخاصی که توانایی دارند بهتر است پیاده بروند. **مسئله ۸۵۹.** مستحب است مردان به هنگام رفتن از صفا به مروه، یا هنگام بازگشت، وقتی به محلّ علامتگذاری شده - که امروزه با چراغ سبز مشخص شده - می‌رسند «هَزُولَه»^۱ کنند؛ ولی اگر موجب ناراحتی آنهاست آن را ترک کنند.

مسئله ۸۶۰. هروله کردن برای زنان مستحب نیست؛ و مردان نیز اگر فراموش کنند احتیاط آن است که برنگردند.

مسئله ۸۶۱. سخن گفتن، و حتی خوردن آب، یا چیزی از غذا، در حال سعی جایز است؛ ولی بهتر آن است که در این حال مشغول دعا و ذکر خدا باشد، و با سکینه و وقار و توجه به ذات پاک خداوند سعی را به جا آورد، و حالت روحانی خود را حفظ کند.

۱. هروله به معنی حرکت سریع است، و حالتی بین راه رفتن و دویدن محسوب می‌شود.

استفتائات سعی

سؤال ۸۶۲. شخصی به اعتقاد این که رفتن از صفا به مروه، و بازگشت به صفا مجموعاً یک دور حساب می‌شود، سعی خود را شروع کرده، ولی در دور سوّم متوجّه خطایش می‌شود، و سعی را به هفت دور (طبق آنچه در مناسک آمده) خاتمه می‌دهد. سعی او چه حکمی دارد؟

جواب: سعی او صحیح است.

سؤال ۸۶۳. اگر شخصی سعی خود را از مروه شروع کند و به صفا ختم نماید، و پس از چند روز به اشتباه خود پی ببرد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه به خاطر ندانستن مسأله باشد، باید سعی را از نو به جا آورد، و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، کافی است یک دور از صفا به مروه برود، و احتیاط مستحب آن است که هفت دور به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

سؤال ۸۶۴. وظیفه کسی که سعی را از مروه آغاز کرده چیست؟

جواب: در صورتی که شوط اوّل را اسقاط کند، سپس بقیه را تکمیل نماید تا این که هفت دور به مروه خاتمه یابد، سعی او صحیح است.

سؤال ۸۶۵. ابتدای کوه صفا و مروه بر اثر تعمیرات و سنگ فرش درست روشن نیست. کارکنان مسجد الحرام با گرفتن حقّ الزحمه از حجّاج پیر و مریض، آنها را با چرخ سعی می‌دهند؛ ولی زودتر از دور حجّاج پیاده دور می‌زنند. تکلیف این افراد چیست؟

جواب: قسمت سربالائی مفروش جزء کوه است، و مسیری را که چرخها طی می‌کنند قطعاً روی کوه صفا و مروه است، و هیچ اشکالی ندارد.

سؤال ۸۶۶. همان گونه که اطلاع دارید در سعی صفا و مروه، حجّاج از یک طرف می‌روند و از سمت دیگر باز می‌گردند؛ یعنی انتهای مسیر رفت با ابتدای مسیر بازگشت چند متر فاصله دارد، اگر شخصی از همان مسیری که رفته بازگردد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی نباید مزاحم دیگران شود.

سؤال ۸۶۷. قسمتی که هروله در آن مستحب است را به طور عادی راه رفتم. با توجه به این که خیال می‌کردم هروله واجب است، آن قسمت را دوباره و به صورت هروله تکرار نمودم. آیا سعی من اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد و صحیح است، ولی این کار را تکرار نکنید.

سؤال ۸۶۸. تصوّر می‌کردم رفتن بالای کوه صفا و مروه لازم است، و چون این مقدار مسافت را بر اثر فشار جمعیت بی اختیار بالا رفته بودم، به محلّ سعی برگشتم، و آن قسمت را دوباره انجام دادم، و در حقیقت مقداری از مسافت را دو بار طی کردم. آیا سعی من صحیح است؟

جواب: اگر به نیت احتیاط عمل کرده‌اید ضرری ندارد؛ ولی رفتن روی کوه و بالای کوه واجب نیست.

سؤال ۸۶۹. شخصی به هنگام سعی، جهت کنترل همراهان خود گاهی به عقب بر می‌گشته، و مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده است. آیا سعی او اشکال دارد؟

جواب: اشکال ندارد و اعاده لازم نیست؛ ولی بهتر است این کار را نکند.

سؤال ۸۷۰. با توجه به این که در روزهای ششم و هفتم ذیحجه، بر اثر ازدحام زیاد حجاج، مامورین مانع می‌شوند که معذورین را با چرخ در طبقه پایین سعی دهند، آیا می‌توان آنها را در طبقه بالا با چرخ سعی داد؟

جواب: در فرض سؤال مانعی ندارد؛ ولی در صورت امکان سعی از طبقه زیر زمین مقدم است.

سؤال ۸۷۱. شخصی به هنگام سعی، گاهی عقب عقب به طرف مروه یا صفا حرکت کرده است. تکلیفش چیست؟

جواب: می‌تواند برگردد و جبران نماید، و سعی او اشکال ندارد.

سؤال ۸۷۲. کودکی، که محرم به احرام عمره مفرده بوده، گاه به هنگام سعی می‌دویده، و گاه به عقب بر می‌گشته، و با همین وضعیت اعمال عمره را به پایان برده، ولی قصد سعی را داشته است. اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۸۷۳. شخصی به هنگام سعی برای خوردن آب از مسیر منحرف شده، و پس از نوشیدن آب به سعی خود ادامه داده است. چه حکمی دارد؟

جواب: سعی او صحیح است، مشروط بر این که از همان جا که قطع کرده ادامه دهد.

سؤال ۸۷۴. یکی از دوستانم طواف و نماز طواف را انجام داد، و سعی را

به روز بعد، یا روزهای آینده، محوّل کرد. آیا این تأخیر ضرر دارد، و باید طواف و نماز آن را دوباره بجا آورد؟

جواب: اعاده لازم نیست، ولی کار خلافی کرده؛ زیرا نباید سعی را اختیاراً به روز بعد موکول کند.

سؤال ۸۷۵. آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است، یا اختصاص به قسمتی از آن دارد؟

جواب: احتیاط آن است که در غیر موارد استثنا شده، موالات عرفیه رعایت گردد.

سؤال ۸۷۶. آیا موالات در سعی مانند طواف است؟

جواب: استراحت و نشستن در وسط سعی برای کسی که خسته شده، جایز است، ولی احتیاط واجب آن است که زیاد فاصله نشود.

سؤال ۸۷۷. شخصی پس از طواف عمره تمتع گم شده، و بعد از پیدا شدن به رفقاییش گفته: «سعی صفا و مروه را بجا آورده‌ام» سپس تقصیر نموده، و برای حج تمتع محرم شده است، ولی بعد از بازگشت از عرفات و منی، و هنگام انجام اعمال مکه اظهار می‌دارد: «سعی را بجا نیاورده‌ام» و پس از بازگشت نگران می‌شود، و وصیت می‌کند برای او نایب بگیرند. وظیفه ورثه چیست؟

جواب: وظیفه ورثه آن است که شخصی را برای انجام سعی از طرف آن مرحوم نایب کنند، و گرفتن نایب برای کل حج تمتع لازم نیست.

سؤال ۸۷۸. شخصی رفت و برگشت بین صفا و مروه را یک دور حساب کرده، و بدین شکل پنج بار، که در مجموع ده شوط می‌شود، سعی کرده است، سپس متوجه مسأله شده، و سعی را از همان جا قطع کرده، و تقصیر نموده است. وظیفه اش چیست؟

جواب: سعی او باطل است، و سعی را باید از نو شروع کند.

سؤال ۸۷۹. هرگاه شخصی سهواً سعی را بیش از هفت دور انجام دهد،

باید چه کند؟

جواب: به زیادی اعتنا نمی‌کند، و سعی او صحیح است.

سؤال ۸۸۰. زیادی در سعی بر اثر جهل به مسأله، حکم زیادی سهوی را

دارد، یا در حکم زیادی عمدی است؟

جواب: حکم زیادی عمدی را دارد، و باید از نو به جا آورد.

سؤال ۸۸۱. اینجانب پس از تمام شدن شوط ششم در سعی، گمان کردم

هفت دور بجا آورده، و تقصیر نمودم، ولی دوستانم فوراً تذکر دادند که باید

یک دور دیگر بجا آورم. آن دور را بجا آورده، و بار دیگر تقصیر نمودم. آیا

سعی من صحیح است؟ اگر صحیح نبوده، کفاره‌ای دارد؟

جواب: عمل شما صحیح بوده، و کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۸۸۲. اگر شخصی یقین کند هفت شوط سعی را تمام کرده و تقصیر

کند؛ ولی پس از آن متوجه شود که تنها پنج شوط بجا آورده است. آیا باید

کل سعی را دوباره بجا آورد، یا انجام همان دو شوط کافی است؟ آیا لازم

است تقصیر را نیز اعاده کند؟

جواب: باید همان سعی را تکمیل کند، و بنابر احتیاط واجب تقصیر

را اعاده نماید.

سؤال ۸۸۳. شخصی سه شوط سعی را بجا آورده، سپس آن را رها کرده،

و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر انجام داده، سپس تقصیر نموده است. آیا

سعی وی صحیح است؟

جواب: آری صحیح است.

سؤال ۸۸۴. اینجانب به تصوّر این که سعی هم نیاز به وضو دارد، بعد از یک شوط و نیم، سعی را قطع کرده، و پس از وضو هفت شوط دیگر بجا آوردم. آیا سعی من اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۸۸۵. خانمی به تصوّر این که پاک شده، طواف و نماز طوافش را بجا آورده، مشغول سعی می شود. در اثناء سعی متوجّه می شود که هنوز پاک نشده است، و وظیفه اش چیست؟ اگر بعد از سعی متوجّه این موضوع شود، تکلیفش چه می باشد؟

جواب: در فرض اوّل سعی را قطع می کند، و پس از پاک شدن، طواف و نماز طواف و سعی را اعاده نماید و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز طواف لازم است، و بنا بر احتیاط مستحب سعی را هم اعاده می کند. ضمناً اگر به هنگام طواف و نماز طواف پاک بوده و بعد خون دیده، طواف و نمازش صحیح بوده و سعی را ادامه می دهد.

سؤال ۸۸۶. اگر کسی قبل از رسیدن به مروه شک کند دور هفتم است، یا دور نهم، چه وظیفه ای دارد؟

جواب: سعی او باطل است، و باید از نو شروع کند.

سؤال ۸۸۷. یکی از مقلّدین حضرت عالی در عدد دورهای سعی شک می کند، و با حال تردید به سعی خود ادامه داده، در عین حال فکر می کند تا عدد صحیح را به دست آورد. پس از طیّ حدود صد متر، یا یک دور، یقین به عدد صحیح پیدا نموده، بقیّه سعی را انجام می دهد. آیا سعی او صحیح است؟

جواب: آری سعی او صحیح است؛ مشروط بر این که در حال شک و تردید به امید روشن شدن واقع مسأله سعی را ادامه دهد.

سؤال ۸۸۸. آیا خانم‌هایی که به علت عادت ماهانه برای طواف نایب

می‌گیرند، در سعی هم می‌توانند نایب بگیرند؟

جواب: محلّ سعی مسجد نیست، و رفتن زن حائض در آنجا اشکالی

ندارد. بنابراین، باید خودشان سعی را بعد از طواف و نماز طواف نایب،

بجا آورند.

سؤال ۸۸۹. بر اثر ازدحام زیاد حجاج، گاه انسان ناچار است برای رفتن به

محلّ سعی از مسجد الحرام عبور کند، و از این راه خودش را به صفا

برساند، و از آنجا سعی را در مسیر معمولی شروع کند. در این صورت

تکلیف زن حائض یا نفساء چیست؟

جواب: در صورتی که ممکن باشد از راه دیگری برود، باید خودش

سعی را بجا آورد، و اگر ممکن نیست نایب می‌گیرد؛ ولی چنانچه

مرتکب خلاف شود، و خودش از مسجد الحرام عبور کند، باید سعی را

بجا آورد و سعیش صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

سؤال ۸۹۰. شخصی بدون استفاده از چرخ نمی‌تواند سعی کند، و از

سوی دیگر، تمکن مالی جهت کرایه آن ندارد. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر می‌تواند با چرخ سعی کند، هر چند با وام گرفتن از

دیگران، این کار مقدم است، و نیابت گرفتن صحیح نیست؛ مگر آن که

موجب عُسر و حرج گردد که در این صورت نایب می‌گیرد.

سؤال ۸۹۱. کسی که در حال سعی سوار بر چرخ بوده، به علت خستگی

زیاد در بعضی از حالات رفت و برگشت به خواب رفته است. آیا سعی او

صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۸۹۲. اگر شخصی در سعی صفا و مروه سوار بر چرخ باشد، و تمام هفت دور را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اعاده کند.

سؤال ۸۹۳. هرگاه به هنگام سعی، عمداً زن حجاب کامل نداشته باشد، آیا ضرری به سعی او می‌زند؟

جواب: ضرری به سعی او نمی‌زند؛ ولی اگر عمداً باشد گناه کرده است.

سؤال ۸۹۴. شخصی پس از تقصیر در عمره تمتع متوجه شد که طواف و سعیش باطل بوده، و آنها را با لباس دوخته اعاده کرد. آیا لازم است تقصیر را نیز اعاده کند؟

جواب: طواف و سعی او صحیح است، و احتیاط آن است که تقصیر را نیز اعاده کند، ولی کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۸۹۵. آیا علاوه بر سعی واجب، سعی صفا و مروه مستحبی نیز داریم؟

جواب: سعی مستحبی نداریم، سعی فقط سعی واجب است.

سؤال ۸۹۶. آیا قسمتی از سعی، برای کسانی که قادر نیستند تمام آن را خودشان انجام دهند، قابل نیابت است؟

جواب: در صورت امکان آنها را در باقیمانده، سوار بر چرخ و مانند آن سعی دهند، در غیر این صورت برای تمام سعی نایب بگیرند و به طور کلی اعمالی که دارای اجزای مختلفی است چنانچه محرم بخشی از آن را انجام داده باشد و از انجام بقیه آن ناتوان شود، نایب باید از اول شروع کند.

۵. تقصیر

چگونگی تقصیر

مسأله ۸۹۷. پنجمین واجب عمره تقصیر است؛ یعنی کوتاه کردن موی سر، یا صورت (ریش یا سبیل) و گرفتن مقداری از ناخن، و کافی است تنها کمی از موی سر، یا صورت را کوتاه کند، و از کوتاه کردن ناخن صرفنظر نماید، ولی احتیاط واجب آن است که به کوتاه کردن ناخن به تنهایی قناعت نکند؛ همانگونه که قناعت کردن به کوتاه نمودن موی زیر بغل و مانند آن نیز مشکل است.

مسأله ۸۹۸. کوتاه کردن موی سر، یا صورت، با هر وسیله‌ای باشد فرق نمی‌کند؛ ولی کندن مو کافی نیست.

مسأله ۸۹۹. تقصیر عبادت است، و باید با قصد قربت و برای خدا انجام شود، و اگر ریا کند عمره‌اش باطل می‌گردد؛ مگر آن که جبران کند و مجدداً به قصد قربت انجام دهد.

محلّ تقصیر

مسأله ۹۰۰. تقصیر در عمره محلّ معینی ندارد؛ بنابراین می‌تواند در پایان سعی در همان محلّ (مروه) تقصیر کند، یا پس از مراجعت به منزل این کار را انجام دهد، و نیز تفاوت نمی‌کند که خودش کوتاه کند، یا از دیگری که محرم نیست بخواهد کمی از موی او را کوتاه نماید.

مسأله ۹۰۱. تراشیدن سر، به جای کوتاه کردن مو، در تقصیر عمره تمتع جایز نیست، و هرگاه عمداً این کار را کند و در ماه ذی القعدة به بعد باشد، احتیاط واجب آن است که گوسفندی کفّاره دهد؛ و اگر از روی عمد این کار را نکرده، کفّاره ندارد.

احکام تقصیر

مسأله ۹۰۲. کسی که محرم به احرام عمره مفرده شود، همه محرمات احرام بر او حرام می‌گردد، و هنگامی که تقصیر کرد، یا سر را تراشید همه چیز، جز مسائل جنسی، بر او حلال می‌شود، و پس از انجام طواف نساء و نماز آن، مسائل جنسی نیز بر او حلال می‌گردد.

مسأله ۹۰۳. حاجی بعد از تقصیر عمره تمتع از احرام خارج می‌شود، و تمام آنچه بر مُحرم حرام بود بر او حلال می‌شود؛ مگر صید و شکار کردن که همچنان بر او حرام است؛ زیرا صید حَرَم برای همه حرام است، و احتیاط آن است که سر را نیز نتراشد.

مسأله ۹۰۴. هرگاه تقصیر را فراموش کند، و به سراغ اعمال حج برود (یعنی احرام ببندد و به عرفات برود)، عمره و حجّ او صحیح است، و چیزی بر او نیست، ولی بهتر آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

مسأله ۹۰۵. اگر از روی عمد تقصیر را ترک کند، و به سراغ اعمال حج برود، عمره او باطل است، و حج او مبدل به حج افراد می‌شود؛ یعنی باید حج را تمام کند، و پس از حج، عمره مفرده به جا آورد (بنا بر احتیاط واجب)، و حج او صحیح است. هر چند احتیاط مستحب آن است که در سال بعد حج را اعاده کند.

مسأله ۹۰۶. کسی که از روی ندانستن و جهل به مسأله، تقصیر را ترک کند، حکمش حکم ترک عمدی است، که در مسأله قبل گفته شد.

مسأله ۹۰۷. طواف نساء در عمره تمتع واجب نیست؛ حتی به قصد رجاء هم طواف نساء را بجا نیاورد.

استفتائات تقصیر

چگونگی تقصیر

سؤال ۹۰۸. شخصی با احرام عمره مفرده وارد مکه شده، و تمام اعمال عمره را انجام می‌دهد؛ اما به جای تقصیر چند تار موی سرش را می‌کند، و با تصوّر این که از احرام خارج شده، به میقات باز می‌گردد، و برای عمره تمتع محرم می‌شود، و تمام اعمال عمره تمتع را بجا می‌آورد. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: کندن مو برای تقصیر کافی نیست. بنابراین، عمره تمتع او صحیح نیست، مگر این که قبل از احرام عمره تمتع، با تقصیر صحیح از احرام عمره مفرده خارج شود.

سؤال ۹۰۹. شخصی در تقصیر عمره تمتع، یک تار مو از بدنش کنده، و به همان قناعت کرده، سپس اعمال حج را بجا آورده است. تکلیف فعلی او چیست؟

جواب: این کار برای تقصیر کافی نیست. عمره او باطل شده، و حج او مبدّل به حج افراد گردیده، و صحیح است، ولی احتیاط واجب آن است که پس از حج، عمره مفرده‌ای بجا آورد.

زمان تقصیر

سؤال ۹۱۰. اگر کسی در اثناء سعی تقصیر نماید، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: باید سعی را تمام کند، و تقصیر را تکرار نماید. و چنانچه از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله این کار را کرده، احتیاطاً تقصیر را اعاده کند، و در هر حال کفاره ندارد، و اگر از ابتدای سعی قصد هفت دور نداشته، باید سعی را دوباره انجام دهد.

شرایط تقصیر کننده

سؤال ۹۱۱. آیا تقصیر اهل سنت برای شیعیان کفایت می‌کند؟ یعنی اگر در پایان عمره از آنها خواهش کنیم مقداری از موی ما را کوتاه کنند، اشکالی دارد؟
جواب: اشکال ندارد.

احکام تقصیر

سؤال ۹۱۲. شخصی پس از انجام تقصیر شک می‌کند که آن را صحیح به جا آورده، یا نه؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟
جواب: باید بنا بر صحت بگذارد.

سؤال ۹۱۳. شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرده، سپس سعی را بجا آورده، و دوباره تقصیر نموده است. چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که حکم مسأله را نمی‌دانسته، یا فراموش کرده، اشکالی ندارد.

سؤال ۹۱۴. اگر حاجی تقصیر عمره مفرده را ترک کند، و به وطن خود

بازگردد، آیا می‌تواند در هر مکانی تقصیر کند؟ آیا نیازی به انجام دوباره طواف نساء نیز هست؟ آیا تفاوتی بین صورت عمد و سهو و علم و جهل وجود دارد؟

جواب: در فرض سؤال می‌تواند تقصیر را در هر جا انجام دهد؛ ولی احتیاط واجب آن است که طواف نساء و نماز آن را دوباره انجام دهد، و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد و فرقی بین صورت عمد و سهو و علم و جهل نیست.

سؤال ۹۱۵. چنانچه شخصی که وظیفه‌اش تقصیر است قبلاً ناخن‌های خود را گرفته باشد، یا تقصیر را غلط انجام داده و باید تکرار کند و اکنون ناخن ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: تقصیر در اصل کوتاه کردن کمی از موی سر یا صورت است و کوتاه کردن ناخن به تنهایی کافی نیست.

سؤال ۹۱۶. کسانی که اعمال حج را بر وقوفین مقدّم می‌دارند، اگر بعد از سعی تقصیر کنند، آیا از احرام خارج می‌شوند، یا باید کفّاره بدهند؟

جواب: از احرام خارج نمی‌شوند، و اگر از روی سهو و فراموشی، یا بر اثر جهل و ندانستن مسأله این کار را کرده‌اند، کفّاره ندارد.

سؤال ۹۱۷. کسی که تقصیر او باطل بوده، و پس از آن محرمات احرام را به جا آورده، و جاهل به مسأله نیز بوده، آیا باید کفّاره‌ای بپردازد؟

جواب: در صورتی که جاهل بوده کفّاره ندارد، مگر در شکار به تفصیلی که در کتب فقهی ذکر شده است.

سؤال ۹۱۸. جنابعالی فرموده‌اید: «اگر کسی تقصیر را به قصد ریا انجام دهد، عمره‌اش باطل است» منظور از این عبارت چیست؟ وظیفه چنان شخصیتی چه می‌باشد؟

جواب: منظور این است که در تقصیر ریا کند، و بدون این که آن را جبران نماید برای حج محرم شود، و حج انجام دهد. در این صورت اگر از روی عمد، یا جهل به مسأله بوده، حجّ او مبدّل به حج افراد شده و بعد از اعمال حج، عمره مفرده به جا می آورد، و حجّش صحیح است. و اگر عمره مفرده بوده، تقصیر را با قصد قربت تکرار می کند.

فصل دهم:

احکام پس از عمره و قبل از شروع حج

مسألة ۹۱۹. کسی که عمره تمتع را بجا آورده واجب است در مکه بماند تا مراسم حج را نیز انجام دهد (خواه حج واجب باشد، یا حج مستحبی) و در صورتی می‌تواند از مکه خارج شود که اطمینان داشته باشد می‌تواند به موقع بازگردد و حج را بجا آورد، بنابراین رفتن به نقاط نزدیک، مانند غارحرا و امثال آن، که مشکلی در امر حج ایجاد نمی‌کند مانعی ندارد. همچنین خدمه کاروانها و مانند آنها می‌توانند برای انجام کارهای ضروری به جدّه یا مدینه و غیر آن بروند، به شرط آن که مطمئن باشند بموقع برای انجام مراسم حج باز می‌گردند، و احتیاط واجب آن است که وقتی می‌خواهند خارج شوند محرم به احرام حج شوند و تا موقع انجام اعمال حج در احرام بمانند؛ اما اگر این کار موجب مشقت است می‌توانند بدون احرام خارج شوند.

مسألة ۹۲۰. هرگاه برای انجام کاری بعد از اتمام عمره از مکه خارج شود، چنانچه در همان ماه بازگردد، احرام بر او واجب نیست. مثلاً در اوائل ماه ذی القعدة عمره تمتع را بجا آورده، و از مکه خارج شده، و به جدّه یا جای

دیگر خارج از محدوده حرم رفته، و در همان ماه ذی القعدة بازگشته است، بر چنین شخصی احرام واجب نیست؛ اما اگر در ماه بعد وارد شود باید محرم گردد و دوباره عمره بجا آورد، و همین، عمره تمتع او حساب می‌شود، و احتیاط آن است که برای عمره سابق یک طواف نساء و نماز طواف بجا آورد.

مسأله ۹۲۱. شخصی که وظیفه‌اش انجام حج تمتع است باید در حال احرام عمره نیت کند که عمره تمتع و پس از آن حج تمتع را بجا می‌آورد؛ هر چند نیت اجمالی باشد، بنابراین اگر نیت عمره مفرده کند و سپس بخواهد آن را عمره تمتع قرار دهد حج او اشکال پیدا می‌کند، ولی چنانچه عمره مفرده در ماههای حج واقع شده باشد و حج مستحبی باشد می‌تواند آن را عمره تمتع قرار دهد، اما اگر بدون توجه نیت عمره مفرده کرده اگر در ماههای حج باشد می‌تواند به عمره تمتع عدول کند.

مسأله ۹۲۲. هرگاه کسی عمره تمتع را بجا آورد، و از احرام خارج شود، و بخواهد از انجام مراسم حج خودداری کند اگر به علت بیماری یا مانع دیگری باشد گناهی ندارد، و چنانچه سال اول استطاعت او بوده معلوم می‌شود مستطیع نبوده است، و اگر حج قبلاً بر او واجب شده، باید سال دیگر حج تمتع را به طور کامل انجام دهد؛ اما اگر بدون عذر از انجام حج منصرف شود گناه کرده (خواه حج واجب باشد، یا مستحب) و چیز دیگری بر او نیست، و باید در سال دیگر حج واجب خود را انجام دهد، و در هر حال احتیاط واجب آن است که طواف نساء و نماز آن را بجا آورد.

استفتائات احکام پس از عمره و قبل از شروع حج

سؤال ۹۲۳. خدمه کاروانها پس از انجام عمره تمتع، برای شناختن محلّ اسکان کاروانیان و کارهای دیگر به عرفات و منی می‌روند، سپس به مکه باز می‌گردند. آیا این کار جایز است؟

جواب: در این گونه موارد، که مطمئن هستند به آسانی به مکه باز می‌گردند، مانعی ندارد.

سؤال ۹۲۴. گاه محلّ توزیع کالا در مکه مکرمه یک کیلومتر بعد از مسجد تنعیم است. وظیفه خدمه‌ای که مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان به آن محل رفت و آمد کنند، چیست؟

جواب: رفت و آمد به این مناطق بعد از انجام عمره تمتع مانعی ندارد، و در عمره مفرده، هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجام داده، خارج شود و بازگردد، تکرار عمره لازم نیست؛ اما اگر در ماه بعد برگردد، باید از همان مسجد تنعیم محرم شود، و عمره به جا آورد، مگر این که شغلش به طور مرتب رفت و آمد به بیرون حرم باشد.

سؤال ۹۲۵. بعضی از فقها می‌گویند: «خدمه‌ای که می‌خواهند از مکه

خارج شوند، اگر فقط به جدّه بروند برای ورود مجدد به مکه لازم نیست محرم شوند، ولی اگر به مدینه بروند، برای ورود مجدد به مکه باید دوباره در مسجد شجره محرم شده، و با احرام وارد مکه شوند» نظر حضرتعالی چیست؟
جواب: اگر بازگشت او در همان ماه قمری باشد که خارج شده، احرام مجدد لازم نیست، و اگر در ماه بعد بوده، باید مجدداً محرم شود و اعمال را بجا آورد.

سؤال ۹۲۶. شخصی برای عمره تمتع محرم شده، و وارد حرم گردیده، ولی هنوز اعمالش را انجام نداده است. آیا می‌تواند برای آوردن وسائل خویش به میقات برگردد؟

جواب: می‌تواند قبل از خروج از احرام عمره، از مکه خارج شود و وسائلش را بیاورد، ولی اگر اعمال عمره تمتع را انجام داده و از احرام خارج شده، نمی‌تواند از مکه خارج شود، مگر در حال ضرورت، که در این صورت بنا بر احتیاط برای حج احرام می‌بندد، و از مکه خارج می‌شود، و اگر بستن احرام برای حج و ماندن در احرام تا روز عرفه موجب عسرو حرج شود، بدون احرام به سراغ و سائلش می‌رود.

سؤال ۹۲۷. هرگاه خدمه کاروانها، عمره مفرده را بجا آورده باشند، آیا هر بار که از مکه خارج می‌شوند و برای انجام کارهای کاروان مثلاً به جدّه می‌روند، در موقع بازگشت به مکه باید محرم شوند؟

جواب: لازم نیست محرم شوند، مگر این که در ماه بعد (ماه قمری دیگر) وارد شوند.

سؤال ۹۲۸. آیا «غار حرا» جزء محدوده مکه است؟ آیا می‌توان پس از عمره تمتع و قبل از عزیمت به عرفات به آنجا رفت؟

جواب: رفتن به غار حرا و امثال آن - از مناطق نزدیک - ضرری ندارد؛ خواه جزء مکه باشد، یا نباشد، ولی به نقاط دورتر نروند، مگر این که ضرورتی ایجاب کند.

سؤال ۹۲۹. یکی از کارمندان سازمان حج به نیابت از شخصی، به مکه مشرف شده و ناچار است بعد از عمره تمتع و قبل از حج از مکه خارج شود و به عرفات برود. آیا لطمه‌ای به حج نیابی‌اش نمی‌خورد؟

جواب: ضرری به حج و نیابتش نمی‌زند؛ ولی احتیاط آن است که در صورت امکان احرام حج ببندد و از مکه خارج شود؛ اما اگر احرام برایش موجب عسر و حرج است، لازم نیست.

سؤال ۹۳۰. منزل بعضی از حاجیان خارج از مکه است. آیا پس از عمره تمتع و قبل از احرام حج، می‌توانند از مکه خارج شوند و به منزل خود بروند؟

جواب: این مقدار ضرری ندارد، و احرام لازم نیست.

سؤال ۹۳۱. اخیراً خط‌کمربندی اطراف مکه از کنار «جبل النور» و «کوه ثور» می‌گذرد، که «غار حرا» و «غار ثور» در این دو کوه قرار دارد. زیارت این دو مکان مقدس بین عمره و حج چه حکمی دارد؟

جواب: هیچ‌کدام ضرری ندارد.

سؤال ۹۳۲. خروج از مکه برای کسانی که عمره تمتع انجام داده‌اند، جهت کارهای غیر ضروری، چه حکمی دارد؟ ملاک ضرورت چیست؟

جواب: اگر مطمئن باشند می‌توانند به آسانی برگردند، و در همان ماه قمری بازگردند، چیزی بر آنها نیست، و چنانچه از میقات بگذرند و در ماه بعد برگردند (مثلاً در ذی القعدة به مدینه رفته، و در ذی الحجّه بازگردند) باید دوباره محرم شوند، و عمره به جا آورند، و همان عمره

تمتع آنها محسوب می‌شود، و برای عمره سابق احتیاطاً طواف نساء به جا آورند.

سؤال ۹۳۳. آیا تراشیدن سر بین عمره تمتع و حج، جایز است؟ در صورت عدم جواز، کفاره آن چیست؟

جواب: اصلاح کردن سر با ماشین مانعی ندارد؛ ولی نباید آن را بتراشد، و احتیاط آن است که از اصلاح سر که مثل تراشیدن است نیز اجتناب ورزد، و در صورت تراشیدن، کفاره آن بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

سؤال ۹۳۴. آیا تراشیدن صورت بعد از عمره تمتع و قبل از حج، همانند تراشیدن سر، حرام است؟

جواب: حکم تراشیدن سر را ندارد، بلکه حکم آن مانند زمانهای دیگر است.

سؤال ۹۳۵. آیا انجام عمره مفرده پس از اتمام عمره تمتع و قبل از آغاز اعمال حج تمتع، جایز است؟

جواب: نباید عمره مفرده بجا آورده شود، و اگر بجا آورند صحت آن محل اشکال است، ولی ضرری به عمره و حج تمتع نمی‌زند.

سؤال ۹۳۶. آیا می‌توان عمره تمتع را در یک سال، و حج تمتع را در سال دیگر بجا آورد؟

جواب: صحیح نیست.

سؤال ۹۳۷. هرگاه پس از شروع اعمال حج تمتع شک کند که عمره تمتع را بجا آورده یا نه؟ یا شک کند آن را صحیح انجام داده یا نه؟ چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: به شک خود اعتنا نمی‌کند، و عملش صحیح است.

فصل یازدهم:

تبدیل حجّ تمتّع به افراد

مسأله ۹۳۸. هرگاه شخصی که احرام عمره بسته، به سبب عذری دیر هنگام وارد مکه شود، به طوری که اگر بخواهد عمره به جا آورد وقت وقوف به عرفات می‌گذرد، یا می‌ترسد که وقت آن بگذرد، چنین شخصی باید از حجّ تمتّع (عمره تمتّع) به حجّ افراد عدول کند، و پس از بجا آوردن اعمال حج، عمره مفرده بجا آورد، و حج او صحیح است، و کفایت از حجّه الاسلام می‌کند.

مسأله ۹۳۹. اگر خانمی احرام بست، و هنگامی که وارد مکه شد به واسطه عادت ماهیانه، یا نفاس، نتوانست طواف را بجا آورد، و اگر بخواهد صبر کند تا پاک شود می‌ترسد وقت وقوف به عرفات بگذرد، باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد، عمل کند.

مسأله ۹۴۰. اگر شخصی به خاطر عذری بدون احرام وارد مکه شود، و وقت هم تنگ باشد، باید برای حجّ افراد در مکه احرام ببندد، و اعمال حج را بجا آورد، و پس از آن، عمره مفرده انجام دهد، و حجّش صحیح است.

مسأله ۹۴۱. هرگاه عمداً و بدون عذر احرام نبندد، و عمره خود را باطل کند، یا برای عمره تمتع واجب احرام ببندد، و عمداً تأخیر بیندازد تا وقت برای عمره تمتع تنگ شود، احتیاط واجب آن است که حج افراد بجا آورد، و پس از آن عمره مفرده انجام دهد. در سال بعد نیز حج دیگری بجا آورد.

مسأله ۹۴۲. منظور از تنگی وقت در مسائل قبل، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است، که وقت آن از ظهر روز نهم ماه ذی الحجه تا غروب آفتاب است.

مسأله ۹۴۳. کسی که قصد دارد حج مستحبی بجا آورد، و پس از ورود به مکه متوجه می شود که وقت تنگ است، به حج افراد عدول می کند؛ یعنی مستقیماً به اعمال حج افراد می پردازد، و عمره مفرده بر او واجب نیست.

مسأله ۹۴۴. کسی که وظیفه اش حج تمتع است، و به هنگام احرام یقین دارد که اگر بخواهد عمره تمتع بجا آورد به وقوف عرفات نمی رسد، چنین شخصی می تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد محرم شود، و پس از انجام حج، عمره مفرده بجا آورد، و اعمالش صحیح است.

مسأله ۹۴۵. اگر زن در میقات حائض باشد، و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند، و برای حج افراد محرم شود، ولی اگر بعد از آن فهمید اشتباه کرده، در صورتی که برای حجه الاسلام محرم شده، احرام او باطل است، و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود، ولی بهتر است زن در چنین مواردی در موقع احرام، نیت کند احرامی را که بر او واجب است انجام دهد، تا مشکلی برای او پیش نیاید.

استفتائات حج افراد و تبدیل حج تمتع به آن

سؤال ۹۴۶. خانمی که عمره تمتع را به جهت عادت ماهانه بجا نیاورده، صبح روز نهم ذی الحجه در عرفات پاک می‌شود، ولی به دلیل ازدحام جمعیت در مسیر بازگشت به مکه، یا نداشتن همراه، آمدن به مکه جهت انجام عمره تمتع برایش امکان‌پذیر نیست، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: حجّ او تبدیل به افراد شده، و باید ادامه دهد، و بعد از حج، عمره مفرده بجا آورد.

سؤال ۹۴۷. خانمی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشته، و مثلاً روز هفتم ماه پاک می‌شده، همان روز پاک می‌شود و پس از انجام غسل، اعمال عمره‌اش را بجا می‌آورد. روز بعد لک می‌بیند، و دوباره غسل می‌کند و اعمالش را بجا می‌آورد. تا روز نهم که به سمت عرفات حرکت می‌کند پاک بوده، ولی روز یازدهم دوباره لک می‌بیند. آیا حجّش مبدل به افراد شده است؟

جواب: در فرض مذکور وظیفه او همان حجّ تمتع است، و اعمال او صحیح بوده است.

سؤال ۹۴۸. خانمی روز هشتم ذی‌الحجه خون دید. خیال کرد عادت ماهیانه است، بدین جهت احرامش را تبدیل به حج افراد کرد، سپس در عرفات متوجه شد که مستحاضه است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر وقت عمره تمتع تنگ شده، حج افراد را تمام می‌کند، و اگر حج واجب بوده، پس از اعمال حج، عمره مفرده‌ای بجا آورد.

سؤال ۹۴۹. شخصی که وظیفه‌اش حج افراد است، تا چه زمانی می‌تواند عمره مفرده را بدون عذر تأخیر بیندازد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که بلافاصله بعد از حج بجا آورد، و اگر ناچار از تأخیر شد، قبل از پایان ذی‌الحجه بجا آورد.

سؤال ۹۵۰. اینجانب جزء خدمه یا مدیر کاروان هستم، و حج مستحبی بجا می‌آورم. آیا می‌توانم از اول بجای حج تمتع، نیت حج افراد نمایم، و بجای عمره تمتع، عمره مفرده بجا آورم؟

جواب: شما می‌توانید عمره مفرده انجام دهید و برای حج محرم نشوید، و می‌توانید حج افراد بجا آورید، ولی میقات حج افراد، مواقیت معروفه است.

سؤال ۹۵۱. بر شخصی حج افراد واجب گشته، و به قصد انجام آن در یکی از میقاتها محرم شده است. آیا چنین شخصی می‌تواند نیت خود را به عمره تمتع تبدیل نماید، و حج تمتع بجا آورد؟ آیا می‌تواند حج افراد را به عمره مفرده تبدیل نموده، و پس از انجام آن، برای عمره تمتع محرم شود؟

جواب: نمی‌تواند عدول کند، و تبدیل نمی‌شود.

سؤال ۹۵۲. زنی در حال حیض اعمال عمره را انجام داده، و پس از اتمام اعمال عمره متوجه شده که در آن حال پاک نبوده است. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر وقت دارد باید طواف و نماز آن را دوباره در حال پاکی

بجا آورد، و اگر وقت ندارد حجّ او مبدّل به حجّ افراد می‌شود، و عمره مفرده‌ای بعد از حجّ بجا می‌آورد.

سؤال ۹۵۳. به‌طور کلی در چه مواردی حجّ تمتّع تبدیل به حجّ افراد می‌شود؟

جواب: در صورتی که وقت برای انجام اعمال عمره تمتّع تنگ باشد، یا مانعی مانند حیض یا نفاس وجود داشته باشد تبدیل به حجّ افراد می‌شود.

استفتائات تبدیل عمره مفرده به عمره تمتّع

سؤال ۹۵۴. شخصی قصد داشت بدون انجام حجّ تمتّع از مکه باز گردد. به همین جهت از ابتدا به نیت عمره مفرده محرم شده، و وارد مکه گردیده، و عمره‌اش را بجا آورده، سپس از قصد خود منصرف می‌شود. آیا عمره‌ای که بجا آورده کفایت از عمره حجّ تمتّع می‌کند، یا باید به میقات برگردد، و به نیت عمره تمتّع محرم شود، و اعمال آن را بجا آورد؟

جواب: اگر حجّ او استحبابی است، می‌تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتّع کند؛ مشروط بر این که عمره مفرده‌اش را در ماههای حجّ (شوال، ذی القعدة یا ذی الحجه) انجام داده باشد، ولی چنانچه حجّ واجب، یا نیابتی باشد، جواز تبدیل محلّ اشکال است.

سؤال ۹۵۵. هرگاه پس از نیت عمره و بستن احرام، مجدداً برای عمره دیگری محرم شود؛ مثلاً به نیت عمره مفرده محرم شده، سپس قصد عمره تمتّع کند، و تلبیه بگوید. کدام عمره صحیح است؟

جواب: اگر در ابتدا نیت کرده و تلبیه گفته، احرام محقق شده و تجدید آن معنی ندارد؛ و نمی‌تواند برای عمره دیگری نیت کند.

بنابراین، احرام دوم باطل است، ولی می تواند نیت عمره خود را به عمره تمتع برگرداند؛ به شرط این که عمره مفرده به سبب نذر و مانند آن بر او واجب نشده باشد.

سؤال ۹۵۶. فردی که قبلاً حج واجب خود را انجام داده، هنگام تشرّف به مکه مکرمه به قصد حج تمتع استحبایی، احرام عمره تمتع بسته، و پس از انجام اعمال عمره، به عللی از انجام حج تمتع منصرف می شود. لطفاً بفرمایید: اولاً: آیا می تواند بدون انجام حج تمتع به کشورش بازگردد؟ ثانیاً: آیا می تواند به میقات برگردد و به نیابت از دیگری احرام عمره تمتع ببندد و پس از انجام عمره، حج تمتع را هم به نیابت از آن شخص بجا آورد؟

ثالثاً: اگر این کار جایز باشد و نتواند به میقات برود، آیا می تواند از ادنی الحل محرم گردد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که تا مجبور نباشد تغییر نیت ندهد و حج تمتع خود را تکمیل کند، و به سراغ نیابت از دیگری نرود.

سؤال ۹۵۷. کسی که وظیفه او عمره تمتع است و بدون توجه، به نیت عمره مفرده محرم شده، وظیفه اش چیست؟

جواب: می تواند عمره مفرده انجام دهد، و اگر در ماه های حج باشد و حج او استحبایی باشد می تواند به عمره تمتع عدول کند.^۱

۱. برخی از احکام عدول و تبدیل در مسائل ۱۵۹، ۱۸۰، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۱، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۵۶، ۳۶۰، ۵۹۳، ۵۹۶، ۸۳۷، ۹۰۵، ۹۰۹ و ۹۱۸ گذشت و در مسائل ۹۸۶ و ۱۲۹۸ خواهد آمد.

فصل دوازدهم:

اعمال حج تمتع

- مسأله ۹۵۸. همان گونه که قبلاً ذکر شد بعد از عمره تمتع باید حج تمتع را بجا آورد، و اعمال آن سیزده چیز به ترتیب زیر است:
۱. احرام بستن از مکه.
 ۲. «وقوف در عرفات»؛ یعنی ماندن در سرزمین عرفات، از ظهر تا غروب آفتاب روز نهم ذی الحجه.
 ۳. «وقوف در مشعر الحرام»؛ یعنی ماندن از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب در آنجا.
 ۴. رفتن به منی در روز دهم ذی الحجه و رمی جمره عقبه (یعنی هفت سنگ کوچک به محلی که در آخر منی قرار دارد، و نامش «جمره عقبه» است بزند).
 ۵. قربانی کردن در منی در روز دهم ذی الحجه (روز عید قربان).
 ۶. تراشیدن موی سر، یا کوتاه کردن آن.
 ۷. طواف خانه کعبه (این طواف را طواف زیارت می‌گویند).

۸. بجا آوردن دو رکعت نماز طواف.
۹. سعی میان صفا و مروه.
۱۰. طواف دیگری که آن را «طواف نساء» می‌نامند.
۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء.
۱۲. اقامت شب‌های یازدهم و دوازدهم در منی.
۱۳. رمی جمرات سه گانه؛ یعنی انداختن هفت سنگ، در روزهای یازدهم و دوازدهم، به هر کدام از سه محلی که در منی قرار دارد. شرح هر کدام در مسائل آینده خواهد آمد.

۱. احرام بستن از مکه

مسألة ۹۵۹. قبلاً نیز اشاره شد که میقات احرام برای «حج تمتع» «مکه» است، و از هر جای مکه (خواه مسجد الحرام، یا مساجد دیگر مکه، یا کوچه‌ها و خیابانها، و یا خانه و منزل باشد) کافی است، و فرقی میان مکه جدید و قدیم نیست؛ حتی محلاتی از مکه امروز که به طرف منی و عرفات گسترش یافته، از همه آن مناطق می‌توان احرام بست.

مسألة ۹۶۰. احتیاط واجب آن است که از نقاطی از شهر مکه، که از مسجد تنعیم دورتر است (یعنی از محدوده حرم بیرون است) احرام نبندد (مسجد تنعیم نزدیکترین حد حرم است) و بهتر از همه جا برای احرام حج، مسجد الحرام است.

مسألة ۹۶۱. بهترین وقت برای احرام حج، روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه) است، ولی از سه روز قبل از آن نیز می‌توان احرام بست و به سوی منی حرکت کرد، تا از آنجا به عرفات برود، به خصوص افراد پیر و بیماران، در صورتی که از ازدحام بترسند، می‌توانند زودتر از این هم حرکت کنند.

مسألة ۹۶۲. آخرین وقت احرام حج موقعی است که تأخیر از آن سبب

شود به وقوف عرفات، که از ظهر روز نهم تا غروب است، نرسد. بنابراین، صبح روز نهم نیز می‌تواند مُحرم شود و خود را به عرفات برساند (در صورتی که امکان رسیدن در این موقع باشد).

مسأله ۹۶۳. چگونگی احرام بستن و لَبِیک گفتن به همان شکلی است که در احرام عمره ذکر شد.

مسأله ۹۶۴. نیت باید خالص و برای اطاعت خداوند باشد، و ریا کردن موجب بطلان عمل است.

مسأله ۹۶۵. هرگاه نیت حجّ تمتّع کند، و لَبِیک‌های واجب را - به شکلی که در احرام عمره بیان شد - بگویند، و قصد احرام کند، و اموری را که بر محرم حرام است برخورد تحریم کند، محرم می‌شود.

مسأله ۹۶۶. تمام چیزهایی که در محرمات احرام بیان شد، در این احرام نیز حرام است، و از جهت کفاره نیز تفاوتی بین احرام حج و عمره نیست.

مسأله ۹۶۷. اگر احرام را فراموش کند و به منی یا عرفات برود، واجب است به مکه بازگردد و احرام ببندد، و چنانچه بر اثر تنگی وقت یا عذر دیگری، بازگشت به مکه ممکن نشود از همان جا که هست (عرفات، یا مشعر، یا منی) قبل از رمی جمرات و قربانی کردن محرم می‌شود، و اگر بعد از آن متوجه شود، وقت احرام گذشته و حجّش صحیح است.

مسأله ۹۶۸. هرگاه احرام را فراموش کند، و پس از انجام تمام اعمال حجّ یادش بیاید، حجّش صحیح است، ولی اگر بعد از وقوف به عرفات و مشعر، و قبل از انجام تمام اعمال حجّ یادش بیاید، احتیاط مستحب آن است که حجّش را به همان صورت تکمیل نموده، و در سال بعد نیز اعاده کند.

مسأله ۹۶۹. شخصی که بر اثر جهل به مسائل حج و فرانگرفتن احکام

شرعی احرام نبندد، در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام را ترک کرده، و حجّش صحیح است.

مسأله ۹۷۰. اگر کسی آگاهانه و از روی عمد احرام را تا زمان فوت و قوف عرفات و مشعر ترک کند، حجّ او باطل است.

استفتائات احرام حج تمتع

سؤال ۹۷۱. فاصله برخی از محله‌های جدید الاحداث مکه تا مسجدالحرام شاید بیش از هیجده کیلومتر است، و عرفاً از توابع مکه محسوب می‌شود، ولی ظاهراً جزء مکه نیست، چرا که تابلوهای راهنمایی با فلش جهت مکه را مشخص نموده است. با توجه به این مطلب، احرام بستن از محله‌های مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از محله‌های مکه محسوب شود احرام بستن از آن مانعی ندارد؛ ولی چنانچه عرفاً از محله‌های آن نیست، یا مشکوک است، کفایت نمی‌کند.

سؤال ۹۷۲. اشخاص معذور که می‌توانند اعمال مکه را قبل از وقوفین (وقوف به عرفات و مشعر) انجام دهند، چنانچه از روی ناآگاهی به احکام شرعی اعمال مکه را بدون احرام انجام دهند چه حکمی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند، و باید آن اعمال را دوباره پس از احرام حج، قبل از وقوفین، یا بعد از انجام اعمال منی بجا آورند.

سؤال ۹۷۳. اگر شخصی در عرفات یا منی متوجه شود که به هنگام احرام

حج تلبیه نگفته، تکلیف او چیست؟

جواب: در صورت امکان باید به مکه بازگردد و دوباره محرم شود،

و تلبیه بگوید و بقیه اعمال را انجام دهد، و اگر ممکن نیست همانجا

قصد احرام کند و «لَبَّيْكَ» بگوید، و اگر بعد از تقصیر یا حلق یادش

بیاید، اعمالش صحیح است و نیازی به احرام و لبّیک نیست.

۲. وقوف در عرفات

مسأله ۹۷۴. دوّمین واجب از واجبات حج، وقوف به عرفات است. عرفات بیابانی است در حدود بیست کیلومتری مکه، که امروز به صورت نیمه مشجّر در آمده، و واجب است حجّاج از ظهر تا غروب روز نهم ذی الحجّه در آنجا بمانند.

مسأله ۹۷۵. احتیاط آن است که از اوّل ظهر تا غروب آفتاب در آنجا توقّف کنند، خواه سواره باشند یا پیاده، در حال حرکت باشند یا نشسته، در حال بیداری باشند و یا مقداری خواب و مقداری بیداری، و مستحبّ مؤکّد است که در این مدّت مشغول ذکر خدا و توجّه به ذات پاک او و توبه و دعا باشند، که فضیلت دعا و نیایش در این زمان و مکان بی نظیر است.

مسأله ۹۷۶. اگر در تمام وقت بیهوش یا خواب باشد، وقوف او باطل است، ولی چنانچه قبل از ظهر به عرفات آمده و نیت کرده، صحیح است.

مسأله ۹۷۷. وقوف در عرفات عبادت است، و باید با نیت و قصد قربت همراه باشد. نیت آن عبارت خاصّی ندارد، همین مقدار که در دل قصد کند که در عرفات از ظهر تا غروب برای خدا توقّف می‌کند کافی است.

مسأله ۹۷۸. هرگاه از روی عمد قبل از غروب آفتاب از عرفات کوچ کند و باز نگردد، گناه کرده و باید یک شتر در منی (و احتیاطاً در روز عید) قربانی کند (و اگر نتواند شتر قربانی کند، باید هیجده روز روزه بگیرد) و در هر صورت حجّش صحیح است، و اگر قبل از غروب آفتاب دوباره به عرفات بازگردد و تا غروب در آنجا بماند و سپس کوچ کند، کفاره‌ای بر او واجب نیست.

مسأله ۹۷۹. هرگاه قبل از غروب آفتاب کوچ کند، اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، در صورتی که یادش بیاید اگر امکان دارد باید بازگردد، و اگر مراجعت نکند گناهکار است، و بنابر احتیاط کفاره نیز دارد، و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

مسأله ۹۸۰. گرچه وقوف در عرفات در تمام وقتی که در بالا گفته شد واجب است، و ترکش گناه می‌باشد، ولی تمام آن از ارکان حج نیست. بلکه رکن حج فقط مقداری از این مدّت است؛ یعنی اگر کسی تنها مقداری از ظهر تا غروب را در عرفات توقف کند، حجّش صحیح است، و اگر عمداً وقوف را در تمام این مدّت ترک کند حجّ او باطل خواهد شد، و وقوف در شب عید، که «وقوف اضطراری» نام دارد، برای او کفایت نمی‌کند.

مسأله ۹۸۱. کسی که موفق به درک وقوف در عرفات از ظهر تا غروب نشود، واجب است مقداری از شب عید را - هر چند کم باشد - در آنجا توقف کند، بنابراین اگر بر اثر موانع، زمانی به عرفات برسد که مردم از آنجا کوچ کرده باشند، مقداری از شب را می‌ماند، سپس به سوی مشعر می‌رود، به شرط آن که قبل از طلوع آفتاب روز عید خود را به مشعرالحرام برساند، و این را «وقوف اضطراری عرفات» می‌گویند، و اگر موفق بر وقوف اضطراری نیز نشد، یعنی نتوانست چیزی از شب را در آنجا بماند، کافی

است مقداری از وقوف مشعرالحرام را، که شرح آن خواهد آمد، درک کند. در این صورت نیز حجّش صحیح است.

مسأله ۹۸۲. اگر کسی بر اثر عذری موفق بر وقوف در عرفات در روز نهم ذی الحجّه نشود، و شب عید را هم عمداً و بدون هیچ عذری وقوف نکند، حجّ او باطل می‌شود؛ هر چند وقوف در مشعرالحرام را درک نماید.

استفتائات وقوف در عرفات

سؤال ۹۸۳. آیا حدودی که برای «عرفات» و «مشعر» و «منی» مشخص شده، و علاماتی که نصب کرده‌اند، جهت مناسک حج اعتبار دارد؟
جواب: آری معتبر است.

سؤال ۹۸۴. شخصی وقوف اختیاری عرفات را درک کرده (از ظهر روز نهم تا غروب آفتاب در عرفات بوده) ولی قبل از رفتن به مشعر بی‌هوش شده است. اگر تا آخر اعمال حج به هوش نیاید تکلیف چیست؟ اگر بعد از بی‌هوشی او را به کشورش منتقل کرده باشند چه حکمی دارد؟ و چنانچه بعد از ایام تشریق (بعد از سیزدهم ذی‌الحجه) در ماه ذی‌الحجه به هوش آید و در مکه یا کشورش باشد، چه کند؟

جواب: درک وقوف اختیاری عرفه برای صحت حجّ او کافی است. پس اگر به هوش آید بقیه اعمال را بجا می‌آورد، و اگر نتواند بجا آورد نایب می‌گیرد، به شرط آن که وقت اعمال باقی باشد. در غیر این صورت، صحت حجّ او مشکل است، و برای خروج از احرام احتیاطاً عمره مفرده بجا می‌آورد.

سؤال ۹۸۵. زنی که عادت ماهانه‌اش (مثلاً) شش روز بوده، در حال عادت برای عمره تمتع محرم می‌شود. روز هشتم ذی الحجه که روز ششم عادت اوست پاک می‌گردد، و پس از غسل اعمال عمره تمتع را انجام می‌دهد، و برای حج تمتع محرم می‌شود، ولی ظهر روز نهم در عرفات لک می‌بیند، و نمی‌داند که آیا این لک بینی پس از ده روز ادامه خواهد داشت، تا آن را استحاضه حساب کند و اعمال قبلی‌اش صحیح باشد، یا قبل از ده روز قطع می‌گردد تا احکام حیض داشته باشد. وظیفه‌اش چیست؟ اگر در همین فرض در مشعر لک ببیند تکلیفش چه می‌باشد؟

جواب: چنانچه کاملاً پاک شده باشد عمره او هنگام پاک بودن صحیح است، و دیدن لک بعد از آن ضرری به آن نمی‌زند؛ (زیرا طهر متخلل بنابر اقوی حکم حیض را ندارد).

سؤال ۹۸۶. در فرض سؤال قبل، اگر در عرفات یا مشعر لک دید، و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً در حال انجام اعمال عمره پاک نبوده، با توجه به این که وقت وقوف اختیاری یا اضطراری باقی است، ولی برای بازگشت به مکه و انجام اعمال عمره تمتع وقت ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: باید به حج افراد عدول کند و بعد از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد.

سؤال ۹۸۷. آیا قبل از نیت وقوف به عرفات صعود به «جبل الرحمة» (کوهی که در وسط عرفات است) کراهت دارد، یا پس از آن؟

جواب: فقط در وقت وقوف کراهت دارد.

۳. وقوف در مشعر الحرام

مسألة ۹۸۸. مشعر الحرام، که نام دیگرش «مُزْدَلِفَه» می‌باشد، محلّ معروفی است میان منی و عرفات (و حدود آن بین کوه مَأَزْمِین و حِیَاض و وادی محسّر می‌باشد) و برکسانی که حج بجا می‌آورند واجب است بعد از وقوف به عرفات به آنجا کوچ کنند، و احتیاط آن است که در صورت امکان، کوچ کردن به مشعر را به تأخیر نیندازند.

مسألة ۹۸۹. بیتوته کردن در دامنه کوههای اطراف مشعر به هنگام وقوف در مشعر در شب عید جایز است، ولی در دامنه کوههای مأزمین که در آغاز مشعر قرار دارد، و خارج از مشعر محسوب می‌شود، جز در موقع ازدحام و ضرورت اشکال دارد.

مسألة ۹۹۰. وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام واجب است، بلکه احتیاط واجب آن است که شب را نیز در آنجا بماند، و مقداری ذکر خدا بگوید، و واجب است برای تمام اینها نیت کند، و قصد قربت داشته باشد.

مسألة ۹۹۱. هرگاه بدون عذر شرعی قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کند

و به منی رود، اگر جاهل باشد چیزی بر او نیست، و اگر از روی عمد باشد گناه کرده و باید یک گوسفند کفّاره دهد؛ ولی حجّ او صحیح است؛ اما می‌تواند کمی قبل از طلوع آفتاب از مشعر به سمت منی حرکت کند، ولی قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر (در انتهای منی) عبور ننماید.

مسأله ۹۹۲. وقوف در مشعر الحرام رکن است؛ یعنی هر کس آن را عمداً ترک کند حجّ او باطل می‌شود، و وقوف رکنی وقوف مقداری از بین الطلوعین است.

مسأله ۹۹۳. اگر چه ماندن تمام فاصله میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام واجب است (و حتی ماندن در شب عید نیز بنا بر احتیاط، واجب می‌باشد)، ولی هرگاه شب را به تنهایی در آنجا بماند، برای صحیح بودن حجّ او کافی است؛ اما همان‌طور که گفتیم اگر از روی عمد باشد گناه کرده، و باید یک گوسفند کفّاره دهد.

مسأله ۹۹۴. برای چند طائفه جایز است مقدار مختصری در مشعر توقّف کرده، سپس به منی بروند: ۱. زنان ۲. بیماران ۳. پیرمردان ۴. تمام افراد معذور. به این ترتیب، کسانی که عذری دارند مقداری از شب را در مشعر توقّف کنند، سپس از آنجا کوچ کرده به منی بروند، بنابراین پیرمردان، بیماران، کودکان، و تمام اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی باید همراه آنها باشند، و آنها که می‌ترسند در ازدحام جمعیت صبح روز عید اذیت شوند، می‌توانند شبانه (بعد از مقداری توقّف در مشعر الحرام و ذکر خدا) به منی بروند، و همان شب نیز رمی جمرة عقبه کنند؛ ولی احتیاط مستحب آن است که قبل از نصف شب از مشعر حرکت نکنند، و راهنمایان اگر بتوانند بعد از رساندن نفرات به منی، برای وقوف به مشعر بازگردند، احتیاط آن است که برگردند.

احکام وقوف در عرفات و مشعر

مسألة ۹۹۵. همان گونه که گفته شد هر یک از وقوف در عرفات و مشعر دارای دو قسم است: ۱. وقوف اختیاری ۲. وقوف اضطراری.

«وقوف اختیاری عرفات» از حدود ظهر تا غروب آفتاب است.

«وقوف اضطراری عرفات» مقداری - هر چند کم - از شب عید است.

«وقوف اختیاری مشعر» از طلوع صبح روز عید تا طلوع آفتاب است.

«وقوف اضطراری مشعر» از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید است.

البته «مشعر» وقوف اضطراری دیگری نیز دارد، که مربوط به زنان و افراد ضعیف و بیمار است، و آن، مقدرای از شب عید می باشد که در آنجا توقف کوتاهی نموده، سپس از آنجا به منی کوچ می کنند.

احکام کسی که همه یا بعضی از این وقوفها را درک کند، به شرح زیر است:

۱. کسی که هر دو وقوف به عرفات و مشعر را، در وقت اختیاری انجام دهد (یعنی از ظهر تا غروب روز عرفه در عرفات، و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام باشد) مسلماً حجّ او صحیح است.

۲. کسی که هیچ یک از وقوفهای اختیاری و اضطراری را که در مسأله قبل گفته شد، نه در مشعر و نه در عرفات، درک نکند، حج او باطل است، و باید نیت «عمره مفرده» کند؛ یعنی با همان احرامی که دارد طواف و نماز طواف و سعی را انجام داده و تقصیر کند (و احتیاطاً طواف نساء و نماز آن را نیز بجا آورد) و از احرام خارج شود؛ و در سال آینده باید حج تمتع را اعاده کند. تبصره الف) چنین شخصی اگر قربانی اش را همراه آورده، احتیاطاً ذبح کند.

تبصره ب) اگر درک نکردن وقوفهای اختیاری و اضطراری از روی تقصیر و کوتاهی بوده، حج بر او مستقر می شود، و باید سال بعد انجام دهد؛ چه دارای شرایط آن باشد، یا نباشد.

۳. هرگاه «وقوف اضطراری عرفه» را با «وقوف اختیاری مشعر» بجا آورد (یعنی روز نهم به عرفات نرسیده و تنها مقداری از شب دهم را در آنجا مانده، سپس در مشعر الحرام از طلوع صبح تا طلوع آفتاب وقوف کرده)، چنین کسی نیز حجش صحیح و بدون اشکال است. تبصره: اگر عمداً وقوف اختیاری عرفه را ترک کرده باشد، حج او باطل است.

۴. کسی که «وقوف اختیاری عرفه» را با «وقوف اضطراری روز مشعر» درک کند (یعنی بعد از ظهر عرفه تا غروب در عرفات بوده، ولی به علتی بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مشعر نمانده است، اما مقداری قبل از ظهر روز عید را در مشعر وقوف کرده)، حج او نیز صحیح است. تبصره: چنین شخصی اگر وقوف اختیاری مشعر را از روی عمد ترک کرده باشد حجش باطل است.

۵. کسی که فقط «وقوف اختیاری عرفه» را درک کرده (یعنی بعد از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات بوده، اما نتوانسته در مشعر حتی قبل از ظهر روز عید مقداری وقوف کند) حجّ او نیز صحیح است.
۶. کسی که تنها «وقوف اختیاری مشعر» را درک کرده (یعنی مطلقاً به عرفات نرسیده، اما در مشعر الحرام از طلوع صبح تا طلوع آفتاب توقّف کرده) حجّ او نیز صحیح است.
- تبصره: چنین شخصی اگر عمداً وقوف اختیاری عرفات را ترک کرده باشد، حجّش باطل است.
۷. کسی که «وقوف اضطراری عرفات» را در شب عید و «وقوف اضطراری مشعر» را در پیش از ظهر عید درک نموده، حجّ او نیز صحیح می‌باشد.
- تبصره: چنین شخصی اگر وقوف عرفات یا وقوف مشعر را به کلی و از روی عمد ترک کند، حجّ او باطل است.
۸. کسی که فقط «وقوف اضطراری روز مشعر» را درک کرده (یعنی تنها توانسته خود را پیش از ظهر روز عید به مشعر الحرام برساند) حجّ چنین شخصی باطل شده، و باید نیت عمره مفرده کند، و بعد از انجام اعمال عمره مفرده از احرام بیرون آید، و در سال آینده باید حجّ تمتّع را اعاده کند.
۹. کسی که فقط وقوف اضطراری عرفات را درک کند، حجّ او نیز باطل است و باید مطابق صورت قبل عمل کند.
۱۰. کسی که هیچ یک از وقوفهای اضطراری و اختیاری را درک نکند (یعنی بعد از ظهر روز عید به آنجا برسد) حجّ او باطل است، و باید طبق صورت هشتم عمل کند.
۱۱. کسی که وقوف اختیاری عرفه و اضطراری شب مشعر را درک کند

(یعنی از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات بوده، و شب دهم در مشعر وقوف کرده، و قبل از طلوع صبح به منی رفته است) در صورتی که وقوف اختیاری مشعر را به سبب عذری ترک کرده، حجّش صحیح، و اگر عمدی بوده بنابر احتیاط واجب باطل است.

۱۲. کسی که وقوف اضطراری عرفه و اضطراری شبانه مشعر را درک کند (یعنی قسمتی از شب دهم را در عرفات، و قسمتی دیگر را در مشعر وقوف کرده، و قبل از طلوع صبح به منی رفته) در صورتی که عذر داشته، و وقوف اختیاری عرفه را از روی عمد ترک نکرده باشد، حجّ او صحیح است؛ اما اگر عذر نداشته، و عمداً وقوف اختیاری عرفه را ترک کرده، حجّش باطل است، و چنانچه وقوف اختیاری مشعر (وقوف بین الطلوعین) را عمداً ترک کرده باشد حجّ او صحیح است، ولی یک گوسفند کفّاره دارد، و اگر از روی جهل وقوف عرفه را ترک کرده باشد، حجّ او بنابر احتیاط واجب باطل است.

۱۳. کسی که فقط وقوف اضطراری شبانه مشعر را درک کند (یعنی شب دهم به مشعر الحرام رسیده، و قبل از طلوع صبح به منی کوچ کرده است) اگر وقوف عرفات را عمداً ترک کرده باشد حجّ او باطل، و اگر از روی عمد نباشد، بلکه به سبب عذر باشد، در این صورت نیز حجّ او اشکال دارد.

استفتائات وقوف در مشعر الحرام

سؤال ۹۹۶. عده‌ای از حجّاج در شب دهم ذیحجه از عرفات عازم مشعر می‌شوند، در بین راه از افرادی که آنجا هستند می‌پرسند: «مشعر کجاست؟» جواب می‌دهند: «همین جاست». آنها اطمینان پیدا می‌کنند که آنجا مشعر است، و قصد وقوف می‌کنند. پس از گذشتن وقت وقوف اضطراری مشعر معلوم می‌شود که آنجا مشعر نبوده است، تکلیف آنها چیست؟

جواب: حجّ آنها صحیح است.

سؤال ۹۹۷. اگر مدیر کاروان به یکی از حجّاج بگوید: «درک وقوف اختیاری مشعر برای شما مشکل است». و آن شخص به این سخن اعتماد پیدا کند، و وقوف اختیاری را ترک نماید، آیا به حجّ او اشکالی وارد می‌شود؟

جواب: در فرض سؤال اشکالی ندارد.

سؤال ۹۹۸. کسی که نمی‌داندسته وقوف اختیاری مشعر بین طلوع صبح و طلوع آفتاب است، و آن را ترک کرده، ولی وقوف اضطراری را انجام داده است، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: در صورتی که جاهل قاصر بوده نه مقصّر، مانعی ندارد.

سؤال ۹۹۹. آیا نیابت خدمه‌ای که پیش از طلوع صبح به همراه خانمها به منی می‌روند، ولی قبل از طلوع آفتاب خود را به مشعر رسانده، و وقوف رکنی مشعر را درک می‌کنند، صحیح است؟

جواب: اگر لازم است با زنها به منی بروند گناهی نکرده‌اند، و نیابت آنها اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۰۰. شخصی وقوف به عرفات و مقداری از وقوف شبانه مشعر را درک کرده، و قبل از طلوع صبح برای بردن اثاثیه و کارهای دیگر عمداً به منی رفته، و قصد داشته دوباره به مشعر باز گردد؛ ولی در منی به خواب رفته، و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده است. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: حجّ او صحیح است، و اگر می‌تواند وقوف اضطراری روز مشعر را بجا آورد، احتیاط آن است که بجا آورد، و اگر نایب است، نیابتش نیز صحیح است.

سؤال ۱۰۰۱. آیا برای وقوف در مشعر یک نیت کافی است، یا برای وقوف از شب تا طلوع صبح یک نیت، و برای وقوف پس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب نیت دیگری لازم است؟

جواب: یک نیت برای همه کافی است.

۴. رمی جمره عقبه

مسأله ۱۰۰۲. چهارمین واجب از واجبات حج، رمی «جمره عقبه» در روز عید قربان است. و منظور از آن، انداختن هفت عدد سنگ کوچک به محلی است که در آخر منی در طرف مکه واقع شده، و آن را «جمره عقبه» می‌نامند.^۱

مسأله ۱۰۰۳. در رمی جمره چند چیز واجب است:

۱. نیت و قصد قربت؛ کافی است در دل قصد داشته باشد که برای اطاعت فرمان خدا و انجام مناسک حج، هفت سنگ کوچک به جمره می‌اندازد، و به زبان آوردن لازم نیست.

۲. تعداد سنگ‌ها باید هفت عدد باشد؛ البته نه زیاد بزرگ، و نه زیاد کوچک؛ بلکه کافی است هر کدام به اندازه یک سر انگشت باشد. حاجی می‌تواند برای تهیه سنگ ریزه رمی سنگ‌های بزرگ‌تر را خرد کند.

۱. به گفته مرحوم صاحب جواهر رحمة الله علیه «جمره» از «جمار» گرفته شده، که در لغت به معنی سنگ‌ریزه است، و در حقیقت جمره محلّ جمار و سنگ‌ریزه‌ها می‌باشد. شرح این مطلب را در کتاب «رمی جمرات در گذشته و حال»، که تحقیق جدید و جامعی پیرامون رمی جمرات است، نوشته‌ایم. ضمناً باید توجه داشت که سه جمره داریم؛ «جمره اولی» و «جمره وسطی» و «جمره عقبه» که آخرین آنها به طرف مکه است.

۳. سنگ‌ها را یکی بعد از دیگری پرتاب کند؛ اگر دو عدد یا بیشتر را با هم بزند کافی نیست و یکی حساب می‌شود.

۴. اصابت سنگها به ستون و دیوار جمره لازم نیست، بلکه کافی است در حوضچه اطراف ستون بیفتد. بنابراین، اگر به ستون و دیوار اصابت کند، و به خارج از حوضچه پرتاب شود کافی نیست، و ظن به عدد سنگ‌ها اعتبار ندارد، بلکه یقین لازم است.

۵. باید سنگ‌ها را پرتاب کند، نه این که روی جمره بگذرد، و اگر به کمک شخص، یا چیز دیگری به جمره برسد کافی نیست. (مثلاً اگر سنگی را که او پرتاب کرده در راه به کمک سنگی که شخص دیگری زده به جمره بخورد کافی نیست).

۶. وقت زدن سنگها مابین طلوع آفتاب روز عید و غروب آفتاب است (ولی همان‌طور که گفتیم برای «زنان» و «پیرمردان» و کسانی که از ازدحام روز عید ترسان هستند، جایز است شب عید رمی کنند)، و اگر فراموش کرد می‌تواند تا روز سیزدهم بجا آورد، و اگر تا آن روز به یادش نیامد، در صورت امکان باید خودش در سال بعد در همان موقع به منی برود و قضا کند، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

مسأله ۱۰۰۴. احتیاط واجب آن است که در رمی جمره «موالات» را رعایت کند؛ یعنی سنگها را پی در پی و با فاصله کمی به جمره بزند، ولی اگر چهار سنگ پشت سر هم زده باشد، و بقیه را از روی فراموشی یا عدم اطلاع ترک نماید مانعی ندارد که بقیه را بعداً بزند؛ هر چند موالات به هم خورده باشد.

مسأله ۱۰۰۵. سنگریزه‌ها چهار شرط دارد:

اول: «سنگ» باشد؛ نه کلوخ و گِل، یا چیز دیگر.
دوم: آنها را از «حرم» جمع کند.^۱ و بهتر آن است که همان شب عید، که در مشعرالحرام است، سنگ‌ها را از آنجا جمع‌آوری کند. جمع‌آوری از «منی» و «مکه» نیز مانعی ندارد، ولی از عرفات کافی نیست؛ چون خارج از حرم است.

سوم: سنگریزه‌ها «بکر» باشد؛ یعنی قبلاً خودش یا دیگری از آنها برای رمی جمرات (هر چند در سالهای قبل) استفاده نکرده باشد. بنابراین، از سنگهایی که دور جمره افتاده و از آن استفاده کرده‌اند، نمی‌توان استفاده کرد؛ ولی اگر در غیر آنجا سنگهایی ببیند و شک کند که آیا از آنها استفاده شده، یا نه؟ می‌تواند از آنها در رمی استفاده کند. ضمناً باید توجه داشت تعداد سنگریزه‌های مورد نیاز او برای سه روز ۴۹ عدد می‌باشد (و اگر ناچار باشد روز سیزدهم را بماند هفتاد سنگ لازم است) که بهتر است شب عید آنها را از مشعر جمع کرده، و در کیسه‌ای با خود بیاورد، و چون ممکن است بعضی از آنها به جمره اصابت نکنند، سزاوار است تعداد بیشتری جمع‌آوری کند.

چهارم: سنگها «مباح» باشد؛ بنابراین با سنگ غصبی، یا آنچه که شخص دیگری برای خودش جمع کرده (بدون رضایت او) نمی‌توان رمی کرد.

مسأله ۱۰۰۶. هرگاه شک کند سنگهایی را که برای رمی جمع‌آوری کرده، شخص دیگری قبل از او استفاده کرده یا نه؟ رمی با آن سنگها جایز است.

مسأله ۱۰۰۷. هرگاه احتمال دهد که سنگهای موجود در حرم را از خارج از حرم آورده‌اند، رمی با آن سنگها جایز است، و به این احتمال اعتنا نمی‌کند.

۱. باید توجه داشت که تمام مشعر الحرام و منی در داخل حرم قرار دارد، اما عرفات خارج از حرم است.

مسأله ۱۰۰۸. اگر شک کند به سنگی که می‌خواهد بیندازد، «حصی» یعنی سنگریزه گفته می‌شود یا نه؟ نباید به آن اکتفا کند.

مسأله ۱۰۰۹. اگر شک کند سنگی که پرتاب کرده در حوضچه مخصوص افتاده یا نه؟ باید دوباره بیندازد تا یقین پیدا کند داخل حوضچه افتاده است. و گمان نیز کافی نیست.

مسأله ۱۰۱۰. اگر چند سنگ را با هم بیندازد همه آنها یک سنگ حساب می‌شود؛ چه همه به محل اصابت کند، یا یکی از آنها.

مسأله ۱۰۱۱. رمی جمره را می‌توان پیاده یا سواره انجام داد، و با دست راست یا چپ تفاوت نمی‌کند. در پرتاب کردن آن نیز طرز خاصی واجب نیست. وضو داشتن نیز شرط آن نمی‌باشد؛ هر چند بهتر است پیاده و با وضو باشد، و در آن حال دعا و ثنای پروردگار بگویند، و با دست راست رمی کند.

مسأله ۱۰۱۲. لازم است سنگ را با دست پرتاب کند و با وسیله دیگری (مانند تیر کمان یا قلاب سنگ) جایز نیست.

مسأله ۱۰۱۳. همان گونه که گذشت وضو داشتن به هنگام رمی واجب نیست، بلکه اگر شخصی غسل واجبی بر عهده داشته باشد می‌تواند قبل از انجام غسل رمی جمرات کند. حتی اگر خود سنگها هم پاک نباشد ضرری به رمی نمی‌زند. هر چند بهتر رعایت همه این امور است.

مسأله ۱۰۱۴. رمی کردن در شب جایز نیست، مگر برای زنان و بیماران و کسانی که از ازدحام در روز می‌ترسند، یا کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند، و توانایی رمی در روز را ندارند. در این صورت فرقی نمی‌کند که شب قبل رمی کنند، یا شب بعد از آن.

مسأله ۱۰۱۵. جمرات را از هر طرف که بخواهد می‌تواند رمی کند؛ حتی

جرمه عقبه را. هر چند مطابق مشهور مستحب است هنگام رمی جمره عقبه پشت به قبله و رو به جمره باشد، اما در جمرات دیگر مستحب است رو به قبله بایستد.

شک در رمی

مسأله ۱۰۱۶. هرگاه در عدد سنگهایی که زده شک کند، بنا را بر کمتر می‌گذارد، و آنچه را که شک دارد بجا می‌آورد، و اگر بعد از اتمام رمی، یقین کند که کمتر بجا آورده، چنانچه موالات به هم نخورده باقیمانده را بجا می‌آورد، و اگر موالات به هم خورده، احتیاط آن است که آن را تکمیل کند، و سپس از نو هفت سنگ بزند، مگر این که چهارسنگ زده باشد که در این صورت فوت موالات ضرری ندارد و آن را تکمیل می‌کند.

مسأله ۱۰۱۷. چنانچه بعد از انجام رمی و بازگشت به چادرهای محلّ استراحت، در عدد سنگهایی که پرتاب کرده شک کند، اگر شک در کمتر از هفت سنگ باشد مانند مسأله سابق عمل می‌کند، و اگر شک در بیش از هفت باشد اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۱۰۱۸. اگر بعد از قربانی کردن، یا تراشیدن یا کوتاه کردن سر، در تعداد سنگها شک کند، اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۱۰۱۹. هرگاه بعد از فراغت از رمی جمرات و اتمام آن، شک کند که سنگها را درست انداخته یا نه، (یعنی شک در شرایط کند) بنا را بر صحت می‌گذارد.

نیابت در رمی

مسأله ۱۰۲۰. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد کسانی که به واسطه عذر

نمی‌توانند در روز رمی کنند باید در شب رمی کنند، و اگر در شب هم از آن عاجز باشند، یا خوف خطر و ضرری باشد، باید کسی را نایب کنند که در روز بجای آنها رمی کند.

مسأله ۱۰۲۱. رمی از طبقات بالا مانعی ندارد؛ مخصوصاً در هنگام ازدحام، و این کار بر نایب گرفتن مقدّم است.

مسأله ۱۰۲۲. لازم است شخصی به نیابت از بچه‌ها، بیماران و کسانی که به واسطه عذری نمی‌توانند شخصاً رمی کنند، رمی جمرات را انجام دهد؛ البتّه این کار باید با اذن و اجازه آن افراد باشد، و در مورد بچه‌های غیرمتمیز به اذن ولیّشان است.

مسأله ۱۰۲۳. هرگاه پس از آن که نایب رمی جمرات را انجام داد، بیمار خوب شود، لازم نیست رمی را دوباره خودش انجام دهد، ولی در مورد شخصی که بیهوش بوده، چون نیابت اجازه می‌خواهد (و نایب بدون اجازه او این کار را کرده) احتیاط آن است که خودش دوباره انجام دهد؛ اما اگر در بین رمی نایب، بیمار خوب شود یا بیهوش هوشیار گردد، باید خودش از اوّل شروع کند، و به آن مقدار که نایب انجام داده اکتفا نکند.

ترک رمی جمرات

مسأله ۱۰۲۴. هرگاه کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، رمی جمرات را ترک کند لازم است تا روز سیزدهم، هر وقت یادش آمد، یا متوجه مسأله شد، قضا کند، و بهتر این است آنچه را مربوط به قضای روز قبل است پیش از ظهر بجا آورد، و وظیفه همان روز را بعد از ظهر انجام دهد، ولی مانعی ندارد هر دو را در یک وقت بجا آورد؛ (اوّل قضای روز گذشته، سپس وظیفه همان روز).

مسأله ۱۰۲۵. چنانچه پس از بازگشت از منی به مکه متوجه شد که رمی جمره را بجا نیاورده، باید به منی بازگردد و آن را بجا آورد؛ ولی اگر روز سیزدهم بگذرد، باید آن را در سال آینده در همان ایام قضا کند، و اگر نمی‌تواند، کسی را نایب بگیرد که برای او قضا کند.

مسأله ۱۰۲۶. اگر کسی از روی عمد رمی جمره را ترک کند گناه کرده، ولی حجّ او باطل نمی‌شود، و باید مطابق مسأله قبل عمل کند.

استفتائات رمی جمرات

سؤال ۱۰۲۷. اگر مردی که قادر است در روز رمی جمرات کند، از سوی زنی نایب شود، آیا می‌تواند رمی را در شب انجام دهد؟
جواب: نمی‌تواند.

سؤال ۱۰۲۸. کسی که در روز عید نمی‌تواند رمی نماید، آیا مجاز است قبل از رمی تقصیر کند، و روز بعد رمی جمره را بجا آورد؟
جواب: لازم است بقیه اعمال خود را، مانند قربانی و تقصیر، در روز عید انجام دهد.

سؤال ۱۰۲۹. اگر شخصی در اثناء رمی جمرات از رمی بقیه عاجز شود، آیا نایب باید از ابتدا شروع کند یا بقیه را تکمیل کند؟
جواب: باید از اول شروع کند.

سؤال ۱۰۳۰. آیا به نیابت از افراد سالم می‌توان رمی جمرات را انجام داد؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۳۱. آیا خانمها برای اجتناب از تماس بدنی با مردان نامحرم، می‌توانند نایب بگیرند؟

جواب: خودشان باید رمی کنند، و تماس از روی لباس در این گونه موارد ضرری ندارد.

سؤال ۱۰۳۲. کسانی که همراه زنان و معذورین حرکت می‌کنند، آیا می‌توانند همانند آنها شبانه رمی جمره کنند؟

جواب: چنانچه بتوانند در روز رمی کنند، باید در روز رمی نمایند، در غیر این صورت در شب جایز است.

سؤال ۱۰۳۳. اخیراً جمرات سه گانه را به شکل بیضی بزرگی درآورده‌اند که در وسط آن به جای ستون سابق، دیواری به طول ۲۵ و ارتفاع ۵ متر احداث کرده‌اند؛ تکلیف رمی چه خواهد شد؟

جواب: باید سنگ‌ها به داخل حوضچه رمی پرتاب شود، و اگر سنگ‌ها به ستون خورده و به داخل حوضچه بیفتد کافی است.

۵. قربانی

مسأله ۱۰۳۴. پنجمین واجب از واجبات حج، و دومین واجب از واجبات منی، قربانی است. بهترین قربانی شتر، و متوسط آن گاو، و ساده‌ترین آن گوسفند است، و غیر از سه حیوان مذکور کفایت نمی‌کند، و تنها بر کسانی واجب است که حج تمتع بجا می‌آورند، و بر غیر آنها واجب نیست.

مسأله ۱۰۳۵. احتیاط واجب آن است که یک قربانی فقط برای یک نفر باشد؛ حتی در حال ضرورت، و اگر چند نفر فقط قادر بر یک قربانی باشند احتیاط آن است که هم قربانی کنند و هم روزه‌ای را که بدل قربانی است و بعداً اشاره خواهیم کرد، بجا آورند، ولی در قربانیهای مستحب، که روز عید قربان انجام می‌شود، مانعی ندارد عده کم یا زیادی یک قربانی کنند.

مسأله ۱۰۳۶. بهتر است قربانی را روز عید ذبح کنند؛ ولی تأخیر آن تا روز سیزدهم نیز جایز است.

مسأله ۱۰۳۷. اگر به خاطر عذری، یا بدون عذر و از روی عمد، قربانی را از روز سیزدهم تأخیر انداخت واجب است تا آخر ذی الحجّه آن را انجام دهد، و اگر انجام نداد، باید نایب بگیرد که در سال بعد در همان ایام عید و در همان جا انجام دهد، و در هر حال حج او باطل نیست.

مسأله ۱۰۳۸. قربانی نیز از عبادات است، و باید با نیت خالص و به قصد اطاعت پروردگار انجام گردد، و احتیاط واجب آن است که بعد از رمی جمره عقبه انجام شود.

مسأله ۱۰۳۹. حدّ اقل قربانی یک گوسفند است، و هر چه بیشتر ذبح کند بهتر است. در روایتی آمده است که: «رسول خدا ﷺ در یک سفر حج صد شتر همراه آوردند. شصت و شش شتر را برای خود، و بقیه را برای حضرت علی علیه السلام قربانی کردند»^۱.

مسأله ۱۰۴۰. گاو میش برای قربانی حج جایز است، ولی بهتر ترک آن است.

مسأله ۱۰۴۱. قیمت گوسفند قربانی در حج بر ولی طفل محرم است.

مسأله ۱۰۴۲. همان گونه که گذشت قربانی در حجّ بذلی بر عهده دهنده پول (بازل) می باشد، ولی کفّارات بر عهده وی نیست، هر چند احتیاط مستحب آن است که کفّارات غیر عمدی را بپردازد. و اگر باذل پول قربانی را ندهد حج واجب نمی شود. مگر این که در بازگشت زندگی او تأمین باشد، که در این صورت حج بر وی واجب می گردد، و به جای قربانی روزه می گیرد.

شرایط حیوان قربانی

مسأله ۱۰۴۳. حیوانی که برای قربانی انتخاب می شود باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱. شتر قربانی حدّ اقل پنج سال تمام، و گاو دو سال تمام، و گوسفند یک سال تمام داشته باشد؛ بنابر احتیاط واجب.

۱. وسائل الشّیعه، جلد ۱۰، ابواب الذّبح، باب ۱۰، حدیث ۶

۲. چشم آن سالم باشد.
 ۳. گوش آن بریده نباشد.
 ۴. دست و پای آن لنگ نباشد؛ (البته لنگی مختصر عیب ندارد).
 ۵. شاخ درونی آن شکسته نباشد؛ اما اگر شاخ بیرونی^۱ شکسته باشد ضرری ندارد.
 ۶. احتیاط واجب آن است که خیلی پیر نباشد.
 ۷. قربانی باید سالم باشد، بنابراین حیوان مریض (حتی مثل کچلی بنا بر احتیاط) کافی نیست.
 ۸. حیوان لاغر نباشد، و همین اندازه که مردم بگویند لاغر نیست کافی است، بلکه اگر در ظاهر لاغر است، ولی بر کلیه‌های آن مقداری چربی وجود داشته باشد کافی است.
 ۹. حیوان خصی و اخته شده (حیوانی که تخم آن را کشیده باشند) برای قربانی جایز نیست؛ ولی اگر آن را کوبیده، یا رگ آن را از کار انداخته باشند، اشکالی ندارد.
 ۱۰. احتیاط آن است که در اصل خلقت نیز بی بیضه نباشد.
- مسأله ۱۰۴۴.** هرگاه گوش حیوان را برای نشانه و علامت مقداری چاک داده، یا سوراخ کرده، یا کمی از آن را بریده باشند ضرری ندارد.
- مسأله ۱۰۴۵.** چنانچه نوعی از این حیوانات در اصل خلقت بی شاخ، یا بی‌دم، یا بدون گوش باشد، ضرری برای قربانی ندارد.

۱. منظور از شاخ بیرونی و خارج، شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف برای شاخ سفید داخل می‌باشد.

مسأله ۱۰۴۶. هرگاه حیوانی را که به ظاهر چاق است خریداری کند، و بعد از ذبح کردن، یا پس از خریدن و پرداخت وجه و قبل از ذبح معلوم شود لاغر است، کافی است. همچنین اگر به گمان این که لاغر است خریداری کند، و بعد معلوم شود چاق است کفایت می‌کند؛ خواه قبل از ذبح باشد، یا بعد از ذبح.

مسأله ۱۰۴۷. هرگاه حیوانی را که به ظاهر ناقص نیست خریداری کند و بعد از ذبح، یا پس از خریداری و پرداخت پول بفهمد که ناقص است، آن حیوان کفایت می‌کند؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که به آن قناعت نکند.

مسأله ۱۰۴۸. هرگاه احتمال بیماری یا نقص بعضی از شرایط معتبر در قربانی را بدهد، احتیاط آن است که آن را واریسی کند، هر چند در احتمال غیر عیب‌های مادرزادی واریسی کردن واجب نیست، و بعید نیست قول فروشنده در مورد سنّ حیوان، یا اخته نبودن، یا سایر عیوب پنهانی، که خریدار نمی‌داند یا نمی‌تواند تشخیص دهد، مقبول باشد.

مسأله ۱۰۴۹. هرگاه پس از ذبح قربانی شک کند که آن حیوان ناقص بوده، یا بعضی از شرایط معتبر قربانی را دارا نبوده، اعتنا به شک نمی‌کند.

مسأله ۱۰۵۰. هرگاه می‌دانست گوسفند او لاغر است، ولی به واسطه جهل به مسأله آن را با قصد قربت ذبح کرد، سپس معلوم شد چاق است کفایت می‌کند.

مسأله ۱۰۵۱. هرگاه معتقد به ناقص بودن قربانی بود، و بر اثر ناآگاهی از مسأله قربت الی الله آن را ذبح کرد، بعد معلوم شد که سالم است، کافی است.

مسأله ۱۰۵۲. اگر احتمال نمی‌داد که حیوان چاق است، یا احتمال می‌داد، ولی از روی بی‌مبالاتی آن را ذبح کرد، اگر قصد اطاعت امر الهی داشته کافی است.

مسأله ۱۰۵۳. اگر قربانی سالم (و دارای شرایطی که ذکر شد) یافت نشود، ناقص کافی است.

مسأله ۱۰۵۴. اگر حیوانی برای قربانی یافت نشود، نه سالم و نه غیر سالم، می‌تواند قیمت آن را نزد شخص امینی در مکه بگذارد که تا پایان ماه ذی الحجه در منی برای او قربانی کند، و اگر در آن سال نتوانست، در سال بعد این کار را انجام می‌دهد، و اگر شخص مطمئی در آنجا نیابد، می‌تواند در سال آینده از بعضی از حجاج مطمئن خواهش کند برای او انجام دهند، و در شرایط فعلی می‌تواند در وطنش نیز ذبح کند.

تقسیم و مصرف گوشت قربانی

مسأله ۱۰۵۵. مستحب است قربانی را سه قسمت کند: یک سوّم آن را برای خود بردارد، و یک سوّم را در راه خدا به نیازمندان صدقه دهد، و یک سوّم را به دوستان و مؤمنان هدیه نماید. البته لازم نیست تقسیم به سه قسمت به طور مساوی باشد، ولی دادن بخشی از آن به فقیر واجب است، اما خوردن چیزی از آن واجب نیست؛ هر چند موافق احتیاط است.

مسأله ۱۰۵۶. گوشت قربانی را به همه فقرای مسلمین، اعم از شیعه و اهل سنت می‌توان داد؛ ولی دادن به غیر مسلمانان و ناصبیها (آنها که با ائمه علیهم السلام عداوت دارند) اشکال دارد.

مسأله ۱۰۵۷. احتیاط آن است که تا افراد نیازمند در منی پیدا شوند، گوشت قربانی را از منی خارج نکنند.

مسأله ۱۰۵۸. مسلمانان باید کاری کنند که گوشتهای قربانی استفاده شود و از بین نرود، و مانند بعضی از سال‌ها مجبور به دفن کردن یا سوزاندن آنها

نشوند؛ زیرا این کار اسراف است و حرام، و مخالف دستورات اسلام است، و چنانچه در منی مستحقّینی یافت نشوند، باید آن را به سایر کشورها ببرند، و به فقرا و مؤمنان بدهند، و چنانچه هزینه‌ای برای این کار لازم باشد باید حکومت اسلامی، یا مردم، آن را بپردازند.

مسأله ۱۰۵۹. چنانچه بعد از تلاش و کوشش لازم راهی برای استفاده از گوشتهای قربانی پیدا نشود، و مجبور به نابود کردن آنها شوند، در این صورت باید موقتاً از قربانی کردن در منی صرف نظر نمایند، و پول آن را کنار گذاشته و هنگام بازگشت در محلّ خود قربانی کنند، و طبق دستور بالا گوشت آن را در مصارفی که ذکر شد مصرف نمایند، و اگر مسؤولین سازمانهای مورد اعتماد بپذیرند که قربانی را طبق آداب شیعه در آنجا ذبح کرده، و گوشت آن را برای محرومین مناطق دیگر بفرستند، قربانی در منی مانعی ندارد، و با توجه به جهات مختلف در حال حاضر مخیر بین ذبح در قربانگاههای موجود، که همه در خارج از منی است، و ذبح در وطن می‌باشند، و این حکم تا زمانی است که گوشتها - مانند سال‌های اخیر - به خارج منتقل گردیده و مصرف شود، مگر این‌که اطمینان داشته باشند که قربانی بدون عیب و نقص و واجد شرایط است و گوشت آن مصرف می‌شود که در این صورت ذبح در منی را مقدّم بدانند.

مسأله ۱۰۶۰. در فرض مسأله قبل باید قربانی را در باقیمانده ذی‌الحجه انجام دهد، و اگر بازگشت او به طول می‌انجامد نایب بگیرد، و چنانچه در ماه ذی‌الحجه آن سال موقّق نشد، باید در ایّام عید قربان سال آینده آن را انجام دهد.

مسأله ۱۰۶۱. قربانی کردن در قربانگاههای موجود کافی است، هر چند در حال حاضر همه آنها در خارج از محدوده منی است، و لازم نیست مخفیانه

در گوشه‌ای از منی یا مکه قربانی کنند، یا برای روزهای بعد بگذارند، بلکه این کار در شرایط فعلی خالی از اشکال نیست.

مسأله ۱۰۶۲. استفاده از وسایل ماشینی برای ذبح حیوانات مانعی ندارد؛ ولی باید شرایط شرعیّه ذبح، مانند رو به قبله بودن، بسم الله گفتن، و غیر آن رعایت شود (چنان که در رساله توضیح المسائل، مسأله ۲۲۲۳، شرح داده‌ایم).

مسأله ۱۰۶۳. احتیاط آن است که قربانی کننده پوست حیوان قربانی و مانند آن را نفروشد، و اگر آن را برای استفاده خود نگهدارد، به اندازه پول آن به فقرا دهد.

نیابت در قربانی

مسأله ۱۰۶۴. هرگاه سازمانهای مسؤول پول قربانی را بگیرند، و با برنامه‌ریزی مورد اطمینانی قربانی حجاج را انجام دهند مانعی ندارد، ولی باید تقصیر و خارج شدن از احرام بعد از اطمینان به انجام قربانی صورت گیرد.

مسأله ۱۰۶۵. قربانی را می‌توان شخصاً ذبح نمود، یا به دیگری نیابت داد، و در هر صورت نیت را خود حاجی می‌کند، و لازم نیست نایب دقیقاً شناخته شده باشد؛ بلکه شناخت اجمالی او کافی است، و نیز لازم نیست ذبح کننده شیعه اثناعشری باشد، بلکه تمام کسانی که ذبیحه آنها پاک و حلال است می‌توانند ذبح کنند؛ هر چند شیعه بودن بهتر است.

مسأله ۱۰۶۶. لازم نیست وکیل نام کسی را که برای او قربانی می‌کند بر زبان جاری سازد (هر چند نام بردن بهتر است)؛ حتی اگر از روی اشتباه نام شخص دیگری را ببرد ضرر ندارد، و برای موکل اصلی، که پول داده، واقع می‌شود.

مسأله ۱۰۶۷. اگر شخصی را مأمور خریداری حیوان قربانی و ذبح آن کند، و نایب مأموریتش را انجام دهد، و پس از آن حاجی احتمال دهد که نایب به شرایط درست عمل نکرده، آن ذبح کافی است و نباید به این احتمال توجهی کند.

مسأله ۱۰۶۸. کسی که به دیگری وکالت می‌دهد تا قربانی را بخرد و ذبح کند، باید علم یا اطمینان پیدا کند که نایب آن کار را انجام داده، و گمان کفایت نمی‌کند.

مسأله ۱۰۶۹. نایب در مسائل قربانی و مانند آن، باید مطابق فتوای مرجع خودش عمل کند، نه منوب‌عنه.

مسأله ۱۰۷۰. اگر نایب بر اثر اشتباه، یا جهل به مسائل شرعی، برخلاف دستور شرع عمل کرد، اگر مقصر باشد ضامن است، و در هر صورت باید دوباره قربانی انجام گیرد.

مسأله ۱۰۷۱. شخصی که حجّ نیابتی بجا می‌آورد، می‌تواند شخص ثالثی را برای قربانی وکیل کند، و نیت قربانی را نایب اصلی می‌کند.

مسأله ۱۰۷۲. کسانی که از طرف دیگران و به نیابت از آنان قربانی می‌کنند، باید قبل از حلق یا تقصیر کسی که آنها را نایب کرده قربانی را ذبح کنند.

بدل قربانی

مسأله ۱۰۷۳. اگر حاجی قدرت بر ذبح نداشته باشد، یعنی نه حیوانی برای قربانی دارد و نه پول آن را، چنین شخصی باید سه روز در سفر حج، و هفت روز پس از بازگشت (مجموعاً ده روز) روزه بگیرد.

مسأله ۱۰۷۴. حاجی اگر بتواند بدون زحمت و مشقت قرض کند، و مالی داشته باشد که بتواند قرض خود را ادا نماید، باید قرض کند و قربانی نماید.

مسأله ۱۰۷۵. اگر بتواند بدون مشقت چیزی که اضافه بر لوازم مورد نیاز سفر است بفروشد، باید آن را فروخته، و با پولش قربانی تهیّه نموده، و آن را ذبح کند.

مسأله ۱۰۷۶. آن سه روز را که در سفر حج بجای قربانی روزه می‌گیرد، باید در ماه ذی الحجه باشد، و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم این ماه باشد، و جلوتر نباشد، و باید آن سه روز پشت سر هم باشد.

مسأله ۱۰۷۷. اگر به عللی نتوانست روز هفتم ذی الحجه روزه بگیرد، روز هشتم و نهم را روزه می‌گیرد، و یک روز دیگر را پس از مراجعت از منی در مکه می‌گیرد.

مسأله ۱۰۷۸. جایز نیست سه روز روزه مذکور را در ایّام تشریق در منی بگیرد. روزه در ایّام تشریق در منی برای همه حرام است، بنابر احتیاط واجب؛ چه حج بجا بیاورد یا نیاورد.

مسأله ۱۰۷۹. اگر روز هشتم را هم روز نگرفت، روز نهم ذی الحجه را نگیرد، بلکه پس از بازگشت از منی سه روز پی در پی روزه بگیرد.

مسأله ۱۰۸۰. حاجی می‌تواند سه روز روزه مذکور را در سفر بگیرد، و لازم نیست در مکه قصد اقامت ده روز کند؛ بلکه اگر برای ماندن در مکه سه روز هم مهلت ندارد، می‌تواند باقیمانده آن را در بین راه بگیرد.

مسأله ۱۰۸۱. هرگاه پس از بجا آوردن سه روز روزه، قادر بر ذبح قربانی شد، احتیاط واجب آن است که ذبح کند؛ و اگر قبل از تمام شدن سه روز قدرت بر ذبح پیدا کرد، باید ذبح نماید.

مسأله ۱۰۸۲. اگر سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجه تمام شد، باید خودش، یا نایبش، در ماه ذی الحجه سال آینده در منی قربانی کند.

مسأله ۱۰۸۳. هفت روز دیگر را باید پس از بازگشت از سفر حج روزه بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که پی در پی بجا آورد.

مسأله ۱۰۸۴. جایز نیست هفت روز مذکور را در مکه یا در بین راه روزه بگیرد؛ مگر این که قصد اقامت در مکه را داشته باشد. در این صورت، اگر مدتی صبر کند که در آن مدت می‌توانست به وطنش بازگردد، پس از آن می‌تواند روزه‌ها را شروع کند.

مسأله ۱۰۸۵. هرگاه در غیر مکه اقامت کند، چه در بین راه باشد یا شهر دیگر مثلاً جدّه، نمی‌تواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد؛ هر چند به مقداری صبر کند که اگر به سمت وطنش حرکت می‌کرد به وطن می‌رسید.

مسأله ۱۰۸۶. اگر قدرت بر روزه گرفتن پیدا کرد و قبل از انجام روزه‌ها فوت نمود، بر ولی او واجب است سه روز را قضا کند، و احتیاط واجب آن است که هفت روز را نیز قضا نماید.

مسأله ۱۰۸۷. لازم نیست پس از بازگشت به وطن، حتماً در محل زندگی روزه بگیرد، بلکه اگر در جای دیگری نیز قصد اقامت کند می‌تواند روزه بگیرد.

مسأله ۱۰۸۸. اگر نتوانست سه روز روزه در مکه را، در آنجا بجا آورد و به وطن بازگشت، در صورتی که ماه ذی الحجه باقی است می‌تواند در وطن روزه بگیرد، ولی با هفت روز روزه فاصله دهد.

استفتائات قربانی

سؤال ۱۰۸۹. اگر شخصی قربانی را بدون عذر از روز عید تأخیر بیندازد، چه حکمی دارد؟

جواب: تأخیر تا روز سیزدهم جایز است؛ ولی ذبح در شب اشکال دارد.

سؤال ۱۰۹۰. حجاج محترمی که قربانی را در وطن انجام می دهند (بنابر فتوای حضرتعالی که در شرایط فعلی مخیر هستند) آیا روز عید قربان ایران را ملاک قرار دهند، یا عید قربان مکه را؟

جواب: معیار روز عید قربان مکه است؛ ولی اگر ممکن است طوری هماهنگ کنند که قربانی بعد از رمی جمره عقبه، و قبل از حلق باشد.

سؤال ۱۰۹۱. آیا حکم گوسفندی که تخمهای آن را کوبیده اند، با گوسفندی که تخمهایش را تاییده اند یکی است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که تاییده نباشد.

سؤال ۱۰۹۲. در صورت عدم دسترسی به گوسفند سالم، آیا می توان گوسفندی را که تخمهایش را کوبیده اند ذبح کرد؟

جواب: در هر صورت کفایت می کند؛ چه دسترسی به گوسفند سالم داشته باشد، یا نه.

سؤال ۱۰۹۳. آیا تحقیق برای اطمینان از وجود شرایط در قربانی لازم

است؟

جواب: در صفات پنهانی حیوان می‌توان به قول فروشنده ظاهرالصلاح قناعت کرد، و شیعه بودن او شرط نیست کافی است مسلمان باشد.

سؤال ۱۰۹۴. اگر حاجی پس از ذبح و انجام بقیّه اعمال حج، یا قبل از آن،

متوجه شود سنّ قربانی کمتر از مقدار لازم بوده، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که قربانی دیگری کند.

سؤال ۱۰۹۵. ذبح با کاردهای استیل، که معلوم نیست از آهن است یا

فلزات دیگر، چه حکمی دارد؟

جواب: ذبح در حج و غیر حج با هر فلز برنده‌ای صحیح است.

سؤال ۱۰۹۶. در چه صورتی حاجی موظّف است در وطنش قربانی کند؟

جواب: هرگاه گوشت‌های قربانی را نتوانند جمع کنند و ناچار به دفن

کردن یا سوزاندن آنها شوند (همان گونه که در سابق معمول بود) قربانی

کردن در منی جایز نیست و باید در جایی دیگر مانند وطنشان قربانی

کنند که گوشت آن مصرف شود، یعنی پول قربانی را کنار بگذارند و بعد

از بازگشت در ماه ذی‌الحجه قربانی کنند و یا با کسان خود در وطن

هماهنگ کنند که در همان روز عید مکه قبل از تقصیر برای آنان قربانی

کنند. و اگر گوشت‌های قربانی را جمع می‌کنند و به مراکزی برای مصرف

کردن می‌فرستند (آنگونه که در سالهای اخیر معمول شده)، حجاج

مخیرند بین این که قربانی را در همان جا ذبح کنند و یا در محل خود،

زیرا تمام قربانگاه‌های فعلی خارج از منی است.

سؤال ۱۰۹۷. هرگاه در منی فقیر یافت نشود و گوشت قربانی تلف شود، آیا لازم است قبل از سفر از یک فقیر وکالت بگیریم که بعد از ذبح سهمی برای او در نظر بگیریم، سپس آن را در همان جا رها کنیم؟

جواب: در این صورت - که گوشت‌ها تلف می‌شود - قربانی کردن در آنجا، چه با اخذ وکالت از فقیر و چه بدون آن، جایز نیست، و باید به روشی که در مسأله قبل گفته شد عمل گردد.

سؤال ۱۰۹۸. هرگاه پس از بریدن رگهای چهارگانه، و در حالی که حیوان هنوز زنده است، گردن او را قطع کنیم، چه صورتی دارد؟

جواب: این کار حرام نیست؛ ولی بهتر است بگذارید روح از بدن حیوان برود، بعد سر او را جدا کنید.

سؤال ۱۰۹۹. هرگاه پس از قطع رگهای چهارگانه حیوان را رها کنند، و خود به خود پشت به قبله شود و جان دهد، یا بعد از قطع رگهایی مذکور و قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیه اجساد حیوانات ذبح شده رها کنند، و در اثر این کار حیوان از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، حکمش چیست؟

جواب: رو به قبله بودن در حال قطع رگهای چهارگانه کافی است، و پس از آن لازم نیست.

سؤال ۱۱۰۰. شخصی با این عقیده که: «گوشت قربانی تلف می‌شود، و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد» قربانی را ترک نموده، سپس تقصیر کرده، و به دنبال آن بقیه اعمال حج را انجام داده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: حجّ او صحیح است؛ ولی اگر قربانی در منی از بین می‌رود و قابل استفاده نیست، باید پول آن را کنار بگذارد و در ماه ذی‌الحجه همان سال، و اگر نتوانست در سال بعد در ایّام تشریق (دهم و یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه) در شهر خودش قربانی کند.

سؤال ۱۱۰۱. در صورتی که گوشتهای قربانی در قربانگاهها نابود شود، و به مصرف فقرا و نیازمندان نرسد، آیا حاجی می‌تواند از قربانی صرفنظر نموده، پول آن را به اماکن خیریه بپردازد؟

جواب: باید از قربانی در منی صرف نظر کند؛ ولی صرف پول قربانی در جای دیگر کافی نیست؛ بلکه لازم است در محلّ دیگری، مانند شهر خودش، در ذی الحجّه قربانی کرده و به مصرف برساند.

سؤال ۱۱۰۲. هرگاه شخصی به قصد ما فی الذمه در ماه ذی الحجّه در وطن خود قربانی کند، آیا پوست و روده آن باید به طور کامل به فقیر داده شود، یا ممکن است بر اساس تقسیم و مصرف گوشت قربانی، بین فقرا و دوستان و خودش تقسیم کند؟ و چنانچه بر خلاف دستور شرع عمل کرده، و اکنون بخواهد پول آن را به مصرف شرعی‌اش برساند، آیا ملاک قیمت آن در روز ذبح قربانی است، یا زمان ادای دین؟

جواب: می‌تواند آن را به عنوان سهم خود بردارد، یا به دوستانش، یا به فقرا و نیازمندان بدهد، ولی دادن آن به قصاب - به عنوان اجرت کاری که انجام داده - اشکال دارد، و احتیاط مستحب آن است که اگر خودش از آن استفاده کرده، قیمت آن را صدقه بدهد، و ملاک قیمت روز ذبح قربانی است.

سؤال ۱۱۰۳. طبق فتوای حضرتعالی قربانی را در وطن انجام دادم و قصاب کله و پاچه و پوست آن را به عنوان اجرت خود برداشت. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که معادل قیمت پوست آن را به فقیری صدقه دهید.

سؤال ۱۱۰۴. طبق فتوای حضرت عالی مقلدین پس از رمی جمرات می‌توانند در منی قربانی نکنند، و آن را پس از بازگشت به وطنشان بجا آورند، آیا چنین اشخاصی می‌توانند در همان روز عید حلق یا تقصیر نموده، و از احرام خارج شوند؟

جواب: آری پول قربانی را در آنجا، یا در محلّ خود کنار می‌گذارند، و حلق یا تقصیر می‌کنند، و از احرام بیرون می‌آیند.

سؤال ۱۱۰۵. شخصی که معذور از رمی جمره عقبه بوده به کسی نیابت داده، سپس به اعتماد نایبش ذبح کرده، و پس از آن تقصیر نموده است. سپس معلوم شده که نایب رمی نکرده است. آیا قربانی و تقصیر او صحیح است؟

جواب: آری صحیح است.

سؤال ۱۱۰۶. گاه لباس احرام به هنگام ذبح قربانی آلوده به خون می‌شود، آیا می‌توانیم تا هنگامی که به نیابت از دیگران ذبح می‌کنیم در این لباس نجس بمانیم؟

جواب: در صورت امکان باید لباس احرامتان را تطهیر کنید، و اگر مشکل است به بعد موکول می‌کنید.

سؤال ۱۱۰۷. روحانی کاروان، که به مقتضای وظیفه‌اش باید بر اعمال حجّاج نظارت داشته باشد، می‌داند که احرامی او در روز عید در قربانگاه آلوده به خون خواهد شد، و باید چند ساعتی در احرامی نجس باشد، تکلیفش چیست؟ آیا با علم به این مطلب می‌تواند حجّ نیابتی به جا آورد؟

جواب: اگر قادر بر تطهیر یا تعویض آن نباشد اشکال ندارد، و نیابتش صحیح است.

سؤال ۱۱۰۸. شخصی بدون آن که صریحاً وکالت بگیرد از سوی همسر یا دوستش قربانی می‌کند، ولی مطمئن است که اگر به آنها بگوید راضی هستند، و خوشحال می‌شوند. آیا این مقدار اذن فحوی کافی است؟
جواب: کافی نیست؛ مگر این که او را وکیل کرده باشند.

سؤال ۱۱۰۹. بعضی از حجّاج محترم بدون اخذ وکالت از دوستانشان، برای آنها قربانی می‌کنند. آیا این قربانی کافی است؟ اگر کافی نیست، پول قربانی بر عهده کیست؟

جواب: کفایت نمی‌کند، و پول بر عهده کسی است که آن را هزینه کرده است؛ مگر این که کسی او را فریب داده باشد که از فریب دهنده می‌گیرد.

سؤال ۱۱۱۰. نایب به تعداد افرادی که به او نیابت داده‌اند از صاحب گوسفند، بعد از توافق بر قیمت، گوسفند می‌گیرد، سپس یکی یکی گوسفندان را به نیت افرادی که وکالت داده‌اند سر می‌برد، پس از آن پول گوسفندان را به صاحبش می‌پردازد، آیا قربانی آنها صحیح است؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۱۱. معمولاً در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف تمامی اعضا کاروان نایب می‌شوند و به قربانگاه می‌روند. اگر نایب شک کند برای فلان شخص قربانی کرده یا نه، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: باید قربانی کند.

سؤال ۱۱۱۲. هرگاه شخصی بر اثر عذری نتواند خودش قربانی کند، و دیگری را مأمور این کار نماید و نایب فراموش کند و در مدینه یا ایران یادش بیاید که قربانی نکرده، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: حجّ او اشکالی ندارد، ولی قربانی بر ذمه‌اش می‌ماند. اگر ماه

ذی الحجّه تمام نشده، در وطنش قربانی می‌کند. در غیر این صورت، در سال آینده در ماه ذی الحجّه قربانی می‌نماید.

سؤال ۱۱۱۳. شخصی ده رأس گوسفند برای خود و نه نفر دیگر خریده و قربانی کرده است. پس از انجام کار، یقین می‌کند که فقط پول نه گوسفند را پرداخته، وظیفه‌اش نسبت به پول گوسفند دیگر چیست؟ اگر صاحب گوسفند را نیابد چه کند؟ و معیار در پرداخت قیمت آن گوسفند در ایران، ارز کدام کشور است؟

جواب: هرگاه امیدی به یافتن صاحبش نداشته باشد، پول آن را از طرف صاحب اصلی به فقیری صدقه می‌دهد، و معیار ریال عربستان، و قیمت ارز آزاد است.

سؤال ۱۱۱۴. آیا نایب می‌تواند قبل از ذبح قربانی خود، برای دیگران ذبح کند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۱۵. شخصی آقای زید را وکیل کرد که از طرف او قربانی کند، سپس به دیگری نیابت داد که این کار را انجام دهد؛ ولی وکیل اول قربانی را ذبح کرد. چه حکمی دارد؟

جواب: اگر اولی را از وکالت عزل نکرده، قربانی مذکور کفایت می‌کند، و مجرد نیابت دادن به شخص دوم، عزل اولی از نیابت نیست.

سؤال ۱۱۱۶. آیا وکیل حق دارد دیگری را وکیل در ذبح قربانی کند؟

جواب: اگر شرط کرده که خودش قربانی کند، نمی‌تواند به دیگری وکالت دهد.

سؤال ۱۱۱۷. جمعی از حجاج پول روی هم می‌گذارند، و شخصی با پول

مشترک برای همه آنها گوسفند می‌خرد، و به نیت هر کدام گوسفندی می‌کشد. آیا چنین قربانی صحیح است؟ در صورتی که گوسفندان از جهت قیمت متفاوت باشند، با توجه به این که سهم پول همه آنها مساوی بوده، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر همه صاحبان پول راضی باشند اشکال ندارد.

سؤال ۱۱۱۸. کسی که حج نیایی انجام می‌دهد اگر در قربانی، شخص دیگری را وکیل کند، قربانی کننده، که نایب نایب است، چگونه نیت نماید؟ آیا باید نیت کند که به وکالت از سوی میت قربانی می‌کنم، یا به وکالت از سوی نایب میت؟ و در هر صورت، آیا ذکر نام میت هم لازم است؟

جواب: بردن نام میت لازم نیست، بلکه کافی است نیت کند که آنچه را بر عهده نایب است انجام می‌دهد.

سؤال ۱۱۱۹. کیف پول یکی از حجاج در مکه به سرقت رفت. پس از شکایت و پیگیری سارق را یافتند، و پول او را از سارق گرفتند. آیا این شخص می‌تواند با آن پول گوسفندی بخرد و قربانی کند؟

جواب: اگر می‌داند که پول خود اوست اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت اشکال دارد.

سؤال ۱۱۲۰. عده‌ای از حجاج پس از توافق با صاحب گوسفند بر سر قیمت، تعداد گوسفندان مورد نظر را جدا نموده تا ذبح کنند. در این بین عده‌ای از دوستانشان از راه می‌رسند، و بدون توافق با صاحب گوسفند به تعداد آنها هم گوسفند جدا کرده، و تمام آنها را ذبح می‌نمایند. با این نیت که پس از قربانی طبق توافق قبلی، آنها هم همان قیمت را بپردازند، آیا قربانی آنها درست است؟

جواب: هرگاه صاحب گوسفندان آنها را در اختیارشان قرار داده، که هر مقدار بخواهند بردارند سپس پول آن را بدهند، مانعی ندارد.
سؤال ۱۱۲۱. اگر قربانی از پولی باشد که خمس به آن تعلق گرفته، چه صورت دارد؟

جواب: لازم است به آن قناعت نکند.

۶. تفصیر

مسأله ۱۱۲۲. واجب است حجّاج بعد از قربانی مقداری از موی سر خود را کوتاه کرده، یا تمام آن را بتراشند، و با این عمل از احرام بیرون می‌آیند، یعنی پوشیدن لباس دوخته و سایر محرّمات احرام بر آنها مباح می‌شود؛ به استثنای بوی خوش و مسائل جنسی که در اعمال بعد (چنان که خواهد آمد) بر آنها حلال می‌شود.

مسأله ۱۱۲۳. کسی که برای تفصیر، تراشیدن سر را انتخاب می‌کند، احتیاط آن است که تمام سر را بتراشد و به قسمتی از آن قناعت نکند.

مسأله ۱۱۲۴. کوتاه کردن مقدار کمی از موی سر، یا ریش، یا سبیل، با هر وسیله‌ای کافی است (البته غیر از کندن موها)، ولی گرفتن ناخن به تنهایی کفایت نمی‌کند (بنابر احتیاط واجب).

مسأله ۱۱۲۵. برای کسانی که دفعه اول حجّ آنهاست، احتیاط مستحب تراشیدن است، و برای دفعات بعد در میان این دو کار مخیر هستند.

مسأله ۱۱۲۶. تراشیدن موی سر مخصوص مردان است، و در مورد زنان تراشیدن موی سر جایز نیست، و تنها کوتاه کردن مقداری از آن واجب است.

مسأله ۱۱۲۷. از آنجا که تقصیر از عبادات محسوب می‌شود، باید با نیت قربت و صرفاً برای اطاعت خداوند و خالی از ریا باشد، در غیر این صورت باطل است، و آنچه در مسأله اول این فصل گفته شد بر او حلال نمی‌گردد.

مسأله ۱۱۲۸. حاجی مخیر است که برای تقصیر موی سر را کوتاه کند یا موی صورت را؛ و اگر در سر و صورت هیچ مویی ندارد آهسته تیغ را به سر می‌کشد، و مقداری از ناخن را می‌گیرد، و اگر ناخن هم نداشت، کافی است تیغ را آهسته به سر بکشد و این حکم در مورد عمره تمتع و عمره مفرده نیز جاری است.

مسأله ۱۱۲۹. تراشیدن ریش کفایت از تقصیر نمی‌کند.

مسأله ۱۱۳۰. اکتفا کردن به تقصیر موی زیر بغل، یا سایر موهای بدن اشکال دارد.

مسأله ۱۱۳۱. محلّ تقصیر و تراشیدن سر «منی» است، و در حال اختیار جایز نیست در جای دیگر این کار را انجام دهد.

مسأله ۱۱۳۲. احتیاط آن است که تقصیر را در روز عید قربان بجا آورد؛ هر چند تأخیر آن تا آخر ایام تشریق جایز است، ولی احتیاط واجب آن است که در شب این کار انجام نشود.

مسأله ۱۱۳۳. واجب است وظایف سه گانه منی را از روی ترتیب انجام دهد؛ اول: رمی جمره عقبه، دوم: قربانی، سوم: تراشیدن سر، یا کوتاه کردن مقداری از موی آن و ناخن گرفتن، و هرگاه از روی نادانی، یا فراموشکاری بر خلاف این ترتیب انجام دهد، عمل او صحیح است. حتی اگر عمداً ترتیب را رعایت نکند گناه کرده، اما اعمال او صحیح است و کفاره ندارد.

مسأله ۱۱۳۴. واجب است تراشیدن یا کوتاه کردن مو قبل از طواف حج

بوده باشد، و اگر طواف را عمداً قبل از تقصیر انجام دهد باید بعد از تقصیر آن را اعاده کند، و یک گوسفند نیز کفّاره بدهد؛ اما اگر از روی فراموشی یا نادانی آن را مقدّم داشته، کفّاره ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که آن را بعد از تقصیر اعاده کند. و اگر سعی را نیز مقدّم بدارد باید مانند طواف آن را اعاده کند، ولی کفّاره ندارد.

مسأله ۱۱۳۵. اگر قربانی به دلیلی از روز عید تأخیر بیفتد، بنابر احتیاط نمی‌تواند تقصیر کند و از احرام خارج شود و پس از آن قربانی نماید، بلکه باید ترتیب بین قربانی و تقصیر و اعمال پس از آن را مراعات کند، اگر این حکم را رعایت نکند، عمل او باطل نیست، ولی گناه کرده است.

مسأله ۱۱۳۶. اگر برای قربانی نایب بگیرد، تا نایب قربانی نکرده نمی‌تواند تقصیر کند، ولی چنانچه به اعتقاد این که وکیلش قربانی کرده تقصیر کند، و بعد معلوم شود که وکیل هنوز قربانی نکرده، تقصیر مذکور کافی است، بلکه اگر پس از تقصیر، اعمال مکّه را به گمان قربانی کردن نایب انجام داده باشد کفایت می‌کند، و اعاده لازم نیست.

مسأله ۱۱۳۷. واجب است تراشیدن، یا کوتاه کردن مو، در منی باشد، و کسی که از روی عمد، یا نادانی و فراموشی در منی تقصیر نکند واجب است به منی بازگردد، و این وظیفه را انجام دهد، و اگر نمی‌تواند برگردد، یا مشقّت شدید دارد، هر جا که هست انجام دهد؛ ولی احتیاط واجب آن است که در صورت امکان، موی خود را به منی بفرستد، و مستحب است در آنجا دفن کند.

مسأله ۱۱۳۸. کسی که می‌داند اگر سرش را بتراشد زخمی می‌شود (و زخمی کردن بدن در حال احرام خلاف احتیاط است) احتیاط آن است که اوّل مقداری از آن را کوتاه کند، سپس سرش را بتراشد.

مسألة ۱۱۳۹. لازم نیست انسان خودش موی سر خود را کوتاه کند، بلکه اگر از دیگری هم که از احرام درآمده بخواهد این کار را برای او انجام بدهد کافی است؛ خواه شیعه باشد یا از اهل سنت، و در هر حال خودش باید نیت کند که مثلاً برای حجة الاسلام تقصیر می‌کنم قربة الی الله.

مسألة ۱۱۴۰. محرمی که قصد دارد سر دیگری را بتراشد یا کوتاه کند، باید اول خودش تقصیر کند و از احرام خارج شود.

استفتائات تقصیر

سؤال ۱۱۴۱. کسی که در خارج از منی تقصیر نموده، و اعمال پس از تقصیر را نیز بجا آورده، و پس از اتمام اعمال حج، عمره مفرده‌ای هم انجام داده، آیا از احرام خارج شده و عمره مفرده‌اش صحیح است؟

جواب: در صورتی که عمداً در خارج از منی تقصیر کرده، از احرام خارج نشده و عمره‌اش صحیح نیست، ولی در صورت جهل یا نسیان عمل او صحیح است، و اگر می‌تواند، باید به منی برگردد و سر خود را کوتاه کند.

سؤال ۱۱۴۲. قربانگاههای جدید خارج از منی است. هرگاه عده‌ای پس از قربانی در همانجا تقصیر کرده باشند، وظیفه آنها چیست؟

جواب: باید به منی بازگردند و تقصیر کنند.

سؤال ۱۱۴۳. در فرض سؤال قبل، کسانی که پس از حلق یا تقصیر در خارج از منی، به مکه آمده و اعمال مکه را انجام داده، سپس متوجه اشتباه خود شده‌اند، آیا اعمال آنان صحیح است؟

جواب: در فرض مزبور اعمال آنان صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که آن اعمال را نیز اعاده کنند.

سؤال ۱۱۴۴. شخصی در سفر حج سال گذشته و امسال، تقصیر را در خارج از منی انجام داده است. وظیفه‌اش چیست؟
جواب: کافی است آن را در منی دوباره بجا آورد، و یک تقصیر کفایت می‌کند.

سؤال ۱۱۴۵. شخصی که برای اولین بار و به عنوان نیابت به حج مشرف شده، به تصوّر این که مرز بین وادی محسّر و منی جزء منی است، در آنجا تقصیر کرده، و سال بعد برای انجام حَجَّة الاسلام خودش مشرف گردیده، و در منی تقصیر کرده است، آیا کفایت می‌کند؟
جواب: کفایت می‌کند، و حجّ نیابتی صحیح می‌شود.

سؤال ۱۱۴۶. شخصی که قادر بر درک غیر از وقوفین اضطراری نیست، و برای بقیّه اعمال خود نایب می‌گیرد، آیا می‌تواند تقصیر را در خارج منی انجام دهد؟

جواب: تقصیر در غیر منی کافی نیست، و باید در منی انجام دهد؛ مگر آن که نتواند به منی برود.

سؤال ۱۱۴۷. شخصی سال گذشته قربانی و تقصیر را در خارج از منی انجام داده، و به ایران بازگشته است. امسال نیز قصد حج دارد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: تقصیر را در منی اعاده می‌کند، اما اعاده اعمال مترتبه لازم نمی‌باشد.

سؤال ۱۱۴۸. شخصی در سفر اوّل حج، هنگامی که سلمانی مشغول تراشیدن سر او به عنوان حلق بوده، ناخنهای خود را می‌گرفته است، آیا کفاره‌ای بر او واجب است؟
جواب: چیزی بر او نیست.

سؤال ۱۱۴۹. کسی که سال قبل اولین سفر حجّ او بوده، و حجّة الاسلام را انجام داده، و امسال اولین سفر حج نیابتی اوست، آیا در سفر دوم - که سفر اول حجّ نیابتی اوست - حکم صرورة را دارد که باید تمام سر را بتراشد، یا تقصیر کافی است؟

جواب: تراشیدن تمام سر برای هیچ کس واجب نیست، بلکه برای صرورة مستحب مؤکّد است.

سؤال ۱۱۵۰. کودک نابالغی که خوب و بد را از هم تشخیص می دهد (و ممیّز است) تمام اعمال حج را به طرز صحیح انجام داده است. آیا از صرورة بودن خارج می گردد؟ و اگر بعد از بلوغ مشرف شود سفر دوم او حساب می شود؟

جواب: آری از صرورة بودن خارج می گردد، ولی چنان که گفتیم حلق برای صرورة نیز واجب نیست.

سؤال ۱۱۵۱. اگر کسی عمداً قربانی را تأخیر بیندازد، آیا می تواند حلق یا تقصیر کند، یا حتماً باید بعد از قربانی باشد؟

جواب: باید بعد از قربانی انجام دهد، ولی اگر مقدّم دارد گناه کرده، اما ضرری به حجّ او نمی زند.

سؤال ۱۱۵۲. شخصی در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد، و چون برای خرید قربانی پول نداشت، آن را به روزه تبدیل کرد. آیا بر چنین شخصی لازم است تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد، یا می تواند همانند سایر حجّاج، که قربانی کرده اند، روز عید حلق یا تقصیر کند؟

جواب: می تواند روز عید حلق یا تقصیر کند.

سؤال ۱۱۵۳. در موردی که حاجی می خواهد احتیاط کند و سر بتراشد، اگر به جای آن موهای خود را کوتاه کند، وظیفه اش چیست؟

جواب: همان گونه که گذشت تراشیدن واجب نیست، و کوتاه کردن کفایت می‌کند. ولی اگر می‌خواهد احتیاط کند باید سر را بتراشد.

سؤال ۱۱۵۴. عصر روز عید قربان بعد از ذبح قربانی، که سایر حجّاج مشغول تراشیدن سر بودند، من هم با این فکر «که باید سر را تراشید» سر خود را تراشیدم، ولی نگفتم: «سرم را می‌تراشم برای حج تمتع». اکنون وظیفه‌ام چیست؟

جواب: با توجه به این که این عمل را به منظور حجّ تمتع بجا آورده‌اید، کافی و صحیح است؛ هر چند نیت را به زبان نیاورده‌اید.

سؤال ۱۱۵۵. آیا جایز است مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد، و بقیه را ماشین کند؟ البته پس از ماشین کردن، دوباره آن قسمت را تیغ می‌کشد. آیا به این ترتیب حلق صدق می‌کند؟

جواب: این گونه افراد بهتر است اول تمام سر خود را ماشین کنند و بعد چنانچه مایل به احتیاط باشند تمام سر را حلق کنند.

سؤال ۱۱۵۶. تخییر بین حلق و تقصیر ابتدایی است، یا استمراری؟ به عبارت دیگر، اگر شخص حلق را انتخاب کرد و قسمتی از سرش را تراشید و سپس پشیمان شد، آیا می‌تواند آن را رها کند، و با کوتاه کردن کمی از موی سر از احرام خارج شود؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۵۷. شخصی پس از قربانی قدری از ناخن خود را گرفته، و از احرام خارج شده، و اعمال مکّه را انجام داده است. سپس متوجه می‌شود که برای تقصیر، گرفتن ناخن به تنهایی کافی نبوده، و باید مقداری از موی سر خود را نیز کوتاه می‌کرده، وظیفه او چیست؟ آیا اعمال مکّه او صحیح است؟

جواب: چنانچه در مکه متوجه این مطلب شود، تقصیر را به طور کامل انجام می‌دهد و اگر بعد از خروج از مکه متوجه این مطلب شد و امکان بازگشت ندارد، همان‌جا تقصیر می‌کند و حجّش صحیح است، و اگر بتواند موی خود را به منی می‌فرستد تا در آنجا دفن کنند.

۷ تا ۱۱. واجبات پنج‌گانهٔ مکه (بعد از منی)

مسألهٔ ۱۱۵۸. بعد از انجام اعمال سه‌گانهٔ «منی» واجب است برای انجام باقی ماندهٔ اعمال حج به مکه بازگردد، و اعمال مکه را، که پنج چیز است، انجام دهد، و آنها عبارتند از:

۱. «طواف حج» که آن را «طواف زیارت» نیز می‌نامند.

۲. «نماز طواف حج».

۳. «سعی بین صفا و مروه».

۴. «طواف نساء».

۵. «نماز طواف نساء».

این پنج واجب را به همان کیفیت که در عمرهٔ تمتع بیان کردیم بدون هیچ تفاوت بجا می‌آورد، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و نماز و سعی آن باشد، سپس به نیت طواف نساء و نماز آن.

مسألهٔ ۱۱۵۹. حاجی می‌تواند بعد از اعمال منی بلافاصله در همان روز عید قربان به مکه برود، و اعمال بالا را انجام دهد، و بهتر است که از روز یازدهم تأخیر نیندازد، و اگر تأخیر انداخت از روز سیزدهم نگذرد، ولی تا آخر

ماه ذی الحجه نیز می‌تواند این اعمال را انجام دهد؛ هر چند احتیاط مستحب عدم تأخیر از روز سیزدهم است.

مسأله ۱۱۶۰. اعمال مکه را باید بعد از اعمال منی (رمی جمره عقبه، قربانی و تقصیر) بجا آورد؛ ولی چند گروه می‌توانند قبل از رفتن به عرفات آنها را بجا آورند:

۱. زنهایی که ترس دارند هنگام بازگشت از منی گرفتار عادت ماهانه، یا وضع حمل گردند، و نتوانند در مکه بمانند تا پاک شوند و اعمال خود را بجا آورند.

۲. بیمارانی که نتوانند در ازدحام جمعیت طواف و سعی را بجا آورند.

۳. پیرمردان یا پیرزنانی که از انجام این اعمال هنگام بازگشت از منی به خاطر زیادی جمعیت عاجز باشند، یا خوف خطر یا ضرر داشته باشند.

۴. تمام کسانی که می‌دانند بعد از مراجعت به علتی قادر به انجام این اعمال نیستند، و یا فوق العاده به زحمت می‌افتند (و فرقی میان طواف نساء و طواف حج در این مسأله نیست).

مسأله ۱۱۶۱. در مواردی که این اعمال را مقدم می‌دارد احتیاط واجب آن است که محرم به احرام حج شود، سپس آنها را انجام دهد.

مسأله ۱۱۶۲. اگر بیمار بعد از بازگشت از «منی» بهبودی یابد، یا زن پاک باشد، و توانایی بر طواف و سعی پیدا کند، احتیاط واجب آن است که اعاده نماید (هر چند قبل از رفتن به عرفات آن را انجام داده باشد).

طواف نساء

مسأله ۱۱۶۳. طواف نساء بر مرد و زن، پیر و جوان، متأهل و مجرد،

و حتی کودکان ممیّز و خنثی واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی‌شود، بلکه احتیاط واجب آن است که اگر کودک غیر ممیّز را به حج آورده، و محرم کرده‌اند، ولی او همراه او طواف نساء را بجا آورد.

مسأله ۱۱۶۴. اگر «طواف نساء» را ترک کند، خواه از روی عمد باشد، یا جهالت، یا فراموشی، همسر بر او حرام است، تا بازگردد و طواف کند. و اگر بازگشت ممکن نیست، یا مشکل است، نایب بگیرد. و اگر از دنیا برود، ولی او قضای آن را به جا می‌آورد.

مسأله ۱۱۶۵. اگر شخصی، طواف نساءهای متعدّدی را ترک کرده باشد، یک طواف نساء برای همه آنها کافی است، و در این حکم (ترک طواف نساء) فرقی میان زن و مرد و کودک نیست؛ زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن همسر برای او حلال نمی‌شود.

مسأله ۱۱۶۶. در عمره حجّ تمتّع طواف نساء واجب نیست، ولی در حجّ تمتّع و عمره مفرده واجب است.

مسأله ۱۱۶۷. طواف نساء و نماز آن رکن نیست، و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌گردد، هر چند انجام آن در عمره مفرده و حجّ تمتّع واجب است، و اگر بجا نیاورد همسر بر او حلال نمی‌شود؛ بلکه به خواستگاری رفتن و شاهد عقد شدن نیز بنا بر احتیاط واجب بدون طواف نساء جایز نیست.

مسأله ۱۱۶۸. طواف نساء را نمی‌توان بلافاصله بعد از طواف حج و قبل از سعی بجا آورد؛ بلکه باید پس از اتمام سعی انجام شود؛ ولی اگر از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله، آن را قبل از سعی بجا آورد صحیح است. همچنین تقدیم سعی بر طواف زیارت (حج) و نماز آن در حال اختیار جایز نیست.

مسأله ۱۱۶۹. طواف نساء را در حال ضرورت، مثل ترس از حیض و عدم امکان اقامت در مکه تا زمان پاکی از آن، می‌توان قبل از سعی بجا آورد؛ ولی احتیاط واجب آن است که پس از آن هم نایی بگیرد که از طرف او انجام دهد.

مسأله ۱۱۷۰. هرگاه زنی که طواف حج و طواف نساء را بجا نیاورده، گرفتار عادت ماهانه شود، و پیش از پاک شدن ناچار به ترک مکه باشد (مثل این که کاروان مهلت نمی‌دهد تا پاک شود) لازم است برای طواف حج و نماز آن نایب بگیرد، سپس خودش سعی را بجا آورد، سپس برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد (همچنین کسان دیگری که به سبب بیماری یا عذر دیگر قادر به انجام طواف و سعی نباشند باید نایب بگیرند).

مسأله ۱۱۷۱. هرگاه طواف نساء را فراموش کند و از حج بازگردد، در صورت امکان باید خودش برگردد و بجا آورد، و چنانچه ممکن نباشد، یا مشقت داشته باشد نایب می‌گیرد، و پس از آن که نایب طواف نساء و نماز آن را انجام داد، مرد بر زن و زن بر مرد حلال می‌شود.

مسأله ۱۱۷۲. کسی که طواف واجب (اعم از طواف عمره، یا طواف حج، یا طواف نساء) را فراموش کند، و به وطن بازگردد، و با همسر خود نزدیکی نماید، هرگاه از روی فراموشی و جهل به مسأله باشد کفاره ندارد، ولی اگر مسأله را می‌دانسته و عمداً مرتکب آن شده باید کفاره بدهد، و کفاره آن در محرمات احرام گذشت. و مانند مسأله قبل عمل می‌نماید.

مسأله ۱۱۷۳. اگر بر اثر جهل به مسأله طواف را ترک کند، و به وطن خویش بازگردد، باید حج را اعاده نماید، و اگر طواف عمره بوده قربانی واجب نیست، ولی اگر طواف حج بوده احتیاط واجب آن است که قربانی کند.

مسأله ۱۱۷۴. با انجام اعمال سه گانه منی و اعمال پنج گانه مکه، آنچه در احرام برای حاجی حرام بود در سه مرحله حلال می شود:

۱. بعد از تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر، تمام محرمات احرام، جز بوی خوش و همسر، حلال می شود.

۲. پس از طواف زیارت و نماز طواف و سعی صفا و مروه، بوی خوش نیز حلال می شود.

۳. بعد از طواف نساء و نماز آن، همسر نیز بر او حلال می شود.

مسأله ۱۱۷۵. کسانی که به خاطر عذری (مانند پیری، ترس از عادت ماهانه، بیماری و مانند آن) طواف زیارت و نساء را قبل از وقوف به عرفات انجام داده اند، بوی خوش و همسر بر آنها حلال نمی شود، بلکه تمام محرمات احرام بعد از حلق یا تقصیر بر چنین افرادی حلال می گردد.

استفتائات اعمال بعد از منی

الف) مقدّم داشتن اعمال پنج گانه مکه

سؤال ۱۱۷۶. اگر نایب ترس از بیماری یا عادت ماهانه داشته باشد، آیا می‌تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدّم دارد؟
جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۷۷. اگر شخصی تنها نگرانی او این باشد که پس از بازگشت از منی، بر اثر ازدحام جمعیت نتواند طواف کند، آیا می‌تواند اعمال مکه را مقدّم دارد؟

جواب: احتیاط آن است که مقدّم بدارد، و بعداً اگر نتوانست برای طواف نایب بگیرد.

سؤال ۱۱۷۸. آیا شخصی که دیگری او را با وسیله‌ای طواف می‌دهد، می‌تواند اعمال مکه را مقدّم دارد؟

جواب: اگر عذر دیگری ندارد، و در هر صورت باید دیگری او را طواف دهد، نمی‌تواند اعمال مکه را مقدّم بدارد.

سؤال ۱۱۷۹. حجاج محترمی که به واسطه عذرهایی اعمال مکه را قبل از

اعمال منی انجام می‌دهند، آیا می‌توانند سعی را بعد از بازگشتن از منی و بقیه اعمال را قبل از آن بجا آورند؟

جواب: باید همه را قبلاً انجام دهند.

سؤال ۱۱۸۰. تقدیم اعمال مکه برای معذورین جایز است، یا لازم؟

جواب: احتیاط واجب آن است که ترک نکنند.

سؤال ۱۱۸۱. آیا کسانی که اعمال مکه را مقدم می‌دارند، باید نزدیکترین زمان به وقت وقوف به عرفه را انتخاب کنند، یعنی کمی قبل از حرکت به سوی عرفات، یا این کار لازم نیست؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۱۱۸۲. تشخیص عذر برای کسانی که اعمال مکه را مقدم می‌دارند، بر عهده چه کسی است؟

جواب: تشخیص با خود مکلف است.

سؤال ۱۱۸۳. کسی که اعمال مکه را قبل از وقوف به عرفات انجام می‌دهد، آیا می‌تواند طواف نساء را بعد از اعمال منی و بقیه را قبل از وقوف به عرفات انجام دهد؟

جواب: لازم است همه را با هم انجام دهد.

سؤال ۱۱۸۴. شخصی که مجاز است اعمال مکه را قبل از وقوف به عرفات انجام دهد، اگر بر اثر جهل بدون احرام آن اعمال را بجا آورده باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند، و باید یا قبل از وقوف به عرفات آنها را با احرام اعاده کند، یا بعد از وقوف و اعمال منی و خارج شدن از احرام آنها را بجا آورد.

ب) طواف نساء

سؤال ۱۱۸۵. آیا بر نایب لازم است علاوه بر طواف نساء که به نیت منوب عنه بجا می‌آورد، برای خود نیز طواف نساء انجام دهد؟
جواب: واجب نیست.

سؤال ۱۱۸۶. نیت نایب در طواف نساء چگونه است؟
جواب: احتیاط آن است که نیت ما فی الدمه کند؛ هر چند می‌تواند به نیت منوب عنه انجام دهد.

سؤال ۱۱۸۷. آیا می‌توان چند روز پس از سعی، طواف نساء را بجا آورد، یا باید بلافاصله پس از سعی انجام شود؟
جواب: تأخیر انداختن طواف نساء مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۸۸. شخصی پس از انجام فریضه حج ازدواج کرد، و خداوند به او فرزندی عنایت فرمود. پس از آن متوجه شد که در حج، طواف نساء را ترک کرده است. اکنون وظیفه‌اش چیست؟ همسر و فرزندانش چه حکمی دارند؟
جواب: در صورتی که جاهل به مسأله بوده، فرزندانش حلال زاده هستند، ولی باید طواف نساء را انجام دهد، و عقد ازدواجشان را دوباره بخوانند.

سؤال ۱۱۸۹. مردی به همسرش گفت: «وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجا آوری!» زن نیز به همین نیت طواف کرد. آیا کفایت می‌کند؟

جواب: چون منظورش انجام وظیفه مربوط به حج بوده، مانعی ندارد (هر چند چیزی به نام طواف رجال نداریم).

سؤال ۱۱۹۰. شخصی پس از بازگشت از مکه شک می‌کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر اجمالاً توجّه به وجوب طواف نساء داشته، می‌گوید انجام داده‌ام، و اگر از وجوب آن اطلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی‌تواند، نایب بگیرد.

سؤال ۱۱۹۱. آیا ترک طواف نساء از روی جهل به مسأله، همانند ترک طواف زیارت حجّ و عمره است، که باید حج را اعاده نموده، و شتر قربانی نماید؟

جواب: ترک طواف نساء حج را باطل نمی‌کند، و کفّاره هم ندارد؛ ولی تا زمانی که آن را بجا نیاورده همسر بر او حرام است، و بنا بر احتیاط واجب آمیزش با همسرش کفّاره دارد؛ امّا در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفّاره ندارد.

سؤال ۱۱۹۲. شخصی قبل از انجام طواف نساء با همسرش ملاعبه نموده، و از روی شهوت به او دست زده است. آیا کفّاره دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب کفّاره دارد؛ ولی در صورت فراموشی یا ندانستن مسأله کفّاره ندارد.

سؤال ۱۱۹۳. اگر نایب طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط همسر بر او حرام می‌شود، یا علاوه بر آن ذمه‌اش نیز مشغول است، که حتی اگر فوت کرده باشد باید از طرف او قضا کنند؟

جواب: ذمه او مشغول است؛ باید خودش در حال حیات انجام دهد، و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

سؤال ۱۱۹۴. آیا طواف نساء بر پیرمردان و پیرزنانی که عرفاً قادر بر آمیزش جنسی نیستند و ازدواج نمی‌کنند، و نیز کسانی که عینین هستند، واجب است؟

جواب: همه باید انجام دهند.

سؤال ۱۱۹۵. زن و شوهری به مکه مشرف شده، و مناسک را بجا آورده‌اند، ولی چون زن شوهرش را دوست نداشته، طواف نساء و نماز آن را ترک کرده، و شوهر هم آنها را بجا نیاورده، و به وطن بازگشته‌اند. حکم این زوجین از نظر محرمیت و زندگی در یک خانه چیست؟

جواب: این زن و شوهر به یکدیگر محرمند، ولی نمی‌توانند با هم مناسبات و استمتاعات جنسی داشته باشند، تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را بجا آورند، و اگر خودشان نمی‌توانند، لازم است برای طواف نایب بگیرند؛ یعنی از کسانی که به مکه می‌روند خواهش کنند که به نیابت از آنها طواف نساء و نماز آن را بجا آورند.

سؤال ۱۱۹۶. آیا منظور از این که می‌فرمایید: «بدون طواف نساء زن بر مرد، و مرد بر زن حلال نمی‌شود». فقط آمیزش جنسی است، یا سایر استمتاعات را هم شامل می‌شود؟

جواب: سایر استمتاعات را نیز شامل می‌شود.

سؤال ۱۱۹۷. هرگاه کسی که طواف نساء را ترک کرده با همسرش آمیزش کند و فرزندی به وجود آید، آیا حلال زاده است و از آنها ارث می‌برد؟

جواب: در هر حال فرزند او مشروع است، و از آنها ارث می‌برد.

سؤال ۱۱۹۸. کسی که طواف نساء را انجام نداده، و در این حال زنی را عقد کرده، آیا عقد او صحیح است؟

جواب: عقد او باطل است، و چنانچه علم به حکم داشته، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود.

سؤال ۱۱۹۹. کسی که طواف نساء عمره مفرده را بجا نیاورده، و پس از آن حجّ افراد بجا آورده است، آیا طواف نساء حجّ افراد کفایت می‌کند؟

جواب: آری کفایت می‌کند.

سؤال ۱۲۰۰. شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده، و برای عمره تمتع محرم شده است. طواف مذکور را پس از انجام عمره تمتع بجا آورد، یا قبل از آن؟

جواب: می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع بجا آورد، و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء حج کافی است.

سؤال ۱۲۰۱. خانمی که اعمال مکه را بر وقوف عرفات مقدم داشته، بعد از انجام سعی حائض می گردد. شوهرش در همان زمان به نیابت از او طواف نساء را انجام می دهد. آیا این نیابت صحیح است؟

جواب: چنین نیابتی صحیح نیست. زیرا تقدیم اعمال مکه برای کسی جایز است که خودش بخواهد آن را انجام دهد.

سؤال ۱۲۰۲. چنانچه شخصی طواف نساء را بجا آورده، ولی نماز آن را ترک کرده، یا صحیح نخوانده باشد، آیا به همسرش حرام است؟

جواب: طبق فتوای اخیر ما همسر او حرام نمی باشد؛ و نماز طواف را اگر می تواند پشت مقام ابراهیم در مکه بجا آورد و اگر نمی تواند در محلی که هست انجام دهد.

سوالات دیگر

سؤال ۱۲۰۳. کسانی که می توانند در مشعر در شب عید وقوف اضطراری نمایند، پس از وقوف به منی آمده و رمی جمره عقبه نموده اند، آیا جایز است پس از رمی برای قربانی به کسی وکالت دهند، و قبل از انجام ذبح تقصیر نموده، و برای انجام طواف و اعمال مکه همان شب عید به مکه بیایند؟

جواب: جایز است.

سؤال ۱۲۰۴. اگر شخصی بعد از اتمام حجّ تمتّع از مکه خارج شود، و بخواهد دوباره به مکه بازگردد، آیا لازم است محرم شود، و دوباره اعمال عمره را انجام دهد؟

جواب: هرگاه در همان ماه قمری برگردد احرام لازم نیست.

سؤال ۱۲۰۵. آیا خروج از مکه بعد از اعمال منی و قبل از اعمال مکه، جایز است؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۰۶. آیا بعد از اعمال منی و قبل از اعمال پنج‌گانه مکه می‌توان طواف مستحبّی انجام داد؟ پس از احرام عمره تمتّع و قبل از انجام اعمال آن چگونه؟

جواب: احتیاط ترک طواف مستحبّی در این دو حال است.

سؤال ۱۲۰۷. خانمی به همراه شوهرش به سمت جمرات حرکت کرد. بر اثر شلوغی و ازدحام شوهرش را گم کرده، و بخاطر شدت اضطراب و ترس شوکه شده، و از هوش می‌رود. مأمورین او را به بیمارستان منتقل نموده، و پس از چند روز در بیمارستان پیدا می‌شود، در حالی که قادر بر سخن گفتن نبوده، و نمی‌توانسته بقیه اعمالش را بجا آورد. به شوهرش می‌گویند: «اعمال همسرت را انجام بده»، و حتی از او سؤال می‌کنند که آیا انجام دادی؟ جواب می‌دهد: «آری، انجام دادم». البته او هم پس از جریان همسرش ناراحت و مضطرب بوده، و هوش و حواس کاملی نداشته است. پس از مراجعت به ایران قسم یاد می‌کند که اعمال نیابتی را بجا نیاورده‌ام. حجّ آن خانم چه حکمی دارد؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه اعمال روز عید (رمی جمره، قربانی، تقصیر) را بجا

آورده، و اعمال مکه را انجام نداده، در صورت امکان خودش به مکه برود و آن اعمال را بجا آورد، و اگر ممکن نیست، نایب بگیرد، و در فرض سؤال که صورت اضطرار است کفاره‌ای به سبب عدم بیتوته در منی لازم نیست، و نسبت به عدم انجام رمی جمرات، در سال بعد قضا کند، و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

۱۲. توقّف شبانه (بیتوته) در منی

مسأله ۱۲۰۸. شخصی که بدون عذر در نیمهٔ اوّل شب در منی نبوده، باید نیمهٔ دوم شب را در منی بیتوته کند.

مسأله ۱۲۰۹. نیمهٔ شب از اوّل غروب آفتاب تا طلوع صبح محاسبه می‌شود.

مسأله ۱۲۱۰. واجب است حاجی شب یازدهم و دوازدهم را در منی بماند (و در بعضی از مواقع، شب سیزدهم نیز واجب می‌شود) و اگر در این شبها در غیر منی باشد باید کفّاره بدهد (به شرحی که در مسائل آینده خواهد آمد).
مسأله ۱۲۱۱. کافی است نیمی از شب را در آنجا بماند؛ خواه نیمهٔ اوّل باشد، یا دوّم.

مسأله ۱۲۱۲. مانعی ندارد که حاجی شب یازدهم بعد از نیمهٔ شب برای انجام اعمال مکه به مکه بیاید، یا همان روز عید بعد از انجام اعمال سه‌گانهٔ منی به مکه بیاید، و تا نیمهٔ شب بازگردد، که بیتوتهٔ منی انجام شود.

مسأله ۱۲۱۳. بیتوتهٔ در منی نیز مانند سایر اعمال حجّ، نیت و قصد قربت می‌خواهد. و کافی است در قلبش نیت کند که برای انجام حجّ تمتّع از حجّة الاسلام، یا حجّ مستحبی شب را در منی می‌ماند.

مسأله ۱۲۱۴. هرگاه کسی از روی اضطرار و ناچاری از بیتوته در منی خودداری کند گناهی بر او نیست و کفاره هم ندارد، و حجتش نیز صحیح است.

مسأله ۱۲۱۵. چند طایفه از بیتوته در منی معاف هستند:

۱. پیر مردان، پیرزنان، بیماران و پرستارانشان، که ماندن در منی برای آنها مشقت شدید دارد.

۲. مسؤولان و خدمه کاروانها، در صورتی که ناچار باشند برای حل مشکلات زوار به مکه بیایند.

۳. کسانی که از ازدحام جمعیت هنگام بازگشت عمومی خوف ضرر یا خطر دارند. (آنها فقط از بیتوته شب دوازدهم معاف هستند).

۴. کسانی که در مکه در تمام شب مشغول انجام اعمال طواف یا عبادت دیگری باشند، و جز برای ضروریات خود کار دیگری انجام ندهند، ولی در غیر مکه کافی نیست.

۵. کسانی که برای انجام مناسک به مکه آمده، و قبل از طلوع فجر به منی بازگردند.

۶. کسانی که می‌ترسند اگر در منی بمانند اموال قابل توجه آنها در مکه از بین برود.

مسأله ۱۲۱۶. بیتوته کردن در دامنه کوههای اطراف منی - به خصوص در موقع ازدحام - مانعی ندارد.

بیتوته شب سیزدهم

مسأله ۱۲۱۷. سه طایفه باید شب سیزدهم را نیز در منی بمانند، و در روز

سیزدهم جمرات سه گانه را (بنابر احتیاط واجب) رمی کنند:

۱. کسی که در احرام خود مرتکب صید حیوانی شده است.

۲. کسی که در احرام با همسرش نزدیکی کرده باشد.

۳. کسی که روز دوازدهم از منی کوچ نکند تا آفتاب غروب کند و شب فرا رسد. در این سه صورت ماندن شب سوّم در منی واجب است، و در غیر این سه صورت می‌تواند روز دوازدهم بعد از ظهر به مکه بازگردد.

مسأله ۱۲۱۸. کسی که در احرام عمره تمتّع از صید و نزدیکی با همسرش اجتناب نکرده، نیز باید شب سیزدهم را در منی بماند، بنابراین حکم مذکور اختصاص به احرام حج ندارد.

مسأله ۱۲۱۹. اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب برای کاری به منی بازگشته، واجب نیست شب سیزدهم را بماند و روز آن رمی کند.

بازگشت از منی

مسأله ۱۲۲۰. بازگشت از منی در روز دوازدهم باید بعد از اذان ظهر باشد؛ ولی کسانی که در روز سیزدهم کوچ می‌کنند قبل از ظهر نیز جایز است.

مسأله ۱۲۲۱. اگر صبح دوازدهم از منی کوچ کند و به مکه بیاید، کار خلافی کرده، و احتیاط واجب آن است که اگر می‌تواند به منی بازگردد.

مسأله ۱۲۲۲. زنان نیز باید بعد از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کنند. حتی اگر از رمی در روز معذور بوده، و در شب دوازدهم رمی کرده‌اند، بنابر احتیاط واجب نمی‌توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند؛ مگر این که از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

کفاره ترک بیتوته در منی

مسأله ۱۲۲۳. کسی که بیتوته واجب منی را ترک کند، احتیاط واجب آن است که برای هر شب یک گوسفند قربانی کند.

مسأله ۱۲۲۴. کسانی که در زمین‌های متصل به منی، که از منی نیست، در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می‌کنند باید کفاره بدهند، و برای هر شب، بنابر احتیاط واجب، یک گوسفند قربانی کنند؛ هر چند معتقد بوده‌اند که آنجا جزء منی است، یا به گفته اشخاص محلی مطمئن شده بودند.

مسأله ۱۲۲۵. در وجوب قربانی فرقی نیست بین آن که از روی علم و عمد بیتوته را ترک کرده باشد، یا از روی فراموشی، یا ناآگاهی از مسأله شرعی.

مسأله ۱۲۲۶. کسانی که در تمام شب در مکه مشغول عبادت بوده، و به منی نیامده‌اند، کفاره ذبح گوسفند بر آنها واجب نیست. همچنین سایر کسانی که از بیتوته در منی معاف هستند.

استفتائات بیتوته

سؤال ۱۲۲۷. شخصی قصد دارد بعد از انجام اعمال سه گانه منی، جهت انجام اعمال پنج گانه به مکه برود، ولی می داند اگر به مکه برود چند ساعت از بیتوته ابتدای شب منی را درک نمی کند. وظیفه اش چیست؟
جواب: چنانچه به مکه برود و اعمال پنج گانه را انجام دهد و قبل از طلوع فجر به منی بازگردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۲۸. شخصی در شب یازدهم و دوازدهم در مسجدالحرام به عبادت مشغول می شود. با توجه به این که باید تمام شب را مشغول عبادت باشد، چنانچه بر اثر خستگی مرتباً چرت بزند و بیدار شود، چه حکمی دارد؟
جواب: هرگاه به قدری چرت بزند که صدق نکند تمام شب را مشغول عبادت بوده کافی نیست، و باید کفاره بدهد.

سؤال ۱۲۲۹. آیا اشتغال به عبادت در شبهای یازدهم و دوازدهم، در پشت بام مسجدالحرام نیز کافی است؟

جواب: عبادت در هر جای مکه کافی است.

سؤال ۱۲۳۰. کسانی که از رمی جمرات در روز معذور هستند، آیا می توانند

شب دوازدهم رمی روز دوازدهم را انجام دهند و به مکه بروند، یا باید صبر کنند همراه دیگر حجّاج بعد از ظهر روز دوازدهم کوچ نمایند؟

جواب: احتیاط واجب صبر کردن است.

سؤال ۱۲۳۱. شخصی شب دوازدهم پس از نیمه شب از منی به مکه رفته، و روز بعد برای رمی جمرات به منی باز می‌گردد. آیا لازم است قبل از ظهر به منی بازگردد؟ یا چون وظیفه‌ای غیر از رمی ندارد، بعد از ظهر هم می‌تواند بیاید؟

جواب: احتیاط واجب آن است که قبل از ظهر به منی بیاید، و بعد از ظهر حرکت کند.

سؤال ۱۲۳۲. مدیر کاروان زنهارا قبل از ظهر دوازدهم از منی خارج نموده است. وظیفه کسانی که از مسأله اطلاع نداشته‌اند، یا اگر متوجه بودند نمی‌توانستند بدون همراهان و مدیر کاروان در منی بمانند، چیست؟

جواب: با توجه به این که عذر داشته‌اند، مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۳۳. سابقاً فرمودید شخصی که نصف اول شب را در منی نبوده واجب است نصف دوم را در منی بماند. آیا چنین شخصی کفّاره هم باید بپردازد؟

جواب: کفّاره ندارد.

سؤال ۱۲۳۴. این جانب مدیر کاروان هستم. چندین سال قبل به اتفاق اعضای کاروان در جایی که یقین داشتم جزء منی است مستقر شدیم، و شهبای یازدهم و دوازدهم را در آنجا بسر بردیم. سالهای بعد یقین کردم که آنجا جزء منی نبوده است. با توجه به این مطلب، لطفاً بفرمایید:

(الف) آیا کفّاره‌ای بر من و سایر حجّاج واجب است؟

(ب) در صورتی که کفّاره واجب باشد، آیا کفّاره سایر حجّاج هم بر عهده من است؟

ج) آیا لازم است این مطلب را به اعضای کاروان اطلاع دهم؟
جواب: کفّاره ترک بیتوته بنا بر احتیاط واجب بر خود شما لازم است، ولی اعلان به دیگران لازم نیست؛ اما اگر آنها با خبر شوند و کفّاره بدهند، شما باید آنها را راضی کنید. ضمناً دامنه‌های کوههای اطراف منی، جزء منی است.

سؤال ۱۲۳۵. علامت‌گذاری حدود منی در سالهای گذشته، با آنچه اکنون توسط حکومت عربستان صورت گرفته متفاوت است. اینجانب، که مدیر کاروان هستم، در سالهای قبل به اتفاق کاروان در قطعه زمینی بیتوته کردیم که طبق علامتگذاری قدیم جزء منی بوده، و طبق علامت‌گذاری فعلی خارج از منی محسوب می‌شود. تکلیف ما نسبت به این مسأله چیست؟ آیا لازم است به اطلاع حجاج برسانیم؟

جواب: اگر در محلی بیتوته کرده‌اید که یقین داشته‌اید جزء منی است، تا یقین به خلاف آن پیدا نکنید کفّاره‌ای به شما تعلق نمی‌گیرد، و در هر صورت اعلان به سایر حجاج لازم نیست؛ و علامت‌گذاریهای فعلی قابل قبول است.

۱۳. رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم

مسألة ۱۲۳۶. در روز یازدهم و دوازدهم، که رمی هر سه جمره واجب است، باید ترتیب را میان جمرات رعایت کند؛ یعنی اوّل «جمره اولی» بعد «جمره وسطی» و سپس «جمره عقبه» را - که آخرین جمره است - سنگ بزند. (این مربوط به روز یازدهم و دوازدهم است؛ ولی در روز دهم، یعنی روز عید، فقط جمره عقبه را رمی می‌کند). تمام این سه جمره علامت دارد، و نام آنها روی تابلوها نوشته شده است.

مسألة ۱۲۳۷. هرگاه ترتیب را در رمی جمرات سهواً رعایت نکرد، باید برگردد و طوری بجا آورد که ترتیب حاصل شود؛ اما اگر چهار سنگ یا بیشتر به هر کدام به ترتیب زده باشد، لازم نیست از اوّل شروع کند، بلکه بر می‌گردد و باقیمانده را به ترتیب می‌زند، و اگر کمتر از چهار سنگ زده از اوّل شروع می‌کند، و به هر کدام هفت سنگ می‌زند، و اگر از یکی از جمرات سه سنگ یا کمتر ترک کرده، فقط همان را تکمیل می‌کند، و چیز دیگری بر او واجب نیست.

مسألة ۱۲۳۸. اگر عمداً ترتیب را رعایت نکرد، احتیاط واجب آن است که

برگردد و از آغاز شروع کند، و فرقی میان چهار سنگ، یا کمتر از آن نیست.
مسئله ۱۲۳۹. بر اشخاصی که باید شب سیزدهم در منی بمانند، واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

مسئله ۱۲۴۰. ترک عمدی رمی جمرات گناه و معصیت است، ولی موجب بطلان حج نمی‌شود.

مسئله ۱۲۴۱. در هر روز از این روزها باید به هر یک از جمرات هفت سنگ ریزه پرتاب کند، و چگونگی رمی و شرایط و واجبات آن در اعمال روز عید قربان (رمی جمره عقبه) گذشت.

مسئله ۱۲۴۲. وقت رمی جمرات از اول طلوع آفتاب است تا غروب آفتاب، و در شب جایز نیست.

مسئله ۱۲۴۳. کسانی که از رمی جمرات در روز معذورند، مثل بیماران و کسانی که ترس از ازدحام جمعیت دارند و مانند آنها، می‌توانند شب قبل، یا شب بعد رمی کنند.

مسئله ۱۲۴۴. کسانی که از رمی در روز و شب هر دو معذورند نایب می‌گیرند.

مسئله ۱۲۴۵. زن می‌تواند از مردی که عاجز از رمی است نیابت کند و بالعکس، و نایب باید مطابق وظیفه خود عمل کند نه منوب‌عنه.

مسئله ۱۲۴۶. در آنچه که در مسائل قبل در مورد ترتیب گفته شد، تفاوتی نیست بین آن که عمداً بر خلاف ترتیب عمل کرده باشد، یا از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله باشد. در هر صورت باید ترتیب حاصل شود.

مسئله ۱۲۴۷. رعایت ترتیب در تمام هفت سنگ لازم نیست، بلکه در چهار سنگ اول واجب است، بنابراین اگر چهار سنگ به جمره اولی، سپس

چهار سنگ به جمره وسطی بیندازد، و بعد از آن جمره عقبه را رمی کند، ترتیب مراعات شده است؛ هر چند در باقیمانده ترتیب رعایت نشود، ولی احتیاط آن است که باقیمانده را نیز با ترتیب بزند؛ اما عمداً این کار را نکند.

مسئله ۱۲۴۸. اگر در یکی از روزها رمی جمرات را فراموش کند، واجب است روز بعد قضای آن را بجا آورد، و اگر دو روز را فراموش نماید، باید در روز سوّم قضای آن دو روز را نیز انجام دهد. همچنین اگر عمداً ترک کرده باشد.

مسئله ۱۲۴۹. بهتر است قضای رمی جمرات را قبل از ادای آن بجا آورد؛ یعنی اگر می‌خواهد قضای روز عید را در روز یازدهم انجام دهد، بهتر است اوّل قضای رمی جمره روز عید را بجا آورد، سپس رمی روز یازدهم را به صورت ادا انجام دهد، و اگر دو روز قضا شده، در آنجا هم بهتر رعایت ترتیب است.

مسئله ۱۲۵۰. اگر برخی از جمرات رمی نشود، قضای آن هم لازم است، بنابراین اگر روز یازدهم جمره اولی را رمی کرده، و دو جمره دیگر را رمی نکرده باشد، روز بعد باید قضای آن را بجا آورد.

مسئله ۱۲۵۱. اگر روز بعد متوجه شود که روز قبل جمرات را برخلاف ترتیب لازم رمی کرده، باید قضای آن را به گونه‌ای انجام دهد که ترتیب حاصل شود.

مسئله ۱۲۵۲. اگر به هر یک از جمرات چهار سنگ پرتاب کرده، و در روز بعد یادش بیاید، باید روز بعد باقیمانده را قضا کند، و بهتر است قضا را مقدّم بدارد.

مسئله ۱۲۵۳. اگر کسی رمی جمرات سه گانه را فراموش کند، و از منی به

مکه برود، چنانچه تا روز سیزدهم متوجه شود باید برگردد و انجام دهد، و در صورتی که خودش نتواند، باید نایب بگیرد، و اگر بعد از روز سیزدهم متوجه شود، یا عمداً آن را به تأخیر اندازد، باید خودش یا نایبش در سال بعد در همان ایام قضا نماید، و حجش صحیح است.

مسأله ۱۲۵۴. اگر رمی جمرات را فراموش کند، و زمانی یادش بیاید که از مکه خارج شده، واجب است خودش در سال بعد قضای آن را بجا آورد، و در صورت عدم امکان، کسی برای او نیابت کند.

مسأله ۱۲۵۵. حکم کسی که رمی بعضی از جمرات را فراموش کند (نه تمام آنها را) همانند کسی است که تمام آنها را فراموش کرده، که در مسائل بالا روشن شد؛ بلکه کسی که کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعضی از آنها انداخته، همین حکم را دارد؛ (بنابر احتیاط واجب).

مسأله ۱۲۵۶. اشخاصی که معذور از انداختن سنگ هستند، مانند بیماران، اطفال، معلولینی که قادر بر رمی نیستند، افراد بیهوش، کسانی که از شدت ضعف توانایی بر رمی ندارند، و مانند آنها، باید نایب بگیرند، و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشند، مثل اطفال و افراد بیهوش، ولی آنها یا شخص دیگری، به نیابت از آنها رمی جمرات می‌کند، و در سال بعد نایب می‌گیرند.

مسأله ۱۲۵۷. هرگاه پس از انجام رمی توسط نایب، عذر برطرف شود و وقت باقی باشد، احتیاط آن است که خودش دوباره انجام دهد.

مسأله ۱۲۵۸. چنانچه بیمار مایوس از بهبودی خود باشد، یا معذور ناامید از برطرف شدن عذر گردد، واجب است نایب بگیرد، و اگر مایوس نیست بهتر است صبر کند و اگر یقین به بهبودی یا برطرف نشدن عذر دارد، لازم است صبر کند.

مسأله ۱۲۵۹. اگر شخصی معذور از رمی باشد، و اطرافیان او مایوس از برطرف شدن عذرش باشند، باید با اجازه او برایش نایب بگیرند، و بدون اذن کافی نیست.

شک در رمی

مسأله ۱۲۶۰. هرگاه بعد از گذشتن روزی که رمی در آن روز واجب است، شک کند که آن را انجام داده، یا نه (مثلاً روز یازدهم شک کند رمی روز عید را بجا آورده، یا نه؟) به شک خود اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۱۲۶۱. هرگاه پس از پرتاب سنگ شک کند که صحیح پرتاب کرده یا نه، اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۱۲۶۲. اگر موقع رمی جمره عقبه شک کند جمره اولی یا وسطی یا هر دو را رمی کرده یا نه؟ یا صحیح انجام داده یا نه؟ اعتنا به شک نمی‌کند.

مسأله ۱۲۶۳. هرگاه قبل از شروع رمی جمره دوم، شک کند که هفت سنگ به جمره اول پرتاب کرده یا کمتر، باید برگردد و کسری احتمالی را جبران کند تا یقین به رمی هفت سنگ پیدا کند، هر چند از عمل منصرف شده باشد.

مسأله ۱۲۶۴. هرگاه بعد از شروع به رمی جمره بعدی، در تعداد سنگهایی که به جمره قبل زده شک کند، چنانچه یقین داشته باشد که چهار سنگ به جمره قبلی پرتاب کرده و نسبت به سه سنگ دیگر مشکوک باشد، احتیاط واجب آن است که مقدار مشکوک را به جا آورد، هر چند بعد از تکمیل رمی جمره بعدی باشد، و اگر در کمتر از چهار سنگ شک کند، تا مقدار چهار سنگ را اعتنا نکند و بگوید انشاء الله بجا آورده‌ام، و سه سنگ دیگر بزند؛ بنابر احتیاط واجب.

مسأله ۱۲۶۵. هرگاه بعد از فراغت از رمی جمرات سه گانه، یقین پیدا کند که یک، یا دو، یا سه سنگ، از یکی از سه جمره ناقص شده، باید به هر مقدار که احتمال نقصان می دهد به هر سه جمره بیندازد، و اگر یقین کند به یکی از جمرات کمتر از چهار سنگ زده، احتیاط واجب آن است که همه را از سر بگیرد.

مسأله ۱۲۶۶. اگر بعد از گذشتن وقت هر سه روز، یقین کند که در یک روز رمی نکرده، ولی دقیقاً نداند که کدام روز بوده، کافی است یک روز را به نیت ما فی الذمه قضا کند.

استفتائات رمی جمرات

سؤال ۱۲۶۷. آیا زنها و مراقبین آنها، و افراد ناتوانی که مجازند بعد از نیمه شب از مشعر الحرام به منی بروند، می‌توانند شبانه رمی کنند؟
جواب: اگر از رمی در روز معذورند می‌توانند شب رمی کنند؛ بلکه زنها مطلقاً مجازند شبانه رمی نمایند.

سؤال ۱۲۶۸. آیا مردمی تواند بدون عذر در شب رمی کند، یا کافی نیست؟
جواب: رمی در شب بدون عذر جایز نیست، و چنانچه بدون عذر رمی در روز را ترک نماید گناه کرده، و رمی او صحیح نیست، ولی تمام کسانی که احساس خطری در روز می‌کنند، می‌توانند شبانه رمی کنند.

سؤال ۱۲۶۹. آیا می‌توان زنها را شب دهم بعد از نیمه شب از مشعر به منی آورد و همان شب آنان را به جمره عقبه برد تا رمی کنند، سپس شب دوازدهم هم رمی روز یازدهم را انجام دهند و هم رمی روز دوازدهم را بجا آورند، مخصوصاً که ازدحام و خطرات احتمالی وجود دارد؟
جواب: این کار اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۷۰. کسانی که از رمی در روز معذورند، آیا لازم است نایب بگیرند تا رمی در روز انجام شود، یا می‌توانند خودشان در شب رمی کنند؟

جواب: تا بتوانند در شب رمی کنند، نایب گرفتن اشکال دارد.

سؤال ۱۲۷۱. شخصی که فقط برای رمی جمرات نایب شده، آیا می‌تواند شبانه رمی نیابتی را انجام دهد؟ همچنین کسی که در تمام مناسک حج نایب شده، و از ابتدا می‌دانسته که نمی‌تواند رمی کند، یا نمی‌تواند در روز رمی نماید، یا نسبت به رمی در روز کوتاهی می‌کند، حکمش چیست؟

جواب: نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد، و اگر معذور باشد احتیاط مستحب آن است که نیابت نکند. البته عذرهایی که به طور طبیعی گاه در حج پیش می‌آید مانع نیابت نیست، و کسی که در رمی نایب شده باید در روز رمی کند. مسامحه و کوتاهی در رمی موجب بطلان نیابت نمی‌شود، هر چند در فرض سؤال جایز نیست.

سؤال ۱۲۷۲. شخصی که نمی‌تواند رمی جمرات کند و معذور است، آیا می‌تواند کسی را به عنوان نایب اختیار کند که او هم از رمی در روز معذور است؟ آیا بودن یا نبودن کسی که بتواند رمی را در روز انجام دهد در حکم مسأله تأثیر دارد؟

جواب: در صورت امکان باید کسی را نایب کند که در روز رمی نماید.

سؤال ۱۲۷۳. فرموده‌اید: «رمی در شب دهم برای زنان جایز است، خواه توانایی رمی در روز را داشته باشند یا نه». آیا با این حال زنان می‌توانند نایب شوند؟

جواب: نیابت آنها مانعی ندارد، و در شب رمی می‌کنند.

سؤال ۱۲۷۴. هرگاه مردی که قادر است رمی را در روز انجام دهد، نایب زنی در رمی جمرات شود، آیا می‌تواند رمی زن را در شب انجام دهد؟

جواب: باید رمی را در روز انجام دهد.

سؤال ۱۲۷۵. هرگاه افرادی صبح روز دهم بر اثر ازدحام جمعیت از رمی معذور باشند، ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت می شود و قادر بر رمی خواهند بود، آیا چنین افرادی می توانند صبح نایب بگیرند؟

جواب: اگر می توانند در عصر همان روز رمی کنند، نمی توانند نایب بگیرند.

سؤال ۱۲۷۶. افرادی که از انجام آن دسته از مناسک حج معذورند که حتی ترک عمدی آن ضرری به حج نمی زند، مانند رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم، و بیتوته در منی در شبهای مذکور، آیا چنین اشخاصی می توانند نایب شوند؟

جواب: چنانچه عذرهای مذکور از ابتدای نیابت وجود داشته باشد بهتر است نایب نشوند؛ ولی عذرهایی که گاه در حج پیش می آید، مانع از نیابت نیست.

سؤال ۱۲۷۷. کسی که به نیابت از دیگری رمی جمره می کند، آیا کافی است پس از رمی هر جمره برای خودش، به نیابت از دیگری آن جمره را رمی کند، هر چند از چندین نفر نیابت داشته باشد؟ یا باید ابتدا هر سه جمره را به قصد خود رمی کند، سپس به نیت هر یک از کسانی که از آنها نیابت کرده به شکل بالا عمل کند؟

جواب: هر دو صورت صحیح است.

سؤال ۱۲۷۸. خانمی که احتمال می دهد بجا آوردن رمی جمرات باعث شروع عادت ماهیانه اش شود، آیا صرف این احتمال مجوز نایب گرفتن جهت رمی شود؟

جواب: اگر در اثر آن به مشقت می افتد عذر محسوب می شود،

و می تواند نایب بگیرد، و اگر مشقّتی برای او ندارد نباید نایب بگیرد.

سؤال ۱۲۷۹. شخصی بر اثر کسالت و بیماری، برای رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم نایب گرفته، و در روز سیزدهم که بهبود یافته برای قضای رمی جمرات بدین شکل عمل کرده است: «ابتدا جمره عقبه را رمی کرده، سپس از جمره اولی شروع کرده، و برای هر دو روز چهارده سنگ پشت سر هم زده، سپس چهارده سنگ به جمره وسطی زده، و بعد از آن چهارده سنگ به جمره عقبه پرتاب کرده» و اکنون به وطنش بازگشته است، وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر کسالت داشته و معذور بوده، و نایب گرفته، و نایب به وظیفه اش عمل کرده عمل او صحیح بوده، و نیاز به قضا نداشته است، و در هر صورت، تکرار به شکلی که نوشته اید صحیح نیست.

سؤال ۱۲۸۰. شخصی روز سیزدهم متوجه می شود که رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده است. آیا پس از قضای رمی جمره عقبه لازم است رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۱۲۸۱. کسی که موفق به ذبح قربانی نشده، و حلق یا تقصیر نیز نکرده، می تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۸۲. آیا رمی جمرات از طبقات بالا جایز است؟

جواب: به هنگام ازدحام جمعیت مانعی ندارد؛ بلکه در غیر ازدحام نیز جایز است.

سؤال ۱۲۸۳. شخصی به هنگام رمی جمرات در تعداد سنگهایی که پرتاب

کرده شک می‌کند، سپس آن مقدار را رها کرده، از اول شروع می‌نماید. آیا رمی او صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ هر چند با زدن مقدار قطعی باقیمانده، وظیفه‌اش را انجام داده، و بقیه اضافه بوده است.

سؤال ۱۲۸۴. گاه سنگ‌ریزه‌های موجود در مشعر را از خارج مشعر می‌آورند، و در آنجا می‌ریزند، ولی معلوم نیست که از حرم است، یا خارج حرم. رمی با آنها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت شک اعتنا نکنید، و اگر یقین داشته باشید که از خارج حرم آورده‌اند از آنها برای رمی استفاده نکنید، مگر این که مدتی بماند و جزء مشعر محسوب شود.

سؤال ۱۲۸۵. آیا پرتاب بیش از هفت سنگ، اشکالی برای رمی ایجاد می‌کند؟

جواب: اگر از اول قصد زیادتر از هفت سنگ را به عنوان انجام وظیفه شرعی داشته صحیح نیست، و باید رمی را دوباره انجام دهد؛ ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگ‌ریزه، اضافه زده ضرری ندارد.

فصل سیزدهم:

احکام مصدود و محصور

مسألة ۱۲۸۶. «مصدود» به کسی گفته می‌شود که شخصی (خواه دشمن باشد، یا مأمور دولت) او را بعد از احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال باز دارد. و «محصور» به کسی گفته می‌شود که بر اثر بیماری یا شکستگی اعضا، یا مجروح شدن، و امثال آن نتواند اعمال حج یا عمره را بجا آورد.

مسألة ۱۲۸۷. کسی که احرام عمره یا حج بست، باید عمره و حج را تمام کند، و اگر انجام ندهد به احرام باقی خواهد ماند، ولی اگر مصدود یا محصور شد، باید به دستورهای آینده عمل کند تا از احرام بیرون آید.

مسألة ۱۲۸۸. شخصی که محرم به احرام «حج» شده، و دشمن یا فرد دیگری، مانند مأموران دولت، یا سارقین، یا غیر آنها، او را از رفتن به مکه باز دارند، و راه دیگری برای رفتن به مکه نداشته باشد، یا اگر راهی باشد هزینه آن را ندارد، در همان جا یک قربانی می‌کند و از احرام خارج می‌شود، و احتیاط آن است که قربانی را به قصد خروج از احرام انجام دهد. همچنین احتیاط آن است که موی سر خود را کوتاه کند، و اگر دسترسی به قربانی پیدا

نکرد، همان جا نیت خارج شدن از احرام می‌کند، و احتیاط آن است که به جای قربانی، ده روز (به شرحی که قبلاً گفته شد) روزه بگیرد، و اگر در آنجا به آن صورت نتوانست بگیرد، تمام آن را پس از بازگشت روزه بگیرد.

مسئله ۱۲۸۹. اگر کسی با احرام عمره وارد مکه شد، و دشمن، یا کس دیگری او را از انجام اعمال باز داشت، حکم مسئله قبل را دارد.

مسئله ۱۲۹۰. هرگاه شخصی را به خاطر بدهکاری، یا اتهام دیگری زندانی کنند، یا به ظلم حبس نمایند، حکم مسئله سابق را دارد.

مسئله ۱۲۹۱. اگر بعد از احرام، برای رفتن به مکه، یا اجازه بجا آوردن اعمال پولی مطالبه کنند، چنانچه تمکن دارد باید بپردازد؛ مگر این که موجب عسر و حرج گردد، و اگر تمکن ندارد، یا حرجی است، حکم «مصدود» را دارد.

مسئله ۱۲۹۲. اگر یک راه بسته باشد، و راه دیگری هست که می‌تواند از آن برود، و هزینه آن را هم دارد، به احرام باقی می‌ماند تا از آن راه برود، و چنانچه از آن راه رفت و به اعمال حج نرسید، با انجام عمره مفرده از احرام خارج می‌شود.

مسئله ۱۲۹۳. هرگاه از طریقی برود و مانعی برای رفتن به مکه از آن راه حاصل شود، اما راه دیگری وجود دارد که ممکن است از آن برود ولی خوف آن دارد که به موقع برای اعمال نرسد، نمی‌تواند به صرف خوف، اعمال مصدود را انجام دهد و از احرام خارج گردد؛ بلکه وظیفه‌اش آن است که از آن راه برود، و زمانی که وقت اعمال حج گذشت با عمره مفرده از احرام خارج گردد.

مسئله ۱۲۹۴. مصدود شدن به جلوگیری از آمدن به مکه بعد از احرام، یا آمدن به مکه و ممنوع شدن از انجام همه اعمال حج بر اثر زندان

و بازداشت یا هر عامل دیگر، و یا ممنوع شدن از وقوف به عرفات و مشعر حاصل می‌شود. اما اگر تنها از اعمال منی ممنوع گردد برای رمی و قربانی نایب می‌گیرد، سپس موی سر را می‌تراشد یا کوتاه می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید، و بقیه اعمال مکه را شخصاً انجام می‌دهد، و اگر وقوفها را انجام داده، و فقط از انجام اعمال منی و اعمال مکه ممنوع شود، برای رمی و قربانی نایب گرفته، سپس تقصیر می‌کند، و بعد برای اعمال مکه نایب می‌گیرد، و در تمام این صورتها حجّ او صحیح است، و از احرام بیرون می‌آید؛ مگر در جایی که ممنوع از ورود به مکه یا انجام وقوف به عرفات و مشعر گردد، و به تعبیر دیگر از بجا آوردن اعمال رکنی که با ترک آنها (حتی بدون عمد) حج باطل می‌شود، ممنوع گردد، که در این صورت اگر قبلاً مستطیع بوده، یا استطاعت او تا سال آینده باقی بماند، حج بر او واجب می‌شود، و اگر در همان سال مستطیع شده، و استطاعت او از میان رفت، در سال آینده حج بر او واجب نیست.

مسألة ۱۲۹۵. اگر مصدود امید بر طرف شدن مانع را داشته باشد احتیاط آن است که صبر کند؛ ولی اگر گمان بر طرف نشدن آن را داشته باشد، می‌تواند به دستوری که برای «مصدود» گفته شد عمل کند.

مسألة ۱۲۹۶. «محصور» یعنی کسی که بر اثر بیماری، یا مجروح شدن، یا شکستگی اعضاء و مانند آن، نتواند اعمال حج و عمره را بجا آورد، دارای چهار حالت است:

الف) محرم به احرام عمره مفرده باشد، ولی بر اثر بیماری و مانند آن مجبور است به وطن بازگردد، یا در همان جا بستری شود، و در هر حال قادر بر انجام عمره نیست. چنین کسی باید پول یک قربانی را به مکه

بفرستد، و با دوستان خود قرار بگذارد که در فلان روز و فلان ساعت در مکه برای او قربانی کنند، سپس در همان موعد معین تقصیر می‌کند، و از احرام بیرون می‌آید، و همه چیز بر او حلال می‌شود مگر همسر، تا زمانی که حالش خوب شود، و عمره مفرده بجا آورد، و اگر حالش خوب شد و نتوانست عمره بجا آورد، نایب می‌فرستد. و چنانچه کسی نباشد که برای او در مکه قربانی کند، در همان جا که هست قربانی می‌کند و از احرام خارج می‌گردد، و اگر آن هم ممکن نشد، در بازگشت به وطن قربانی می‌کند.

ب) هرگاه محرم به احرام «عمره تمتع» باشد، مانند مسأله قبل عمل می‌کند، بنابر احتیاط واجب، و اگر حج او واجب بوده و مستقر شده، باید سال بعد بجا آورد.

ج) هرگاه از مکه محرم به احرام حج تمتع شده باشد، و بر اثر یکی از موانع نتواند هیچ یک از وقوف به «عرفات» یا «مشعر» را بجا آورد، در این صورت پول یک قربانی را به وسیله دوستان خود به منی می‌فرستد، تا در روز عید (یا بعد از آن تا سیزدهم) برای او قربانی کنند، و بعد از آن، در ساعتی که با دوستان خود قرار داده، تقصیر می‌کند و از احرام بیرون می‌آید، و همه چیز بر او حلال می‌شود، جز همسر بنابر احتیاط واجب، که باید در سال آینده حج بجا آورد تا بر او حلال شود، یا قبل از فرا رسیدن سال آینده عمره مفرده بجا آورد، و اگر نمی‌تواند، نایب می‌فرستد، و بعد از عمره مفرده نایب همه چیز بر او حلال است. چنین کسی اگر حج بر او واجب بوده، باید سال آینده حج واجب را بجا آورد.

د) هرگاه یکی از دو وقوف را درک کند حج او صحیح است، و برای بقیه اعمال، هرچه را بتواند خودش بجا می‌آورد، و هر چه را نتواند نایب می‌گیرد.

مسأله ۱۲۹۷. هرگاه بیمار بهبودی یابد و بتواند خود را به حج برساند، و لااقل یکی از دو وقوف را درک کند، باید برود و بقیه اعمال را نیز بجا آورد.

مسأله ۱۲۹۸. هرگاه شخص بیمار پس از فرستادن قربانی یا پول آن، بهبود یافت، به طوری که قادر به رفتن به سوی مکه شد، باید به مکه برود، و اعمال را انجام دهد، بنابراین اگر محرم به احرام حج تمتع است، و در وسعت وقت رسید، اعمال عمره و حج را بجا می آورد، و اگر وقت تنگ باشد، به گونه ای که با انجام عمره به وقوف عرفات نمی رسد، باید به عرفات برود و حج افراد بجا آورد، و احتیاط آن است که قصد عدول کند، و پس از انجام حج، عمره مفرده انجام دهد، و این حج کفایت از حجة الاسلام می کند، و اگر زمانی به مکه برسد که وقت حج گذشته، یعنی به هیچ یک از وقوف مشعر و عرفات نمی رسد، عمره او تبدیل به عمره مفرده می شود، و باید آن را بجا آورد و از احرام خارج گردد، و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند، و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر بجا آورد.

مسأله ۱۲۹۹. کسانی که مریض نیستند، ولی به علت دیگری بعد از احرام نتوانسته اند به مکه بروند (مثل کسی که کمر یا پایش شکسته، یا بر اثر خونریزی ضعف بر او مستولی شده) حکم مریض را دارند.

مسأله ۱۳۰۰. شخص بیمار برای ذبح قربانی در احرام حج، باید روز دهم تا سیزدهم وعده قربانی بگذارد، بنا بر احتیاط واجب، و در احرام عمره تمتع قبل از خروج حجاج به عرفات این کار را انجام دهد.

استفتائات محصور و مصدود

سؤال ۱۳۰۱. شخصی به نیت عمره تمتع استجبایی برای یکی از حضرات معصومین علیهم السلام یا شهدا، یا امواتش، احرام بست و طواف و نماز طواف عمره را نیز بجا آورد، سپس قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد. آیا حکم مصدود و محصور را دارد؟

جواب: اگر مریض شده، یا دشمن او را از ادامه اعمال ممنوع کرده، و قادر بر اتمام اعمال نیست، و نایب هم نمی تواند بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

سؤال ۱۳۰۲. آیا تصادف به هنگام احرام، داخل در عنوان محصور است، و شخصی که تصادف کرده باید احکام محصور را بجا آورد؟

جواب: آری، هرگاه شرایط حصر حاصل شود، حکم «محصور» بر آن مترتب می شود.

سؤال ۱۳۰۳. شخصی پس از احرام حج دچار سکتة قلبی شده، به گونه ای که هر نوع حرکتی برای او ضرر دارد. وظیفه او چیست؟

جواب: اگر نمی تواند وقفین را درک کند حکم محصور را پیدا

می‌کند، و چنانچه وقوفین را درک کرده، در صورت امکان نسبت به بقیه اعمال نایب می‌گیرد، و در صورت عدم امکان مطابق آنچه در مسائل سابق گذشت عمل می‌کند.

سؤال ۱۳۰۴. اگر مانع دیگری غیر از مثالهایی که معمولاً برای مصدود و محصور بیان می‌شود حاصل گردد، مثل این که پایش بشکند، یا وسیله نقلیه‌اش خراب شود، یا راه را گم کند، آیا احکام محصور یا مصدود را دارد؟
جواب: نسبت به کسی که پای او شکسته احکام محصور جاری می‌شود، و نسبت به موانع دیگر - مثل خراب شدن وسیله نقلیه، یا مانع دیگر - احکام مصدود دارد.

سؤال ۱۳۰۵. کسی که دعای شرط^۱ را، که مستحب است هنگام نیت احرام خوانده شود، بخواند و شرط خروج از احرام را در صورت وجود موانعی کند، آیا در صورتی که محصور یا مصدود شود احکام مصدود و محصور بر او جاری می‌شود، یا به مجرد حدوث این دو حالت، بدون قربانی از احرام خارج می‌گردد؟

جواب: می‌تواند از احرام خارج شود، ولی قربانی بر او واجب است، و اثر شرط در جهات دیگر ظاهر می‌شود.

سؤال ۱۳۰۶. وظیفه کسی که حبس را فاسد کرده، سپس مصدود یا محصور شده چیست؟

جواب: وظیفه‌اش آن است که اعمال مصدود یا محصور را انجام دهد، سپس در سال آینده حج بجا آورد.

۱. این دعا در ششمین مستحب از مستحبات احرام، در فصل آخر، خواهد آمد.

سؤال ۱۳۰۷. شخصی که همراه خود قربانی آورده، سپس محصور یا مصدود شده، آیا ذبح همان قربانی کافی است، یا علاوه بر آن قربانی دیگری نیز بر او واجب است؟

جواب: قربانی دیگری بر او واجب نیست.

سؤال ۱۳۰۸. هرگاه شخصی پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام محصور شود، و نتواند برای حج محرم گردد، وظیفه اش چیست؟

جواب: از احرام خارج شده، ولی کفایت از حج واجب نمی‌کند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد، حج بر او واجب نشده است. زیرا استطاعت بدنی ندارد.

سؤال ۱۳۰۹. شخصی در مدینه مصدوم می‌گردد. او را به مسجد شجره می‌برند، و محرم می‌شود. آیا احرام چنین شخصی صحیح است؟ در صورت صحت، اگر نتواند مناسک عمره و حج را به جا آورد تکلیفش چیست؟

جواب: احرامش صحیح است. اگر بتواند عمره و حج را، هر چند با کمک نایب در طواف و سعی، انجام دهد حج او صحیح است، و اگر نتواند حج بجا آورد، احتیاط آن است که به حکم محصور عمل کند، و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.

سؤال ۱۳۱۰. یکی از حجّاج پیر و بیمار کاروان ما، پس از خروج از عمره تمتع بیماری اش شدت گرفت، و در بیمارستان بستری شد. من که روحانی کاروان بودم برای بردن ایشان به عرفات به بیمارستان مراجعه کردم. آنها گفتند: «خود ما بیماران را محرم نموده، و به عرفات و مشعر می‌بریم. شما در منی ایشان را از ما تحویل بگیرید» در منی به درمانگاه مراجعه کردم، گفتند: «حال مریض شما وخیم بود، پزشک اجازه حرکت به او نداد». پس از

مراجعت از منی به بیمارستان رفتیم. مشاهده کردم با آن حال وخیم، لباس احرام بر تن دارد! با توجه به این که هر کس وقوفین را درک نکند حجّ او تبدیل به عمره مفرده می‌شود، احتیاطاً برای انجام عمره از او وکالت خواستم. به زحمت گفت: «هر چه می‌خواهید انجام دهید، و مرا از احرام خارج کنید». عمره انجام شد، و او را به ایران فرستادند، و متأسفانه در ایران از دنیا رفت. بعداً در باب محصور به این مسأله بر خوردم: «محصور باید برای قربانی در منی نایب بگیرد». با توجه به این مطلب به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) با عنایت به این که: «اگر کسی پس از احرام و دخول در حرم از دنیا برود، حجّ او مجزی است». آیا این حکم شامل فرد مذکور نیز می‌شود؟

جواب: این حکم شامل چنین شخصی نمی‌شود.

ب) با توجه به این که ما فقط لباس احرام را در تن او دیدیم، اما هر چه تحقیق کردیم نفهمیدیم چه کسی او را محرم کرده، و تلبیه را گفته یا نه؟ آیا می‌توان حکم به محرم بودن او کرد؟

جواب: این مقدار برای اثبات احرام کافی نیست؛ بنابراین نمی‌توانید او را محرم حساب کنید.

ج) در این فرض، آیا طواف نساء بر او واجب بوده است؟

جواب: انجام طواف نساء در این مورد موافق احتیاط است، و عمل نایب در فرض مسأله کافی است.

د) بر فرض حکم به صحّت احرام، آیا اعمال انجام شده کافی است، یا علاوه بر آن قربانی نیز لازم است؟

جواب: قربانی لازم نیست.

هـ) در صورتی که قبلاً حج در ذمه او مستقر شده باشد، وظیفه ورثه‌اش چیست؟

جواب: اگر واجب الحج بوده، باید برای او حج بجا آورند، و آنچه شما بجا آورده‌اید کافی نیست.

و) در صورت اختلاف فتوا در این مسأله، آیا باید بر طبق فتوای مرجع تقلید نایب در عمره مفرده، یا مرجع ورثه، یا مرجع میت عمل شود؟
جواب: به فتوای مرجع تقلید نایب عمل می‌شود.

فصل چهاردهم:

عمره مفرده

مسأله ۱۳۱۱. عمره مفرده یکی از بهترین اعمال است، و فضیلت بسیار دارد. از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود:
«الْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ!» عمره كفارة تمام گناهان است (و پشت انسان را از بار گناه سبک می‌کند)».

مسأله ۱۳۱۲. عمره را در هر ماهی از سال می‌توان بجا آورد؛ ولی در ماه رجب از همه ماهها بهتر است^۲، و در اخبار اسلامی درباره آن بسیار تأکید شده است.

مسأله ۱۳۱۳. عمره همانند حج بر دو قسم است: واجب و مستحب.

مسأله ۱۳۱۴. کسی که فقط توانایی بر عمره مفرده داشته باشد احتیاط

۱. وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۶۶، ابواب وجوب الحج، باب ۳۸، حدیث ۷، و جلد ۱۰، صفحه ۲۴۰، ابواب العمره، باب ۳، حدیث ۷.

۲. روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد، که تنها در کتاب وسائل الشیعه، جلد ۱۰، صفحه ۲۳۹، ابواب العمره، باب ۳، شانزده روایت نقل شده است.

واجب آن است که آن را بجا آورد؛ هر چند استطاعت و توانایی بر حج نداشته باشد، و یک مرتبه در تمام عمر بیشتر واجب نیست. بنابراین، کسانی که حج نیابتی بجا می‌آورند، احتیاط واجب آن است که بعد از انجام عمل نیابت، عمره مفرده‌ای برای خود بجا آورند.

مسأله ۱۳۱۵. هر کس قصد دارد وارد مکه شود واجب است با احرام وارد شود، و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد، و اگر موسم حج نیست واجب است عمره مفرده انجام دهد. لکن کسانی که به مقتضای شغلشان زیاد به مکه رفت و آمد می‌کنند (مانند رانندگان اتومبیل، و خدمه کاروانها)، از این حکم استثنا شده‌اند. همچنین کسانی که عمره بجا آورده‌اند اگر از مکه خارج شوند و دوباره در همان ماه داخل مکه شوند، احرام و عمره مجدد بر آنها واجب نیست.

مسأله ۱۳۱۶. شخصی که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره مفرده قبلی او گذشته، اگر برای کاری به جده رود و در بازگشت بدون احرام وارد مکه شود، کار خلاف شرعی انجام داده، و باید به میقات برگردد و محرم شود و عمره مفرده بجا آورد؛ زیرا با گذشتن ماه قمری، کسی که وارد مکه می‌شود باید عمره دیگری انجام دهد.

مسأله ۱۳۱۷. کسانی که عمره را مثلاً در ماه شعبان بجا آورده، و در ماه رمضان به (جهت بازدید) به عرفات می‌روند، لازم نیست در بازگشت به حرم محرم شده و عمره دیگری انجام دهند.

فاصله معتبر بین دو عمره مفرده

مسأله ۱۳۱۸. تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است، ولی در هر ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان بجا آورد.

مسأله ۱۳۱۹. همان‌گونه که گفته شد در هر ماه قمری یک عمره مستحب است. بنابراین، اگر کسی در اواخر ماه رجب وارد مکه شود و عمره مفرده بجا آورد، و بعداً ماه شعبان شروع شود، می‌تواند دوباره عمره مفرده‌ای بجا آورد، و اما در همان ماه، دو عمره مفرده اشکال دارد، و اگر کسی بخواهد در یک ماه بیش از یک عمره بجا آورد، به قصد رجاء انجام می‌دهد؛ یعنی به امید این که مطلوب درگاه الهی باشد (نه به نیت دستور قطعی) ولی بهتر آن است که زائران محترم به جای این‌گونه عمره‌های مکرر، به طواف پیردازند که مشروعیت آن مسلم است و اگر مثلاً در ماه رجب محرم شده و در ماه شعبان عمره را بجا آورده، انجام عمره دیگر در ماه شعبان اشکال دارد.

اعمال عمره مفرده

مسأله ۱۳۲۰. اعمال عمره مفرده هفت چیز است:

۱. احرام از میقات.
۲. طواف خانه خدا (هفت دور).
۳. نماز طواف.
۴. سعی صفا و مروه.
۵. تقصیر، یعنی کوتاه کردن مو و ناخن.
۶. طواف نساء.
۷. نماز طواف نساء.

مسأله ۱۳۲۱. طرز بجا آوردن احرام و طواف و سایر اعمال بالا درست مانند عمره حج تمتع است، با این تفاوت که در همه اینها نیت عمره مفرده می‌کند.

مسأله ۱۳۲۲. عمره مفرده در سه چیز با عمره تمتع تفاوت دارد:
 اول: این که در عمره تمتع باید تقصیر کند^۱؛ ولی مردان در عمره مفرده
 مخیرند بین تقصیر و سر تراشیدن.
 دوم: آن که در عمره تمتع، طواف نساء نیست؛ ولی عمره مفرده طواف
 نساء هم دارد.

سوم: این که میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنجگانه است؛ ولی در
 عمره مفرده علاوه بر میقاتهای مذکور، از ادنی الحل (مانند مسجد تنعیم)
 نیز می توان محرم شد.

مسأله ۱۳۲۳. برای عمره مفرده از هر یک از میقاتهای معروف، به
 خصوص مسجد شجره (نزدیک مدینه) می توان احرام بست؛ و نیز جایز
 است از «ادنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم محرم شد. ولی بهتر
 است از یکی از این سه محل: «حدیبیه»، «جعرانه» یا «تنعیم»، که نزد اهل
 مکه معروف است، احرام ببندد، اما برای کسانی که بعد از حج می خواهند
 عمره مفرده بجا آورند، آسانتر این است که به مسجد تنعیم بروند، که فعلاً
 داخل مکه است و حدود هشت کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد، و از
 آنجا محرم شوند، و چون داخل شهر است می توانند حتی در روز با ماشین
 سر پوشیده رفت و آمد کنند.

مسأله ۱۳۲۴. کسانی که مستقیماً از طریق جدّه برای عمره مفرده به مکه
 می آیند، باید از حدیبیه^۲ (که فاصله آن با مکه حدود ۱۷ کیلومتر است) یا

۱. یعنی قسمتی از مو یا ناخن خود را بچینند.

۲. حدیبیه در کنار جاده قدیم جدّه به مکه است، ولی محاذی آن در جاده جدید در
 نزدیکی پل شمیسیه مسجدی ساخته اند که از آنجا می توان محرم شد.

محاذی آن، محرم شوند، و اگر از طریق مدینه بروند، و در مسجد شجره محرم شوند، از همهٔ اینها بهتر است.

مسأله ۱۳۲۵. کسی که با احرام عمره مفرده وارد مکه می‌شود، در صورتی که در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) احرام بسته باشد، و بخواهد حج مستحبی انجام دهد جایز است آن را عمره تمتع قرار دهد، و به دنبال آن حج تمتع بجا آورد.

مسأله ۱۳۲۶. کسی که محرم به احرام عمره مفرده شود، همهٔ محرّمات احرام بر او حرام می‌گردد، و هنگامی که تقصیر کرد، یا سر را تراشید همه چیز، جز مسائل جنسی، بر او حلال می‌شود، و پس از انجام طواف نساء و نماز آن، مسائل جنسی نیز بر او حلال می‌گردد.

مسأله ۱۳۲۷. در عمره مفرده طواف نساء را باید پس از کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر بجا آورد.

استفتائات عمره مفرده

سؤال ۱۳۲۸. فرموده اید که: «در هر ماه قمری بیش از یک عمره نمی توان انجام داد» لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا در این مسأله بین دو عمره مفرده ای که برای خودش بجا می آورد، با دو عمره مفرده ای که هر دو، یا یکی از آنها را به نیابت از دیگران انجام می دهد، تفاوتی هست؟

جواب: تفاوتی نمی کند.

ب) آیا این حکم شامل عمره تمتع هم می شود؟ در چه صورت حاجی پس از اعمال حج می تواند عمره مفرده ای بجا آورد؟

جواب: در صورتی که عمره تمتع را مثلاً در ماه ذی القعدة بجا آورده باشد، می تواند پس از انجام اعمال حج، عمره مفرده ای بجا آورد.

سؤال ۱۳۲۹. هرگاه در یک ماه قمری دو عمره مفرده انجام دهد، و عمره دوم نیابتی باشد، آیا نایب می تواند برای انجام آن اجرت بگیرد؟ و چنانچه عمره مفرده بر منوب عنه واجب شده باشد، آیا چنان عمره ای کفایت می کند؟

جواب: لازم است احتیاط را مراعات کند، و چنانچه با اطلاع اجیر

کننده از آنچه انجام شده اجرت بگیرد اشکال ندارد؛ ولی کفایت کردن چنین عمره‌ای از عمره واجب محل اشکال است.

سؤال ۱۳۳۰. آیا انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است؟ آیا در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست؟
جواب: مانعی ندارد، و در این مسأله بین کسی که برای اولین بار به حج می‌رود و غیر او تفاوتی نیست.

سؤال ۱۳۳۱. همان گونه که عمره مفرده را قبل از عمره تمتع، هر چند در همان ماه قمری باشد، اجازه داده‌اید، آیا بعد از عمره تمتع و قبل از حج نیز می‌توان در همان ماه قمری عمره مفرده‌ای انجام داد، یا باید به قصد رجاء باشد؟
جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۳۳۲. در مواردی که فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه است، و شخص می‌خواهد برای خودش رجاءاً عمره مجدد بجا آورد، آیا کافی است به این شکل نیت کند: «محرّم می‌شوم به احرام عمره مفرده رجاءاً قرّبۀ الی الله»؟
جواب: کافی است.

سؤال ۱۳۳۳. هرگاه شخصی رجاءاً به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در تمام اعمال عمره کلمه رجاء را در نیت بیاورد، یا این کار لازم نیست؟
جواب: همین اندازه که نیت رجاء در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست کلمه رجاء را تکرار کند.

سؤال ۱۳۳۴. آیا طواف عمره مفرده مستحب، حکم طواف واجب را دارد، که باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد؟ یا حکم طواف مستحبی را دارد که در هر جای مسجد الحرام می‌توان آن را خواند؟

جواب: حکم طواف واجب را دارد، و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم باشد. البتّه به مقداری که میسر است.

سؤال ۱۳۳۵. شخصی عمره مفرده بجا آورده و بدون انجام طواف نساء به مدینه آمده، و اکنون می خواهد برای عمره تمتّع محرم شود. آیا مجاز است بدون انجام طواف نساء محرم گردد، و پس از انجام عمره تمتّع طواف نساء را بجا آورد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۳۶. اگر شخصی در عمره مفرده تقصیر را از روی جهل یا فراموشی بجا نیاورد، و طواف نساء را نیز ترک کند، و سپس به مسجد شجره برود، و برای عمره تمتّع محرم شود، و پس از انجام عمره تمتّع متوجّه گردد، تکلیف این شخص در دو فرض داشتن وقت کافی برای انجام دوباره عمره تمتّع و عدم آن چیست؟

جواب: در فرض مسأله چنانچه عمره مفرده را در ماههای حج بجا آورده، و می خواهد حج مستحبی انجام دهد، می تواند به عمره تمتّع عدول کند، چه وقت برای اعاده عمره تمتّع داشته باشد یا نه، ولی اگر حج واجب باشد بنا بر احتیاط کافی نیست، و باید پس از تقصیر صحیح به میقات بازگردد، و مجدداً برای عمره تمتّع محرم شود.

سؤال ۱۳۳۷. اگر شخصی چندین عمره مفرده بجا آورده، و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد، چند طواف نساء باید بجا آورد؟

جواب: یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می کند.

سؤال ۱۳۳۸. شخصی در عمره مفرده بدون این که تقصیر کند طواف نساء بجا آورده است. آیا عمره اش باطل است؟ اکنون وظیفه اش چیست؟

جواب: عمره‌اش باطل نیست، ولی احتیاط واجب آن است که پس از تقصیر طواف نساء را اعاده کند، و بدون آن همسر بر او حلال نمی‌شود.

سؤال ۱۳۳۹. اگر خانمی به نیت عمره مفرده محرم، و پس از آن عادت شود، و در همه روزهایی که در مکه است در حال عادت باشد، برای عمره مفرده باید چه کند؟ اگر بدون انجام اعمال به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد، و چنانچه به ایران آمده، باید برگردد و اعمالش را انجام دهد، و اگر نمی‌تواند برگردد، باید برای اعمال عمره نایب بگیرد، ولی باید خودش تقصیر نموده، و ترتیب بین تقصیر و سایر اعمال را مراعات کند، و تا اعمال عمره را انجام ندهد، در احرام باقی می‌ماند.

سؤال ۱۳۴۰. شخصی پس از بازگشت از مکه شک می‌کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر اجمالاً توجه به وجوب طواف نساء داشته، می‌گوید انجام داده‌ام، و اگر از وجوب آن اطلاع نداشته، احتیاط واجب آن است که طواف نساء را انجام دهد، و اگر خودش نمی‌تواند، نایب بگیرد.

سؤال ۱۳۴۱. زنی که احتمال می‌دهد عادت شود و نتواند داخل مسجد الحرام گردد، آیا می‌تواند برای عمره مستحبی محرم شود، و اگر عادت شد برای طواف و نماز نایب بگیرد؟ همچنین اگر بیمار احتمال دهد که نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد، آیا می‌تواند چنین کند؟

جواب: اشکال ندارد، و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شود برای طواف و نماز طواف نایب می‌گیرد، و بقیه را با رعایت ترتیب خودش انجام می‌دهد.

سؤال ۱۳۴۲. شخصی در دور پنجم سعی عمره مفرده بیمار شده، و نتوانسته اعمال عمره را به پایان برساند. بیماری اش شدت یافته، و به ایران منتقل می‌شود، و پس از بهبودی نتوانسته به مکه بازگردد، وظیفه او چیست؟

جواب: در صورتی که خودش نتواند به مکه بازگردد، شخصی را نایب می‌کند که سعی ناتمام او را تمام نموده، و سپس آن را اعاده نماید، و بعد از آن به منوب عنه اطلاع دهد تا تقصیر کند، و نایب پس از تقصیر منوب عنه طواف نساء و نماز آن را انجام می‌دهد.

سؤال ۱۳۴۳. آیا کسی که نمازش را غلط می‌خواند، و وقت تصحیح آن را ندارد، می‌تواند عمره مفرده مستحبی بجا آورد؟
جواب: اشکالی ندارد.

فصل پانزدهم:

مسائل متفرقه حج

۱. شرکت در نماز جماعت اهل سنت

مسئله ۱۳۴۴. هنگامی که در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» نماز جماعت برگزار می‌گردد، مؤمنین نباید از آن اماکن مقدسه خارج شوند، و نماز جماعت را ترک کنند. بلکه باید به همراه بقیه مسلمانان به نماز جماعت بایستند.

مسئله ۱۳۴۵. نماز جماعت‌های کاروانی و بزرگ در مسافرخانه‌ها و هتل‌های مکه و مدینه توسط شیعیان در صورتی که بتوانند در نماز جماعت حرمین شرکت کنند، اشکال دارد، ولی نماز جماعت چند نفری اشکال ندارد.

مسئله ۱۳۴۶. کسی که نمازش را در مسجدالحرام به شکل استداره (دایره وار) خوانده، به گونه‌ای که رو به روی امام جماعت، یا در سمت راست، یا در طرف چپ او ایستاده بوده، نمازش صحیح است، و نیاز به تکرار آن نیست؛ مشروط بر این که امام به حسب دایره یعنی از جهت فاصله به کعبه از دیگران جلوتر باشد.

مسأله ۱۳۴۷. رعایت اتصال صفوف در نماز جماعت با اهل سنت در مواردی که امکان دارد لازم است، بنابراین هرگاه عده‌ای از آنها با فاصله بایستند، به سراغ گروهی بروید که با امام اتصال دارند.

مسأله ۱۳۴۸. کسانی که برای شرکت در نماز مغرب یا ظهر به مساجد مکه و مدینه می‌روند، و در جماعت آنها شرکت می‌کنند، می‌توانند بعد از نماز جماعت، نماز عشا یا عصر خود را به طور فردی بجا آورند.

مسأله ۱۳۴۹. نمازهایی که همگام با سایر مسلمین به امامت اهل سنت اقامه می‌گردد صحیح است، و حتی در وسعت وقت نیاز به اعاده ندارد.

مسأله ۱۳۵۰. هرگاه رعایت اتصال صفوف جماعت مستلزم سجده بر فرش باشد، و اصرار نسبت به سجده بر سنگفرش مسجد مستلزم عدم رعایت اتصال باشد، باید اتصال را مراعات کند؛ هرچند بر فرش سجده نماید.

مسأله ۱۳۵۱. هرگاه با کمی تأخیر به نماز جماعت برسد، به گونه‌ای که مسلمین نماز خود را بسته، و با صفوف جلو اتصال معتبر نزد شیعه را ندارند، و امکان عبور از صفوف و رفتن به جایی که اتصال برقرار است نیز نمی‌باشد، یا مأمورین اجازه چنین کاری را نمی‌دهند، در همان جا که ممکن است اقتدا نموده، و همین نماز کفایت می‌کند و نیازی به اعاده نیست.

مسأله ۱۳۵۲. نمازهایی که بر اثر ازدحام جمعیت در پشت بام مسجدالتبی به جماعت برگزار می‌شود، کافی نیست و باید اعاده گردد؛ ولی در طبقات بالای مسجدالحرام با اتصال صفوف مانعی ندارد.

مسأله ۱۳۵۳. نماز جمعه با اهل سنت نیز کفایت از نماز ظهر می‌کند، و اعاده آن لازم نمی‌باشد، و اینها دستوراتی است که ائمه طاهرين عليهم السلام برای حفظ وحدت مسلمین به ما داده‌اند.

مسأله ۱۳۵۴. هرگاه مؤمنین زمانی به مسجد برسند که نماز جماعت تمام شده، ولی صفها هنوز به هم نخورده، اذان و اقامه ساقط است، و از این جهت تفاوتی با نماز جماعت شیعیان ندارد.

مسأله ۱۳۵۵. خواندن نماز قضا با نماز جماعت اهل سنت، مانعی ندارد.

مسأله ۱۳۵۶. با توجه به این که اگر اهل سنت یک رکعت از امام عقب بیفتند تجافی نمی‌کنند (و به صورت نیم خیز نمی‌نشینند)، انجام این کار برای شیعیان لازم نیست.

۲. سجده گاه

مسأله ۱۳۵۷. سجده کردن بر تمام انواع سنگها جایز است؛ چه مرمر باشد، یا سنگهای سیاه معدنی، یا سنگ گچ و آهک قبل از آن که پخته شود. بنابراین، سجده کردن بر تمام سنگفرشهای «مسجدالحرام» و «مسجدالتبی» که از این قبیل است اشکالی ندارد.

مسأله ۱۳۵۸. سجده کردن بر فرشهای مسجدالتبی مانعی ندارد، بلکه مهر گذاشتن جایز نیست، ولی اگر به سهولت به جایی که فرش نیست و برای سجده مناسب است دسترسی دارد و سبب حساسیت برادران اهل سنت نمی‌شود آن را مقدّم دارد؛ اما تأکید می‌شود از هر عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن می‌گردد اجتناب ورزند.

مسأله ۱۳۵۹. سجده بر حصیرهایی که در مکه و مدینه مورد استفاده حجّاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می‌شود، و حصیر مزبور با نخ مخلوط است، مانعی ندارد؛ مشروط بر این که موجب هتک و انگشت نما شدن نگردد.

مسأله ۱۳۶۰. چنانچه حاجی شیعه نمازش را به گونه‌ای انجام دهد که

معلوم نباشد حتی موافق نظر اهل سنت است، مثل این که بر پشت نمازگزاران صف جلو سجده کند (آن گونه که بعضی از عوام اهل سنت به هنگام ازدحام انجام می‌دهند)، یا اتصال صفوف را مراعات ننماید، باید نمازش را اعاده کند.

مسئله ۱۳۶۱. نمازهای شخصی که خیال می‌کرده سجده بر سنگفرشهای مسجدالحرام یا مسجدالتبی صحیح نیست، و بر پشت دست خود سجده نموده، صحیح نیست؛ مگر این که جاهل قاصر باشد.

مسئله ۱۳۶۲. حاجی مخیر است نماز را در محلی که ثواب فراوانی دارد (مانند روضه مطهره مسجدالتبی)، اما مجبور است بر فرش سجده کند بجا آورد، یا در جایی که ثواب کمتری دارد، ولی می‌تواند بر سنگ سجده نماید.

مسئله ۱۳۶۳. حجاج محترمی که در نماز جماعت اهل سنت بر روی ویلچر یا صندلی نماز می‌خوانند، به هنگام رکوع کمی خم می‌شوند، و به هنگام سجده کمی بیشتر، و نمازشان صحیح است، و لازم نیست کفشهای خود را بیرون آورند، یا مهر به پیشانی بچسبانند.

۳. نماز مسافر

مسئله ۱۳۶۴. مسافران مخیرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالتبی، بلکه در تمام شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر به جا آورند، و نماز تمام افضل است، و فرقی بین مکه و مدینه قدیم و امروز نیست.

مسئله ۱۳۶۵. با توجه به این که قصد اقامه عشره باید در یک محل، یا دو محل نزدیک به هم باشد (مثلاً با فاصله سه یا چهار کیلومتر) حجاج محترم نمی‌توانند با احتساب ایام عرفات و مشعر و منی قصد ده روز کنند، ولی

چنانچه قصد ده روز توقف در مکه کنند، و پس از گذشت ده روز به عرفات و مشعر و منی بروند، یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد برگردند، و به آن امکانه مقدسه بروند، نمازشان در همه این مکانها کامل است. زیرا در شرایط فعلی فاصله مکه تا عرفات به مقدار مسافت شرعیّه نیست.

مسأله ۱۳۶۶. هرگاه مدیر کاروان، با توجه به این که می داند توقف زائران در مکه یا مدینه کمتر از ده روز است، اعلام کند که ده روز می مانیم، و زوار با اعتماد به گفته او نمازشان را تمام بخوانند و روزه بگیرند، و قبل از ده روز از آنجا بروند، نماز و روزه زائران صحیح است؛ ولی مدیر کاروان نباید دروغ بگوید.

مسأله ۱۳۶۷. شخصی که قصد کرده تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی الحجه) در مکه اقامت کند، و به تصور این که از آغاز ورودش تا روز هشتم ذی الحجه ده روز خواهد بود نمازهایش را تمام خوانده، سپس متوجه شود که ده روز اقامت نخواهد داشت، باید نمازها را شکسته بخواند، و آنچه را تمام خوانده قضا کند.

۴. وقت نماز و روزه

مسأله ۱۳۶۸. نماز خواندن با اذان اهل تستن در نماز صبح و ظهر، چنانچه یقین یا گمان قابل ملاحظه‌ای به دخول وقت حاصل شود مانعی ندارد؛ ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمره زائل گردد. این در صورتی است که بخوانند در محل سکونت نماز فرادی بخوانند، ولی اگر با آنها نماز جماعت بخوانند رعایت این احتیاط لازم نیست، و اذان آنها کافی است.

مسأله ۱۳۶۹. کسانی که در ماه مبارک رمضان توفیق انجام عمره مفرده پیدا می‌کنند، هرگاه جهت نماز اول وقت به مسجدالحرام یا مسجدالتبی بروند، و قبل از زوال حمره به آنها اصرار کنند که افطار نمایند، مجاز هستند افطار کنند، و روزه آنها صحیح است، و نیازی به قضا ندارد.

۵. اعلان عید

مسأله ۱۳۷۰. هرگاه از سوی قاضی اهل سنت حکم شود که فلان روز عید قربان است، و ما یقین بر خلاف آن نداشته باشیم، متابعت از آنان لازم است. بلکه اگر یقین بر خلاف داشته باشیم (که غالباً چنین یقینی حاصل نمی‌شود)، نیز باید تبعیت کنیم، و نیازی به احتیاط نیست، و حج صحیح است.

۶. حج و خمس

مسأله ۱۳۷۱. هرگاه شخصی هزینه حج دیگری را بپردازد، و باذل اهل وجوهات شرعی نباشد، چنانچه یقین به وجود خمس در پول مزبور نباشد حج او اشکالی ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در آن دارد، لازم است خمس آن را بپردازد.

مسأله ۱۳۷۲. هرگاه کسی بدون این که خمس مال خود را بپردازد به عمره یا حج برود، و پس از بازگشت متوجه خطای خود شود، حج یا عمره او صحیح است، ولی در اولین فرصت اقدام به پاکسازی اموال خود کند.

مسأله ۱۳۷۳. شخصی که حساب خمسی ندارد هرگاه بخواهد به حج مشرف شود باید به اموال خود رسیدگی کند. چنانچه تاریخ اولین درآمدش را بداند، آنچه از اموال و دارایی‌ها که بر مبنای اولین در آمد، سال بر آن

گذشته خمس دارد، و اگر تاریخ اولین درآمد را نداند، آنچه در طول سال نزد او بوده خمس دارد، و آنچه مشکوک است خمس ندارد، و تخمیس لباس احرام کفایت نمی‌کند، بلکه باید تمام هزینه حج یا عمره تخمیس گردد. و بسیار بجاست که حجاج محترم از این فرصت الهی استفاده کرده و آنها که تا کنون تمام اموالشان را تخمیس نکرده‌اند خمس آن را بپردازند تا هم به وظیفه واجب خویش عمل کنند و هم مشمول برکات الهی شوند.

۷. لقطه (گمشده) حرم

مسئله ۱۳۷۴. هرگاه حاجی چیزی در حرم پیدا کند، احتیاط واجب آن است که بر ندارد.

مسئله ۱۳۷۵. اگر لقطه (گمشده) حرم را برداشت، چنانچه قیمت آن کمتر از یک درهم^۱ باشد می‌تواند آن را تملک و مصرف نماید، و اگر تملک نکرد و کوتاهی نمود ضامن نیست، ولی اگر بدون قصد تملک آن را نزد خود نگاه داشت، و در نگهداری آن کوتاهی و تفریط کرد، ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و قبل از آن که آن را مصرف کند صاحبش پیدا شد، باید آن را به صاحبش بازگرداند.

مسئله ۱۳۷۶. هرگاه لقطه حرم را، که یک درهم یا بیشتر ارزش دارد بردارد، باید اگر می‌تواند آن را به شخصی مطمئن سپارد تا در صورت امکان یک سال در جستجوی صاحبش باشد و اعلام کند^۲، و اگر بعد از

۱. یک درهم ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار است، که قیمت فعلی آن (سال ۱۳۹۱) حدود ده هزار تومان است.

۲. چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته هر روز، و پس از آن تا یک سال هفته‌ای یک بار، در محل اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.

یک سال صاحبش پیدا نشد، و امیدی به پیدا شدن صاحبش ندارد، آن را صدقه می‌دهد، ولی چنانچه پس از صدقه دادن، صاحبش پیدا شود و راضی به صدقه نگردد، احتیاط واجب آن است که قیمت آن را به او بدهد، و در هر حال تملک چنین لقطه‌ای جایز نیست، و چنانچه تملک کند مالک نمی‌شود، و ضامن آن است، و اگر از ابتدا نسبت به پیدا کردن صاحبش کاملاً مایوس باشد می‌تواند بلافاصله آن را از طرف صاحب اصلی به شخص نیازمندی صدقه دهد.

مسأله ۱۳۷۷. هرگاه زائرین در مکه یا مدینه پولی پیدا کنند، و ندانند که متعلق به زوار ایرانی است یا غیر ایرانی، در صورتی که از یافتن صاحبش مایوس باشند، احتیاط واجب آن است که آن را از طرف صاحبش به فقیری صدقه دهند.

۸. استفتائات مرتبط با مسائل حج

سؤال ۱۳۷۸. شخصی که مقلد هیچ یک از مراجع بزرگوار تقلید نبوده، در این مدت مکه هم رفته اکنون می‌خواهد تقلید نماید، آیا عبادت‌هایش صحیح است؟

جواب: هرگاه اعمالش مطابق فتوای مرجعی که فعلاً وظیفه‌اش تقلید از اوست باشد، صحیح است.

سؤال ۱۳۷۹. قرآنهایی در مسجدالحرام وجود دارد که بر روی بعضی از آنها جمله «وقف لله تعالی» نوشته شده، و بر تعدادی نیز این جمله نوشته شده است. لطفاً در مورد قرآنهای مذکور به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف) در بین حجّاج مشهور است که برداشتن قرآنهایی که جمله مذکور

در آن وجود ندارد، جایز است. آیا این سخن صحیح است؟
جواب: برداشتن آنها بدون اجازهٔ مسؤولین مربوطه جایز نیست،
 و کسانی که بدون اجازه برداشته‌اند، باید بازگردانند.

(ب) گاهی از اوقات مسؤولین مسجدالحرام قرآنهایی که جملهٔ مذکور
 روی آن نوشته شده را به حجّاج هدیه می‌کنند. آیا گرفتن چنان قرآنهایی
 جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۸۰. آیا می‌توان قطعه سنگی از مشاهد مشرفه، مانند مشعر، به
 عنوان تبرک برداشت؟

جواب: احتیاط در ترک آن است.

سؤال ۱۳۸۱. گاه دیده می‌شود که برخی از حجّاج محترم به عنوان تبرک
 مقداری از خاک قبرستان بقیع را برداشته، و همراه خود به ایران می‌آورند.
 آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟ اگر جایز نباشد، وظیفهٔ فعلی
 آنها چیست؟

جواب: این کار جایز نیست، و احتیاط آن است که آن را برگردانند.

سؤال ۱۳۸۲. سال گذشته یکی از دوستان، که به حج مشرف شده بود، دو
 قطعه سنگ از غار حرا به عنوان هدیه برایم آورد. سنگها را در مکان
 مناسبی نهاده، و هر چند روز یک بار به عنوان تبرک آنها را می‌بوسم
 و زیارت می‌کنم. آیا این عمل شرک محسوب می‌شود؟

جواب: این کار ذاتاً حرام نیست؛ اما از این جهت که ممکن است
 منشأ برداشتهای سوء بدخواهان، یا بدعت گردد، لازم است از آن
 خودداری شود.

سؤال ۱۳۸۳. آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی، که در بازار مسلمین از جمله مکه و مدینه به فروش می‌رسد، جایز است؟

جواب: اگر ندانند از کجا وارد شده، یا بدانند از کشورهای اسلامی است، مانعی ندارد، و اگر یقین داشته باشند از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، در صورتی استفاده از آن جایز است که وارد کننده آن مسلمان باشد، و احتمال داده شود که او شرایط شرعی ذبح را احراز کرده، و در دسترس مسلمانان قرار داده است، یا روی آن جمله «ذبح شرعی» نوشته شده باشد و کنسروهای ماهی‌های فلس دار در هر حال حلال است.

سؤال ۱۳۸۴. اگر شخصی مبلغی ارز به فردی بدهد، و عوض آن را پول ایرانی بگیرد چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مخالف مقررات نباشد، و با رضایت همدیگر باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۸۵. هنگامی که قسمتی از مسجدالحرام نجس می‌شود، مأمورین به شکل زیر آن را تطهیر می‌کنند:

«ابتدا عین نجاست را برطرف نموده، سپس ظرف آب قلیلی بر روی محلّ نجس می‌ریزند، و در مرحله سوم آبهای ریخته شده را جمع می‌کنند». با توجه به این نوع تطهیر، یقین به نجاست تمام مسجدالحرام حاصل می‌شود. آیا سجده بر سنگهای مذکور در فرض سؤال جایز است؟

جواب: علم به نجاست تمام مسجد پیدا نمی‌شود، و به شک نباید اعتنا کرد، و این نیز نوعی تطهیر است.

سؤال ۱۳۸۶. اگر شخصی در مسجدالحرام یا مسجدالنبی محتلم شود، برای تیمم چه نیتی کند؟

جواب: باید فوراً خارج شود، و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت می‌کند؛ مگر این که زمان خروج کمتر از زمان تیمم باشد، که بدون تیمم فوراً خارج می‌شود.

سؤال ۱۳۸۷. آیا عبور و مرور حائض و جنب، از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی جایز است؟

جواب: جایز نیست، و فرقی میان قسمت قدیم و جدید نیست.

سؤال ۱۳۸۸. اگر بعضی از ورثه بدون پرداختن سهم سایر ورثه و با تصاحب کل مال الارث به حج بروند، حج آنها چه حکمی دارد؟ صلۀ رحم با چنین اشخاصی چگونه است؟

جواب: هرگاه سهم الارث بعضی از ورثه پرداخت نشود، به صورت مشاع در اموال بقیه می‌ماند، و تصرف در آن حرام است. و اگر با همان پول حج بروند، و لباس احرام و قربانی را از آن تهیه کنند، حج آنها نیز اشکال دارد. و تا سهم الارث بقیه را نپردازند، آن مال حکم مال غصبی را دارد. و اگر صلۀ رحم با چنین اشخاصی سبب جرأت و جسارت آنها بر حرام شود، جایز نیست، و اگر ترک صلۀ رحم باعث نهدی از منکر شود، واجب است، و چنانچه صلۀ رحم و ترک آن تأثیری در نهدی از منکر نداشته باشد، صلۀ رحم را ترک نکنند.

سؤال ۱۳۸۹. خرید و فروش فیش حج چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه صاحب فیش مستطیع نباشد، یا حج واجبش را انجام داده باشد، و این کار مخالف مقررات حکومت اسلامی نباشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۰. پدرم وصیت نموده که به جای او حج بروم، در صورتی که

چیزی به ارث نگذاشته است. آیا عمل به این وصیت واجب است؟ آیا می‌توانم برای خودم به مکه بروم، و کسی را اجیر کنم تا از طرف پدر حج بجا آورد؟ آیا قربانی برای او و خودم هر دو واجب است؟

جواب: اگر مالی از خود نگذاشته، بر شما واجب نیست برای او حج بجا آورید. و اگر خودتان مایل باشید، می‌توانید کسی را در آنجا نایب بگیرید که برای او حج بجا آورد، و هر کدام باید یک قربانی ذبح کنید.

سؤال ۱۳۹۱. در کشوری مانند کشور ما، که عده فراوانی در انتظار نوبت برای رفتن به حج واجب هستند، و شاید أجل به بعضی از آنها مهلت ندهد، آیا جایز است عده‌ای برای مرتبه دوم و سوم یا بیشتر، به حج مشرف شوند، و جای آنها را بگیرند؟

جواب: بهتر است رعایت حال آنها را بکنند.

سؤال ۱۳۹۲. بعضی از متمکین که حج واجب خود را بجا آورده‌اند، معتقدند هزینه حج‌های مکرر استحبابی صرف کارهای خیر گردد، و بعضی اصرار به انجام حج‌های استحبابی دارند. کدام بهتر است؟

جواب: هر کدام در جای خود خوب است.

سؤال ۱۳۹۳. منظور از مشقت یا عسر و حرج، که در بعضی از مسائل به آن اشاره کرده‌اید چیست؟ آیا مشقت و عسر و حرج شخصی ملاک است، یا نوعی؟

جواب: منظور از عسر و حرج شخصی است.

سؤال ۱۳۹۴. آیا قصد باطل کردن عمره یا حج، یا قسمتی از مناسک آن (بدون آن که هنگام قصد ابطال عمل را ادامه دهد) موجب بطلان آن می‌گردد؟

جواب: قصد ابطال موجب بطلان نمی‌گردد.

سؤال ۱۳۹۵. خدمه کاروانها که نمی‌توانند با لباس احرام خدمت کنند،

و قصد دارند بدون احرام در عرفات و منی باشند، برای ورود به مکه چه کنند؟

جواب: می‌توانند برای ورود به مکه عمره مفرده انجام دهند، و برای حج محرم نشوند، ولی کسانی که مستطیع هستند نباید این کار را قبول کنند، و باید عمره و حج تمتع را بجا آورند، و در هر صورت، اگر در حال احرام لباس دوخته معمولی بپوشند، حج آنها صحیح است؛ ولی باید کفاره بدهند.

سؤال ۱۳۹۶. غسل احرام، زیارت و مانند آن، تا چه زمانی اعتبار دارد؟ و با چه چیزهایی باطل می‌شود؟

جواب: تا یک روز معتبر است؛ و اگر حدث اصغر از او سرزند، به قصد رجا آن را اعاده می‌کند، ولی واجب نیست.

سؤال ۱۳۹۷. آیا طلب رحمت برای بانیان، حافظان و خدمتکاران مسجدالحرام و مسجدالتبی، که زحمات فراوانی را متحمل می‌شوند، جایز است؟

جواب: در صورتی که معاند پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نباشند، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۹۸. بعضی از حجّاج سهمیه موادّ خوراکی و مصرفی خود (همچون نوشابه، موز، پرتغال، سیب، پنیر، آبمیوه، صابون، شامپو و مانند آن را) که در ایّام سفر مورد استفاده قرار نداده‌اند، با خود به ایران می‌آورند. این کار چه حکمی دارد؟ آیا استفاده از آن مواد جایز است؟

جواب: در صورتی که واقعاً جنبه سهمیه داشته باشد مانعی ندارد؛ ولی اگر تنها جنبه اباحه تصرف دارد، فقط حق دارند در آنجا مصرف کنند، ولی با خود بردن جایز نیست.

سؤال ۱۳۹۹. انجام حج با مال حرام، یا مال مشتبه به حرام چگونه است؟
جواب: با مال حرام جایز نیست؛ ولی اگر مال او مشتبه به حرام است، ولی یقین به حرمت آن ندارد، می‌تواند آن را صرف حج کند. مشروط بر این که از نظر ظاهر محکوم به حلیت باشد؛ یعنی از طریق ظاهراً حلال به دست آورده است.

سؤال ۱۴۰۰. شک در اعمال حج یا عمره چه حکمی دارد؟
جواب: هرگاه پس از شروع در عملی که بعد از آن است شک کند، اعتنا ننماید؛ چه شک در انجام آن داشته باشد، یا شک در صحیح بجا آوردن آن.

فصل شانزدهم:

حج و عمره کودکان

مسئله ۱۴۰۱. اگر شخص غیر بالغ موفق بر انجام مناسک حج شود، حج او صحیح است، ولی کفایت از حج واجب (حجّه الاسلام) نمی‌کند؛ یعنی اگر بعد از بلوغ مستطیع شد، باید دوباره حج را بجا آورد.

مسئله ۱۴۰۲. هرگاه کودک ممیزی برای حج مُحرم شود، و در مشعر الحرام یا قبل از آن به سنّ بلوغ برسد، حج او صحیح است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، کفایت از حجّ واجب نمی‌کند.

مسئله ۱۴۰۳. رفتن به حج برای کودک ممیز مستحب است، و حجّ او، حتی بدون اجازه ولیّش، صحیح می‌باشد، اما اگر در اموال خود تصرف می‌کند باید به اذن ولیّ باشد؛ ولی همان گونه که گذشت، چنانچه پس از بلوغ مستطیع گردد، حجّی که در زمان کودکی به جای آورده کافی نیست، و باید دوباره به حج برود.

مسئله ۱۴۰۴. اگر کودک نابالغ قبل از احرام عمره تمتّع بالغ گردد، حجّ وی حجّه الاسلام محسوب می‌شود و کافی است که از همان محل مستطیع باشد؛ ولی اگر بعد از احرام بالغ گردد، کفایت نمی‌کند.

مسأله ۱۴۰۵. اگر پدر یا مادر، کودک غیر ممیز را همراه خود به مکه ببرد، واجب نیست او را مُحرم نموده، یا از طرف او حج انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد، باید وظایف و اعمال را مطابق احکام شرع انجام دهد، و اگر او را محرم نکرده، چیزی بر آن کودک نیست.

مسأله ۱۴۰۶. احتیاط آن است که بچه‌ای که مشاعرش به گونه‌ای است که گاه به نماز می‌ایستد، ولی ناگهان نماز را رها می‌کند، را محرم نکنند.

مسأله ۱۴۰۷. نیابت از بچه، یا دیوانه‌ای که حج بر او مستقر نشده خالی از اشکال نیست.

مسأله ۱۴۰۸. نیابت غیر بالغ اشکال دارد؛ هر چند اگر چندین بار به مکه مشرف شده، و به تمام مناسک و احکام حج آگاهی داشته، و نزدیک سن بلوغ باشد، نیابت غیر بالغ در بقیه عبادات نیز اشکال دارد.

مسأله ۱۴۰۹. هرگاه ولی کودک وی را محرم کند، باید او را وادار نماید تا آن مقدار از اعمال حج و عمره را که می‌تواند بجا آورد، و اگر نمی‌تواند، ولی به نیابت از وی انجام دهد.

مسأله ۱۴۱۰. اگر مادری، دختر بچه (مثلاً) سه ساله‌اش را در سفر مکه معظمه همراه ببرد، و آنچه از اعمال را که دختر بتواند انجام دهد او را وادار به انجام آن کند، و آنچه را قادر نیست مادر به نیابت از او انجام دهد، حج این دختر صحیح است، و پس از رشد و بلوغ می‌تواند ازدواج کند.

مسأله ۱۴۱۱. کودکان می‌توانند برای عمره یا حج مُحرم شوند، اگر خودشان تمیز بدهند «لَبَّيْكَ» را همراه با نیت می‌گویند، و اگر غیر ممیز باشند ولی یا کسی با اجازه ولی از طرف آنها نیت می‌کند و لبّیک می‌گوید.

مسأله ۱۴۱۲. مستحب است ولی طفل غیر ممیز، یا هر کسی که عهده‌دار

کارهای کودک است او را محرم کند، و لباس احرام بر وی بپوشاند، و از طرف او نیت کند؛ یعنی به هنگام عمره تمتع بگوید: «این طفل را محرم می‌کنم به عمره تمتع قربه الی الله» و به هنگام حج تمتع بگوید: «این طفل را محرم می‌کنم برای حج تمتع قربه الی الله»، و در صورت امکان او را وادار کند که لبتیک بگوید، و اگر توانایی ندارد خودش از طرف او لبتیک بگوید؛ اما اگر ولی می‌ترسد که نتواند وظایف مربوط به کودک را بدرستی انجام دهد، بهتر است از محرم کردن وی صرفنظر کند.

مسئله ۱۴۱۳. اگر بچه ختنه نشده را وادار به احرام کنند، یا او را محرم نمایند، احرام و تمام طواف‌های او صحیح است؛ زیرا در طواف صبی ختان شرط نیست.

مسئله ۱۴۱۴. پس از آن که کودک محرم شد، یا او را محرم نمودند، ولی یا سرپرست او باید او را از محرمات احرام باز دارد، و اگر ممیز نیست، او را از محرمات احرام حفظ کند.

مسئله ۱۴۱۵. اگر کودک محرم مرتکب یکی از محرمات احرام شد، کفاره آن در صید بر عهده ولی اوست، نه آن که از اموال طفل بپردازد، و احتیاط مستحب آن است که در غیر صید نیز ولی از طرف او کفاره بدهد.

مسئله ۱۴۱۶. مرد محرم هنگام سفر نباید زیر سایه برود، یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرد. بنابراین، سوار شدن بر هواپیما، یا اتومبیل سر پوشیده، و مانند آن، هنگام روز برای مردان محرم جایز نیست؛ ولی برای زنان و بچه‌ها جایز است، و کفاره‌ای هم ندارد.

مسئله ۱۴۱۷. اگر بچه‌های کوچک در حال طواف یا سعی به خواب بروند، یا در قنடைه خود بول کنند، در هر دو صورت حج آنها صحیح است؛ این شاء الله.

مسأله ۱۴۱۸. هرگاه کودک نابالغی با اجازه پدرش محرم شود و طواف نیمه کاره را به تصوّر این که همین مقدار کافی است رها کرده، و سعی را نیز از طبقه دوم انجام داده باشد، سعی و طوافش باطل است، و باید طواف و نماز و سعی را اعاده نموده، سپس تقصیر کند.

مسأله ۱۴۱۹. پیرمردان، بیماران، کودکان، و تمام اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی باید همراه آنها باشند، و آنها که می ترسند در ازدحام جمعیت صبح روز عید اذیت شوند، می توانند شبانه (بعد از مقداری توقّف در مشعر الحرام و ذکر خدا) به منی بروند، و همان شب نیز رمی جمره عقبه کنند؛ ولی احتیاط مستحب آن است که قبل از نصف شب از مشعر حرکت نکنند.

مسأله ۱۴۲۰. لازم است شخصی به نیابت از بچه ها، بیماران و کسانی که به واسطه عذری نمی توانند شخصاً رمی کنند، رمی جمرات را انجام دهد؛ البتّه این کار باید با اذن و اجازه آن افراد باشد، و در مورد بچه های غیرممیّز اذن ولیّشان لازم است.

مسأله ۱۴۲۱. قیمت گوسفند قربانی در حج بر ولیّ طفل محرم است.

سؤال ۱۴۲۲. هرگاه کودک نابالغی که خوب و بد را از هم تشخیص می دهد (و ممیّز است) تمام اعمال حج را به طرز صحیح انجام دهد، از ضرورت بودن خارج می گردد ولی به فتوای ما حلق برای ضروره نیز واجب نیست.

مسأله ۱۴۲۳. طواف نساء بر مرد و زن، پیر و جوان، متأهل و مجرّد، و حتی کودکان ممیّز و خنثی واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود، بلکه احتیاط واجب آن است که اگر کودک غیر ممیّز را به حج آورده، و محرم کرده اند، ولی او همراه او طواف نساء را بجا آورد.

مسألهٔ ۱۴۲۴. اگر شخصی، طواف نساءهای متعددی را ترک کرده باشد، یک طواف نساء برای همهٔ آنها کافی است، و در این حکم (ترک طواف نساء) فرقی میان زن و مرد و کودک نیست؛ زیرا طواف نساء بر همه لازم است، و بدون آن همسر برای او حلال نمی‌شود.

فصل هفدهم:

چهل مسأله مهم و محلّ ابتلا در حجّ و عمره

۱. استفاده از ماشینهای سرپوشیده در حال احرام در شبها، یا بین الطلوعین، یا روزهای کاملاً ابری، که سایبان تأثیری برای حفظ از آفتاب و باران ندارد، جایز است، همچنان که سوار ماشین سر پوشیده شدن در حال احرام در داخل شهر مکه مانعی ندارد (خواه در روز باشد، یا در شب)، ولی بهتر است در آن قسمت که از حرم بیرون است (یعنی آن طرف که از مسجد تنعیم فراتر می‌رود) احتیاط کند، اما با توجه به این که قسمتهای بعد از تنعیم هم جزء شهر مکه است، احتیاط مذکور واجب نیست.
۲. اگر بدون اختیار چشم مُحرم به آینه بیفتد، اشکالی ندارد، و بهتر است که در ایام احرام حج یا عمره، در اطاق‌هایی که افراد مُحرم سکونت دارند، و همچنین در مسیر رفت و آمد آنها، مانند داخل آسانسورها، روی آینه‌ها چیزی بیندازند، که نگاه غیر اختیاری نیز به آن نیفتد.
۳. احتیاط واجب آن است که مُحرم حشرات (مانند پشه، زنبور، مگس، ملخ و امثال آن را) نکشد؛ چه روی بدن یا لباس او باشد، یا جای دیگر،

و نیز هیچ جنبنده‌ای را به قتل نرساند، مگر این که مایهٔ آزار او شود، یا حیوان موذی و خطرناکی باشد؛ (مانند مار و عقرب). و اگر عمداً آنها را بکشد کفاره دارد، و کفارهٔ آن مقداری غذا است؛ (مثلاً یک نان به فقیر بدهد)، بنابراین باید موقع راه رفتن مواظب ملخها و مورچه‌ها و مانند آن باشد.

۴. لازم نیست طواف در فاصلهٔ بین مقام ابراهیم و خانهٔ کعبه باشد؛ بلکه در تمام مسجدالحرام طواف جایز است؛ (به خصوص هنگام ازدحام جمعیت) ولی در صورت امکان بهتر است از فاصلهٔ مزبور تجاوز نکند.

۵. لازم نیست شانهٔ چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد؛ بلکه همین اندازه که مطابق معمول همهٔ مردم، خانهٔ کعبه را دور بزند کافی است. ۶. هرگاه جمعیت طواف کننده به قدری زیاد باشد که انسان را با فشار و بدون اختیار به پیش ببرد، ضرری برای طواف ندارد، و همین اندازه که از آغاز نیت می‌کند که برای طواف به میان جمعیت برود کافی است. هر چند می‌داند فشار جمعیت او را به جلو می‌برد.

۷. طواف در طبقهٔ دوّم مسجدالحرام در مقام ضرورت اشکال ندارد. بنابراین، کسانی که مجبور هستند از آنجا طواف کنند طوافشان صحیح است، و نایب گرفتن لازم نیست.

۸. محلّ نماز طواف واجب، پشت مقام ابراهیم است؛ ولی اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد، می‌توان عقب‌تر نماز خواند. به خصوص، در مواقعی که جمعیت طواف کننده به قدری زیاد است که به پشت مقام ابراهیم می‌رسد، در این صورت نباید مزاحم طواف کنندگان شد، و اصرار بر خواندن نماز در پشت مقام داشت، و کارهایی که بعضی از عوام انجام می‌دهند، و دستها را زنجیر می‌کنند، و مزاحم طواف کنندگان می‌شوند، صحیح نیست؛ اما نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد می‌توان خواند.

۹. خواندن نماز طواف به جماعت اشکال دارد، حتی به عنوان احتیاط، و افراد باید حمد و سوره را به قدر امکان اصلاح کنند، و خودشان بخوانند.
۱۰. سعی صفا و مروه در طبقه بالا جایز نیست؛ مگر این که از دحام به قدری زیاد باشد که سعی در طبقه پایین مشقت شدید داشته باشد.
۱۱. هنگام سعی صفا و مروه کافی است مقداری از سربالایی صفا و مروه را طی کند، و لازم نیست به قسمت لخت کوه برسد، و پای خود را به آن بچسباند. زیرا سربالایی مفروش در صفا و مروه جزء کوه است و سعی در زیرزمین صفا و مروه اشکالی ندارد.
۱۲. نشستن در حال طواف واجب، برای رفع خستگی مانعی ندارد؛ ولی احتیاط آن است که موالات عرفی به هم نخورد، یعنی فاصله زیاد نشود؛ اما نشستن در حال سعی، برای رفع خستگی و مانند آن به هر مقدار مانعی ندارد؛ خواه در صفا باشد، یا در مروه، یا در میان آن دو.
۱۳. لازم نیست سنگها به ستون و دیواره جمره اصابت کند، بلکه کافی است در حوضچه اطراف بیفتد؛ زیرا جمره همان محل اجتماع سنگهاست.
۱۴. رمی جمرات از طبقات بالا مانعی ندارد، و کسانی که در روز نمی‌توانند رمی کنند، می‌توانند شب قبل یا بعد از آن رمی نمایند.
۱۵. قربانی کردن در هر یک از قربانگاههای موجود جایز است، هر چند خارج از محدوده منی است؛ مشروط بر این که گوشتها تلف نشود.
۱۶. بهتر است قربانی را روز عید ذبح کنند؛ ولی تأخیر آن تا روز سیزدهم نیز جایز است.
۱۷. لازم نیست ذابح شیعه باشد؛ بلکه هر مسلمانی که ذبیحه او پاک و حلال است می‌تواند ذبح کند.

۱۸. سر بریدن و ذبح حیوانات، برای قربانی یا غیر آن، با چاقوهای استیل و فلزات دیگر، اشکالی ندارد.

۱۹. قربانی را می‌توان شخصاً ذبح نمود، یا به شخص دیگری که به او اطمینان دارد نیابت داد. خواه مدیر کاروان باشد، یا اعضای بعثه حج، یا بعضی از دوستان (معیار اطمینان داشتن به کار نایب است). و لازم نیست وکیل نام صاحب قربانی را بداند، همین اندازه که نیت او را کند کافی است، هر چند بردن نام او به هنگام ذبح بهتر است، و اگر کسی بدون گرفتن وکالت از طرف دیگری قربانی کند صحیح نیست.

۲۰. مسلمانان باید کاری کنند که گوشتهای قربانی از بین نرود، و مجبور به سوزاندن و دفن کردن آن نباشند؛ زیرا این کار اسراف و حرام است، و ادلّه قربانی شامل آن نمی‌شود، و چنانچه مستحقیقی در منی یافت نشوند، لازم است آن را به سایر بلاد اسلامی ببرند، و به فقرا و مؤمنان بدهند، و یا پول آن را کنار بگذارند و هنگام بازگشت در محل خود قربانی کنند، و یا با دوستان خود هماهنگ کند که در همان روز بعد از رمی جمره قربانی کنند؛ و هر یک از اینها کافی است.

۲۱. تا آنجا که ممکن است باید قربانی را در قربانگاههای موجود انجام داد، و از تلف شدن گوشت آن جلوگیری کرد؛ اما اگر بعد از تلاش و کوشش، یقین پیدا کند که راهی برای استفاده از گوشت قربانی نیست، و حتماً ضایع می‌شود، باید از قربانی در آنجا صرفنظر کند، و پول آن را کنار بگذارد، و هنگام بازگشت در محلّ خود قربانی نماید. البتّه در ماه ذی الحجّه همان سال، و اگر ممکن نشد در ماه ذی الحجّه سال آینده قربانی می‌کند، و می‌تواند به وسیله تلفن با دوستان خود هماهنگ کند که در همان روز بعد از رمی جمره قربانی کنند؛ ولی این کار واجب نیست.

۲۲. استفاده از وسایل ماشینی برای ذبح حیوانات مانعی ندارد، ولی شرایط ذبح شرعی^۱ مانند رو به قبله بودن و بسم الله گفتن و غیر آن باید رعایت شود.

۲۳. بهتر است هنگام ازدحام جمعیت، طواف متسحبی را ترک کرد، و محلّ طواف را برای کسانی که طواف واجب می‌کنند آزاد گذاشت.

۲۴. میقات برای احرام حجّ تمتّع مکه است، و از هر جای مکه باشد کافی است، و فرقی میان مکه قدیم و جدید نیست؛ حتی از محلاتی از مکه که امروز به طرف منی گسترش یافته می‌توان احرام بست؛ اما احتیاط واجب آن است که از نقاطی از شهر مکه که از مسجد تنعیم^۲ دورتر، است یعنی از محدوده حرم بیرون می‌باشد، احرام نبندد؛ و بهتر از همه جا مسجدالحرام است.

۲۵. کارکنان کاروانها و بعثه حج، و تمام کسانی که حجّ واجب خود را قبلاً بجا آورده‌اند و انجام مراسم حج برای آنها مشکل است، می‌توانند از اول نیت عمره مفرده کنند، و آن را کامل کرده و از احرام بیرون آیند، و بعد از آن برای رفتن به عرفات و مشعر و منی، یا نرفتن و ماندن در مکه و رسیدگی به کارها آزادند. البته اگر به عرفات و مشعر و منی می‌روند نیت وقوف نکنند، ولی برای حفظ ظاهر می‌توانند لباس احرامی (بدون نیت) بپوشند، و در بازگشت از عرفات تجدید عمره لازم نیست.

۲۶. حجاج محترمی که در مکه مکرمه قصد اقامه ده روزه می‌کنند،

۱. شرح این مطلب در مسأله ۲۲۲۳ توضیح المسائل ما آمده است.

۲. مسجد تنعیم نزدیکترین حدّ حرم است.

نباید در این ایام از حدّ ترخص خارج شوند؛ ولی می‌توانند برای یکی دو ساعت به عرفات بروند و باز گردند.

۲۷. نماز خواندن با اهل سنت و شرکت در جماعات آنها در ایام حج و مانند آن، برای حفظ وحدت مسلمین از مستحبات مؤکد و موجب تقویت صفوف در برابر دشمنان است، و در روایات معصومین علیهم‌السلام^۱ تأکیدات فراوانی درباره آن شده است، و چنین نمازی کفایت از نماز واجب می‌کند، و اعاده آن لازم نیست.

۲۸. حجاج محترم می‌توانند در مسأله وقت نماز و مانند آن از آنها پیروی نمایند، و با آنها نماز بخوانند، و برای سجده اگر بتوانند، روی سنگهای کف مسجد سجده نمایند (زیرا سجده بر تمام آن سنگها جایز است) و اگر نتوانند، روی فرش سجده می‌کنند، و لازم نیست دست بسته نماز بخوانند، یا بعد از حمد آمین بگویند.

۲۹. زوّار عزیز خانه خدا در مورد هلال ماه ذی الحجّه می‌توانند از آنها پیروی کنند، و کسانی که به هنگام افطار روزه در مسجدالحرام یا سایر مساجد آنان حضور دارند، هرگاه به آنها اصرار بر افطار کنند، مانعی ندارد همزمان با آنها افطار نمایند، و روزه آنها صحیح است.

۳۰. استفاده از بادبزین، یا حصیرهای بدون نخ، یا حصیرهای معمولی که نخ نازکی دارد، برای سجده کردن در همه حال جایز است، و لزومی ندارد از مهر استفاده شود که مخالفان به خاطر تبلیغات نادرست روی آن حساسیت دارند. بلکه استفاده از مهر در بعضی از مواقع - که باعث بدبینی و اعتراض می‌شود - اشکال دارد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۱، ح ۱.

۳۱. روحانیون کاروانها، خدمه، کارکنان بعثه‌ها، کارمندان بانکها، پزشکان، پرستاران، و تمام کسانی که به هر عنوان به حج دعوت می‌شوند می‌توانند قصد حجّ واجب کنند؛ هر چند مستطیع نباشند، و همین دعوت سبب استطاعت آنها می‌شود، و حجّ دیگری بر آنها واجب نیست.

۳۲. احتیاط واجب آن است افرادی که حجّ نیابتی انجام می‌دهند و سال اول آنهاست بعد از اتمام حج، عمره مفرده‌ای (با طواف نساء) برای خود بجا آورند.

۳۳. احتیاط مستحب آن است افراد معذور که ناچارند بعضی از اعمال حج را ترک کنند نایب و اجیر نشوند؛ ولی عذرهایی که برای افراد در سفر حج پیدا می‌شود، مانند تیمّم، جبیره، و نرسیدن به بعضی از وقوفهای اختیاری، و امثال آن، مانع از عمل نایب نخواهد شد؛ بلکه مطابق دستور عمل می‌کند، و حجّ نیابتی او صحیح است. همچنین اگر بر اثر ضیق وقت مجبور به عدول از حجّ تمتّع به حجّ افراد شود. ولی کسانی که بر اثر بیسوادی یا کم سوادى قادر بر اصلاح حمد و سوره خود نیستند، نیابت قبول نکنند؛ هر چند حجّشان برای خودشان در صورت ناچاری صحیح است.

۳۴. نایب و اجیر باید اعمال حج را مطابق اجتهاد یا تقلید خودش بجا آورد، نه اجتهاد یا تقلید شخصی که برای او نیابت می‌کند.

۳۵. زوّار خانه خدا مخیرند نماز خود را در مسجدالحرام و مسجدالنبی، بلکه در همه شهر مکه و مدینه، تمام یا قصر بخوانند، و نماز تمام افضل است، و فرقی میان مکه و مدینه قدیم و جدید نیست.

۳۶. کسانی که پیش از رفتن به عرفات قصد ده روز در مکه کرده‌اند،

و نیت نداشته‌اند قبل از ده روز از مکه خارج شوند، هنگامی که به عرفات و مشعر و منی می‌روند نمازشان در آنجا تمام است، و این مسافت گرچه در گذشته به اندازه چهار فرسخ بوده، ولی امروز به سبب توسعه مکه کمتر شده و مسافت قصر نیست.

۳۷. مسافر می‌تواند برای گرفتن حاجت سه روز در مدینه روزه مستحبی بگیرد؛ (هر چند قصد ده روز نکند) و احتیاط لازم آن است که روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه را انتخاب کند و می‌تواند در این سه روز معتکف شود.

۳۸. احرام بستن از تمام آنچه امروز جزء مسجد شجره است جایز می‌باشد، حتی از کنار مسجد شجره نیز می‌توان احرام بست. همچنین تمام آنچه امروز جزء مسجدالحرام و مسجدالتبی شده حکم آن را دارد.

۳۹. حاجیان شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نباید در ایام حج و مانند آن، نماز جماعت جداگانه به طور گروهی در کاروانها یا مسجدالحرام یا مسجدالتبی، تشکیل بدهند، و چنین نماز جماعتی خالی از اشکال نیست، مگر این که نماز چند نفری باشد.

۴۰. زوّار خانه خدا باید از تمام کارهایی که موجب وهن مذهب است اجتناب ورزند؛ مانند:

الف) بازگشت از مسجدالحرام و مسجدالتبی و صفوف جماعت، هنگام اذان یا نزدیک اذان.

ب) پرداختن به خرید و فروش در بازارها و خیابانها، یا بازگشتن با اجناس خریداری شده به سمت کاروانها در چنان ساعتی؛ بلکه این کارها را کنار بگذارند، و به جماعت بپیوندند.

ج) اجتماع پشت دیوار بقیع برای زیارت قبور معصومین علیهم السلام، هنگام نماز جماعت.

د) پوشیدن لباسهای نامناسب که مایه وهن در انظار عموم است.
 هـ) برخورد خشونت‌آمیز در سخن یا رفتار با سایر زوارخانه خدا، یا ساکنان مکه و مدینه.

خلاصه پیروان مکتب اهل‌البیت علیهم السلام باید چنان رفتار کنند که همه احساس نمایند آنها به برکت پیروی از اهل‌بیت علیهم السلام از تربیت بالایی برخوردارند^۱، و هیچ‌گونه بهانه‌ای به دست مخالفان ندهند که این کار اجر و ثواب حج آنها را انشاء الله مضاعف می‌سازد.

۱. همان‌گونه که در روایتی از امام صادق علیه السلام به این مطلب اشاره شده است. شرح آن را در وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۷، ح ۱ مطالعه فرمایید.

فصل هجدهم:

آداب و مستحبات حج و عمره

در روایات اسلامی، و کلمات فقهای عظام (رضوان الله تعالی علیهم) آداب و مستحبات بسیاری برای هر یک از اعمال «حج» و «عمره» ذکر شده که قسمت قابل توجهی از آن را عیناً در اینجا می‌آوریم، ولی از آنجا که بعضی از آنها دلیل کافی ندارد (و ما اصل تسامح در ادله سنن و مستحبات را صحیح نمی‌دانیم) بهتر است همه را به قصد «رجاء»، یعنی به امید این که مطلوب شرع مقدس و دارای ثواب باشد، به جا آورد.

«نکته مهم دیگر» این که انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما، و در آن انبوه جمعیت، برای بسیاری از مردم غیر ممکن است؛ بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهند، و آنچه را نمی‌توان انجام داد اگر مورد علاقه حاجی باشد و نیت انجام آن را، در صورت امکان داشته باشد، طبق روایات معصومین علیهم‌السلام خداوند مطابق نیتش به او پاداش خواهد داد.

مستحبات سفر

کسی که قصد سفر مکه، یا سفر دیگری دارد، مستحب است امور زیر را انجام دهد:

۱. از خداوند متعال طلب خیر کند.

۲. وصیت بنماید.

۳. صدقه دهد، تا به آن صدقه سلامت خود را خریداری نماید.

۴. هنگامی که برای مسافرت مهیتا می‌شود، در خانه خود چهار رکعت نماز به جا آورد. در هر رکعت سوره حمد، و توحید (قل هو الله) را بخواند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ، فَاجْعَلُنَّ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي.»

۵. بر در خانه خود ایستاده، و سه مرتبه از پیش رو، و از طرف راست، و طرف چپ، سوره حمد، و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند، سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ، وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ، وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ، بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ.»

مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

۱. قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده، و ناخن و شارب (سیبل) خود را بگیرد،

و موی زیر بغل و اطراف عورت را زایل کند.

۲. کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌القعدة، و شخصی که قصد

عمره مفرده دارد پیش از یک ماه، موی سر و ریش را رها کند، و بعضی از فقها قائل به وجوب آن شده‌اند، و این قول هر چند ضعیف است، ولی موافق احتیاط می‌باشد.

۳. پیش از احرام در میقات غسل احرام کند، و این غسل از زن حائض و زنی که وضع حمل کرده نیز صحیح است، و تقدیم این غسل، به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید، و هر گاه مکلف پس از انجام غسل احرام لباسی بپوشد، یا چیزی بخورد که بر محرم حرام است، تکرار غسل مستحب است، و اگر در روز غسل نماید، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند. همچنین اگر در شب غسل کند، تا آخر روز آینده کافی است؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام وضوی او باطل شد، غسل را اعاده نماید.

۴. هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوَدِّي فِيهِ فَرْضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأَنْتَهِي فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي، وَقَبَلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي. فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

۵. دو حوله احرام از جنس پنبه باشد.

۶. احرام را به ترتیب زیر ببندد:

در صورت امکان بعد از نماز ظهر، و اگر ممکن نبود، پس از نماز واجب دیگر، و چنانچه آن هم امکان پذیر نبود، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، که در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند، و شش رکعت افضل است، و پس از نماز، حمد و ثنای

إلهی به جا آورد، و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد؛ آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تُقَوِّيَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ، وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ أَنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مَالِي إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي، بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمُ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي مِنَ النَّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطِّيبِ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

۷. نیت احرام را بر زبان جاری کند، و تنها به نیت قلبی قناعت نکند، و برای مردان مستحب است تلبیه را بلند بگویند.

۸. سابقاً گفتیم که تلبیه واجب، که احرام به آن حاصل می‌شود، بنا بر

احتیاط چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

و مستحب است پس از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ

غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
 لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبَدُّيَ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ
 لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْعُوباً وَمَرْهُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا
 النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ
 لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ».

و خوب است این جمله‌ها را نیز بگوید:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ
 لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَ هَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَةٍ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ،
 لَبَّيْكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَ بَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

۹. تلبیه‌ها را در حال احرام، و در موارد زیر تکرار کند:

الف) هنگام برخاستن از خواب.

ب) بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج) وقت رسیدن به زوآر دیگر که سواره هستند.

د) هنگام بالا رفتن از بلندی، یا سرازیر شدن از آن.

ه) وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و) در اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید.

۱۰. زنان حائض و نفساء (زنی که وضع حمل کرده) نیز این تلبیه‌ها

را بگویند.

شخصی که عمره به جا می‌آورد تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد

بود تا خانه‌های مکه را ببیند، و پس از آن قطع خواهد شد، و تلبیه حج تا

ظهر روز عرفه ادامه دارد، و پس از آن قطع خواهد شد.

مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در احرامی مشکى، و احتیاط ترک آن است، و بهتر احرام در جامه سفید است.
۲. خوابیدن محرم در رختخواب و بالش زردرنگ.
۳. احرام بستن در جامه چرکین، و اگر لباس احرام کثیف شود بهتر است مکلف مادام که در حال احرام است آن را نشوید؛ ولی می تواند تبدیل کند.
۴. احرام بستن در جامه راه راه.
۵. استعمال حنا پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند، و فرقی میان حنا و رنگهای امروزی نیست.
۶. بهتر است محرم کیسه و مانند آن بر بدن نکشد.
۷. لبیک گفتن در جواب کسی که او را صدا می کند، بلکه احتیاط ترک آن است.

مستحبات دخول حرم

۱. برای تواضع و فروتنی در برابر خداوند متعال پابرهنه شده، و کفشهای خود را در دست گرفته، داخل حرم شود. این عمل ثواب زیادی دارد.
 ۲. هنگام دخول حرم این دعا را بخواند:
- «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُوا أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ،

سَامِعاً لِنِدَائِكَ، وَ مُسْتَجِيباً لَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ
وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَتَّبِعِي بِذَلِكَ الرُّفَّةَ
عِنْدَكَ، وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَ الْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَ التَّوْبَةَ
عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ
النَّارِ، وَ أَمْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

مستحبات ورود به مکه معظمه و آداب مسجد الحرام

۱. برای دخول به مکه معظمه غسل کردن مستحب است.
۲. هنگام ورود به مکه، با حالت تواضع وارد شود.
۳. مستحب است برای دخول به مسجدالحرام غسل نماید.
۴. مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود.
۵. بهتر است از باب السلام که محاذی باب بنی شیبه سابق است وارد شده، و جلوی در مسجد الحرام ایستاده، و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ
وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ
اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۶. سپس داخل مسجدالحرام شود، و رو به کعبه دستها را بلند نموده، بگوید:
- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَ فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي،
وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ

مَثَابَةً لِلنَّاسِ، وَ أَمْنًا مُبَارَكًا، وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ
 بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتَ بَيْتُكَ، جِئْتُ اَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ اُوْمُّ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا
 لِّاَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، اَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ اِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ.
 اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِيْ بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ.»

و در روایت دیگر آمده که بر در مسجد چنین بگویند:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ، وَ مِنَ اللّٰهِ وَ اِلَى اللّٰهِ وَ مَا شَاءَ اللّٰهُ، وَ عَلَيَّ مِلَّةُ
 رَسُوْلِ اللّٰهِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ، وَ خَيْرُ الْاَسْمَاءِ لِلّٰهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ،
 وَ السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ، اَلْسَّلَامُ
 عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ اَنْبِيَاءِ اللّٰهِ
 وَ رُسُلِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيْلِ الرَّحْمَنِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ،
 وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِينَ.
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ
 مُحَمَّدٍ، وَ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ
 عَلَيَّ اِبْرَاهِيْمَ وَ اَلِ اِبْرَاهِيْمَ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ.»

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ
 عَلَيَّ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ، وَ عَلَيَّ اَنْبِيَاءِكَ وَ رُسُلِكَ، وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ
 عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِيْ فِيْ طَاعَتِكَ
 وَ مَرْضَاتِكَ، وَ احْفَظْنِيْ بِحِفْظِ الْاِيْمَانِ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِيْ، جَلَّ ثَنَاءُ
 وَ جِهَةٌ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ جَعَلَنِيْ مِنْ وَفْدِهِ وَ زُوَّارِهِ، وَ جَعَلَنِيْ مِمَّنْ
 يَغْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ جَعَلَنِيْ مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَى كُلِّ مَاتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ
 وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَاتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِأَنَّكَ
 أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ خَدَّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ
 تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ،
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ
 يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ، أَوَّلَ شَيْءٍ
 تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس سه مرتبه می گوید: «اللَّهُمَّ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس می گوید: «وَ أَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ،
 وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

۷. مستحب است وقتی که به محاذات حجرالأسود رسید بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
 وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى،
 وَ بَعْبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَ بَعْبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

۸. سپس نزدیک حجرالأسود رفته، و در صورت امکان دست بر آن

بگذارد، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.
 سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ
 خَلْقِهِ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْسَى وَ أَحْذَرُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،
 لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَسْبِي
 لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۹. صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم السلام بفرستد، و سلام بر پیغمبران بدهد، همان گونه که هنگام دخول مسجد سلام می دهد.

۱۰. سپس بگوید: «إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوْفِي بِعَهْدِكَ».

۱۱. در روایت معتبر آمده است: هنگامی که نزدیک حجرالأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن، و حمد و ثنای الهی به جا آور، و بر پیامبر اسلام ﷺ صلوات بفرست، و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، در صورت امکان حَجْر را بوسیده، و اگر بوسیدن ممکن نشد با دست لمس کن، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن، و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَاتِنِي أَدَّتِيهَا، وَ مِثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ حُدَّةً لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی تمام آن را بخوانی، قسمتی از آن را بخوان، و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظَمْتَ رَغَبَتِي، فَاقْبَلْ سُبْحَتِي، وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ، وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

آداب و مستحبات طواف

انجام اعمال زیر در حال طواف مستحب است:

۱. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشِي بِهِ عَلَى ظَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا

يُمَشِي بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ،
وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً
مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا
وَ كَذَا»، و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خداوند متعال بخواهد.

۲. مستحب است هنگام طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي،
وَ لَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

۳. صلوات بر محمد و آل او بفرستد، به خصوص هنگامی که به در خانه

کعبه رسید.

۴. هنگامی که به حجر اسماعیل رسید، به ناودان نگاه کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ، وَ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَ عَافِنِي مِنَ
السُّقْمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ
وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

۵. به هنگام عبور از حجر بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطُّولِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ،
فَضَاعِفُهُ لِي، وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

۶. هنگامی که به رکن یمانی برسد دستها را بلند کند، و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمَ
بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ

خَلِّقْ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

۷. سپس سر را به سمت کعبه کند، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا. اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

۸. هنگامی که بین رکن یمان و حجرالأسود رسید، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفِي عَذَابِ النَّارِ».

۹. در شوط هفتم، وقتی که به مستجار^۱ رسید، مستحب است - در

صورت امکان - دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید، و شکم و صورت خود را به دیوار کعبه بچسباند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ النَّارِ».

۱۰. سپس به گناهان خود اعتراف نموده، و از خداوند عالم آمرزش

بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاغْفِرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

۱۱. و هرچه خواهد دعا کند، و دست بر رکن یمان - که قبل از رکن

۱. مستجار، پشت کعبه نزدیک رکن یمان برابر در خانه کعبه واقع شده است.

حجرالاسود قرار دارد - بگذارد، سپس نزد حجرالاسود آمده، و طواف خود را تمام کند، و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي.»

۱۲. برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه (چهار گوشه آن)، و حجرالاسود را استلام نماید.^۱ و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهٗ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.»

دعاهای اشواط طواف

خواندن دعاهای زیر در هر یک از شوطهای طواف به ترتیبی که می آید، شایسته است:

شوط اول

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ وَ حُدَّهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عِبْدَهُ، وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَ حُدَّهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ، وَ صَلِّ اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَطْهَارِ.

۱. منظور از استلام لمس کردن آن است.

شوط دوم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتِكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَسِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

شوط سوم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارِكِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا، وَيَا مُطْلِقَ الْأَسَارِي، وَيَا فَكَّكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِناً، وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوْلَاهُ فَلَاحاً، وَأَوْسَطَهُ نَجَاحاً، وَآخِرَهُ صَلَاحاً، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ.

شوط چهارم

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى مِنْ عَمَلِي، وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عَظِيماً فَعَفُوكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ

أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتِكَ، فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي، لِأَنَّهَا
وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي
عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِاللَّوَانِ الْعَذَابِ،
سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصْرًا وَفَهْمًا
وَ عِلْمًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

شوط پنجم

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمِ
مَغْفِرَتِكَ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ. اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي
ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا
سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ، وَلَا سُوءًا إِلَّا صَرَفْتَهُ،
وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا، وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

شوط ششم

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ذُو
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ
بَائِسٍ مَسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ، لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا
وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نَشُورًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ،
وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ، وَمِنْ

دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ، وَالرِّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَّةِ، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ.

شوط هفتم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمِ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالرِّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَجِوَارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ التُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

البته انجام بسیاری از این امور در ایام حج امکان پذیر نیست، و موجب مزاحمت برای زوار است، آنچه می تواند و مزاحمت ندارد، انجام دهد.

مستحبات نماز طواف

مستحب است امور زیر را در نماز طواف به قصد رجا بجا آورد:

۱. پس از قرائت سوره حمد، در رکعت اول «سوره توحید»، و در رکعت دوم «سوره قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

۲. پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورده، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید.

۳. در بعضی از روایات آمده، که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته، و چنین راز و نیاز می‌کردند:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُتَرَبِّدٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

و پس از سجده آثار گریه و زاری بر چهره مبارک آن حضرت ظاهر بود.

۴. پس از انجام نماز طواف، و پیش از سعی مستحب است نزد زمزم رفته، و کمی آب بر سر و پشت و شکم خود بریزد، و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

مستحبات سعی

پس از نماز طواف نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از در محاذی حجرالأسود به سوی صفا برود، و با آرامش بالای صفا رفته، و به خانه کعبه نظر کند، و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید، و حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و نعمتهای خداوند را در نظر بگیرد، سپس این اذکار را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»
سه مرتبه.

سپس سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» و سه مرتبه آن را تکرار کند.
پس از آن سه مرتبه بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْغَافِيَةَ، وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».
سپس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید.

سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ، وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم بسیار تکرار

کند. پس از آن بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ، دِينِي وَنَفْسِي
وَ أَهْلِي. اللَّهُمَّ اسْتَعْمَلْنِي عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ تَوَقَّفْنِي عَلَى مِلَّتِهِ،
وَ أَعِدْ نِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و اگر قادر بر انجام تمام این عمل

نباشد، هر قدر که می تواند بخواند.

و نیز مستحب است که این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ،
فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ
بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَزَحْمَنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيِّبِي عَنْ عَذَابِي، وَ أَنَا
مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ إِزْحَمْنِي. اللَّهُمَّ
لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ
تَظْلِمْنِي، أَصْبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ
لَا يَجُورُ إِزْحَمْنِي».

دعاهای اشواط سعی

خواندن دعاهای زیر در هر یک از دورهای سعی، به ترتیبی که می آید،

شایسته است:

دور اول (از صفا به مروه)

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ

الْكَرِيمِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا شَيْءَ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَلَا يَفُوتُ أَبَدًا، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَالْإِيهَ الْمَصِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَاعْفُ وَتَكَرَّمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ نَجِّنَا مِنَ النَّارِ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، فَرِحِينَ مُسْتَبْشِرِينَ، مَعَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا، ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ، وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

و نزدیک مروه این آیه خوانده می شود:

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور دوم (از مروه به صفا)

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَحْدُ الْأَحَدُ، الْفَرْدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، دَعُونَاكَ رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا كَمَا أَمَرْتَنَا، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا

سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ
وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ الْيَتِيمَ
أَنْبَتْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ،
وَ لَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ، رَبِّ
اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَاعْفُ وَ تَكْرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعَلَّمْ،
إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصَّافِيَ وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ
الْبَيْتَ، أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ
اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور سوم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ
لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ، عَاجِلَهُ
وَ آجِلَهُ، وَ اسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي، وَ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. رَبِّ
اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَاعْفُ وَ تَكْرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعَلَّمْ،
إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا، وَ لَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ
هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. اللَّهُمَّ عَافِنِي
فِي سَمْعِي وَ بَصْرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ
سَخَطِكَ، وَ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَحْصِي ثَنَاءً
عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى.
إِنَّ الصَّافِيَ وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور چهارم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الصَّادِقُ الْوَعْدِ الْأَمِينُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِي لِإِسْلَامِ أَنْ لَا تُنْزِعَهُ مِنِّي، حَتَّى تَتَوَفَّائِي عَلَيْهِ وَأَنَا مُسْلِمٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي نُورًا، وَ فِي بَصَرِي نُورًا. اللَّهُمَّ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ وَسَاوِسِ الصَّدْرِ، وَ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَ فِتْنَةِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي اللَّيْلِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي النَّهَارِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا تَهَبُّ بِهِ الرِّيَّاحُ، يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ. سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يَا اللَّهُ، رَبِّ اغْفِرْ وَ أَرْحَمْ، وَ اعْفُفْ وَ تَكْرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور پنجم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، سُبْحَانَكَ مَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ يَا اللَّهُ، سُبْحَانَكَ مَا أَعْلَى شَأْنِكَ يَا اللَّهُ، اللَّهُمَّ حَبِّبِ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ، وَ زَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَ كَرِّهْ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ،

وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّشِيدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَاعْفُ وَتَكْرَّمْ، وَتَجَاوَزْ
 عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ تَعَلَّمَ مَا لَا نَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. اللَّهُمَّ قِنِي
 عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي بِالْهُدَى، وَنَقِّنِي بِالتَّقْوَى،
 وَاعْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ ابْسِطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ
 وَرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ التَّعِيمَ الْمُقِيمَ، الَّذِي
 يَحُولُ وَلَا يَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا،
 وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَفِي لِسَانِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا، وَمِنْ قُوَّتِي
 نُورًا، وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَعَظْمٌ لِي نُورًا. رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي
 وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي.

إِنَّ الصَّافِيَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ
 فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور ششم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ،
 صَدَقَ وَعْدُهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
 وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ التَّقْوَى وَ الْعِفَافَ وَ الْعِنْيَ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي
 تَقُولُ، وَ خَيْرًا مِمَّا تَقُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ
 مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ، وَ مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ وَ فِعْلٍ أَوْ عَمَلٍ، اللَّهُمَّ
 بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُنَا، وَ بِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا، وَ فِي كَنْفِكَ وَ انْعَامِكَ وَ عَطَائِكَ
 وَ إِحْسَانِكَ أَصْبَحْنَا وَ أَمْسَيْنَا، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَ الْآخِرُ

فَلَا بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَ البَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ،
نَعُوذُ بِكَ مِنَ الفُلْسِ وَ الكَسَلِ وَ عَذَابِ القَبْرِ، وَ فِتْنَةِ العِنْيِ، وَ نَسْتُلُكَ
الفَوْزَ بِالْجَنَّةِ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ،
إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. إِنَّ الصِّفَا وَ المَرْوَةَ مِنْ
شَعَائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ البَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا،
وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللهُ شَاكِرٌ عَلِيمٌ.

دور هفتم

اللَّهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ
إِلَيَّ الإِيمَانَ وَ زَيِّنْهُ فِي قَلْبِي، وَ كَرِّهْ إِلَيَّ الكُفْرَ وَ الفُسُوقَ وَ العِصْيَانَ،
وَ اجْعَلْنِي مِنَ الرَّشِيدِينَ. رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ، وَ اعْفُ وَ تَكَرَّمْ، وَ تَجَاوَزْ
عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ تَعَلَّمْ مَا لَا نَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، اللَّهُمَّ اخْتِمْ
بِالْخَيْرَاتِ آجَالَنَا، وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ آمَالَنَا، وَ سَهِّلْ لِيُلوِغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا،
وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ أَعْمَالَنَا. يَا مُنْقِذَ العَرَقِيِّ، يَا مُنْجِيَ الهَلْكَى،
يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى، يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا قَدِيمَ الإِحْسَانِ، يَا دَائِمَ
المَعْرُوفِ، يَا مَنْ لَا عِنْيَ بِشَيْءٍ عِنْدَهُ، وَ لَا بُدَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ، يَا مَنْ رَزَقَ
كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ، وَ مَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا
أَعْطَيْتَنَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا مَنَعْتَنَا. اللَّهُمَّ تَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ، وَ الْحَقِّقْنَا
بِالصَّالِحِينَ، غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا مَفْتُونِينَ، رَبِّ يَسِّرْ وَ لَا تُعَسِّرْ، رَبِّ
أَتِمِّمْ بِالْخَيْرِ.

إِنَّ الصِّفَا وَ المَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ البَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. مستحب است پیاده سعی نماید، و از آنجا که علامت گذاری شده هروله کند؛ یعنی کمی تندتر برود، و اگر سوار چرخ باشد این مقدار را فی الجمله تند نماید، و بعد از آن به طور عادی تا مروه راه برود، و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب عمل نماید، و از برای زنها هروله نیست، و مستحب است بر درگاه خداوند گریه کند، و در حال سعی دعا بسیار نماید.

مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات

اموری که در احرام عمره مستحب بود، در احرام حج نیز مستحب است. علاوه بر آن، مستحبات زیر را نیز به قصد رجاء بجا آورد: پس از این که احرام بست، و از مکه بیرون آمد، همین که بالای بلندی اطراف مکه قرار گرفت، با صدای بلند لَبَّيْكَ بگوید.

و هنگامی که متوجه منی شد بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَاصْلِحْ لِي عَمَلِي».

با تن و دلی آرام، با تسبیح و ذکر حق تعالی راه را ادامه دهد، و چون به منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ، وَبَلِّغْنِي هَذَا الْمَكَانَ».

سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ هِدْهُ مِنِّي، وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَاسْأَلْكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

و اگر ممکن است شب عرفه را در منی بماند، و به طاعت الهی مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف به جا آورد، و پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب تعقیب گفته، سپس به سوی عرفات روانه شود، و اگر بخواهد بعد از طلوع صبح روانه شود مانعی ندارد، ولی سنت بلکه احوط این است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسّر رد نشود، و روانه شدن پیش از صبح مکروه است، مگر بر اثر ضرورت، مانند بیمار و کسی که از ازدحام مردم خائف باشد.

چون به سوی عرفات حرکت کند، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»

و تا رسیدن به عرفات لَبَّيْکَ را تکرار کند.

البته انجام بسیاری از این مستحبات در حال حاضر مشکل است. آنچه را می‌تواند انجام دهد، و اگر نیت انجام همه را داشته، خداوند ثوابش را می‌دهد؛ انشاءالله.

مستحبات و قوف به عرفات

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است.

۱. با طهارت بودن در حال وقوف.
۲. غسل نمودن، و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.
۳. آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد؛ تا قلب او متوجه درگاه الهی گردد.

۴. در پایین کوه و در زمین هموار وقوف کند، زیرا بالا رفتن از کوه مکروه است.

۵. نماز ظهر و عصر را اول وقت به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.
 ۶. قلب خود را متوجه خدا ساخته، و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده، و ثنای پروردگار را به جا آورد. پس از آن، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، و صد مرتبه سوره توحید را بخواند، و آنچه خواهد دعا نماید، و از شیطان رجیم به خدا پناه برد.

۷. این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي، وَ لَا تَخْذَعْ عَنِّي، وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَ يَا أَسْرَعَ الْخَاسِبِينَ، وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي (كذا و كذا)» و حاجت خود را نام ببرد، سپس دست به آسمان بردارد، و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ، الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ مَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنْاسِكِي، الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ دَلَّمْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۸. این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي

وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَخَيْرًا مِّمَّا نَقُولُ، وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَاتِيْ وَنُسُكِيْ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِيْ، وَ لَكَ تَرَاتِيْ، وَبِكَ حَوْلِيْ، وَ مِنْكَ قُوَّتِيْ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ وَاوِسِ الصُّدُوْرِ، وَمِنْ سَنَاتِ الْاَمْرِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خَيْرَ الرِّيَّاحِ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيْءُ بِه الرِّيَّاحُ، وَ اَسْئَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيْ قَلْبِيْ نُورًا، وَ فِيْ سَمْعِيْ وَبَصْرِيْ نُورًا، وَ فِيْ لَحْمِيْ وَ دَمِيْ وَ عِظَامِيْ وَ عُرُوْقِيْ وَ مَفْعَدِيْ وَ مَقَامِيْ وَ مَدْخَلِيْ وَ مَخْرَجِيْ نُورًا، وَ اَعْظِمْ لِيْ نُورًا، يَا رَبِّ يَوْمَ اَلْقَاكَ، اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

و در این روز تا می تواند در خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹. رو به کعبه کند و هر یک از این اذکار را صد مرتبه بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس از اول سوره بقره ده آیه بخواند، سپس سوره توحید را سه مرتبه بخواند، پس از آن آیه الکرسی را تا آخر بخواند، سپس این آیات را تلاوت کند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومَ

مُسَخَّرَاتِ بِأَمْرِهِ إِلَهِهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ^۱ .
سپس سوره ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و سوره ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را بخواند.

سپس آنچه از نعمتهای پروردگار به یاد داشته باشد یک یک ذکر کرده، و حمد الهی نماید. مخصوصاً به خاطر نعمت خانواده و اموال، که خداوند بزرگ به او مرحمت نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ، الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ، وَ لَا تُكْفَى بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده خدا را حمد نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده خدا را تسبیح نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده خدا را تکبیر نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده خدا را تهلیل نماید، و بر محمد و آل محمد زیاد صلوات بفرستد، و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند، و به آنچه از اسماء الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخواند؛ و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ، غَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ، الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ الْبَارِيءُ، الْمُصَوِّرُ».

۱. سوره اعراف، آیات ۵۴ تا ۵۶.

و این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ، وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَبِجَمْعِكَ وَبَارِكَ كَانِكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرَ الْأَكْبَرَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ، الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرَدَّهُ، وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي، فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».

و هر حاجت که دارد از خداوند بخواهد، و از خداوند متعال توفیق حج را در سال آینده و هر سال طلب کند.

و هفتاد مرتبه «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید.

سپس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ فَكُنِّي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰. نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشْتُّبِ الْأُمُورِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَأَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي. يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلِّلْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَالسِّسْنِي عَافِيَتِكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

توجه به این نکته لازم است که دعاهای وارده در این روز شریف بسیار است، و هر قدر ممکن باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء و حضرت زین العابدین علیه السلام خوانده شود، و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ
أَبْدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ اقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا
مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ
الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ اعْطِنِي أَفْضَلَ
مَا اعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ، مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ
وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا ارْجِعُ إِلَيْهِ، مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ،
وَ بَارِكْ لَهُمْ فِيَّ».

و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ».

مستحبات و قوف به مشعر

۱. باتن و دلی آرام از عرفات به سوی مزدلفه حرکت کند، و استغفار نماید.

۲. همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْفُوقِي، وَ زِدْهُ فِي عَمَلِي، وَ سَلِّمْ لِي دِينِي، وَ تَقَبَّلْ

مُنَاسِكِي».

۳. در راه رفتن عجله ننماید، و کسی را آزار ندهد.

۴. نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تاخیر اندازد، اگرچه ثلث شب نیز

بگذرد، ولی باتوجه به این که گاه رسیدن به مشعر در زمان ما به تاخیر

می‌افتد بهتر است در شرایط فعلی نماز مغرب و عشا را در عرفات بخواند و حرکت کند.

۵. میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، یعنی برای نماز مغرب اذان و اقامه گوید، و برای نماز عشا فقط اقامه.

۶. نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد.

۷. در آن شب به هر مقدار ممکن به عبادت الهی بپردازد.

۸. این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ، أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَ أَطْلُبُ مِنْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.»

۹. بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و هر اندازه که ممکن باشد از نعمتهای حضرت حق ذکر کند، و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آن‌گاه دعاء نماید، و بعضی آن را واجب می‌دانند.

۱۰. این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ، وَ لِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تَقَبَّلَ مَعْدِرَتِي، وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي حَطْبِيَّتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي.»

۱۱. سنگ‌ریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مشعر بردارد، و مجموع آنها هفتاد سنگ است (و چون بعضی از سنگها ممکن است اصابت نکند، بیشتر بردارد).

۱۲. هنگامی که از مشعر به سوی منی می‌رود و به وادی «مُحَسَّر» می‌رسد، مقدار صد قدم تند برود، و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَاجِبْ دَعْوَتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكَتُ بَعْدِي».

مستحبات رمی جمرات

در رمی جمرات چند چیز مستحب است:

۱. با وضو بودن در حال رمی.

۲. هنگامی که سنگها را در دست گرفته، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي، فَأَخْصِنِي لِي، وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي».

۳. با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.

۴. هر سنگی را که بیندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ. اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعِيًّا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا».

۵. در صورت امکان به هنگام رمی جمره عقبه، پنج تا هفت متر با آن

فاصله داشته باشد، و در جمره اولی و وسطی کناره جمره بایستد.

۶. جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید، و جمره اولی

و وسطی را رو به قبله ایستاده رمی کند.

۷. پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:
 «اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَعِنَّمَا الرَّبُّ، وَنِعْمَ الْمَوْلَى،
 وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

مستحبات قربانی

مستحبات قربانی چند چیز است:

۱. در صورت تمکن شتر قربانی کند، و در مرحله بعد گاو، و چنانچه هیچ کدام ممکن نشد به گوسفند قناعت نماید.
۲. قربانی فربه (چاق) باشد.
۳. شتر یا گاو را از جنس ماده، و گوسفند یا بز را از جنس نر انتخاب کند.
۴. شتری که می خواهند آن را نحر کنند ایستاده باشد، و از سر دستها تا زانوی آن را ببندند، و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودال گردن او فرو کند.
۵. در وقت ذبح این دعا را بخواند:

«وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا
 أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ
 وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

۶. اگر می تواند خودش قربانی را ذبح کند، و اگر نتواند دست خود را روی دست قصاب بگذارد.

مستحبات حلق

۱. از طرف راست جلوی سر بتراشد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۲. موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید، و بهتر است پس

از حلق، از اطراف ریش و شارب خود گرفته، و ناخنها را نیز بگیرد.

مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی

آنچه از مستحبات که در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است و مستحب است در روز عید قربان برای طواف حج بیاید، و بر در مسجد بایستد، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِكَ، وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي. أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ يَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَ أَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ. أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

سپس اگر ممکن است نزد حجرالأسود بیاید، و استلام و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نشد دست بر حجر مالیده، و دست خود را بیوسد، و اگر آن هم ممکن نشد مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید، سپس آنچه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

مستحبات منی

۱. مستحب است روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی برای طواف مستحب از منی بیرون نرود.

۲. تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز، و در غیر منی بعد از ده نماز، که اول آنها نماز ظهر روز عید است، مستحب می‌باشد، و بعضی آن را واجب دانسته‌اند، و اولی در کیفیت تکبیر این است که بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا».

۳. مادام که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را، اگر ممکن است، در مسجد خیف به جا آورد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که: «صد رکعت نماز در مسجد خیف، با هفتاد سال عبادت برابر است، و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» برابر با ثواب بنده آزاد کردن است، و صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد، و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» در آن مکان برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا صدقه دهد»^۱.

مستحبات دیگر مکه معظمه

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱. زیاد ذکر خدا کند، و قرآن بخواند.

۱. من لا یحضره الفقیه، جلد اول، صفحه ۱۴۹، حدیث ۶۹۰.

۲. ختم نمودن یک قرآن.

۳. خوردن آب زمزم، و خواندن دعای زیر پس از آن:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ».

۴. نگاه کردن به کعبه.

۵. هرگاه مزاحم طواف کنندگان واجب نشود، در هر شبانه روز ده مرتبه

طواف نماید؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

۶. هنگام توقف در مکه به عدد روزهای سال طواف نماید، و اگر این مقدار ممکن نشد پنجاه و دو مرتبه، و اگر آن هم ممکن نشد هر مقدار که بتواند.

۷. شخص ضروره، یعنی کسی که اولین بار حج به جا می آورد، در صورت امکان داخل خانه کعبه شود، و مستحب است قبل از دخول غسل کند، و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

سپس دو رکعت نماز گزارده، در رکعت اول بعد از حمد سوره «حم

سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد پنجاه و پنج آیه از سایر سوره های قرآن، بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند.^۱

۸. دو رکعت نماز در هر یک از چهار زاویه کعبه بجا آورد، و بعد از نماز

این دعا را بخواند:

۱. این گونه امور در حال حاضر معمولاً امکان پذیر نیست، ولی هرگاه کسی نیت آن را داشته باشد، خداوند به لطف و کرمش ثواب آن را به او می دهد.

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَ تَعَبَّيْتُ وَ تَعَبَّيْتُ وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخَيِّبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَ لَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ تَقَةً بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجُوْتُهُ، وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّراً بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي، وَ لَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي، وَ تَقْبَلِنِي بِرَغْبَتِي، وَ لَا تُرَدَّنِي مَجْبُوهَا مَمْنُوعاً، وَ لَا خَائِباً، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ، أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، لِإِلَهِ الْإِلَهِ أَنْتَ».

۹. هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید.

سپس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا، رَبَّنَا وَ لَا تُشِمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا، فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

۱۰. سپس پایین آمده، پله‌ها را در سمت چپ قرار دهد، و کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند. (البته در شرایط فعلی انجام این مستحبات غالباً ممکن نیست).

طواف وداع

کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع بجا آورد، و در هر شوطی حجرالأسود و رکن یمنی را - در صورت امکان -

استلام نماید، و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد، و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجاراً سود را استلام نموده، و حمد و ثنای الهی نماید، و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعاء را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَأُوذِيَ فِي جَنْبِكَ، وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن، از مقابل رکن شامی بیرون رود، و از خداوند متعال توفیق مراجعت بطلبد، و وقت بیرون رفتن معادل یک درهم خرما خریده و آن را به فقرا صدقه دهد.

قسمتی از مستحبات مدینه طیبه

از جمله مستحبات که بسیار بر آن تأکید شده این است که هنگام برگشتن از مکه، به مدینه طیبه برگردد. تا به زیارت حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بقیع عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مشرف شود.

زیارت حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ.»

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى
 أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ
 حَمِيدٌ مَجِيدٌ.»

زیارت حضرت صدیقہ علیہ السلام

«يَا مُتَّحِنَةً امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا
 امْتَحَنَكَ ضَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَا لِكَ أَوْلِيَاءُ، وَمُصَدِّقُونَ وَضَابِرُونَ لِكُلِّ
 مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآتَانَا بِهِ وَصِيِّهِ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا
 الْحَقِّقْنَا بِتَضَدِّ يَقِينَا لَهُمَا، لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بَوْلَايَتِكَ.»

زیارت جامعہ کہ ہر یک از ائمہ علیہم السلام رامی توان با آن زیارت نمود

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ
 وَأَحْبَابِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ
 اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ
 وَنَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي
 مَرْضَاةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى
 الْأَدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ
 غَاذَاهُمْ فَقَدْ غَاذَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ
 جَهَلَ اللَّهُ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ
 تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمُ، وَ حَرَبْتُ

لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ، مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ أَزْوَاجَهُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ».

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

مستحب است که زائر بهترین لباس نظیف خود را بپوشد، و به بهترین عطر خود را خوشبو کند، و با آرامش و وقار به زیارت آن بزرگواران برود، و چون نزدیک آن بارگاه شد بایستد، و با خواندن دعای زیر اجازه ورود بگیرد:

«یا مَوَالِیَّ یا اَبْنَاءَ رَسولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَ ابْنُ امَّتِكُمْ، الذَّلِيلُ بَيْنَ اَیْدِیكُمْ، وَ الْمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِیراً بِكُمْ، فَاصِدّاً اِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّباً اِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلاً اِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَاَدْخُلُ یا مَوَالِیَّ؟ ءَاَدْخُلُ یا اَوْلِیَاءَ اللَّهِ؟ ءَاَدْخُلُ یا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِیْمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ؟»

سپس پای راست را پیش بگذارد، و با خشوع و خضوع وارد شود، و بگوید:

«اللَّهُ اكْبَرُ كَبِيراً، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِیراً، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ اَصِیلاً، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْاَحَدِ، الْمُتَمَفِّضِ الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوَّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنْ بَطَّوْلُهُ، وَ سَهَّلَ زِیَارَةَ سَادَاتِی بِاِحْسَانِهِ، وَ لَمْ یَجْعَلْنِی عَنْ زِیَارَتِهِمْ مَمْنُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ».

و سپس پشت به قبله و رو به آن قبور مطهر دعای زیر بخواند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَجَّاجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأَسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مَطَهَّرٍ، وَيَتَّقِلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَ مَنَبَتُكُمْ، مَنْ بَكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُونِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطَأَ وَاسْتَكَانَ وَأَقْرَبَ بِمَا جَنَى، وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخُلَاصَ، وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِنَا وَفَقَّتِنِي، وَعَرَفْتِنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ،

فَكَانَتْ أَلْمَنَةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَاكَ
الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا، مَذْكُوراً مَكْتُوباً، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا
رَجَوْتُ، وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،
وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

سپس قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سایر
بزرگان بقیع را زیارت کند، و بر آنها درود و رحمت فرستد، و بر ایشان فاتحه
بخواند.

* * *

و سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای أحد را
زیارت کند، و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در
أحد بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ
أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَ نَصَحْتَ رَسُولَ
اللَّهِ، وَ كُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِباً، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، مُتَقَرِّباً إِلَى
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِذَلِكَ، رَاغِباً إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ
خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى
نَفْسِي، هَارِباً مِنْ دُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرِعَاً إِلَيْكَ رَجَاءً
رَحْمَةً رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِباً فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ قَدْ
أَوْقَرْتُ ظَهْرِي دُنُوبِي، وَ أَتَيْتُ مَا أَسْخَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحداً أَفْزَعُ

إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فِئْرِي
 وَحَاجَتِي، فَقَدْ سَرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَاتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي
 عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصَرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَني اللَّهُ بِصَلَاتِهِ،
 وَحَنَنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي
 الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَمِي طَلَبَ الْخَوَآجِعِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى
 مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَلَا يَسْعُدُ
 مَنْ عَادَاهُمْ».

و هنگام وداع با پیامبر ﷺ بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ
 ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّكَ قَدْ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ
 اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيِّمَةَ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ،
 وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، فَأَحْشُرْنَا مَعَهُمْ، وَفِي زُمْرَتِهِمْ، وَتَحْتَ لِوَاءِهِمْ،
 وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

و پس از وداع با قبر رسول خدا ﷺ قبور ائمهٔ بقیع عليهم السلام را نیز زیارت کند،

و با آنان وداع نماید و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكُمْ
 اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَّلْتُمْ
 عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَاقْتَبِنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ».

و سپس می‌گوید:

«وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِفَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ
صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَاتَّقَنَ
بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ،
جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَرَآئِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلُ
الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ، بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ،
وَلِلْكُرْبَاتِ دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ،
وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ
الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُتَوَرِّئاً بِإِنَّاكَ رَبِّي،
وَإِلَيْكَ مَرَدِّي، إِنْتَدَأْتُ بِبِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً، خَلَقْتَنِي
مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمَنُونِ، وَ اخْتِلَافِ
الدُّهُورِ وَ السِّنِينَ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ مَنْ
الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ، وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرُؤْفَتِكَ بِي، وَ لُطْفِكَ

لِي، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا
رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى، الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي،
وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفْتُ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَ سَوَابِغِ
نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيِّ يُمْنِي، وَ أَسَكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثِ،
بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلِ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ
أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامِماً سَوِيَّاً،
وَ حَيِّطْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيَّاً، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيَّاً،
وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَ كَفَّلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمِ، وَ كَلَّأْتَنِي
مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ
يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقاً بِالْكَلامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ
الْإِنْعَامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي،
وَ اعْتَدَلَتْ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ،
وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَ أَيْقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ
وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَ نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ أَوْجَبْتَ عَلَيَّ
طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، وَ فَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ
مَرْضَاتِكَ، وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي
مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى، وَ رَزَقْتَنِي مِنْ
أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَ صُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ، وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ
إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَ صَرَفْتَ عَلَيَّ كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ

يَمْنَعُكَ جَهْلِي وَ جُرَاتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَّتْنِي إِلَى مَا يُفَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَ وَفَّقْتَنِي
لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ
أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ،
وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِّي مُعِيدِ حَمِيدِ مَجِيدِ،
وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ، فَآيِّي نِعْمَكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا
وَ ذِكْرًا، أَمْ آيِّي عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ
يُحْصِيهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْخَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَ دَرَأْتَ
عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ الضَّرَّاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْغَافِيَةِ وَ السَّرَّاءِ،
وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي، وَ عَقْدِ عَزَمَاتِي بِقِيَمِي، وَ خَالِصِ
صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَ بَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَ عَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ
بَصَرِي، وَ أَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَ حُرُوقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَ خَذَارِيفِ
مَارِنِ عِزِّنِي، وَ مَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي، وَ مَا ضُمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ عَلَيْهِ
شَفْتَايَ، وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي، وَ مَنَابِتِ
أَضْرَاسِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالَةِ أُمَّ رَأْسِي، وَ بَلُوعِ فَارِغِ
حَبَائِلِ عُنُقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَ تَبِينِي،
وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ أَفْلَازِ حَوَاشِي كَبِدِي، وَ مَا حَوَتْهُ شَرَايِسِي
أَضْلَاعِي، وَ حِقَاقِ مَفَاصِلِي، وَ قَبْضِ عَوَامِلِي، وَ أَطْرَافِ أُنَامِلِي،
وَ لَحْمِي، وَ دَمِي، وَ شَعْرِي، وَ بَشْرِي، وَ عَصْبِي، وَ قَصْبِي، وَ عِظَامِي،
وَ مَخِّي، وَ عُرُوقِي، وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي، وَ مَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامَ

رِضَاعِي، وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَ نَوْمِي، وَ يَقْظَتِي، وَ سُكُونِي،
 وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي وَ سُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى
 الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُودِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعِمِكَ، مَا
 اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنَّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَ ثَنَاءً
 طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ، وَ لَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَ الْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ
 مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آتِيهِ مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا،
 هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ، وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ:
 «وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا». صَدَقَ كِتَابُكَ. اللَّهُمَّ وَ إِنْبَاؤُكَ،
 وَ بَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ
 وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَ جِدِّي، وَ مَبْلَغِ
 طَاعَتِي وَ وُسْعِي، وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا
 فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ،
 وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُزِفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا
 آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ،
 الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ
 حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ تَرْتِ
 مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ.

آنگاه حضرت شروع در دعا و سؤال از حق تعالی کردند، و با دیدگانی

اشکبار گفتند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَيْكَ، وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَارْنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي، وَأَقْرِ بِذَلِكَ عَيْنِي. اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفُ زِلْيَةَ خَطِيئَتِي، وَاحْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكِّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي غَافِيَّتِي، رَبِّ بِمَا كَلَّاتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، وَعَيْنِي عَلَيَّ بَوَائِقِ الدُّهُورِ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجَّيْنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَاكْفَيْتَنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ. اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَاقْنِي،

وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَأَحْرُسُنِي، وَ فِي سَفَرِي فَأَحْفَظُنِي، وَ فِي أَهْلِي
 وَمَالِي فَأَحْلُقُنِي، وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَ فِي
 أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَ بِذُنُوبِي
 فَلَا تَفْضَحْنِي، وَ بِسِرِّي رَيْتِي فَلَا تُخْرِبْنِي، وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي، وَ نِعْمَكَ
 فَلَا تَسْلُبْنِي، وَ إِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي. إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي إِلَى قَرِيبٍ
 فَيَهْطُعْنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَسْجَهْمُنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي
 وَ مَلِيكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ بُعْدَ دَارِي، وَ هَوَانِي عَلَى مَنْ
 مَلَكَتَهُ أَمْرِي. إِلَهِي فَلَا تُخْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ
 فَلَا أَبَالِي. سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ
 وَجْهِكَ، الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ، وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ
 وَ صَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُهَيِّبَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَ لَا تُنَزِلْ
 بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَحَلَلْتَهُ
 الْبَرَكَةَ، وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا
 مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي
 شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي
 نِعْمَتِي. يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي إِزْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ،
 وَ رَبِّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ رَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ إِلَهِ
 الْمُتَجَبِّينَ، وَ مُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ مُنْزِلِ

كَهَيْعَصَ وَ طَهَ وَ يَسَ وَ الْقُرَانَ الْحَكِيمَ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي
 الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَ تَضِيقُ بِي الْأَرْضَ بِرَحْمَتِكَ
 لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مَقِيلُ عَثْرَتِي، وَ لَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ
 مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُوَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَ لَوْلَا نَصْرُكَ
 إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرِّفْعَةِ،
 فَأَوْلِيَانَهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدْلَةِ عَلَى
 أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي
 الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ وَ الدُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ
 إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ
 الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا
 ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ
 الْقَفْرِ، وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا زَادَهُ عَلَى
 يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ
 وَ الْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ، وَ مُمَسِّكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ، بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ
 وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا
 وَ حِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَتَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي
 إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ
 الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ
 خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ بَعْدَ طُولِ الْجُحُودِ وَ قَدْ غَدَا فِي نِعْمَتِهِ،

يَا كَلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ،
يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ يَا بَدِيعُ لَا نِدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينِ
لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ
قَالَ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى
عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغْرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي
فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَنِعْمُهُ لَا تُجَازَى، يَا مَنْ
غَارَ ضَمِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَغَارَ ضَمُّهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ
هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَاؤُهُ مَرِيضًا
فَشَفَانِي، وَعُزِيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَعَطْشَانًا فَأَرَوَانِي،
وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَرَدَّنِي،
وَمُقْبِلًا فَأَغْنَانِي وَ مُنْتَصِرًا، فَنَصَرَنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ
عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَشْرَتِي،
وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي
طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مَنَحِكَ
لَأُحْصِيهَا. يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي
أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ،
أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي
أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ
الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي

غَفَرْتُ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتِ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتِ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّرْتِ، أَنْتَ
 الَّذِي أَعَنْتِ، أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتِ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتِ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتِ،
 أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتِ، أَنْتَ الَّذِي غَافَيْتِ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتِ، تَبَارَكْتَ
 وَتَعَالَيْتِ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا. ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي
 الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي آسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا
 الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا
 الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ،
 أَنَا الَّذِي نَكَثْتُ، أَنَا الَّذِي أَفْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ
 وَعِنْدِي، وَأَبْوُءُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تُضْرُهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ،
 وَهُوَ الْعَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوفِّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ
 وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي
 فَأَرْتَكِبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ،
 فَبَايَ شَيْءٍ اسْتَقْبَلَكُ يَا مَوْلَايَ، اِسْمِعِي أَمْ بِيصْرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي
 أَمْ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ، يَا مَوْلَايَ فَلَكَ
 الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ
 يَزِجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ
 يُعَاقِبُونِي، وَ لَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا
 أَنْظَرُونِي، وَ لَرَفْضُونِي وَ قَطْعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا
 سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُوبَرَاءَةَ فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ

فَأَنْتَصِرُ، وَ لَا حُجَّةَ فَاحْتَجَّ بِهَا، وَ لَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ، وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءًا،
 وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَ أَسَى ذَلِكَ،
 وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ
 إِنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَ أَنَّكَ الْحَكَمَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ،
 وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي
 فَبِدُونِي بَعْدَ حُبَّتِكَ عَلَيَّ، وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ.
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
 الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
 مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
 مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَهِّي
 وَ رَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَ إِخْلَاصِي
 لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَ إِفْرَارِي بِأَلَانِكَ مُعَدِّدًا، وَ إِنْ كُنْتُ مُقْرَأً أَبَى لَمْ
 أُحْصِهَا، لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوعِهَا وَ تَظَاهِرِهَا وَ تَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ
 تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي، وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِعْنََاءِ
 مِنَ الْفَقْرِ، وَ كَشْفِ الضَّرِّ، وَ تَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَ دَفْعِ الْعُسْرِ، وَ تَفْرِيجِ

الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَ لَوْ رَفَدَنِي عَلَى
 قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ
 وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ،
 لَا تُحْصِي آلاؤَكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ. صَلَّى عَلَى
 مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اتَّمَمَ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَ أَسْعَدَنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ
 لِإِلَهِهِ الْأَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَ تَكْشِفُ السُّوءَ، وَ تُغِيثُ
 الْمَكْرُوبَ، وَ تُشْفِي السَّقِيمَ، وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ، وَ تَجُزُّ الْكَبِيرَ، وَ تَرْحَمُ
 الصَّغِيرَ، وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ، وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ
 الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا زَارِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا
 عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى
 مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَيْشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَ أَنْتَ
 أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّبُهَا، وَ الْإِيَّ تَجِدُّدُهَا، وَ بَلِيَّةٍ تَضْرِبُهَا،
 وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَ دَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَ حَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَ سَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا،
 إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ
 دُعِيَ، وَ أَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَ أَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَ أَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَ أَسْمَعُ
 مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ،
 وَ لَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَاجَبْتَنِي، وَ سَأَلْتُكَ فَاعْطَيْتَنِي، وَ رَغِبْتُ
 إِلَيْكَ فَارْحَمْتَنِي، وَ وَثِقْتُ بِكَ فَانْجَيْتَنِي، وَ فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي. اللَّهُمَّ
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَ تَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَ هَبِّئْنَا عَطَائِكَ، وَ اكْتُبْنَا لَكَ
 شَاكِرِينَ، وَ لِأَلَيْكَ ذَاكِرِينَ، أَمِينَ أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ يَا مَنْ
 مَلَكَ فَقْدَرَ، وَ قَدَرَ فَقَهَرَ، وَ عُصِيَ فَسْتَرَّ، وَ اسْتَعْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ
 الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عِلْمًا، وَ وَسِعَ الْمُسْتَقْبِلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ
 فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا، بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ،
 وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ
 الْمُبِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ.
 اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِكِ مِنْكَ يَا
 عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ، الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ،
 وَ تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ
 لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ نُورٍ
 تَهْدِي بِهِ، وَ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَ بَرَكَاتٍ تُنْزِلُهَا، وَ غَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَ رِزْقٍ
 تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اقْبَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ
 مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَ لَا تُخْلِنَا مِنْ
 رَحْمَتِكَ، وَ لَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ
 مَحْرُومِينَ، وَ لَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَ لَا تَرُدَّنَا
 خَائِبِينَ، وَ لَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَ أَكْرَمَ
 الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ أَمِينَ قَاصِدِينَ، فَاعْتِنَا

عَلَىٰ مَنَا سِكِنَا، وَ أَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَ اعْفُ عَنَّا وَ غَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ
 أَيَّدِينَا، فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ. اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعِشِيَّةِ مَا
 سَأَلْنَاكَ، وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ،
 نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ،
 وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَ كَرِيمِ
 الدُّخْرِ، وَ دَوَامِ الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ
 الْهَالِكِينَ، وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَ ثَابَ
 إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَ الْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَ تَقْنَا وَ سَدِّدْنَا، وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يَا
 أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَ لَا لَحْظُ
 الْعُيُونِ، وَ لَا مَا اسْتَفْتَرَ فِي الْمَكْنُونِ، وَ لَا مَا انطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ
 الْقُلُوبِ، الْأَكْلُ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَ وَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ
 وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ
 السَّبْعُ، وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ، وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ
 الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ،
 وَ الْآيَادِي الْجِسَامِ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ
 عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ غَافِنِي فِي بَدَنِي وَ دِينِي، وَ آمِنْ خَوْفِي،
 وَ اعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي، وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي،

وَلَا تَخْدَعْنِي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ».

سپس حضرت سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کردند، و با چشم گریان و صدای بلند گفتند:

«يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتُهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِي لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقِبتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ».

و جمله «یا رب» را بسیار تکرار کردند، و کسانی که دور آن حضرت بودند به دعای ایشان گوش داده و آمین می‌گفتند، آنگاه صدایشان به گریه بلند شد، تا آن که خورشید غروب کرد، و روانهٔ مشعر الحرام شدند.

تا این جا دعای امام حسین علیه السلام طبق روایت مرحوم کفعمی تمام می‌شود؛ ولی سید ابن طاووس (علیه الرحمه) این ذیل را نیز اضافه نموده است:

«إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي. إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ، وَسُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ. إِلَهِي مَبْنَى مَا يَلْبِقُ بِلُؤْمِي،

و مِنْكَ مَا يَلِيْقُ بِكَرَمِكَ. اِلٰهِي وَصَفْتِ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ
وُجُوْدِ ضَعْفِي، اَفْتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُوْدِ ضَعْفِي. اِلٰهِي اِنْ ظَهَرَتْ
الْمَحَاسِنُ مِنْي فَبِفَضْلِكَ وَ لَكَ اَلْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَ اِنْ ظَهَرَتْ الْمَسَاوِي مِنْي
فَبِعَدْلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، اِلٰهِي كَيْفَ تَكَلِّبْنِي وَ قَدْ تَكَلَّمْتَ لِي، وَ كَيْفَ
اَضَامَ وَ اَنْتَ النَّاصِرُ لِي، اَمْ كَيْفَ اَخِيْبُ وَ اَنْتَ الْخَفِيْثُ بِي، هَا اَنَا اَتَوَسَّلُ
اِلَيْكَ بِفَقْرِي اِلَيْكَ، وَ كَيْفَ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَخَالٌ اَنْ يَصِلَ اِلَيْكَ، اَمْ
كَيْفَ اَشْكُو اِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ اَتْرَجِمُ بِمَقَالِي
وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزَ اِلَيْكَ، اَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ اَمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ اِلَيْكَ، اَمْ
كَيْفَ لَا تُحْسِنُ اَحْوَالِي وَ بِكَ قَامَتْ. اِلٰهِي مَا اَلطَّفَكَ بِي مَعَ عَظِيْمِ
جَهْلِي، وَ مَا اَزْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيْحِ فِعْلِي، اِلٰهِي مَا اَقْرَبَكَ مِنْي وَ اَبْعَدَنِي
عَنْكَ، وَ مَا اَزْاَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، اِلٰهِي عَلِمْتُ بِاِخْتِلَافِ
الْاِثَارِ وَ تَنَقُّلَاتِ الْاَطْوَارِ اَنْ مُرَادَكَ مِنْي اَنْ تَتَعَرَّفَ اِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ
حَتَّى لَا اَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، اِلٰهِي كَلَّمَا اَخْرَسَنِي لَوْ مِي اَنْطَقَنِي كَرَمُكَ،
وَ كَلَّمَا اَيْسَسَنِي اَوْضَافِي اَطْمَعَنِي مِنْكَ، اِلٰهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ
مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُوْنُ مَسَاوِيَه مَسَاوِي، وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ
دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُوْنُ دَعَاوِيَه دَعَاوِي، اِلٰهِي حُكْمَكَ التَّنَافُذُ
وَ مَشِيَّتَكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَشْرُكَ اِلٰهِي مَقَالِ مَقَالًا، وَ لَا لِذِي حَالٍ حَالًا. اِلٰهِي
كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا وَ خَالَةٍ شَيَّدْتُهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ
اَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، اِلٰهِي اِنَّكَ تَعْلَمُ اَبِي وَ اِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنْي فِعْلًا

جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَ عَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ، وَ كَيْفَ
لَا أَعَزِمُ وَ أَنْتَ الْأَمِيرُ، إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْآثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ،
فَاَجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي
وُجُودِهِ مُتَقَرَّرٌ إِلَيْكَ، أَيْ كَوْنُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ
هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ، مَتَى غَبَتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَ مَتَى
بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ
عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَ حَسِرَتْ صَفْقَةٌ عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا. إِلَهِي
أَمَرْتَ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ، فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَ هِدَايَةِ
الِاسْتِبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا، كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٌ السِّرِّ
عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَ مَرْفُوعَ الْهَمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ. إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ هَذَا خَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ،
مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَ بِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ،
وَ أَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ. إِلَهِي عَلِّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ
الْمَخْرُوجِ، وَ صُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ،
وَ اسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ. إِلَهِي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي،
وَ بِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي، وَ أَوْقِفْنِي عَلَى مَرَازِكِ اضْطِرَارِي. إِلَهِي
أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شُرْكِي قَبْلَ حُلُولِ
رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي، وَ عَلَيْكَ اتَّوَكَّلُ فَلَا تَكْلِبْنِي، وَ إِيَّاكَ أَسْأَلُ
فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَ فِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَ بِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ

فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ
لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي. إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ
يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ
وَالْقَدَرَ يُمَيِّنُنِي، وَإِنَّ الْهَوَى بَوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَبَنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ
لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعِينِي بِكَ عَنْ
طَلْبِي. أَنْتَ الَّذِي أَسْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ
وَوَحَّدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ
يُجْبُوا سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْ حَشْتَهُمْ
الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ
فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ
خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلاً، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ
الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطَلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا
مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ
الْبَسَ أَوْلِيَائَهُ مَلَائِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ
قَبْلَ الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ
الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا
مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ. إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي
بِمَنَّاكَ حَتَّى أُقْبَلَ عَلَيْكَ. إِلَهِي إِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصِيَّتُكَ،
كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ، وَقَدْ

أَوْ قَعَبِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْنِكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَحْيَيْتَ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ
أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، إِلَهِي كَيْفَ اسْتَعَزُّ وَفِي الذَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ
لَا اسْتَعَزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا افْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقْرَاءِ
أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ افْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ
غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلْتُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ إِلَيَّ
فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا
مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَضَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتِ الْإِثَارَ
بِالْإِثَارِ، وَمَحَوَّتِ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْإِنْوَارِ، يَا مَنْ اخْتَجَبَ فِي
سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ أَنْ تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ
فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ
وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَحْدَهُ».

پایان

فهرست الفبایی

الف

- آخرین وقت احرام حج. م: ۹۶۲
- آزرده شدن پدر یا مادر، در حج و عمرهٔ مستحبی فرزند. م: ۱۶ - ۲۰۱
- ابریشم خالص و زریفت در لباس احرام زنان. م: ۲۹۹
- اتمام طواف و سپس اعادهٔ آن. م: ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۶۴۷ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۶ - ۷۱۲ - ۷۱۴
- اجازه شوهر برای زنی که قبل از ازدواج نذر کرده حج بجا آورد. م: ۶۱ - ۲۰۸
- اجازه شوهر در انجام واجبات. م: ۶۰ - ۶۲
- اجازه شوهر در حج و عمرهٔ مستحبی زن. م: ۱۵ - ۹۵ - ۲۰۱
- اجرت گرفتن برای عمرهٔ دومی که در یک ماه انجام شده. م: ۱۳۲۹
- اجرة المثل برای نایب. م: ۱۶۵
- اجیر در صورت عدم تعیین سال انجام. م: ۱۲۹
- اجیر شدن برای حج نایبی و استطاعت در همان سال. م: ۱۴
- اجیر شدن برای عمره پس از اعمال حج. م: ۱۲۸
- اجیر کردن برای زنده و میت. م: ۱۱۱
- اجیری که بعد از قرارداد نیابت، استطاعت طریقی پیدا کند. م: ۱۵۳

- احتیاط در انجام اعمال. م: ۷۶۹
- احرام از داخل مسجد جحفه. م: ۲۴۳
- احرام از داخل مسجد در حال عبور برای جنب و حائض. م: ۲۳۸
- احرام از داخل مسجد شجره. م: ۲۳۷ (جحفه) - ص ۴۰۳ م: ۳۸
- احرام از داخل مسجد شجره و محل قدیمی آن. م: ۲۴۰
- احرام از رائغ. م: ۲۵۹
- احرام، با تیمم بدل از غسل، در مسجد. م: ۲۳۹
- احرام بستن با لباس‌های دوخته و معمولی. م: ۳۰۸ - ۳۱۰
- احرام حج تمتع. م: ۹۶۳ - ۹۶۵
- احرام در کفش دوخته که تمام روی پا را نگیرد. م: ۵۳۵
- احرام در لباسی که خمس و زکات آن را نداده‌اند. م: ۳۵۰
- احرام عمره تمتع از جدّه یا حدیبیه. م: ۲۴۲ - ۲۵۷ - ۲۸۵ - ۲۸۶
- احرام عمره تمتع. م: ۲۵۷ - ۲۷۹
- احرام قبل از میقات. م: ۲۶۷
- احرام کسانی که از میقات نمی‌گذرند. م: ۲۵۱
- احرام کسانی که مستقیماً از جدّه برای عمره مفرده به مکه می‌روند. م: ۲۶۲ - ۲۶۴
- احرام کسی که ختنه نشده. م: ۳۴۲
- ادنی الحل. م: ۲۶۰
- اذان و اقامه برای کسی که دیر رسیده و نماز جماعت تمام شده. م: ۱۳۵۴
- اذن ولی کودک ممیز، در تصرف اموال خود. م: ۸
- ارکان حج: م: ۷۱۷ (طواف) ۸۳۸ (سعی) - ۹۸۰ (وقوف در عرفات) ۹۹۲ (وقوف در مشعرالحرام) -

- ارکان عمره. م: ۵۷۳ (طواف) - ۸۳۸ (سعی)
- از بین رفتن گوشت‌های قربانی. م: ۱۰۵۸ - ص ۴۰۰ م: ۲۰
- ازدواج کسی که در کودکی محرم شده ولی تمام اعمالش را انجام نداده. م: ۵۷
- استحاضه زنان و وظیفه آنان. م: ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۵ - ۶۳۸
- استطاعت از طریق ارث. م: ۱۴۶
- استطاعت از طریق فروش منزل. م: ۳۲
- استطاعت از میقات. م: ۴۷
- استطاعت افراد معتاد. م: ۸۸
- استطاعت با پول بذلی. م: ۲۱۱ - ۲۱۲
- استطاعت، با جواهرات زینتی زن. م: ۷۴
- استطاعت با فیش ثبت نامی دیگران. م: ۱۴۷ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲
- استطاعت با قرض گرفتن. م: ۲۲ - ۶۴ - ۶۵
- استطاعت با وجود بدهی به دیگران. م: ۲۳ - ۲۴ - ۶۶
- استطاعت حج و ازدواج. م: ۲۰ - ۳۹
- استطاعت حج و راه‌های آن. م: ۱۷ - ۶۳ - ۹۰ (اَوْلَاً).
- استطاعت حج و ضروریات زندگی. م: ۱۸ - ۳۳
- استطاعت زن از طریق مهریه. م: ۳۶ - ۷۲ - ۷۳
- استطاعت زن با وجود فرزند شیرخوار. م: ۹۴
- استطاعت کسانی که زندگی مشترک و درآمد مشترک دارند. م: ۱۱۰
- استطاعت مالی با وجوهات شرعیه. م: ۵۴ - ۸۱ - ۱۴۹
- استطاعت مالی زن، پس از مرگ شوهرش. م: ۴۹
- استطاعت و طلبکار. م: ۲۱

- استطاعت و عدم توانایی پرداخت خمس. م: ۷۹
- استطاعت و گرانی زیاد مخارج حج. م: ۳۰
- استطاعت و مخارج مقدّماتی سفر حج. م: ۲۹
- استطاعت و نداشتن پول قربانی. م: ۷۶
- استفاده از اموری مثل دعای توسل برای حفظ عدد دورهای طواف. م: ۷۴۰
- استفاده از پارچه ندوخته برای مرد مُحرم. م: ۳۴۵
- استفاده از پتو در حال احرام برای مردان. م: ۳۷۰ - ۵۳۱
- استفاده از پشه‌بند و امثال آن برای مرد مُحرم. م: ۳۸۹
- استفاده از چتر در منی و عرفات. م: ۵۵۴
- استفاده از سایبان برای بیماران. م: ۴۴۵
- استفاده از سایبان در حال ضرورت. م: ۴۴۵
- استفاده از سایبان در شب‌های بارانی برای مرد مُحرم. م: ۴۴۳
- استفاده از کیسه خواب برای مرد مُحرم. م: ۵۳۲
- استفاده از گوشت کفّاره بر خود شخص. م: ۵۳۰
- استفاده از ماشین سقف‌دار در مکه مکرمه. م: ۵۴۷ - ۵۴۸ - ص ۳۹۷ م: ۱
- استفاده از ماشین سقف‌دار و هواپیما برای مردان مُحرم. م: ۴۴۳ - ص ۳۹۷ م: ۱
- استفاده از هل و دارچین و زنجبیل و صابون و... در حال احرام. م: ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۵۴۵
- استلام حجرالاسود... م: ۸۵۷
- استمناء مُحرم. م: ۴۷۹
- اسقاط حج بخاطر پول‌های زیادی که حکومت‌ها از حجاج می‌گیرند. م: ۱۰۸
- اشواط طواف مستحبی. م: ۵۷۲ - ۷۲۲ - (واجب) - ۸۱۳ - ۸۱۸ (مستحب)
- اصلاح کردن سر با ماشین بین عمره تمّتع و حج تمّتع. م: ۹۳۳

- اصلاح نماز برای مُحرمی که وارد مکه شده و نمازش غلط دارد...: م: ۸۰۳
- اظهار تنفر و بیزاری و برائت از دشمنان اسلام در حال احرام. م: ۴۹۸
- اعاده طواف و نماز آن و قربانی برای جاهل مقصری که با پول خمس نداده، اعمال بجا آورده. م: ۳۵۳ - ۶۵۲
- اعاده نماز و سعی و تقصیر. م: ۸۰۶ - ۸۸۵ (و طواف)
- اعادهٔ قربانی. م: ۳۵۳ - ۶۵۲ - ۱۰۹۴ - ۱۱۲۱
- اعتماد کردن به رفیق و همراه خود در شمردن دورهای طواف... م: ۷۳۹
- اعلان عید، و هلال ماه ذی الحجّه از سوی قاضی اهل سنت. م: ۱۳۷۰ - ص ۴۰۲ م: ۲۹
- اعمال حجّ تمتّع. م: ۲۲۶ (ب) - ۹۵۸
- اعمال عمرهٔ تمتّع. م: ۲۲۶
- اعمال عمرهٔ مفرده. م: ۱۳۲۰ - ۱۳۲۱
- اعمالی که در طواف و... سبب وهن مذهب گردد. م: ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۱۳۵۸ - ص ۴۰۴ م: ۴۰
- افطار در مسجد الحرام. م: ۱۳۶۹ - ص ۴۰۲ م: ۲۹
- اقسام حج. م: ۲۱۷
- انجام اعمال مکه با وکالت برای قربانی. م: ۱۲۰۳
- انصراف از حج بعد از عمرهٔ تمتّع. م: ۹۲۲
- انگشتر به دست کردن برای ثواب یا خاصیتی. م: ۳۹۸ - ۳۹۹
- انگشتر زینتی برای محرم. م: ۳۹۸
- اهدای ثواب هر شوط طواف. م: ۸۲۴

ب

- بازگشت از منی در روز دوازدهم. م: ۱۲۲۰ - ۱۲۲۲ (حتی برای زنان) - ۱۲۳۰ - ۱۲۳۱
- بازگشت از منی قبل از ظهر روز دوازدهم برای معذورین. م: ۱۲۳۲
- باطل شدن وضو هنگام طواف واجب. م: ۵۹۷
- بالای کوه صفا و مروه رفتن در سعی. م: ۸۶۸
- بالغ شدن کودک بعد از احرام حج. م: ۶ - ۹
- بدن نما نبودن جامهٔ احرام. م: ۳۰۱ - ۳۴۸ (برای زنان)
- برخورد بدن مرد با زن نامحرم در طواف. م: ۷۰۱ - ۷۶۸
- برداشتن خاک از قبرستان بقیع. م: ۱۳۸۱
- برداشتن سنگ از صفا و مروه و مشعر و... م: ۱۳۸۰ - ۱۳۸۲
- برگشتن محرم پس از احرام در میقات به مدینه. م: ۲۸۷
- بستن دستمال به سر برای مرد مُحرم. م: ۳۸۸ - ۵۳۷
- بلند خواندن دعاها در طواف مستحب و واجب. م: ۸۲۰
- بلند خواندن نماز طواف برای خانمها. م: ۸۰۵
- بلند خواندن نماز طواف و اذکار آن توسط زن. م: ۸۰۵
- بلند کردن دستها و تکبیر گفتن محاذی حجرالاسود در طواف. م: ۷۶۷
- بلند یا آهسته خواندن نماز طواف. م: ۷۷۳
- بوسیدن همسر در حال احرام. م: ۴۶۹
- بول کردن بچه‌های قنذاقی در قنذاقه خود، در حال طواف و سعی. م: ۶۴۸
- بوی خوش برای مُحرم. م: ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۲۵ - ۴۲۸ - ۶۴۴
- بوی خوش کعبه برای محرم. م: ۴۲۲
- بوی خوش و گرفتن بینی... و بوی بد و فرار از آن. م: ۴۲۰ - ۴۲۱
- بهترین وقت برای احرام حج. م: ۹۶۱

- به هم زدن احرام. م: ۳۶۵
- بیتوته در دامنه کوه‌های اطراف مشعر هنگام وقوف. م: ۹۸۹
- بیتوته در کوه‌های اطراف منی. م: ۱۲۱۶
- بیتوته در منی نیت و قصد قربت می‌خواهد. م: ۱۲۱۳
- بیتوته شب سیزدهم برای کسی که قبل از غروب از منی خارج شده و بعد از غروب برگشته. م: ۱۲۱۹
- بیتوته شب سیزدهم در منی. م: ۱۲۱۷ - ۱۲۱۸
- بیتوته نکردن در منی از روی اضطرار و ناچاری. م: ۱۲۱۴
- بیتوته در منی. م: ۱۲۰۸ - ۱۲۱۱ - ۱۲۱۲ - ۱۲۲۷ - ۱۲۲۳
- بیرون آوردن خون از بدن در حال احرام. م: ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۶ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۷۱
- بیماری که احتمال دهد نتواند اعمال عمره را انجام دهد. م: ۱۳۴۱
- بیماری که اعمال مکّه را بر وقوفین مقدّم داشته. م: ۱۱۶۲
- بیهوش شدن در روز عید، قبل از رمی جمره. م: ۱۲۰۷
- بیهوش شدن در میقات. م: ۳۳۱
- بیهوش شدن کسی که وقوف اختیاری عرفه را درک کرده.... م: ۹۸۴

پ

- پاک بودن از حدث اصغر و اکبر در موقع احرام بستن. م: ۳۴۰
- پاک نگه داشتن لباس احرام در صورت عسر و حرج. م: ۳۴۷
- پاکی سنگ‌ها در رمی جمره. م: ۱۰۱۳
- پا گذاشتن روی اموال یا احرامی دیگران در حال طواف.... م: ۷۶۵ - ۷۶۶
- پایین کشیدن چادر، روی صورت زنان مُحرم. م: ۳۹۶

- پر تاب چند سنگ با هم بجای یک سنگ. م: ۱۰۰۳ (۳) - ۱۰۱۰
- پمادهای طَبّی و مالیدن آن به بدن در حال احرام. م: ۴۲۶
- پوست قربانی. م: ۱۰۶۳ - ۱۱۰۲
- پوشاندن روی پا با حوله احرامی یا پارچه‌ای. م: ۳۸۱
- پوشانیدن سر در حال خواب. م: ۳۹۰
- پوشانیدن سر و صورت برای مردان. م: ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۵۳۸
- پوشانیدن صورت برای زنان در حال احرام. م: ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۵۴۱
- پوشانیدن عورت در طواف. م: ۶۱۴
- پوشانیدن گوش‌ها برای مردان مُحرم. م: ۳۸۶
- پوشانیدن مقداری از صورت در حال نماز - برای زنان -. م: ۳۹۵
- پوشیدن کفش و جوراب و... در حال احرام برای مردان. م: ۳۸۰
- پوشیدن لباس احرام، برای نائِبِ در طواف یا سعی. م: ۳۵۱
- پوشیدن لباس دوخته در حال احرام برای زنان. م: ۳۷۴
- پوشیدن لباس عادی (دوخته) بعد از احرام. م: ۳۰۹ - ۳۱۲ - ۳۶۹ - ۱۳۹۵
- پوشیدن لباس‌هایی که به تنهایی ستر عورت نمی‌کند. م: ۸۰۱
- پوشیدن مقنعه برای زنان مُحرم. م: ۵۳۶ - ۵۴۰ - ۵۴۲
- پوشیدن هر نوع زینت آلات. م: ۴۰۲ - ۵۳۶
- پول خمس نداده همراه مُحرم در حال طواف. م: ۶۵۳

ت

- تارک حج. م: ۱
- تأخیر احرام از میقات. م: ۲۳۶ - ۲۷۰ - ۲۷۱

- تأخیر اعمال مکه از روز سیزدهم. م: ۱۱۵۹
- تأخیر تقصیر تا آخر ایام تشریق. م: ۱۱۳۲
- تأخیر حج. م: ۳
- تأخیر در طواف نساء. م: ۱۱۸۷
- تأخیر طواف به جهت تطهیر لباس و بدن. م: ۶۰۵
- تأخیر عمدی لبتیک از میقات... م: ۳۳۸
- تأخیر قربانی تا روز سیزدهم. م: ۱۰۳۶ - ۱۰۸۹ ص ۳۹۹ - م: ۱۶
- تبدیل ارز به پول ایرانی. م: ۱۳۸۴
- تبدیل عمره مفرده به تمتع قبل از طواف نساء برای فرار از کفاره. م: ۹۵۷
- تبدیل عمره مفرده به حج تمتع نیابتی بعد از ورود به مکه. م: ۱۴۰
- تبدیل عمره مفرده به عمره تمتع - در حج استحبابی - . م: ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۱۳۳۶
- تبدیل عمره تمتع به حج افراد (برای زن حائض). م: ۵۹۳ - ۶۳۹
- تبدیل عمره تمتع به عمره مفرده... م: ۱۲۹۸
- تبرک جستن به سنگی که از غار حرا آورده‌اند. م: ۱۳۸۲
- تجدید نیت احرام. م: ۲۵۱ - ۲۵۵ - ۲۵۷ - ۳۰۸ - ۳۲۱
- تراشیدن سر، بجای تقصیر در عمره تمتع. م: ۹۰۱
- تراشیدن سر برای کسانی که سفر اول آنهاست... م: ۱۱۲۵ - ۱۱۴۹ - (مستحب مؤکد) - ۱۱۵۰ - ۱۱۵۳ - ۱۱۵۵
- تراشیدن سر، بعد از عمره تمتع. م: ۹۰۳ - ۹۳۳
- تراشیدن سر یا تقصیر در منی. م: ۱۱۲۲ - ۱۱۲۳ - ۱۱۲۶ - ۱۱۲۸
- تراشیدن صورت، بین عمره تمتع و حج. م: ۹۳۴
- تراشیدن قسمتی از سر. م: ۱۱۲۳

- تراشیدن قسمتی از سر، و رها کردن آن، و سپس تقصیر کردن. م: ۱۱۵۶
- تراشیدن، یا اصلاح سر دیگران توسط مُحرم. م: ۴۵۵
- ترتیب در اعمال منی، برای کسی که در وطنش قربانی می‌کند. م: ۱۱۰۳ - ۱۱۰۴
- ترتیب در اعمال منی در روز عید قربان. م: ۱۱۳۳ - ۱۱۳۵
- ترتیب در رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم. م: ۱۲۳۶ - ۱۲۳۷ - ۱۲۴۴ - ۱۲۴۵ - ۱۲۴۶ - ۱۲۴۷ - ۱۲۵۱
- ترتیب رمی جمرات برای نائب. م: ۱۲۷۷
- ترتیب قضای رمی جمرات. م: ۱۲۷۹ - ۱۲۸۰
- ترتیب میقات‌ها. م: ۲۶۶
- ترک تقصیر در عمره تمتع از روی عمد (یا جهل). م: ۹۰۵ - ۹۰۶
- ترک تقصیر در عمره تمتع از روی فراموشی. م: ۹۰۴
- ترک تقصیر در عمره مفرده. م: ۹۱۴ - ۹۱۵
- ترک تقصیر در عمره مفرده و احرام به عمره تمتع. م: ۱۳۳۶
- ترک حج، پس از خروج از عمره تمتع. م: ۹۲۲
- ترک طواف حج تمتع عمداً، جهلاً، سهواً، نسیاناً. م: ۷۱۷
- ترک طواف سهواً. م: ۵۷۴
- ترک طواف مستحبی هنگام ازدحام جمعیت. ص ۴۰۱ م: ۲۳
- ترک طواف نساء. م: ۱۱۶۴ - ۱۱۶۵ - ۱۱۶۷ - ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲ - ۱۱۸۸ - ۱۱۹۱ - ۱۱۹۳ - ۱۱۹۵ - ۱۱۹۶ - ۱۱۹۷ - ۱۱۹۸
- ترک عمدی احرام حج. م: ۹۷۰
- ترک عمدی حجاب در سعی. م: ۸۹۳
- ترک عمدی رمی جمرات. م: ۱۰۲۶ - ۱۲۴۰ - ۱۲۴۸

- ترک عمدی نماز طواف. م: ۷۸۰
- ترک واجب مهمتر و انجام حرامی در حج. م: ۱۲ - ۱۳
- ترک وقوف اختیاری عرفه از روی عذر و ترک عمدی اضطراری آن. م: ۹۸۲
- ترک وقوف اختیاری مشعر (جهلاً) و انجام وقوف اضطراری آن. م: ۹۹۸
- تزریق آمپول در حال احرام. م: ۵۶۴
- تشخیص عذر. م: ۱۱۸۲
- تطهیر بدن و جامهٔ احرام. م: ۳۰۵
- تطهیر مسجد الحرام با روش فعلی برای نماز و... م: ۱۳۸۵ - ۷۹۹
- تعداد حج در یک سال. م: ۱۸۳
- تعداد سنگریزه‌های مورد نیاز برای سه روز رمی جمرات. م: ۱۰۰۵ (۳)
- تعداد سنگ‌ها، در رمی جمره. م: ۱۰۰۳ (۲) - ۱۲۸۵
- تعداد عمرهٔ مفرده در یک ماه قمری. م: ۶۱۹ - ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ - ۱۳۲۸ - ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳
- تعیین نایب با وکالت. م: ۱۷۴
- تغییر نیت از حج تمتع. م: ۲۳۰
- تغییر نیت بعد از مُحرم شدن. م: ۱۴۸ - ۱۸۰ - ۳۶۵ - ۹۵۱ - ۹۵۵ - ۹۵۶
- تفاخر در حال احرام. م: ۴۸۸
- تفاوت عمرهٔ مفرده با عمرهٔ تمتع... م: ۱۳۲۲
- تفاوت محرمات احرام حج با عمره. م: ۹۶۶
- تقدیم اعمال مکّه بر وقوفین. م: ۱۱۶۰ - ۱۱۷۷ - ۱۱۷۸ - ۱۱۷۹ - ۱۱۸۰ - ۱۱۸۱ - ۱۲۰۱
- تقسیم قربانی. م: ۱۰۵۵
- تقصیر از روی ریا. م: ۱۱۲۷
- تقصیر اشتباهی کسانی که اعمال مکّه را بر وقوفین مقدم می‌دارند. م: ۹۱۶

- تقصیر باطل در حج، و انجام اعمال بعد آن. م: ۱۱۵۷
- تقصیر باطل در عمره مفرده و تجدید احرام عمره تمتع. م: ۹۰۸
- تقصیر باطل و انجام محرمات احرام. م: ۹۱۷
- تقصیر یا نکردن مو. م: ۸۹۸ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۱۱۲۴
- تقصیر با کوتاه کردن موی زیر بغل، و سایر موهای بدن. م: ۸۹۷ - ۱۱۳۰
- تقصیر با گرفتن ناخن تنها. م: ۸۹۷ - ۱۱۲۴ - ۱۱۵۷
- تقصیر برای کسی که باید بدل قربانی روزه بگیرد. م: ۱۱۵۲
- تقصیر پس از طواف و نماز. م: ۹۱۳
- تقصیر خارج از منی و انجام اعمال پس از آن. م: ۱۱۴۱ - ۱۱۴۳ - ۱۱۴۴ - ۱۱۴۷
- تقصیر در اثنای سعی، از روی سهو و اشتباه. م: ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۹۱۰
- تقصیر در شب. م: ۱۱۳۲
- تقصیر سنی برای شیعه. م: ۹۱۱ - ۱۱۳۹
- تقصیر کردن به گمان این که وکیل قربانی نموده. م: ۱۱۳۶
- تقصیر محرم برای محرم. م: ۹۰۰ - ۱۱۴۰
- تقصیر یا تراشیدن ریش. م: ۱۱۲۹
- تقصیر یا تراشیدن سر بعد از قربانی. م: ۱۱۳۵
- تقصیر یا تراشیدن سر قبل از طواف حج. م: ۱۱۳۴
- تکبیر گفتن در منی بعد از نماز و... ص ۴۳۸ (۲)
- تکرار قسمتی از سعی بین صفا و مروه. م: ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹
- تلفظ نماز. م: ۳۵۹
- تور دوزی و گل دوزی در لباس احرام و مقنعه زنان. م: ۵۳۶
- تهیه سنگها، در رمی جمره. م: ۱۰۰۵ (۲)

- تهیئه فیش حج به قیمت آزاد. م: ۷۵
- تهیئه مقدمات سفر حج. م: ۴
- تیّم بدل از غسل. م: ۵۸۶
- تیّم برای طواف با امید برطرف شدن عذر. م: ۵۸۷
- تیّم برای کسی که در مسجدین محتمل شده. م: ۱۳۸۶

ث

- ثبت نام پس از استطاعت و شرکت در قرعه کشی. م: ۴۸ - ۱۰۹

ج

- جابجا کردن مقام ابراهیم ع. م: ۷۹۶ (الف)
- جابجایی حشرات بر مُحرم. م: ۴۸۱
- جاری کردن نیت احرام بر زبان. ص ۴۰۸ (۷)
- جاری کردن نیت در طواف بر زبان. م: ۵۷۶ - ۱۱۵۴
- جامه‌ای بلند به جای دو جامه احرام. م: ۲۹۷
- جامه احرام بیش از دو تا. م: ۳۱۱ - ۳۴۶
- جامه احرام پوستی، بافتنی و نمدی. م: ۳۰۲ - ۳۰۳
- جامه احرام را بهتر است... دوباره برای طواف بیوشد. م: ۳۰۷
- جامه احرام، و آنچه در لباس نمازگزار بخشوده شده. م: ۳۰۰
- جبران عمل باطل شده، در عمره، بعد از تقصیر. م: ۷۶۰
- جدا کردن پوست‌های زائد لب و کنار ناخن‌ها. م: ۵۶۵
- جدال و نزاع و قسم خوردن به خدا، از روی خصومت و دشمنی. م: ۴۹۰-۴۹۱-۴۹۳-۴۹۸

- جَدّه محاذی میقات. م: ۲۵۵ - ۲۸۶
- جماعت در نماز طواف. م: ۷۷۳ - ۸۰۷ - ص ۳۹۸ م: ۹
- جنس و رنگ جامهٔ احرام. م: ۲۹۴

چ

- چرت زدن موقع عبادت در مکه برای کسی که بجای بیتوته در منی، آنجا عبادت می‌کرده. م: ۱۲۲۸
- چسباندن پا به کوه در سعی. م: ۸۲۷
- چگونگی پرتاب سنگ‌ها، در رمی جمره. م: ۱۰۰۳ (۵) - ۱۰۱۲
- چند عمرهٔ مفرده در یک ماه به نیابت از دیگران. م: ۱۳۲۸
- چیدن گیاهان و علف‌های حرم. م: ۵۱۸

ح

- حائضی که خیال می‌کرده جنب است. م: ۶۴۲
- حجاب در سعی. م: ۸۲۶ - ۸۹۳
- حجاب زنان مُحرم، در طواف و نماز. م: ۶۵۴
- حج، از ارکان دین اسلام. م: ۱
- حج افراد و تفاوت‌های آن با حج تمتع. م: ۲۲۱
- حج با پول غیر مخمس. م: ۴۵ - ۳۵۰ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۱۳۷۲
- حج، با پول قرض. م: ۲۰۲
- حج، با مال حرام یا مال خمس نداده. م: ۴۵ - ۱۳۹۹ (و مالی مشتبه به حرام)
- حج بذلی و شروط آن. م: ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۱۰۴۲

- حجّ بلدی و میقاتی. م: ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۷۴ - ۱۸۶
- حجّ پدر یا خودش؟ م: ۱۴۶ - ۱۴۷
- حجّ تمتّع و شرایط آن. م: ۲۲۸
- حجّ تمتّع وظیفه کیست؟ م: ۲۱۸
- حج، جزء مهریه یا شرط ضمن عقد ازدواج. م: ۱۰۳
- حجّ خدمت‌گزاران در کاروان‌ها و ستاد و... م: ۳۷ - ۷۸ - ص ۴۰۲ م ۳۰۱
- حجر اسماعیل داخل طواف. م: ۶۶۷ - ۶۶۸
- حجّ غیر بالغ. م: ۵ - ۸
- حجّ قرآن و افراد وظیفه کیست؟ م: ۲۱۸ - ۲۲۰ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۴ - ۹۸۶
- حجّ کسی که با پول سهم الارث دیگران به حج آمده. م: ۱۳۸۸
- حجّ کودک ممیز بدون اذن ولی خود. م: ۸
- حجّ ما فی الذمه یا احتیاطی. م: ۱۰۴ - ۱۰۵
- حجّ مستحبی. م: ۲۰۰ - ۱۳۹۲
- حجّ مستحبی در چه صورت کفایت از واجب می‌کند. م: ۴۴
- حجّ نیابتی یا طواف از طرف معصومین علیهم‌السلام و اقوام و بزرگان. م: ۲۰۵
- حجّ واجب - حَجَّةُ الاسلام - واجب فوری. م: ۲ - ۳
- حج و تغییر در نوع آن. م: ۲۱۹ - ۹۵۰
- حج‌های مکرر با وجود افراد منتظر نوبت. م: ۲۰۰ - ۱۳۹۱
- حدود مشخص شده با علائم برای عرفات و منی و مشعر. م: ۹۸۳ - ۱۲۳۵
- حرکت معذورین از مشعر به منی قبل از نصف شب نباشد. م: ۹۹۴
- حرکت و جابجایی در نماز طواف. م: ۷۹۷ - ۷۹۸
- حرمت ابدی ازدواج... م: ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۹ - ۴۶۱

- حکم شکار کردن محرم. م: ۵۰۹
- حلال شدن محرمات احرام. م: ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۱۱۷۴ - ۱۱۷۵ - ۱۳۲۶
- حلال شدن محرمات احرام بر مُحرم در عمره. م: ۸۵۳ - ۹۰۲
- حمام رفتن برای مُحرم. م: ۳۸۷
- حمل اسلحه برای مُحرم. م: ۵۱۱ - ۵۱۲
- حیض زنان. م: ۲۷۶ - ۵۹۳ - ۵۹۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۵ - ۶۳۷ - ۶۴۰
- حیض زنان بعد از پنجاه سالگی. م: ۶۲۹

خ

- خانه کعبه سمت چپ طوافکننده. م: ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ص ۳۹۸ م: ۵
- ختم قرآن اجیر، در طواف نیابتی برای دیگری. م: ۱۳۲
- ختنه شرط صحّت طواف. م: ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳
- ختنه شرط صحّت طواف مستحبی. م: ۸۲۲
- ختنه شرط صحّت نماز طواف. م: ۳۴۲
- ختنه ضرر داشته باشد. م: ۶۴۹
- ختنه ناقص انجام شده. م: ۶۵۰ - ۶۵۱
- خدمه کاروان‌ها که نمی‌توانند لباس احرام بپوشند. م: ۱۳۹۵
- خروج از احرام بتدریج. م: ۱۱۷۴
- خروج از مکه بعد از عمره تمتع برای.... م: ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۶ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۲
- خروج از احرام برای کسی که حجّش را باطل کرده. م: ۵۶۹
- خروج از مسجدالحرام و مسجدالتّبی و ترک نماز جماعت.... م: ۱۳۴۴

- خروج از مکه برای کسانی که قصد ده روز کرده‌اند. ص ۴۰۰ م: ۲۶
- خروج از مکه بعد از اعمال منی و قبل از اعمال مکه. م: ۱۲۰۵
- خروج از مکه بعد از حج تمتع و ورود به آن در همان ماه.... م: ۱۲۰۴
- خروج از مکه قبل از انجام اعمال عمره و خروج از احرام. م: ۹۲۶
- خروج از مکه و ورود به آن در ماه بعد.... م: ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۷ - ۹۳۲ - ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷
- خروج از مکه و ورود به آن در همان ماه.... م: ۱۳۱۵
- خروج از منی بعد از بیتوته نیمه شب. م: ۱۲۱۲
- خروج از منی در صبح روز دوازدهم.... م: ۱۲۲۱
- خروج از منی قبل از ظهر روز سیزدهم. م: ۱۲۲۰
- خرید و فروش عطریات توسط مُحرم. م: ۴۱۷
- خرید و فروش فیش حج. م: ۱۳۸۹
- خشک کردن سر با دستمال و حوله (برای مرد). م: ۳۸۸ - ۵۳۸
- خلوص در عبادت (حج و عمره و...). م: ۳۱۷ - ۳۱۹
- خمس اموال کسانی که تا قبل از حج حساب خمسی نداشته‌اند. م: ۱۳۷۳
- خمس پولی که برای حج نام‌نویسی کرده‌اند. م: ۴۶
- خمس دادن فقط برای لباس احرام. م: ۱۳۷۳
- خمس لباس احرامی که معلوم نیست خمس آن را داده‌اند. م: ۳۵۰
- خمس، و یقین به وجود (یا عدم) آن در پول باذل.... م: ۱۳۷۱
- خواب رفتن بچه‌های کوچک در حال طواف و سعی. م: ۶۴۸
- خواندن بلند یا آهسته نماز طواف. م: ۷۷۳ - ۸۰۵
- خوردن روغن و غذاهای چرب برای مُحرم. م: ۴۲۷ - ۴۲۸
- خوردن گوشت شکار برای مُحرم. م: ۵۰۱

- ۴۱۵: م خوردن میوه‌های خوشبو برای مُحرم.
- ۶۰۵ - ۶۰۴: م خون قروح و جروح در لباس و بدن طواف کننده.
- ۶۰۲: م خون کمتر از درهم در بدن و لباس طواف کننده.

۵

- ۳۰۴: م درآوردن جامهٔ احرام.
- در رمی جمره عقبه پشت به قبله و در جمرات دیگر رو به قبله. م: (۱۰۱۵ - ص ۴۳۵) (۵)
- ۴۸۸: م دروغ گفتن در حال احرام.
- ۴۸۸: م دروغ گفتن و تفاخر در حال احرام.
- ۳۷۴: م دستکش برای زنان در حال احرام.
- ۴۶۷: م دست گذاشتن و لمس بدن همسر در حال احرام.
- ۴۸۸: م دشنام دادن در حال احرام.
- ۱۱۵۷ - ۱۱۳۷: م دفن موی سر در منی.
- ۵۳۴: م دوخت داشتن دست و پای مصنوعی برای مُحرم.
- ۵۳۳: م دوخت‌هایی که روی حولهٔ احرام می‌زنند.
- ۲۶۲: م دورترین حدِّ حرم.
- ۱۳۲۹: م دو عمره در یک ماه و دومی آن به نیابت.
- ۱۹۲: م دیوانه شدن پس از احرام عمرهٔ تمتع.
- ۵۸: م دیوانه شدن پس از عمرهٔ تمتع.
- ۱۹۸: م دیوانه شدن در عرفات.
- ۲۸۸ - ۵۹ - ۵۸: م دیوانه و تکلیف او.
- ۱۰: م دیوانهٔ مُحرم که قبل از مشعر الحرام عاقل گردد.

ذ

- ذابح شیعه. م: ۱۹۹ - ۱۰۶۵ - ص ۳۹۹ م: ۱۷
- ذبح از طرف دیگری. م: ۱۱۰۸ - ۱۱۰۹ - ۱۱۱۰ - ۱۱۱۵ - ۱۱۱۶ - ص ۳۹۹ م: ۱۸
- ذبح، با استیل و هر فلز برنده‌ای. م: ۱۰۹۵ - ص ۳۹۹ م: ۱۸
- ذبح با وسایل ماشینی.... م: ۱۰۶۲ - ص ۴۰۰ م: ۲۲
- ذبح حیوانات اهلی برای مُحرم. م: ۵۰۴
- ذبح در شب. م: ۱۰۸۹
- ذبح را انجام داده، ولی سنّ قربانی کمتر از مقدار لازم بوده. م: ۱۰۵۴
- ذبح قربانیِ دیگران، قبل از ذبح قربانی خود. م: ۱۱۱۴
- ذبح قربانیِ کفّاره از طرف دیگری. م: ۵۵۱
- ذبح قربانی محصور و مصدود. م: ۱۳۰۷ - ۱۳۰۵ - ۱۳۰۰

ر

- راه صحیح رفتن به حج، غیر از قرعه‌کشی. م: ۴۸ - ۵۱ - ۹۶
- رجوع به بذل، در حجّ بذلی. م: ۲۱۳
- رجوع به زن مطلقه رجعیه، در حال احرام. م: ۴۶۲
- رجوع به کفایت در استطاعت.... م: ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۲۱۱
- رعایت نکردن ترتیب در رمی جمرات. م: ۱۲۳۸
- رفتن به غار حرا و ثور بعد از عمره تمتّع. م: ۹۱۹ - ۹۲۸ - ۹۳۰ - ۹۳۱
- رفتن زیر سایبان اتوبوس در حال حرکت. م: ۵۵۸
- رفع خستگی در حال طواف. م: ۶۰۱ - ۷۱۰ - ص ۳۹۹ م: ۱۲

- رمی از طبقات بالا. م: ۱۰۲۱ - ۱۰۲۹ - ۱۲۸۲ - ص ۳۹۹ م: ۱۴
- رمی اشخاص معذور، مانند: اطفال و بیهوش و... م: ۱۲۵۶
- رمی با سنگ‌هایی که احتمالاً از خارج حرم آورده‌اند. م: ۱۰۰۷ - ۱۲۸۴
- رمی جمرات از هر طرف. م: ۱۰۱۵
- رمی جمرات با دست راست یا چپ. م: ۱۰۱۱
- رمی جمرات پیاده یا سواره. م: ۱۰۱۱
- رمی جمرات در روز سیزدهم. م: ۱۲۳۹
- رمی جمرات روز یازدهم برای کسی که قربانی و حلق یا تقصیر نکرده. م: ۱۲۸۱
- رمی جمره عقبه. م: ۱۰۰۲
- رمی چهار سنگ پشت سر هم به جمره و ترک بقیه. م: ۱۰۰۴ - ۱۲۳۷ - ۱۲۴۷ - ۱۲۵۲
- رمی در شب بدون عذر. م: ۱۲۶۸
- رمی در شب برای زن نایب. م: ۱۲۷۳
- رمی در شب برای زن‌ها جایز است. م: ۱۶۳ - ۱۲۶۷
- رمی در شب، برای معذورین. م: ۱۰۱۴ - ۱۰۲۰ - ۱۰۳۲ - ۱۲۴۳ - ۱۲۶۷ - ۱۲۶۸ - ۱۲۶۹ - ص ۳۹۹ م: ۱۴
- رمی همراهان معذورین. م: ۱۰۳۲
- رنگ کردن موها و حنا بستن قبل یا بعد از احرام. م: ۴۰۳ - ۵۴۳
- روزهایی که باید بدل قربانی روزه گرفت. م: ۱۰۷۶ - ۱۰۷۷ - ۱۰۷۹ - ۱۰۸۰ - ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴ - ۱۰۸۵ - ۱۰۸۷
- روزه بجای قربانی. م: ۲۱۴ - ۱۰۴۲ - ۱۰۷۳ - ۱۰۷۶
- روزه بدل از قربانی و قادر شدن بر ذبح قربانی بعد از آن. م: ۱۰۸۱
- روزه بدل قربانی در وطن. م: ۱۰۸۸

- روزه بدل قربانی و قضای آن بر ولی. م: ۱۰۸۶
- روزه در ایام تشریق در منی. م: ۱۰۷۸
- روزه مستحبی (حاجت) مسافر در مکه و مدینه. ص ۴۰۳ م: ۳۷
- رها کردن رمی، و از سر گرفتن مجدد آن. م: ۱۲۸۳
- رها کردن سعی و از سرگیری مجدد آن. م: ۶۸۶ - ۸۸۳ - ۸۸۴
- رها کردن طواف مستحبی. م: ۶۷۸ - ۶۰۰
- رها کردن (قطع) طواف واجب و از سرگیری مجدد آن. م: ۶۱۸ - ۶۴۶ - ۶۸۳ - ۶۸۶ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۳ - ۷۲۳ - ۷۴۳ - ۷۴۶ - ۷۴۸ - ۷۵۳
- رها کردن و چریدن حیوانات در حرم. م: ۵۱۸
- ریا در عمره تمتع. م: ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰
- ریا در لَبِيك واجب. م: ۳۳۴
- ریا و معنای آن. م: ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۸۰ (بعد از عمل) - ۹۶۴

ز

- زایل شدن مو از بدن هنگام غسل و وضو در حال احرام. م: ۴۵۱
- زایل کردن مو از بدن. م: ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۵۶۱
- زایل کردن مو از بدن فرد دیگر توسط مُحَرَّم. م: ۴۵۵
- زمان انجام تقصیر در حج تمتع. م: ۹۱۱-۱۱۳۹
- زمان انجام طواف حج تمتع برای نایب. م: ۱۷۷
- زمان انجام طواف عمره تمتع، برای نایب. م: ۱۷۷
- زمان حرام شدن محرّمات بر حاجی. م: ۳۳۵
- زمان عمره تمتع. م: ۲۲۶

- زمان عمره مفرده. م: ۱۸۳ - ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹
- زمان عید قربان برای کسانی که قربانی خود را در وطن انجام می‌دهند. م: ۱۰۹
- زنان سیده امروزی. م: ۶۲۹
- زنانی که اعمالشان در حال پاکی - از حیض - انجام شود. م: ۶۳۴ - ۶۳۶ - ۹۴۷ - ۹۸۵
- زنانی که در طواف مستحبی چشمشان به بدن مردان می‌افتد.... م: ۸۲۱
- زن حائضی که خیال می‌کرد احرام بستن برای او جایز نیست.... م: ۲۷۶
- زن مُحرم حائضی که نتواند طواف و نماز طواف را به موقع انجام دهد. م: ۵۹۳ - ۹۴۶ - ۹۴۸
- زنی که احتمال می‌دهد عادت شود، می‌تواند مُحرم برای عمره مستحبی گردد. م: ۱۳۴۱
- زنی که اعمال مکه را بر وقوفین مقدم داشت ولی بعد از بازگشت پاک بود.... م: ۱۱۶۲
- زنی که بعد از دور چهارم عمره تمتع حائض شود. م: ۶۴۰
- زنی که به نیت عمره مفرده مُحرم شده و بعد عادت شده. م: ۱۳۳۹
- زنی که پس از اعمال عمره (تمتع) متوجه شده که در آن حال پاک نبوده. م: ۹۵۲
- زنی که در میقات حائض است و یقین دارد که نمی‌تواند عمره تمتع را به موقع انجام دهد. م: ۹۴۵
- زنی که طواف حج و طواف نساء را بجا نیاورده و حائض شده.... م: ۱۱۷۰
- زنی که طواف عمره تمتع را باطل انجام داده و حائض شده.... م: ۶۴۱
- زنی که طواف عمره تمتع را بجا آورده و قبل از ادای نماز آن حائض شده. م: ۸۰۲
- زنی که وضع حمل کرده. م: ۵۹۳
- زنی که هنگام طواف، عادت ماهیانه شود. م: ۵۹۷
- زینت کردن با انگشتر و.... م: ۳۹۸ - ۴۰۰ - ۴۰۲ - ۴۰۸ - ۴۱۳
- زینت کردن با حنا در حال احرام. م: ۴۰۱ - ۴۰۳ (قبل از احرام) - ص ۴۱۰ (۵)

س

- سایبان اگر اثر نداشته باشد. م: ۴۴۳
- سایبان قرار دادن، یا زیر سایه رفتن (مردان) در حال احرام. م: ۴۳۹ - ۴۴۰
- سایه، در منازل بین راه، مکه، عرفات و...م: ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷
- سایه دیوارهای اتومیبل سرباز. م: ۵۵۲
- ستر عورت برای مردان. م: ۸۲۶
- سجده بر پشت نمازگزاران. م: ۱۳۶۰
- سجده بر حصیر. م: ۱۳۵۹ - ص ۴۰۲ م: ۳۰
- سجده بر سنگ‌های مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ. م: ۱۳۵۷ - ۱۳۶۲ - ص ۴۰۲ م: ۲۸
- سجده بر فرش‌های مسجدالنبی ﷺ. م: ۱۳۵۸ - ۱۳۶۲ - ص ۴۰۲ م: ۲۸
- سربالایی صفا و مروه. م: ۸۶۵ - ص ۳۹۹ م: ۱۱
- سرمه کشیدن - برای مُحرم -. م: ۴۰۵ - ۴۰۷
- سعی. م: ۸۵۸
- سعی از طبقه بالا. م: ۸۳۱ - ۸۷۰ - ص ۳۹۹ م: ۱۰
- سعی از طبقه زیرزمینی. م: ۸۳۲
- سعی بدون وضو. م: ۸۵۶
- سعی در حال سخن گفتن و خوردن غذا و... انجام داد. م: ۸۶۱
- سعی در حال شک و تردید مقداری از یک شوط. م: ۸۸۷
- سعی را از روی سهو و فراموشی ترک کند. م: ۸۳۹ - ۸۷۷
- سعی را از همان مسیری که رفته برگردد. م: ۸۶۶
- سعی را اگر از روی جهل اضافه کند. م: ۸۴۱ - ۸۸۰

- سعی را اگر از روی جهل ترک کند. م: ۸۳۹
- سعی را اگر از روی فراموشی و سهو کم کند. م: ۸۴۲ - ۸۵۵ (و گمان کند تمام شده)
- سعی را به علت بیماری رها کرده و به ایران آمده. م: ۱۳۴۲
- سعی را چهارده مرتبه انجام داده. م: ۸۳۰ - ۸۷۸
- سعی را سواره انجام داده و گاهی - یا در تمام هفت دور - خواب بوده. م: ۸۹۱ - ۸۹۲
- سعی را سهواً از مروه شروع کرده و در بین سعی یا بعد از آن فهمیده. م: ۸۲۸ - ۸۶۳ - ۸۶۴
- سعی را سهواً کم یا زیاد کند.... م: ۸۲۹ - ۸۴۰ - ۸۷۹
- سعی را عقب عقب و غیر متعارف انجام دهد. م: ۸۳۳ - ۸۷۱
- سعی را عمداً کم و زیاد کند. م: ۸۲۹ - ۸۴۰
- سعی را کمتر از یک دور و یا یک دور کامل انجام دهد و بقیه را فراموش کند. م: ۸۴۳
- سعی را یقین دارد ناقص گذاشته. م: ۸۴۴
- سعی زن حائض. م: ۸۸۸ - ۸۸۹
- سعی سواره. م: ۸۵۸
- سعی صفا و مروه از واجبات. م: ۸۲۵
- سعی صفا و مروه مستحبی. م: ۸۹۵
- سعی قبل از نماز طواف. م: ۸۳۴ - ۸۳۶
- سعی می‌کرده و گاهی به عقب برمی‌گشته و گاهی می‌دویده و... م: ۸۶۹ - ۸۷۲
- سعی و تأخیر آن تا فردا و... م: ۸۳۵ - ۸۷۴
- سعی و واجبات آن. م: ۸۲۶
- سعی هفت دور تمام باشد و از صفا شروع می‌شود. م: ۸۲۶
- سعی یا قسمتی از آن را عمداً در عمره یا حج ترک کند. م: ۸۳۷ - ۸۳۸

- سنباق زدن به لباس احرام. م: ۳۷۳
- سنگ‌ها، در رمی، اگر در حوضچه اطراف ستون بیفتد. م: ۱۰۰۳ (۴) - ۱۰۳۳ - ص ۳۹۹ م: ۱۳
- سنگ‌هایی که قبلاً استفاده شده در رمی جمره. م: ۱۰۰۵ (۳)
- سنگ‌هایی که یقین دارد از خارج حرم به مشعر آورده‌اند.... م: ۱۲۸۴
- سوگند از روی محبت و دوستی - در حال احرام -. م: ۴۹۹
- سوگند راست و دروغ در جدال برای مُحرم. م: ۴۹۵
- سه‌م فقیر از قربانی. م: ۱۰۵۵
- سه‌میه مواد مصرفی توسط حجاج. م: ۱۳۹۸

ش

- شانه کردن موها در حال احرام. م: ۴۴۹
- شاهد عقد ازدواج شدن مُحرم. م: ۴۵۸
- شرایط جامهٔ احرام. م: ۲۹۹
- شرایط حیوان قربانی.... م: ۱۰۴۳ تا ۱۰۵۴
- شرایط سنگ ریزه‌ها در رمی جمره. م: ۱۰۰۵
- شرایط طواف. م: ۵۷۵ (نیت) و...
- شرایط قربانی کفاره. م: ۵۲۵
- شرایط لباس احرام. م: ۲۹۴
- شرایط لباس احرام در طواف. م: ۶۱۵
- شرایط نایب. م: ۱۱۴ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۴۲ - ۱۴۴
- شروع طواف از حَجْرِ الاسود و ختم به رکن یمانی. م: ۶۸۸
- شروع طواف از رکن یمانی و ختم به همانجا. م: ۶۹۰ - ۶۹۱

- شروع طواف قبل از حجرالاسود و ختم به همانجا. م: ۶۸۹
- شروع مجدد طواف یا سعی از محاذی جایی که طواف یا سعی را قطع کرده. م: ۷۰۷
- شکار حیوانات دریایی برای محرم. م: ۵۰۵ - ۵۰۶
- شکار حیوانات صحرائی یا ذبح آنها و شکار پرندگان برای محرم. م: ۵۰۰ - ۵۰۸ (نوزاد و تخم آنها)
- شکار را نشان دادن یا بستن و نگهداری آن برای محرم. م: ۵۰۱ - ۵۰۷
- شک بعد از طواف، در عمل طواف. م: ۶۹۲ - ۶۹۳
- شک بعد از طواف، نسبت به عدد دورهای طواف. م: ۷۳۴
- شک بعد از طواف، نسبت به وضو یا غسل آن. م: ۵۹۰ - ۷۳۴
- شک بین هفت و نه دور در سعی، در مروه. م: ۸۵۱
- شک بین هفت و نه دور در سعی، قبل از رسیدن به مروه، سعی باطل است. م: ۸۸۶
- شک پس از ذبح قربانی در ناقص بودن حیوان. م: ۱۰۴۹
- شک در اثنای طواف که غسل واجب را انجام داده یا نه. م: ۵۹۲
- شک در اثنای طواف که وضو گرفته یا نه. م: ۵۹۱
- شک در استطاعت. م: ۳۵
- شک در استفاده قبلی از سنگ‌ها - برای رمی جمره -. م: ۱۰۰۵ (۳) - ۱۰۰۶
- شک در اعمال حج یا عمره. م: ۱۴۰۰
- شک در انجام رمی جمره پس از گذشتن یک روز. م: ۱۲۶۰
- شک در انجام سعی با فاصله مثلاً یک روز از طواف - قبل از تقصیر یا بعد از آن. م: ۸۵۲
- شک در انجام طواف نساء پس از بازگشت از مکّه. م: ۱۱۹۰ - ۱۳۴۰
- شک در انجام عمره تمتّع یا صحّت آن، پس از شروع اعمال حج. م: ۹۳۷
- شک در ایجاد حدث بعد از طهارت. م: ۵۸۸

- شک در بیشتر از هفت دور در سعی، با یقین به انجام هفت دور. م: ۱۴۹
- شک در تعداد سنگ‌ها، بعد از قربانی یا تقصیر و... م: ۱۰۱۸
- شک در تعداد سنگ‌های جمره قبلی، بعد از شروع جمره بعدی. م: ۱۲۶۴
- شک در تعداد سنگ‌های جمره قبلی قبل از شروع به رمی جمره بعدی. م: ۱۲۶۳
- شک در دورهای سعی هنگام سعی، و یقین به صحت آن بعد از سعی. م: ۷۵۱
- شک در دورهای طواف مستحبی. م: ۷۳۶ - ۸۱۶ (۵)
- شک در دورهای طواف هنگام طواف، و یقین به صحت آن بعد از طواف. م: ۷۵۰ - ۷۵۱
- شک در صحت پرتاب سنگ پس از پرتاب آن. م: ۱۲۶۱
- شک در صحت تقصیر پس از انجام آن. م: ۹۱۲
- شک در صحت رمی جمرات بعد از فراغت از آن. م: ۱۰۱۹ - ۱۲۶۲
- شک در صحت سعی و شرایط آن بعد از سعی - بعد از تقصیر و قبل از آن. م: ۸۴۹ - ۸۵۰
- شک در صحت عمل نایب، بعد از عمل. م: ۱۱۵
- شک در طواف بین شش و هفت و... (شک در نقیصه). م: ۷۳۶
- شک در طواف بین هفت و هشت، بعد از رسیدن به حجرالاسود یا در وسط دور. م: ۷۳۵
- شک در طواف، در صحت دور سابق، یا قسمتی از دور فعلی که محلش گذشته. م: ۷۴۹
- شک در گفتن لبیک. م: ۳۳۵ - ۳۳۶
- شک در نجس شدن لباس یا بدن. م: ۶۰۷
- شک در نقیصه در سعی... م: ۸۵۱
- شک در نماز طواف. م: ۷۸۸
- شک در نیت حج تمتع یا عمره تمتع پس از گفتن لبیک. م: ۳۳۹
- شک در وضو یا غسل. م: ۵۸۹
- شکستن سنگ‌های بزرگ‌تر برای تهیه سنگریزه رمی. م: ۱۰۰۳ (۲)

- شک کثیرالشک در طواف. م: ۷۳۷
- شک کند آیا سنگی که می‌خواهد با آن رمی کند، حصی «سنگریزه» است یا نه. م: ۱۰۰۸
- شک نایب در نیت نیابت موقع احرام پس از ورود به مکه. م: ۱۷۶
- شک و گمان در عدد سنگ‌ها در رمی. م: ۱۰۰۹ - ۱۰۱۶
- شناسایی میقات. م: ۲۶۸ - ۲۶۹
- شهادت بر انجام عقد ازدواج توسط مُحرم. م: ۴۵۸

ص

- صحت عمل عبادی. م: ۵۷۹
- صدق استظلال. م: ۵۵۳
- صرف پول حج برای ازدواج نوه. م: ۸۰
- صرف پول قربانی در اماکن خیریه. م: ۱۱۰۱
- صعود به جبل الرّحمة در وقت وقوف. م: ۹۸۷
- صله رحم با کسی که سهم الارث دیگران را نداده و به حج رفته. م: ۱۳۸۸
- صید و شکار در حرم. م: ۹۰۳

ض

- ضروریات زندگی را برای حج هزینه کند. م: ۱۹
- ضروریات زندگی و استطاعت حج. م: ۱۸

ط

- طلب رحمت برای بانیان و خدمتکاران مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ. م: ۱۳۹۷

- طواف از حجر الاسود و ختم به آنجا. م: ۶۵۶
- طواف از روی دیوار حجر اسماعیل عليه السلام. م: ۶۷۰ - ۶۷۴
- طواف با تیمم. م: ۵۸۵ - ۶۴۵
- طواف با سخن گفتن و خندیدن و چیز خوردن. م: ۷۲۱
- طواف بدون وضو، یا با وضوی باطل و توجه به آن بعد از تقصیر. م: ۶۱۷ - ۶۱۹ - ۷۷۰
- طواف بیش از هفت شوط. م: ۶۹۴
- طواف حج را غلط انجام داده و چندین طواف نیایی هم به همان صورت بجا آورده. م: ۷۶۱
- طواف حج (طواف زیارت). م: ۱۱۵۸ (۱)
- طواف داخل خانه کعبه. م: ۶۷۱ - ۶۷۴
- طواف در تمام مسجد الحرام. م: ۶۷۵ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۵۵ - ص ۳۹۸ م: ۴
- طواف در دور آخر را بی وضو تمام کرده، و دوباره از اول شروع کرده. م: ۶۱۸
- طواف در زیر سقفها و رواقها. م: ۷۵۵
- طواف در طبقات بالا هنگام ازدحام و ضرورت. م: ۶۷۷ - ۷۵۵ - ص ۳۹۸ م: ۷
- طواف را از اول قصد دارد عمداً کمتر یا بیشتر از هفت دور بجا آورد. م: ۷۲۸
- طواف را با لباس یا بدن نجس یا بی وضو، تمام کرده و سپس اعاده نموده. م: ۶۴۶
- طواف را بیش از هفت دور بجا آورد و هنگام سعی متوجه شود. م: ۷۴۲
- طواف را ترک کرده (جهلاً یا نسیاناً) و به وطن بازگشته. م: ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲ - ۱۱۷۳
- طواف را تکمیل، سپس یک یا دو دور احتیاطی بجا آورد. م: ۷۴۱ - ۷۵۲
- طواف را جهلاً ناقص گذاشته و مشغول سعی شده. م: ۷۴۷
- طواف را حتی الامکان ولو سواره، خود انسان انجام دهد. م: ۷۵۶
- طواف را در وسط هفت دور قصد کند کمتر یا بیشتر انجام دهد. م: ۷۲۹
- طواف را سهواً ناقص گذاشته و مشغول سعی شده. م: ۶۸۶

- طواف را ناقص گذاشته و به وطن بازگشته. م: ۷۲۷
- طواف رجال - بجای طواف نساء - . م: ۱۱۸۹
- طواف روی دیوار کنار کعبه «شاذروان». م: ۶۷۲
- طواف سواره. م: ۶۶۶
- طواف عمره تمتع را ترک کند. (عمداً، جهلاً، سهواً، نسیاناً). م: ۷۱۶
- طواف عمره را فراموش کرده یا ناقص گذاشته و در عرفات یادش آمده. م: ۷۶۲
- طواف کرده و بعد از آن - یا در حال طواف - یقین کرده لباس یا بدنش نجس بوده. م: ۶۰۶-۶۲۲
- طواف کنندگان و اتصال صفوف. م: ۶۷۶
- طواف کننده، دست بر دیوار کعبه یا حجر اسماعیل بگذارد. م: ۶۷۳
- طواف کننده را - با قصد قبلی او - در طواف بدون اختیار ببرند. م: ۶۶۵ - ۶۹۶ - ۶۹۸ - ص ۳۹۸ م: ۶
- طواف مستحب بدون وضو. م: ۵۸۲ - ۸۱۶
- طواف مستحب در موقع ازدحام، برای طواف واجب. م: ۸۱۷
- طواف مستحبی به نیابت از چند نفر. م: ۸۱۴ - ۸۱۴ - ۸۲۴
- طواف مستحبی، بین اعمال منی و قبل از اعمال مکه، و پس از احرام عمره و اعمال آن. م: ۸۲۳ - ۱۲۰۲ - ۱۲۰۶
- طواف نساء در حج افراد. م: ۲۲۱
- طواف نساء در حج تمتع، و عمره مفرده. م: ۱۱۶۳ - ۱۱۶۴ - ۱۱۶۶ - ۱۱۶۷ - ۱۱۹۴
- طواف نساء در عمره مفرده. م: ۱۳۲۷ - ۱۳۳۸
- طواف نساء در عمره تمتع. م: ۲۲۱ - ۹۰۷ - ۱۱۶۶
- طواف نساء قبل از سعی. م: ۱۱۶۸

- طواف نساء قبل از سعی در حال ضرورت. م: ۱۱۶۹
- طواف نساء نایب. م: ۱۱۸۵ - ۱۷۸
- طواف نساءهای متعدّد. م: ۱۱۶۵ - ۱۱۹۹ - ۱۲۰۰ - ۱۳۳۵ - ۱۳۳۷
- طواف نیمی از آن سواره و نیمی را پیاده انجام دهد. م: ۷۵۶
- طواف وداع. ص ۴۴۰
- طواف و نماز آن در مواردی که باید اعاده گردد: ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۷ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۹۰ - ۶۹۵ - ۷۱۵ - ۷۲۹ - ۷۷۰ - ۹۵۲
- طواف (یا بعضی از اشواط آن) از داخل حجر. م: ۶۶۹ - ۶۷۴
- طواف - یا مقداری از آن - بر خلاف متعارف. م: ۶۶۴
- طهارت از حدث در طواف واجب. م: ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۷۲۰
- طهارت بدن و لباس طواف کننده از هر نجاستی. م: ۶۰۲ - ۶۰۷
- طهارت در احرام. م: ۲۳۳
- طهارت در سعی. م: ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۵۶
- طهارت در طواف و نماز. م: ۲۳۳ - ۷۲۰
- طهر متخلّل در طواف و نماز آن. م: ۹۸۵

ظ

- ظاهر بودن موی سر زن و یا بدن در حال طواف. م: ۶۵۵
- ظن به عدد سنگ‌ها - در رمی جمره. م: ۱۰۰۳ (۴)
- ظن در رکعات نماز طواف و در افعال آن... م: ۷۸۸
- ظنّ و گمان در دوره‌های طواف. م: ۷۳۸

ع

- عبور از زیر سقف ماشین بعد از توقّف برای مُحرم. م: ۵۴۹ - ۵۵۰
- عبور از وادی محسّر قبل از طلوع آفتاب.... م: ۹۹۱
- عبور زن حائض از مسجد الحرام. م: ۸۸۹
- عبور زن حائض از مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ حتی در قسمت‌های توسعه یافته.... م: ۱۳۸۷
- عدول از عمره تمتّع به حجّ افراد. م: ۲۲۲ - ۲۳۰ - ۳۵۶ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۵۲ - ۱۲۹۸
- عذر طاری. م: ۱۱۹ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۶
- عقد ازدواج در حال احرام. م: ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۶۰ - ۴۶۱
- عقد کردن کسی که طواف نساء انجام نداده.... م: ۱۱۹۸
- عکس برداری و فیلم برداری در حال احرام. م: ۵۴۴
- عمره و حج در نیابت حج تمتّع بوسیله یک نایب. م: ۲۲۸ (۵)
- عمره‌های متعدّد، در یک ماه. م: ۸۱۵ - ۱۳۱۹
- عمره تمتّع. م: ۲۲۶ (الف)
- عمره تمتّع را انجام داده و بیمار شده و از انجام اعمال حج منصرف شده و نایب گرفته. م: ۹۱-۱۸۸
- عمره تمتّع و حج تمتّع در دو سال. م: ۹۳۶
- عمره مستحب و واجب. م: ۱۳۱۳
- عمره مفرده بجای عمره تمتّع. م: ۹۲۱ - ۱۳۲۵ - ۱۳۳۶
- عمره مفرده برای کارکنان کاروان‌ها و بعثه و.... ص ۴۰۱ م: ۲۵
- عمره مفرده برای ناییبی که در حج اجیر شده. م: ۱۲۸ - ۱۳۱۴ - ص ۴۰۲ م: ۳۲

- عمره مفرده، بر کسی که قصد حجّ مستحبّی داشته و در اثر ضیق وقت به حجّ افراد عدول کرده. م: ۹۴۳
- عمره مفرده به نیت خود و دیگران. م: ۱۸۵
- عمره مفرده بین عمره تمتّع و حجّ تمتّع... م: ۹۳۵ - ۱۳۳۱
- عمره مفرده در حجّ افراد. م: ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۹۴۹ - ۹۵۳
- عمره مفرده در ماه‌های حجّ پیش از عمره تمتّع. م: ۱۳۳۰
- عمره مفرده مستحبّی برای کسی که نمازش را غلط می‌خواند. م: ۱۳۴۳
- عمره مفرده و استحباب آن. م: ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲
- عمره مفرده (و حجّ استحبابی) به نیابت از چند نفر - غیر از خودش -. م: ۱۸۴ - ۱۹۰ - ۲۰۶
- عید قربان برای کسانی که قربانی خود را در وطن انجام می‌دهند. م: ۱۰۹۰

غ

- غسل احرام بر زن حائض و نفساء. م: ۳۴۰ - ص ۴۰۶ (۳)
- غسل احرام و زیارت، و موجبات بطلان آن. م: ۱۳۹۶ - ص ۴۰۷ (۳)
- غسل جنابت نکرده و حجّ بجا آورده. م: ۶۴۴
- غسل کردن برای دخول مکه معظمه و مسجدالحرام... ص ۴۱۱ (۱)
- غسل مسّ میّت بر او واجب بوده و بعد از اعمال حجّ متوجّه شده. م: ۶۴۳
- غسل‌هایی که برای انجام حجّ کفایت از غسل جنابت می‌کند. م: ۶۴۳ - ۶۴۴
- غصبی نبودن لباس در سعی. م: ۸۲۶

ف

- فاصله بین دو عمره. م: ۱۲۸

- فاصله بین طواف و نماز آن. م: ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۸۱۰ - ۸۱۲
- فاصله بین نماز طواف و طواف. م: ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۸۱۰ - ۸۱۲
- فتق بند دوخته برای مرد مُحْرَم. م: ۳۷۲
- فراموش کردن احرام حج. م: ۲۷۷ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ (جهلاً ترک کرده)
- فراموش کردن احرام و توجه به آن بعد از اعمال. م: ۲۷۸ - ۳۴۱
- فراموش کردن تلبیه و به یاد آمدن آن، بعد از حج یا عمره. م: ۳۳۷
- فراموش کردن تلبیه و گذشتن از میقات.... م: ۳۳۷ - ۳۶۱ - ۳۶۲
- فراموش کردن رمی جمرات تا روز سیزدهم. م: ۱۰۰۳ (۶) - ۱۰۲۵ - ۱۲۵۳ - ۱۲۵۴ - ۱۲۵۵
- فراموش کردن رمی جمرات یا ندانستن مسأله تا روز سیزدهم. م: ۱۰۲۴ - ۱۰۲۵
۱۲۴۸ - ۱۲۵۳
- فراموش کردن طواف و یادآوری آن در هنگام سعی. م: ۷۱۹
- فرو بردن سر در آب برای مرد مُحْرَم. م: ۳۸۷
- فسوق (دروغ و...). م: ۴۸۸ - ۵۶۸
- فوت پدر، بعد از ثبت نام حج. م: ۸۵ - ۸۷ - ۹۶ - ۱۸۶
- فوت، پس از احرام. م: ۹۸ - ۹۹ - ۱۳۹ (پس از عمره تمتع)
- فیش حج کسی که ثبت نام کرده و از دنیا رفته.... م: ۵۱ - ۱۸۶

ق

- قادر شدن حاجی بر ذبح قربانی، پس از گرفتن سه روز روزه.... م: ۱۰۸۱
- قرآن‌های مسجدالحرام و برداشتن یا گرفتن آنها از مسئولین آنجا. م: ۱۳۷۹
- قران، در طواف مستحب مکروه است. م: ۷۳۲ - ۸۱۶ (۶)
- قران، در طواف واجب. م: ۷۳۱ - ۷۳۳ - ۷۴۵ (باطل هم می‌کند) ۷۴۶ - ۸۱۶ (۶)

- قربانی با پولی که خمس آن را پرداخت نکرده. م: ۱۱۲۱
- قربانی با فروش اموال. م: ۱۰۷۵
- قربانی با قرض گرفتن. م: ۱۰۷۴
- قربانی بر چه کسانی واجب است. م: ۱۰۳۴
- قربانی بوسیله سازمان‌های مسئول... م: ۱۰۶۴
- قربانی بوسیله وکیل انجام شد و بعد حاجی احتمال دهد او به شرایط عمل نکرده. م: ۱۰۶۷
- قربانی خصی و اخته شده و تخم آن تاییده شده. م: ۱۰۴۳ (۹) - ۱۰۹۱ - ۱۰۹۲
- قربانی در حج افراد. م: ۱۲۲
- قربانی در حج بذلی. م: ۲۱۴ - ۱۰۴۲
- قربانی در قربانگاه‌های موجود. م: ۱۰۶۱ - ص ۳۹۹ م: ۱۵
- قربانی در وطن. م: ۱۰۵۴ - ۱۰۵۹ - ۱۰۶۰ - ۱۰۹۶ - ۱۱۱۲ - ۱۰۹۶ - ۱۰۹۷ - ۱۱۰۰ - ۱۱۰۱ - ص ۴۰۰ م: ۲۰ - ۲۱
- قربانی را انجام دهد و سپس قیمت آن را به مالک آنها بپردازد. م: ۱۱۲۰
- قربانی را باید اطمینان کند که نایب انجام داده. م: ۱۰۶۸
- قربانی را عمداً ترک کرده. م: ۱۰۳۷
- قربانی سالم یافت نشود. م: ۱۰۵۳
- قربانی طفل. م: ۱۰۴۱
- قربانی قبل از حلق یا تقصیر. م: ۱۰۷۲ - ۱۱۳۵ - ۱۱۵۱
- قربانی قبل از رمی جمره. م: ۱۰۳۸
- قربانی کرده ولی صاحبش را نمی‌یابد که پول آن را بدهد. م: ۱۱۱۳
- قربانی که با پول مشترک زائرین خریده. م: ۱۱۱۷
- قربانی که بعنوان چاق خریده و بعد معلوم شود لاغر است. م: ۱۰۴۶

- قربانی که به ظاهر ناقص نیست، بعد معلوم شود ناقص است... م: ۱۰۴۷
- قربانی که در اصل خلقت بی شاخ و یا بی دم و گوش باشد... م: ۱۰۴۵
- قربانی که مقداری گوش آن را بریده یا چاک داده یا سوراخ کرده‌اند... م: ۱۰۴۴
- قربانی مستحب، یک قربانی برای چند نفر. م: ۱۰۳۵
- قربانی واجب، یک قربانی برای چند نفر. م: ۱۰۳۵ - ۱۳۹۰
- قربانی و تقصیر کسی که برای رمی نیابت داده. م: ۱۱۰۵
- قربانی و حدّ اقل آن. م: ۱۰۳۹
- قربانی و نیابت دادن نایب. م: ۱۵۸ - ۱۶۶
- قربانی یافت نشود... م: ۱۰۵۴
- قرص خوردن زنان برای جلوگیری از عادت ماهیانه و... م: ۲۳۲ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۶۳۵
- قرض کردن برای حج. م: ۲۰۲
- قرعه‌کشی در حج. م: ۴۸
- قسم خوردن به غیر خدا. م: ۴۹۲ - ۵۶۶
- قسم خوردن مُحرم، برای اثبات حق یا ابطال باطل. م: ۴۹۴
- قصد ابطال حجّ یا عمره یا قسمتی از مناسک. م: ۱۳۹۴
- قصد اقامت در مکه مکّمه. م: ۲۲۰ - ۲۲۳ - ۲۵۰ - ۲۸۳
- قصد تحریم محرّمات احرام موقع نیت. م: ۳۱۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۵۴
- قصد رجوع به مکه. م: ۲۰۴
- قصد شکستن (انجام) بعضی از محرّمات احرام در موقع نیت. م: ۳۲۴
- قصد طواف. م: ۶۹۷
- قصد قربت در بیرون آوردن و پوشیدن جامهٔ احرام. م: ۳۹۸
- قصد قربت در تقصیر. م: ۸۹۹ - ۹۱۸ - ۱۱۲۷ - ۱۱۳۹

- قصد وظیفه فعلیه. م: ۷ - ۳۵۵
- قصد و نیت بیشتر از هفت سنگ در رمی جمره از ابتدا. م: ۱۲۸۵
- قضای جمره عقبه فقط واجب است. م: ۱۲۸۰
- قضای طواف فراموش شده یا باطل انجام شده، در ماه‌های غیر حج. م: ۷۶۳
- قطع رگ‌های چهارگانه گردن حیوان، رو به قبله. م: ۱۰۹۹
- قطع سعی برای برآوردن حاجت ضروری خود یا دیگری یا برای استراحت. م: ۸۴۶
- قطع سعی برای فرا رسیدن وقت نماز و اقامه آن. م: ۸۴۵
- قطع سعی و ادامه آن. م: ۸۷۳
- قطع طواف با عذر و ادامه آن قبل از فوت موالات عرفیه. م: ۶۷۹ - ۸۱۶ (۴)
- قطع طواف بدون عذر، با فوت موالات عرفیه. م: ۶۸۳
- قطع طواف برای بوسیدن کعبه. م: ۶۸۷
- قطع طواف واجب بخاطر بیماری شدید یا حیض و... م: ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۷۱۱
- قطع طواف واجب، برای انجام نماز واجب، یا نافله وتر و... م: ۶۸۰ - ۶۸۱
- قطع طواف واجب، برای رسیدن به نماز جماعت و... م: ۶۸۲
- قطع گردن حیوان در حالی که هنوز زنده است. م: ۱۰۹۸
- قطع گیاه اذخر مستثنی است. م: ۵۱۶
- قطع گیاه و درخت حرم برای همه حرام است. م: ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۶۷
- قطع نیت طواف برای اصلاح آن. م: ۶۶۴ - ۶۶۷
- قول فروشنده قربانی در مورد شرایط آن. م: ۱۰۴۸ - ۱۰۹۳

ک

- کثیر الشک بودن. م: ۷۵۴

- کسانی که از بیتوته در منی معاف هستند . م: ۱۲۱۵
- کسانی که اعمال مکّه را بر وقوفین مقدّم می‌دارند. م: ۱۱۶۱ - ۱۱۷۹ - ۱۱۸۳
- کسانی که بعنوان مأموریت به میقات آمده‌اند و... م: ۳۸
- کسانی که تمام شب را در مکّه - بجای بیتوته در منی - عبادت کرده‌اند. م: ۱۲۱۵ (۴) - ۱۲۲۶ - ۱۲۲۸ - ۱۲۲۹
- کسی که از محاذی هیچ میقاتی نمی‌گذرد. م: ۲۵۵
- کسی که استطاعت بدنی ندارد یا راه باز نیست... م: ۲۷ - ۲۸
- کسی که با عذر - یا بدون عذر - احرام نیندد و وارد مکّه شود. م: ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲
- کسی که تصوّر می‌کرده بالغ نشده و نیت حجّ مستحبّی کرده و... م: ۷
- کسی که تصوّر می‌کرده مستطیع است ولی مستطیع نبوده و... م: ۱۰۶
- کسی که ثبت نام کرده ولی بعداً فقیر شده. م: ۸۳ - ۸۴
- کسی که ثبت نام کرده ولی موقع رفتن بیمار شده. م: ۹۲ - ۹۳
- کسی که ثبت نام کرده ولی هنگامی که نوبتش رسیده فوت کرده. م: ۹۶ - ۱۴۷ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲
- کسی که حجّش را فاسد کرده سپس مصدود یا محصور شده. م: ۱۳۰۶
- کسی که در بیماری امید بهبودی دارد نباید نایب بگیرد. م: ۵۰
- کسی که در روز نمی‌تواند رمی کند. م: ۱۰۲۸
- کسی که در مدینه منوره (قبل از حج) سکنه کرده یا بیمار شده. م: ۸۹
- کسی که قبل از استطاعت مالی، بیمار شده و قادر بر حج نیست... م: ۹۰
- کسی که قصد داشته به مشعر باز گردد ولی شب عید در منی خوابش برده... م: ۱۰۰۰
- کسی که نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند. م: ۲۷ - ۴۳
- کسی که وقوف‌های اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر را درک نکند. م: ۹۹۳ (۲)

- کسی که هیچ مویی در سر و صورت برای تقصیر ندارد. م: ۱۱۲۸
- کسی که یقین دارد به اعمال عمره تمتع نمی‌رسد. م: ۹۴۴ - ۹۴۵
- کشتن حشرات و جنبنندگان و ملخ برای محرم. م: ۴۸۰ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ص ۳۹۷ م: ۳
- کشیدن دندان برای محرم. م: ۴۸۶ - ۵۷۰ - ۵۷۱
- کفارات به‌طور خلاصه. م: ۱۶۸ - ۱۶۹
- کفارات در حج بذلی. م: ۲۱۴ - ۱۰۴۲
- کفارات محرمات احرام حج. م: ۹۶۶
- کفارات و مصرف آنها. م: ۵۲۷ - ۵۲۹ - ۵۳۰
- کفاره، تکرار می‌شود. م: ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۹۲ - ۴۲۴
- کفاره، در غیر صید، اگر از روی علم و عمد باشد. م: ۵۲۴ - ۹۱۷
- کفاره استعمال بوی خوش. م: ۴۰۶ - ۴۲۳ - ۴۲۹ - ص ۱۶۷
- کفاره استمناء. م: ۴۷۹
- کفاره انجام محرمات احرام کودکان. م: ۳۶۸
- کفاره بوسیدن زنی (از روی شهوت و بدون آن). م: ۴۷۱ - ص ۱۶۸
- کفاره بوسیدن همسر به قصد لذت. م: ۴۷۰
- کفاره پوشانیدن سر، عمداً - برای مردان -. م: ۳۹۱ - ۵۳۷
- کفاره پوشیدن صورت برای زنان. م: ۳۹۷
- کفاره پوشیدن کلاه دوخته - برای مردان -. م: ۵۳۹
- کفاره پوشیدن لباس دوخته، (عمداً و اضطراراً). م: ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۷۶۴ - و ص ۱۶۷
- کفاره تراشیدن سر بین عمره تمتع و حج تمتع. م: ۹۳۳
- کفاره تراشیدن سر و ازاله موهای زیر هر دو بغل، عمداً. م: ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ (سهواً و غفلةً) - ص ۱۶۸

- کفّاره ترک بیئوته واجب در منی. م: ۱۲۲۳ - ۱۲۲۵
- کفّاره حمل اسلحه. م: ۵۱۳ - ص ۱۶۸
- کفّاره زیر سایه رفتن مردان. م: ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۵۵۱ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ص ۱۶۸
- کفّاره سوگند دروغ و راست - در جدال - . م: ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ص ۱۶۸
- کفّاره صید. م: ۵۲۳
- کفّاره عقد ازدواج در حال احرام. م: ۴۶۳ - ص ۱۶۸
- کفّاره فسوق (دروغ، دشنام، تباخر). م: ۴۸۹ - ص ۱۶۸
- کفّاره قطع درخت و گیاه حرم. م: ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ص ۱۶۷
- کفّاره کسانى که در زمین‌های اطراف منی بیئوته کرده‌اند. م: ۱۲۲۴ - ۱۲۳۴ - ۱۲۳۵
- کفّاره کشتن حشرات و انتقال آنها. م: ۴۸۲ - ص ۱۶۸ و ص ۳۹۷ م: ۳
- کفّاره کشتن و شکار حیوانات صحرائی. م: ۵۱۰
- کفّاره کشیدن دندان. م: ۴۸۷
- کفّاره گرفتن ناخن. م: ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ص ۱۶۷
- کفّاره گوسفند را می‌توان در وطن ذبح کرد. م: ۵۲۶ - ۵۲۸ - ۵۵۱
- کفّاره لمس بدن همسر به قصد لذت با انزال منی. م: ۴۶۸ - ۱۱۹۲
- کفّاره مالیدن روغن به بدن. م: ۴۲۹ - ص ۱۶۹
- کفّاره نایب. م: ۵۲۲
- کفّاره نزدیکی با همسر. م: ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۸ - ۱۱۷۲ و ص ۱۶۷
- کفّاره نگاه به زنی غیر همسرش و بیرون آمدن منی از او. م: ۴۶۶ - ص ۱۶۸
- کفّاره نگاه به همسر با قصد لذت. م: ۴۶۵ - ص ۱۶۸
- کمربند و کیف دوخته استفاده کردن در حال احرام. م: ۳۷۱ - ۳۷۲
- کم یا زیاد کردن طواف سهواً. م: ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۴۴

- کم یا زیاد کردن طواف عمداً یا جهلاً. م: ۷۲۲ - ۷۲۴ - ۷۲۶ - ۷۴۴
- کوتاه کردن - ماشین کردن - مو جهت تراشیدن آن در منی. م: ۱۱۳۸ - ۱۱۵۵
- کوتاهی در انجام حج واجب. م: ۴ - ۸۲
- کوچ کردن از مشعر به منی قبل از طلوع فجر بدون عذر (عالمماً و جاهلاً). م: ۹۹۱ - ۹۹۳
- کودکی که اعمال را ناقص گذاشته، بعد هم ازدواج کرده. م: ۵۷
- کیفیت عسر و حرج و مشقت. م: ۱۳۹۳

ک

- گاو میش برای قربانی... م: ۱۰۴۰
- گذشتن از میقات بدون احرام. م: ۲۳۴-۲۶۷-۲۷۰-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۹۱
- گرفتن ناخن‌ها توسط مُحرم در حال حلق او. م: ۱۱۴۸
- گره زدن لباس احرام... م: ۲۹۶ - ۳۷۳
- گمان در انجام سعی. م: ۸۵۴

ل

- لباس احرام اگر موقع ذبح خون آلود شود. م: ۱۱۰۶ - ۱۱۰۷
- لباس احرام در طواف مستحب. م: ۸۱۹
- لباس احرام زنان. م: ۳۴۹
- لیتک پنجم. م: ۳۲۷
- لیتک حج را فراموش کرده و در عرفات یا منی - قبل از تقصیر یا حلق و یا بعد از آن - متوجه شود. م: ۹۷۳
- لیتک را غلط گفته و اعمال را انجام داده. م: ۳۵۸ - ۳۶۰

- لَبِيكُ غَيْرِ مَمِيَّزٍ وَ بِيهوشِ دَرِ مِيقاتِ. م: ۳۳۱
- لَبِيكُ گفْتَنِ شَخْصِ گَنگِ. م: ۳۳۰
- لَبِيكُ گفْتَنِ شَخْصِ نائِوانِ وَ تَرْجَمَهُ اَن. م: ۳۲۹ - ۳۶۱
- لَبِيكُ گفْتَنِ مُحْرَمِ دَرِ جِوابِ كَسِي كِه اِو رَا صِدا مِي زَنْدِ. ص ۴۱۰ (۷)
- لَبِيكُ وِاجِبِ وَ تَرْجَمَهُ اَن و... م: ۳۲۶ - ۳۲۸ - ۳۳۴
- لَبِيكُ وَ بَلَنْدِ گفْتَنِ اَن تَوْسَطِ خانَمِها. م: ۳۶۳
- لَبِيكُ وَ تَكَرَّارِ اَن. م: ۳۳۲ - ۴۱۲ - ص ۴۰۹ (۹)
- لَبِيكُ وَ قَطْعِ اَن - دَرِ حِالاتِ مَخْتَلَفِ .. م: ۳۳۳
- لِقَطْعِهِ (بِرِداشْتِه شَدِه اَز) حَرَمِ. م: ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷
- لِكِ دِيْدَنِ بَانِوانِ بَعْدِ اَز خُورْدَنِ قِرْصِ، دَرِ اَيامِ عاداتِ. م: ۵۹۵ - ۶۳۴
- لِكِ دِيْدَنِ زَنانِ دَرِ غَيْرِ اَيامِ عاداتِ ماهِيانِه... م: ۵۹۶
- لَمَسِ بَدَنِ يا بوسِيْدَنِ هَمَسَرِ مُحْرَمِ اَز رُويِ شَهوتِ، تَوْسَطِ شوْهرِ پَسِ اَز خُروْجِ اَز احْرَامِ. م: ۵۶۲ - ۵۶۳

م

- مَالِيْدَنِ رُوغَنِ وَ كَرَمِ بِهِ بَدَنِ. م: ۴۲۵
- مَانْدَنِ دَرِ مَكَّهَ بَرایِ مِراسِمِ حَجِّ پَسِ اَز عَمْرِهِ تَمَتُّعِ. م: ۹۱۹
- مَانْدَنِ شَبِّ عِيْدِ دَرِ مَشْعَرِ الحَرَامِ. م: ۹۹۳
- مِباحِ بُوْدَنِ پُولِ قِرْبَانِي. م: ۱۱۱۹
- مِبطُونِ وَ حَكْمِ اَن. م: ۶۲۷
- مَجْنُونِ دائِمِي وَ ادْواَرِي دَرِ اَنْجَامِ حَجِّ. م: ۱۱
- مِحاذاتِ مِيقاتِ كِجاستِ و... م: ۲۵۳ - ۲۵۶ - ۲۵۸

- محرمات احرام. م: ۳۶۶ - ۱۳۲۶
- محرمات احرام برای معذورین که... بعد از حلق یا تقصیر حلال می‌شود. م: ۱۱۷۵
- محرم شدن در غیر میقات و یا محاذی آن.... م: ۲۶۴ - ۲۸۵
- محرم شدن عمدی جنب یا حائض از داخل مسجد. م: ۲۸۱
- محرم شدن قبل از میقات برای درک ماه رجب. م: ۲۶۷ (۲)
- محرم، قبل از طواف واجب طواف مستحبی را ترک کند. م: ۸۲۳
- محرم، لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته طواف و سعی کند. م: ۷۶۴
- محرم نمودن کودکان غیر ممیز و اعمال آنها. م: ۵۶ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۳۱۵ - ۳۳۱ - ۳۶۷
- محرمی که اعمال را تکمیل نکرده باید از بوی خوش و ازدواج اجتناب کند. م: ۶۴۴-۱۱۷۲
- محرمی که بر اثر بیماری قادر بر انجام طواف نباشد. م: ۷۱۸ - ۱۱۷۰
- محرمی که جنب شده و آب برایش ضرر دارد. م: ۶۴۵
- محرمی که مبتلی به خروج ریح است. م: ۶۲۵
- محصور. م: ۱۲۹۶
- محصور بیمار اگر رفت و به عمره تمتع یا حج تمتع نرسید.... م: ۱۲۹۸
- محصور بیماری که بهبودی می‌یابد و می‌تواند یکی از دو وقوف را درک کند. م: ۱۲۹۷
- محصور یا مصدومی که عمره تمتع را انجام داده است. م: ۱۳۰۸
- محلّ احرام اهل مکّه و کسانی که دو سال در مکّه اقامت کرده‌اند. م: ۲۵۰ - ۲۸۳
- محلّ احرام کسانی که منزلشان از میقات به مکّه نزدیک‌تر است. م: ۲۴۹ - ۲۸۴
- محلّ تقصیر در عمره. م: ۹۰۰ - ۹۱۴
- محل تقصیر و سر تراشیدن در حج. م: ۱۱۳۱ - ۱۱۳۷ - ۱۱۴۱ - ۱۱۴۲ - ۱۱۴۵ - ۱۱۴۶
- محلّ کفّاره قربانی. م: ۵۲۶ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۲۷
- محل نماز طواف عمره مستحب. م: ۱۳۳۴

- محل نماز طواف مستحب. م: ۸۱۶ (۲)
- محل نماز طواف واجب. م: ۷۷۱ - ۷۸۹
- محمول نجس و متنجس در طواف و نماز آن اشکال ندارد. م: ۸۰۱
- مخارج حج نیایی (ارز و...). م: ۱۸۶
- مزاحمت برای دیگران در.... م: ۸۱۱ - ۸۶۶
- مستحاضه‌ای که برای نمازهای خود غسل کرده. م: ۶۳۲ - ۶۳۳
- مستحبات احرام. ص ۴۰۶ تا ۴۰۹
- مستحبات احرام حج تا وقوف به عرفات. ص ۴۲۸
- مستحبات حلق. ص ۴۳۷
- مستحبات دخول حرم. ص ۴۱۰
- مستحبات دیگر مکه معظمه. ص ۴۳۸
- مستحبات رمی جمرات. ص ۴۳۵
- مستحبات سعی. ص ۴۲۰
- مستحبات سفر. ص ۴۰۶
- مستحبات طواف حج و نماز آن. ص ۴۳۷
- مستحبات قربانی. ص ۴۳۶
- مستحبات مدینه منوره. ص ۴۴۱
- مستحبات منی. ص ۴۳۷
- مستحبات نماز طواف. ص ۴۲۰
- مستحبات و آداب طواف. ص ۴۱۴
- مستحبات ورود به مکه و آداب مسجد الحرام. ص ۴۱۱
- مستحبات وقوف به عرفات. ص ۴۲۹

- مستحبات وقوف به مشعر. ص ۴۳۳
- مستحباتی که نایب باید انجام دهد. م: ۱۹۴
- مستحب است احرام از داخل مسجد شجره و محلّ قدیمی آن. م: ۲۴۰
- مستطیع اگر در سال استطاعت، قبل از موسم فوت کند. م: ۹۷
- مستطیع با اعتقاد به این که مستطیع نیست، نیت حجّ مستحبتی کند بعد معلوم شود مستطیع بوده. م: ۴۴ - ۱۰۷
- مستطیع با بخشیدن پول به دیگران و یا... حج از او ساقط نمی‌شود. م: ۶۷ - ۶۸
- مستطیع باید بعد از مراجعت از حج برای گذران زندگیش به سختی نیفتد. م: ۵۳-۵۵-۷۰-۷۱
- مستطیع باید زمان کافی برای رسیدن به اعمال حج داشته باشد. م: ۴۳
- مستطیع باید مخارج خانواده‌اش را تا بازگشت داشته باشد. م: ۵۲
- مستطیع بودن کسانی که قیمت وسایل و اجناس فراوان آنها به اندازه مخارج حج باشد. م: ۳۴
- مستطیع شدن زن شاغلی که با رفتن او به حج شوهرش در مخارج زندگی به زحمت می‌افتد. م: ۴۲
- مستطیع شدن کسی که به ادارات دولتی بدهکار است. م: ۲۶
- مستطیع شدن کسی که خمس و زکات بدهکار است. م: ۲۵
- مستطیع مکلفی که ختنه نشده. م: ۳۴۴
- مستطیعی که باید نایب بگیرد. م: ۵۰
- مستطیعی که به نیابت از دیگری مُحرم شود. م: ۱۱۸ - ۱۴۵
- مستطیعی که پول نقد ندارد ولی مستغلات و... دارد که به آنها نیاز ندارد. م: ۳۱ - ۶۹
- مستقر شدن حج بر انسان. م: ۴ - ۲۷ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۸ - ۶۸ - ۸۲ - ۸۸ - ۱۰۹ - ۱۱۲
- مستطیعی مسجد نیست. م: ۸۸
- مسئول و وظیفه او در طواف و نماز آن. م: ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۶

- مشعر الحرام (مُزْدَلِفَة - جُمُع). م: ۹۸۸ - ۹۸۹
- مشعر را بعد از سؤال، وقوف کرده، بعد معلوم شده آنجا مشعر نبوده. م: ۹۹۶
- مصدود اگر راه دیگری برای اوست. م: ۱۲۹۲ - ۱۲۹۳
- مصدود اگر راه دیگری را رفت و به اعمال نرسید. م: ۱۲۹۳
- مصدود چگونه از احرام خارج شود. م: ۱۲۸۸ - ۱۲۸۹ - ۱۲۹۰ (زندانی)
- مصدود چگونه می‌تواند نایب بگیرد. م: ۱۲۹۴
- مصدود و محصور: م: ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ - ۱۲۹۱ - ۱۲۹۴ - ۱۲۹۶ - ۱۲۹۹ - ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ - ۱۳۰۵ - ۱۳۱۰
- مصدودی که امید برطرف شدن مانع را دارد. م: ۱۲۹۵
- مصدودی که همان سال مستطیع شده و استطاعتش از بین رفته.... م: ۱۲۹۴ - ۱۳۰۸
- مصدومی که از مدینه محرم شده و به مکه آمده. م: ۱۳۰۹
- مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی. م: ۱۳۸۳
- مصرف گوشت قربانی. م: ۱۰۵۶
- مصرف گوشت قربانی اگر در منی فقیر پیدا شود. م: ۱۰۵۷
- معذور، از نیابت، کیست؟. م: ۱۶۶
- معذور، اگر قبل از اتمام حج - و یا بعد از آن - توسط اجیر، عذرش برطرف شود.... م: ۱۳۰
- معذوری که عذرش ضرری به حج و عمره‌اش نمی‌زند. م: ۱۶۷
- معذورینی که اعمال مکه را قبل از وقوفین جهلاً بدون احرام انجام داده‌اند. م: ۹۷۲-۱۱۸۴
- معنای تقصیر. م: ۸۹۷
- مقلد هیچ مرجعی نبوده و به حج رفته. م: ۱۳۷۸
- مکان شروع سعی. م: ۸۲۶
- مکروهات احرام. ص: ۴۰۹

- مواردی که سعی را باید اعاده کند. م: ۷۱۹ - ۷۴۷ - ۸۷۸ - ۹۱۰ - ۱۳۴۲
- مواردی که طواف - و نماز آن - را باید اعاده کند. م: ۶۱۷ - ۶۱۹ - ۶۲۰
- مواردی که کفاره ندارد. م: ۳۰۶ - ۳۸۲ - ۴۰۴ - ۴۰۶ - ۴۱۲ - ۴۵۵ - ۴۸۵ - ۵۲۱ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۴۹ - ص ۱۶۸ و ۱۶۹
- موالات در رمی جمره. م: ۱۰۰۴ - ۱۰۱۶
- موالات در سعی. م: ۸۴۸ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ص ۳۹۹ م: ۱۲
- موالات در طواف مستحب لازم نیست. م: ۸۱۶ (۳)
- موالات عرفیه در طواف واجب. م: ۶۷۸ - ۷۲۲ - ص ۳۹۹ م: ۱۲
- میقات. م: ۲۳۴
- میقات حجّ افراد. م: ۹۵۰
- میقات حجّ تمتع. م: ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۷۷ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۷۱ - ص ۴۰۱ م: ۲۴
- میقات حجّ تمتع از مکان‌هایی که مشکوک است. م: ۹۷۱
- میقات شاغلین در جدّه، در عمره تمتع. م: ۲۶۴
- میقات عمره مفرده. م: ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۵ - ۲۶۶ (۴) - ۲۷۲ - ۱۳۲۳
- میقات کسانی که از جدّه مستقیماً برای عمره مفرده، به مکه می‌روند. م: ۲۶۲ - ۱۳۲۴
- میقات کسانی که در مکه‌اند و می‌خواهند عمره تمتع انجام دهند ولی از رفتن به میقات عمره تمتع معذورند. م: ۲۶۳
- میقات کسی که در غیر ماه‌های حج به مکه آمده و در ماه‌های حج می‌خواهد عمره تمتع بجا آورد. م: ۲۷۹
- میقات کسی که موقتاً در مکه قصد اقامت کرده. م: ۲۸۳
- میقات‌های اصلی. م: ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۴۱ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۸۲

ن

- ناخن گرفتن مُحرم. م: ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ (ناخن انگشت اضافی)
- ناخن گرفتن مُحرم از غیر مُحرم. م: ۵۴۶
- نازک بودن (بدن نما بودن) لباس احرام زنان. م: ۳۴۸
- ناقص گذاشتن اعمال حج و حرمت ابدی زن و مرد. م: ۵۷
- نام بردن افراد، در ذبح قربانی بوسیله وکیل. م: ۱۰۶۶
- نام شخص دیگری را وکیل در ذبح قربانی، اشتباهاً ببرد. م: ۱۰۶۶
- نام‌نویسی برای حج. م: ۴
- نایب، اگر شک کند قربانی کرده. م: ۱۱۱۱
- نایب اگر طواف نساء را انجام ندهد. م: ۱۱۹۳
- نایب، پس از عمره تمتع نمی‌تواند حج را به دیگری واگذار کند. م: ۱۸۸
- نایب رمی جمرات را انجام داده - یا بین رمی - بیمار خوب شد. م: ۱۰۲۳ - ۱۲۵۷
- نایب شدن کسی که مال ندارد برای حج اجیر. م: ۲۰۳
- نایب گرفتن از میقات. م: ۱۷۴
- نایب گرفتن برای حج. م: ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۹۷ - ۵۹۹ - ۶۲۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۲۷ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۱۳۱۰ (ه)
- نایب گرفتن برای رمی جمرات. م: ۱۰۰۳ (۶) - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۱ - ۱۰۲۵ - ۱۲۵۶ - ۱۲۵۸ - ۱۲۷۸ - ۱۲۷۹
- نایب گرفتن برای سعی، با عدم تمکن مالی. م: ۸۹۰
- نایب گرفتن برای سعی در صورت فراموشی آن. م: ۸۳۹ - ۸۴۲
- نایب گرفتن برای طواف به عتت گرانی.... م: ۷۵۷

- نایب گرفتن برای کسی که می‌تواند در شب یا وقت خلوت رمی کند. م: ۱۲۷۰ - ۱۲۷۵
- نایبِ مرد، در رمی. م: ۱۷۹ - ۱۰۲۰ - ۱۰۲۲ - ۱۰۲۷ - ۱۲۵۹ - ۱۲۷۱ - ۱۷۷۲ - ۱۲۷۴
- نایب معذور، در بعض اعمال حج. م: ۱۱۹ - ۱۵۵ - ۱۵۸ - ۱۶۱ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۲۷۱ - ۱۲۷۶ - ص ۴۰۳ م: ۳۳
- نایب معذور - یا غیر معذور - که برای تمام اعمال حج، نایب می‌گیرد.... م: ۱۵۵ - ۱۸۷
- نایب و پول قربانی و لباس احرام. م: ۱۲۴
- نایب و تعیین منوب عنه در نیت. م: ۱۲۳ - ۳۱۶
- نایب و شیعه بودن او. م: ۱۴۴ - ۱۹۹
- نایب و ضامن بودن در قربانی. م: ۱۰۶۹ - ۱۰۷۰
- نایب و عمل به فتوای مرجع تقلید خودش. م: ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۳۱۰ - ص ۳۰۴ م: ۳۴
- نایب و محرم شدن قبل از میقات با نذر. م: ۱۸۲ - ۲۸۹
- نایب و مقدم داشتن اعمال مکه را بر وقوفین. م: ۱۱۷۶
- نایب و نیابت در قربانی. م: ۱۵۸ - ۱۶۶
- نایی که برای حج تمتع وقت ندارد. م: ۱۱۶
- نایی که برای خودش (بجای منوب عنه) حج بجا آورد. م: ۸۷ - ۱۵۲
- نایی که بعد از احرام و دخول حرم بمیرد. م: ۱۳۱
- نایی که تخلف از شرط کرده. م: ۱۸۷
- نایی که طواف نساء را صحیح انجام ندهد. م: ۱۲۶
- نایی که ناچار است وقوف اضطراری کند (خدمه کاروان‌ها). م: ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۹۳
- نایی که وسط طواف شک کرده آیا به نیت خود شروع کرده یا منوب عنه. م: ۶۱۶
- نجس بودن لباس‌های کوچک در طواف. م: ۶۰۳
- نجس بودن لباس یا بدنش را یقین داشته ولی شک در تطهیر آنها دارد. م: ۶۰۷

- نجس شدن بدن یا لباس در بین طواف. م: ۶۰۸ - ۶۰۹
- نجس شدن جامهٔ احرام. م: ۳۰۵ - ۳۴۷
- نذر احرام قبل از میقات. م: ۲۵۲ - ۲۵۴ - ۲۶۷ (۱) - ۲۸۶ - (از کشور خود ۴۴۴)
- نذر حج. م: ۲۰۷
- نذر حج در زمان معین و تخلف از آن. م: ۲۰۹
- نذر حج و قضای آن. م: ۲۱۰
- نذر زن بدون اجازه شوهر. م: ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۶۷ (۱) - ۲۹۰
- نزدیکی با همسر در حال احرام، از روی علم و عمد. م: ۴۷۲ - ۴۷۳
- نزدیکی با همسر در حال احرام، از روی فراموشی یا جهل یا غفلت. م: ۴۷۴
- نشان دادن زینت آلات زنان به مردان. م: ۴۰۰
- نگاه در آینه. م: ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۳ - ص ۳۹۷ م: ۲
- نگاه کردن مُحرم به همسر خود از روی شهوت. م: ۴۶۴
- نگهداری پول برای ثبت نام در سال‌های بعد. م: ۸۶
- نگهداری صید در حال احرام. م: ۵۰۷
- نماز استداره‌ای در مسجد الحرام. م: ۱۳۴۶
- نماز جماعت با اهل سنت و مسألهٔ تجافی. م: ۱۳۵۶
- نماز جماعت به امامت اهل سنت. م: ۱۳۴۹ - ۱۳۵۵ - ۱۳۶۸ - ص ۴۰۱ م: ۲۷ و ۲۸
- نماز جماعت و اتصال صفوف. م: ۱۳۴۷ - ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ - ۱۳۶۰
- نماز جماعت و اقتدا از پشت بام مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ. م: ۱۳۵۲
- نماز جماعت‌های کاروانی در هتل‌ها. م: ۴۰۴ - ص ۳۹ م: ۳۹
- نماز جمعه با اهل سنت و کفایت آن از نماز ظهر. م: ۱۳۵۳
- نماز را مطمئن بوده صحیح است ولی بعد فهمیده غلط می‌خوانده. م: ۸۰۴

- نماز صحیح و عرف عرب. م: ۷۷۸ - ۷۷۹
- نماز طواف، اگر با وقت نماز واجب، مزاحمت کند. م: ۷۷۵
- نماز طواف بدون وضو یا با وضوی باطل و توجه به آن بعد از تقصیر. م: ۷۷۰ - ۶۱۹ - ۶۱۷
- نماز طواف، پشت مقام ابراهیم علیه السلام. م: ۷۹۳
- نماز طواف در وطن. م: ۷۸۲
- نماز طواف را به هر کیفیتی باید خودش بخواند. م: ۷۷۶
- نماز طواف را در حجر اسماعیل علیه السلام. م: ۷۹۱ - ۷۹۲
- نماز طواف را فراموش کرده و پس از اعمال یادش آمده. م: ۷۸۴ - ۷۹۱ - ۷۹۵
- نماز طواف را فراموش کرده و در حال سعی یادش آمده. م: ۷۸۳ - ۸۴۷
- نماز طواف را نخواند و بمیرد. م: ۷۸۱
- نماز طواف کسی که در یادگیری آن مقصر است... م: ۷۷۷
- نماز طواف متصل به مقام. م: ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۹۰ - ۷۹۳ - ۷۹۴ و ص ۳۹۸ م ۸
- نماز طواف مستحبی. م: ۸۱۳
- نماز طواف و اذان و اقامه برای آن. م: ۷۷۳
- نماز طواف و تقدّم زنان یا محاذی بودن زنان و مردان. م: ۸۰۰ - ۸۰۹
- نماز طواف و حکم جاهل به مسأله و ناسی در آن. م: ۷۸۷
- نماز طواف و حکم شکّ و ظنّ در رکعات آن. م: ۷۸۸
- نماز فرادی، بعد از نماز جماعت در مساجد مکه و مدینه. م: ۱۳۴۸
- نماز کسانی که در جماعت روی ویلچر یا صندلی نماز می‌خوانند. م: ۱۳۶۳
- نماز کسی که بر پشت دست خود سجده کرده. م: ۱۳۶۱
- نماز مسافر در مکه و مدینه. م: ۱۳۶۴ - ص ۴۰۳ م: ۳۵
- نماز مستحبی یا انجام عبادت دیگر بین طواف و نماز آن... م: ۸۰۸

نماز و قصد ده روز در مکه و مدینه.م: ۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷- ص ۴۰۱ م: ۲۶ و ص ۴۰۳ م: ۳۶

نیابت از افراد سالم، در رمی. م: ۱۰۳۰

نیابت از بیچه یا دیوانه. م: ۱۱۱ - ۱۴۱ - ۱۹۲ - ۱۹۵ - ۱۹۸

نیابت از جنین. م: ۱۹۱

نیابت از چند نفر در عمره مفرده و حج استحبابی. م: ۱۸۴ - ۱۹۰

نیابت از حضرت ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف. م: ۱۳۸ - ۲۰۵

نیابت از خانم‌ها برای اجتناب از تماس با نامحرم. م: ۱۰۳۱

نیابت از دیگری کرده و در مکه متوجه شده که خودش مستطیع بوده. م: ۱۸۱

نیابت از شخص زنده در صورت یأس از بهبودی. م: ۱۳۷ - ۱۴۱

نیابت از معذور در طواف، قبل از انجام طواف واجب. م: ۷۵۸

نیابت افراد معلول. م: ۱۵۴

نیابت بدون اطلاع و موافقت منوب عنه. م: ۱۳۶ - ۱۵۵ - ۱۹۲ - ۱۹۷

نیابت در اعمال مکه مقدم شده بر وقوفین م: ۱۲۰۱

نیابت در حج بلدی و تخلف از آن. م: ۱۷۳ - ۱۸۷

نیابت در حج بلدی و میقاتی. م: ۱۲۱ - ۱۲۲

نیابت در ذبح قربانی. م: ۱۰۶۵ - ۱۰۷۲

نیابت در طواف عمره تمتع یا حج تمتع و زمان آن. م: ۱۷۷

نیابت در قسمتی از سعی. م: ۸۹۶

نیابت در قسمتی از طواف. م: ۷۵۶

نیابت در مکه مقدم شده بر وقوفین. م: ۱۲۰۱

نیابت در نماز طواف. م: ۱۸۹

- نیابت در یک شوط طواف. م: ۸۲۴
- نیابت زنی که از رمی در روز ناتوان است. م: ۱۶۳ - ۱۲۷۳
- نیابت ضروره (کسی که تا کنون حج نرفته). م: ۱۷۲
- نیابت فرزند برای پدر یا مادر. م: ۱۳۵
- نیابت کسی که احتمال می‌دهد حج تمتع را تبدیل به حج افراد کند. م: ۱۵۹
- نیابت کسی که خود مستطیع است. م: ۱۱۸ - ۱۴۵
- نیابت کسی که در وسعت وقت برای حج تمتع اجیره شده، سپس وقت او تنگ گردیده. م: ۱۱۶
- نیابت کسی که نمازش صحیح نیست. م: ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۴ - ص ۴۰۳ م: ۳۳
- نیابت مجنون ادواری. م: ۱۴۳
- نیابت مرد از زن، و زن از مرد. م: ۱۲۰ - ۱۷۰ - ۱۷۱
- نیابت و ادای ذمه میت. م: ۱۳۱
- نیابت و عذرهایی که در خود حج تصادفاً پیش می‌آید. (عذر طاری). م: ۱۱۹ - ۱۶۰ - ۹۹۹ - ۱۰۰۰ - ۱۲۷۱ - ۱۲۷۶ - ص ۴۰۳ م: ۳۳
- نیابت یک نفر از چند نفر (در حج غیر واجب). م: ۱۲۷
- نیّت احرام. م: ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۶ - ۳۵۵
- نیّت حج افراد بجای حج تمتع (مستحبی) از مواقیت معروفه. م: ۹۵۰
- نیّت حج تمتع بجای عمره تمتع. م: ۳۲۱ - ۳۲۲
- نیّت حج تمتع در موقع احرام عمره تمتع. م: ۹۲۱
- نیّت حج (یا عمره) مستحبی برای دیگری. م: ۲۰۶
- نیّت را فراموش کرده و از میقات گذشته. م: ۳۵۷ - ۳۶۱ - ۳۶۲
- نیّت زن حائضی که در میقات یقین دارد نمی‌تواند عمره تمتع را انجام دهد. م: ۳۲۳
- نیّت عبادت در ماندن شب عید در مشعر الحرام. م: ۹۹۰

- نیت غیر ممیز و بیهوش در میقات. م: ۳۳۱
- نیت قربانی نیابتی. م: ۱۰۶۵
- نیت موقع پوشیدن لباس احرام. م: ۳۶۴
- نیت نایب در طواف نساء. م: ۱۲۵ - ۱۷۸ - ۱۱۸۶
- نیت و قصد قربت در بیتوته در منی. م: ۱۲۱۳
- نیت وقوف در مشعرالحرام - برای قبل از فجر و بعد آن. م: ۱۰۰۱
- نیت وکیل در قربانی نایب. م: ۱۷۵ - ۱۰۷۱ - ۱۱۱۸
- نیت و معنای آن در عبادات. م: ۵۷۶
- نیت هفت دور طواف واجب و یک دور مستحب. م: ۷۳۰
- نیمه شب شرعی. م: ۱۲۰۹

و

- واجبات احرام. م: ۲۹۲ - ۲۹۳
- واجبات اعمال پنجگانه مکه (بعد از منی). م: ۱۱۵۸
- واجبات رمی جمره. م: ۱۰۰۳
- وارسی قربانی. م: ۱۰۴۸
- واگذاری نوبت حج مستطیع. م: ۱۰۲
- وام گرفتن برای سفر حج. م: ۴
- وجوب اعاده تقصیر. م: ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۹۴
- وجوب ترک بیتوته در منی. م: ۱۲۱۰
- وجوب عمره مفرده. م: ۱۳۱۴ - ص ۴۰۲ م: ۳۲
- ورود به مکه بدون احرام. م: ۱۳۱۵

- و سایه دیوارهای اتومبیل سرباز. م: ۵۵۲
- وصیت پدر و انجام حجّ فرزند. م: ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۵۰ - ۱۳۹۰
- وضو داشتن و طهارت در رمی جمره. م: ۱۰۱۱ - ۱۰۱۳
- وضو گرفتن برای ادامه طواف کسی که در وسط آن غش کرده. م: ۷۱۱
- وضویش پس از طواف باطل شده، و به همان حال نماز خوانده و... م: ۸۰۶
- وعده دادن حج، به همسر موقع ازدواج. م: ۱۰۳
- وقت اعمال پنجگانه مکّه (بعد از منی). م: ۱۱۵۹
- وقت پوشیدن جامهٔ احرام. م: ۲۹۵
- وقت زدن سنگ‌ها در رمی جمره. م: ۱۰۰۳ (۶) - ۱۲۴۲
- وقت قضای رمی جمرات. م: ۱۲۴۹ - ۱۲۵۰ - ۱۲۵۱ - ۱۲۵۲
- وقت و زمان و طواف مستحب. م: ۸۱۸
- وقت وقوف اختیاری عرفه. م: ۹۴۲ - ۹۶۲ - ۹۷۴ - ۹۷۵ - ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۹۵
- وقوف اختیاری مشعر الحرام. م: ۹۹۰ - ۹۹۲ (وقوف رکنی) - ۹۹۳ - ۹۹۵
- وقوف اضطراری با تشخیص مدیر کاروان. م: ۹۹۷
- وقوف اضطراری عرفه. م: ۹۸۰ - ۹۸۱ - ۹۹۵
- وقوف اضطراری مشعر الحرام، برای چند طایفه. م: ۹۹۴ - ۹۹۵
- وقوف در عرفات در حال بیهوشی یا خواب (در تمام وقت). م: ۹۷۶
- وقوف در عرفات، سواره، در حال حرکت، خواب یا بیداری. م: ۹۷۷ - ۹۷۵
- وقوف در عرفات و کوچ عمدی یا سهوی قبل از غروب آفتاب. م: ۹۷۸ - ۹۷۹
- وقوف در عرفات و مشعر، اختیاری و اضطراری (صور مختلف). م: ۹۹۵
- وقوف راهنمایان افراد معذور از وقوف اختیاری مشعر. م: ۹۹۴
- وکیل در ذبح قربانی که شرط شده خودش انجام دهد. م: ۱۱۱۶
- ولی طفل و وظیفهٔ او در انجام حج یا عمرهٔ کودک. م: ۵۶ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۳۱۵ - ۳۶۷

۵

- هروله برای مردان و زنان. م: ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۷ - ص ۴۲۷
- هفت سنگ به هر یک از جمرات. م: ۱۲۴۱
- همیان دوخته بستن به کمر در حال احرام. م: ۳۷۱

۷

- یادگیری احکام عمره و حج. م: ۲۲۷
- یقین به رمی نکردن در یک روز بعد از گذشتن وقت هر سه روز. م: ۱۲۶۶
- یقین به کمتر بجا آوردن رمی بعد از اتمام آن. م: ۱۰۱۶ - ۱۰۱۷
- یقین به نقصان در رمی بعد از فراغت از آن. م: ۱۲۶۵
- یقین به هفت شوط سعی کرده و تقصیر نموده و بعد فهمیده اشتباه کرده. م: ۸۸۱ - ۸۸۲